

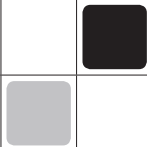
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصلنامه تخصصی مطالعات دفاع مقدس

نمینیران

سال دهم □ شماره سی و هفتم □ تابستان ۱۳۹۰

صاحب امتیاز	مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران
مدیر مسئول	سرلشکر پاسدار محمدعلی جعفری
سر دبیر	دکتر حسین اردستانی
هیأت تحریریه	دکتر غلامعلی رشید (دانشگاه امام حسین ^(ع))؛ دکتر حسین علایی (دانشگاه امام حسین ^(ع))؛ دکتر محمود یزدان فام (پژوهشکده مطالعات راهبردی)؛ سردار سرتیپ پاسدار حمید اصلانی
مدیر اجرایی	حسن دری
صفحه آرایی	سیدهادی خاوشی
ویراستاران	مریم حقانی، زهرا گل محمدی، هانیه مرشدی
ناظر چاپ	محمد بهروزی
نشانی	تهران، خیابان شریعتی، خیابان شهید وحید دستگردی (ظفر)، پلاک ۷۷
تلفن	۲۲۹۰۹۵۲۲
دورنگار	۲۲۹۰۹۵۳۸
پست الکترونیکی	neginiran@gmail.com
مرکز فروش	تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، مجتمع ناشران فخررازی، انتشارات مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، تلفن: ۶۶۴۹۷۲۲۷ -
قیمت	۶۶۴۹۵۵۷۲ ۱۵۰۰ تومان



مشاوران علمی

- دکتر محسن رضایی دانشگاه امام حسین^(ع)
- دکتر رحیم صفوی دانشگاه امام حسین^(ع)
- امیر دریابان علی شمعخانی مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی
- سردار سرتیپ پاسدار حسین سلامی
- دکتر امیرمحمد حاجی یوسفی دانشگاه شهید بهشتی
- دکتر علی اکبر کجباف (دانشگاه اصفهان)
- سردار سرتیپ پاسدار جمال آبرومند
- سردار سرتیپ پاسدار محمد پاکپور
- سردار سرتیپ پاسدار مرتضی صفاری
- محمد درودیان
- محسن رخصت طلب

مقاله‌ها و مطالب درج شده در فصلنامه نگین ایران بیانگر دیدگاه نویسندگان آنهاست.

استفاده از مطالب این فصلنامه با ذکر مأخذ آزاد است.



مقالات، گفتگو، گزارش

- نقش سازنده‌ی عملیات محدود در روند جنگ عراق و ایران ۵ دکتر حسین اردستانی
- راهبرد عملیات محدود ایران پس از عملیات رمضان ۱۹ حسن دری
- ژئوپلیتیک و استراتژی جنگ‌طلبانه‌ی عراق ۳۵ چمران بویه
- جاده پیروزی در عملیات طریق‌القدس ۵۷ امیر رزاق‌زاده
- گفتگو با برادر عزیز جعفری فرمانده جبهه سوسنگرد ۷۹ صادق شفیعی
اصغر منتظرالقائم
- مصاحبه با برادر احمد غلامپور (مقاومت در سوسنگرد) ۹۵ امیر رزاق‌زاده

مترجم: یعقوب نعمتی وروجنی
نویسندگان: جک.اس.لوی و مایک فروئلیچ

- علل وقوع جنگ ایران و عراق ۱۱۷ مرتضی قاضی
- آموزش و پرورش و دفاع مقدس ۱۳۳

معرفی و نقد کتاب

مرتضی شهریاری

۱. نسیم سبز خاطره‌ها ۱۴۷
۲. مژه‌های سوخته؛ روایتی از زندگی شهید یوسف کلاهدوز ۱۴۸
۳. فرماندهان دفاع مقدس؛ شهید حسن باقری ۱۴۸
۴. امیر حماسه‌ها ۱۴۹
۵. بحران بالا می‌گیرد ۱۴۹
- گزارش همایش کتاب مهران در تحولات جنگ ایران و عراق ۱۵۱

اسناد و گزارشها

- برگی از دفترچه‌ی راویان جنگ ۱۶۱ دکتر حسین اردستانی
- اسناد مربوط به زمینه سازی جنگ ۱۶۵ حسن دری



نقش سازنده‌ی عملیات محدود* در روند جنگ عراق و ایران

دکتر حسین اردستانی*

	عملیات محدود یکی از انواع عملیات‌های ایران در طول جنگ علیه مواضع عراق بوده است. در این مقاله روند تکاملی این عملیات به اختصار بررسی شده است. سؤال تحقیق آن است که عملیات محدود در روند جنگ تحمیلی، چه مقطعی داشته؛ تحت چه شرایطی شکل گرفته؛ چه دلایلی بر اجرای آن تأثیرگذار شده و چه اهدافی را دنبال کرده است. فرضیه پژوهش در پی آزمون این احتمال است که جنگ تحمیلی در ابعاد گوناگون از عملیات محدود تأثیر پذیرفته و ذیل عملیات‌های بزرگ ایفای نقش کرده است.			
	چکیده			

طرح مسأله

عملیات محدود، جزء توان‌بخش و زمینه‌ساز نبردهای بزرگ در جنگ تحمیلی بوده است. این نوع عملیات به شکل‌های گوناگون از آغاز تجاوز عراق تا پایان یافتن تقابل نظامی میان عراق و ایران، طرفین نزاع را به خود مشغول کرده و موجب پیشرفت چشمگیر در ضربات نظامی ایران بر عراق و جا به جایی میدان نبرد و انفعال و فرسایش ارتش عراق در مقابل رزمندگان و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی شده است.

* در این نوشته، بعضاً عملیات‌های نیمه محدود در دل عملیات محدود لحاظ شده و متمایز نشده‌اند.

** مسئول مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس و راوی مرکز در قرارگاه خاتم‌الانبیا در دوران دفاع مقدس.



— جمعی از فرماندهان دفاع مقدس

بنابراین، بخش عمده‌ی عملیات‌ها و بخش اعظم دوران جنگ هشت ساله، با عملیات محدود سپری شده است. با نگاه دیگر، عملیات محدود یک عامل تأثیرگذار بر امکان طولانی شدن جنگ به شمار می‌رود، زیرا به جز عملیات‌های بزرگ دفاع مقدس شامل فتح‌المبین، بیت‌المقدس، والفجر مقدماتی، خیبر، بدر، والفجر ۸، کربلای ۴، کربلای ۵ و والفجر ۱۰، سایر

در تقسیم‌بندی عملیات‌ها، به اشتباه جزء عملیات‌های بزرگ قرار بگیرد.

عملیات محدود در جریان جنگ تحمیلی، در مناطق جغرافیایی متفاوت (در جنوب، غرب و شمال‌غرب) اجرا شد و در اندازه‌های مختلف، اهداف گوناگون و توان کم یا زیاد به جریان جنگ شکل و جهت بخشید.

پرسش مطرح شده در این نوشتار این است که عملیات محدود در جنگ هشت ساله، چه مقطعی داشته؛ تحت چه شرایطی شکل گرفته؛ چه دلایل بر اجرای آن تأثیرگذار شده و چه اهدافی را دنبال کرده است. تلویحاً این نوشته در پی آزمون این فرضیه است که جنگ تحمیلی در ابعاد گوناگون از عملیات محدود و تأثیر پذیرفته و ذیل عملیات‌های بزرگ ایفای نقش کرده است. اتکای متن به سه منبع است: ۱. منابع دست اول که راویان مرکز با عنوان گزارش عملیات و گزارش موضوعی تهیه کرده‌اند. ۲. کتاب‌های منتشره‌شده‌ی مرکز. ۳. مشاهدات، ذهنیت و درک نگارنده که راوی مرکز در قرارگاه

عملیات‌های جنگ تحمیلی در ردیف عملیات‌های محدود و متوسط قرار می‌گیرد و ده‌ها عملیات دیگر را ذیل عناوین ایذایی و نامنظم می‌توان مطالعه کرد. این نوع عملیات‌ها، هدف‌های تاکتیکی داشته و زمینه‌ساز تحقق اهداف مهم در عملیات‌های بزرگ بوده و اغلب در جبهه‌های جنوب اجرا شده‌اند. عملیات ثامن‌الائمه تنها عملیات محدودی است که هدف راهبردی و کلیدی داشته و با شکستن محاصره‌ی آبادان و بیرون کردن ارتش اشغال‌گر عراق از شرق و شمال آبادان و شرق رودخانه‌ی بهمن‌شیر، علاوه بر دستاوردهای بزرگ نظامی و سیاسی برای کشور، آرزوی صدام حسین و رهبران حزب بعث را برای تغییر در عهدنامه‌ی ۱۹۷۵، نقش بر آب کرده است. پیروزی ایران در عملیات محدود ثامن‌الائمه، مبدأ تحولات بعدی جنگ^(۱) و سبک عملیاتی ایران تا سال ۱۳۶۲ شد. به رغم محدود بودن این عملیات از نظر محدوده‌ی جغرافیایی، سازمان رزم، سطح فرماندهی و امکانات و تجهیزات، راهبردی بودن هدف عملیات ثامن‌الائمه سبب شده است که

و نتایج عملیات محدود در این دوره، شکل‌گیری جبهه‌ها؛ سازمان ابتدایی رزم؛ برتری برخی رزمندگان سپاهی و بسیجی بر دیگران از نظر قدرت ذهنی و تصمیم‌گیری و سپرده شدن فرماندهی جبهه‌ها به آنان در محورهای غرب دزفول، سوسنگرد، طراح و نورد، خرمشهر و آبادان و نیز محورهای مهران، قصرشیرین و سرپل ذهاب، پاوه و مریوان بود. به رغم ضعف توان نظامی در سازمان رزم و اندیشه‌ی نظامی و توان ذهنی رزمندگان فرمانده در این مقطع و تأثیر آن بر عملیات‌های محدود که اثر تعیین‌کننده نظامی

خاتم‌الانبياء بوده است. منبع سوم در این تحقیق نقش محوری دارد، به خصوص تتبع نویسنده در موضوعات مربوط به دفاع مقدس در طول دو دهه پس از جنگ، جنبه‌ی استنادی این منبع را تقویت کرده است.

عملیات محدود در مقطع پس از تثبیت

مبدأ آغاز و شکل‌گیری عملیات محدود در جریان جنگ به دوره‌ی تثبیت ارتش عراق پس از تجاوز و نیز به زمان پس از عملیات‌های چریکی و ایذایی رزمندگان سپاه و بسیج، نیروهای محلی و مقابله‌ی ارتش جمهوری اسلامی با دشمن، بازمی‌گردد. بعد از آن‌که پیشروی نظامیان عراقی در محورهای پل نادری روی کرخه و غرب شهر شوش در شمال خوزستان؛ پل سابل و چزابه و اطراف آن در غرب اهواز؛ محورهای طلائیه و حسینییه؛ داخل خرمشهر و شرق بهمین‌شیر در جنوب خوزستان، و در غرب کشور در محورهای چنگوله؛ مهران؛ سرپل ذهاب و شیخ سله تا نوسود و پاوه و مریوان، به یمن مقاومت و فداکاری‌های نیروهای مسلح و مردم متوقف شد، به تدریج اجرای عملیات علیه مناطق استقرار ارتش عراق آغاز شد. این دوره از ۲۰ دی ۱۳۵۹ و پس از ناکامی نیروی زمینی ارتش در عملیات هویزه آغاز شد و تا پایان عملیات ثامن‌الائمه، در مهر ۱۳۶۰ ادامه یافت. در این مقطع، تعدادی عملیات محدود و نیمه محدود در جبهه‌های جنوب و غرب کشور انجام شد، مانند: عملیات‌های امام مهدی (عج)؛ امام علی (ع)؛ شهید چمران؛ پل نادری؛ بازی دراز؛ رجایی و باهنر؛ مطلع‌الفجر؛ فرمانده کل قوا خمینی روح خدا^(۳) و... مهم‌ترین ویژگی عملیات محدود و حتی وضعیت میدان‌های نبرد در این مقطع، نبود فرماندهی متمرکز در سطح عالی و وجود نداشتن پشتیبانی لجستیکی از عملیات‌ها و جبهه‌ها است. در واقع، فرماندهان محورها و رزمندگان، بدون فرماندهی عالی و لجستیک به عملیات مبادرت می‌ورزیدند. آثار

مبدأ آغاز و شکل‌گیری عملیات محدود در جریان جنگ به دوره تثبیت ارتش عراق پس از تجاوز و نیز به زمان پس از عملیات‌های چریکی و ایذایی رزمندگان سپاه و بسیج، نیروهای محلی و مقابله‌ی ارتش جمهوری اسلامی با دشمن، بازمی‌گردد

نداشتند، در مقطع پس از تثبیت، عملیات‌های محدود، اساس و شکل‌گیری فرماندهی و سازمان رزم جدید سپاه پاسداران در جریان جنگ تحمیلی می‌باشد. سازمان گروه و دسته و سپس سازمان گردان در عملیات ثامن‌الائمه و بیرون آمدن "رزمندگان

برتر" از میان رزمندگان بسیجی و سپاهی، همچون غلامعلی رشید، رحیم صفوی، حسن باقری، مجید بقایی، عزیز جعفری، احمد غلامپور، حسین خرازی، احمد کاظمی، احمد متوسلیان، مرتضی قربانی، مهدی باکری، جعفر اسدی، قاسم سلیمانی، محمدابراهیم همت، حسین همدانی، عبدالمجید رئوفی، محمد ابوشهاب، مهدی زین‌الدین و تعداد دیگری از آنان، که در مقطع بعد فرماندهی تیپ و لشکرهای سپاه را به عهده گرفتند، همه از دل عملیات‌های محدود این مقطع و نیز عملیات‌های ایذایی و چریکی در مرحله‌ی قبل و مقابله با تجاوز عراق، بیرون آمدند. علاوه بر آنان، ده‌ها نفر دیگر رزمده‌ی برتر شناخته شدند و در

ایران در پنج استان کشور، با کبر و غروری فراوان، در مقابل رهبران جمهوری اسلامی، رجزخوانی می‌کردند و سرنوشت محتوم دولت جدید ایران را آمدن پای میز مذاکره و گوش کردن به خواسته‌های عراق می‌دانستند، پس از فتح خرمشهر در سوم خرداد سال ۱۳۶۱ در پی آن بودند که مجامع جهانی با ورود به موضوع، آنان را از سقوط نجات دهند. عملیات رمضان در چنین وضعیتی انجام شد و آخرین ضربه نیز بر حکومت متجاوز عراق در حال وارد شدن بود، اما تقدیر امر دیگری بود و سیر پیروزی‌های ایران متوقف و حرکت رو به جلو نیروهای جمهوری اسلامی متوقف شد.

ناکامی عملیات رمضان به جبهه‌های ایران شوک وارد کرد و فرماندهان نظامی برای برونرفت از وضعیت پیش آمده به زمان نیاز داشتند؛ به همین دلیل، مقطع دوم عملیات محدود شکل گرفت. در این مقطع که مهر تا آذر سال ۱۳۶۱ را شامل می‌شود، عملیات‌های مسلم بن عقیل در ۹ مهر ۱۳۶۱ در جبهه‌ی سومار و عملیات محرم در ۱۰ آذر ۱۳۶۱ در جبهه‌ی غرب فکه و روی ارتفاعات حمربین، انجام شد و در هر دو عملیات هدف‌های نظامی با موفقیت تصرف شدند و به عراق شکست تازه‌یی وارد شد. عملیات محدود در این مقطع با مقطع اول از چند جهت تفاوت داشت:

اول، سازمان رزم: در این مقطع، تیپ‌های سپاه پاسداران شکل گرفت و برخلاف مقطع پس از تثبیت که با گروه و دسته عملیات انجام می‌شد، سازمان رزم منسجم ایجاد شد و قرارگاه میانی و قرارگاه‌های یگانی تشکیل شدند.

دوم، فرماندهی: در عملیات‌های مسلم بن عقیل و محرم، سطوح متفاوت فرماندهی از قرارگاه مرکزی تا قرارگاه میانی و یگان‌ها شکل گرفت؛ حتی مابین قرارگاه و یگان، سپاه‌ها شکل گرفتند و سپاه‌های سوم صاحب‌الزمان؛ یازده قدر و هفتم

مقطع بعد مسئولیت واحدهای ستادی و رزمی مانند اطلاعات، عملیات، مهندسی، بهداری، پشتیبانی، زرهی، توپ‌خانه و... را عهده‌دار شدند. با این افراد سازمان سپاه شکل گرفت. گزاف نیست اگر نتیجه‌گیری شود، عملیات‌های محدود و دوره‌ی ده ماهه‌ی بهمن ۱۳۵۹ تا مهر ۱۳۶۰ و نیز دوره‌ی چهار ماهه مقاومت در مقابل تجاوز عراق از سی و یکم شهریور تا بیست دی ماه ۱۳۵۹، شالوده و اساس جنگ تحمیلی تا پایان بوده است، چراکه در مراحل و مقاطع بعد رزمندگان برتر دیگری رشد کردند و در رده‌های ۲ و ۳، فرماندهی

تیپ‌ها، محورها، گردان‌ها و گروهان و دسته‌ها را عهده‌دار شدند بدین ترتیب سازمان عملیاتی سپاه پاسداران پدید آمد. این سازمان نوین نظامی که در تاریخ معاصر ایران بی‌نظیر است، در جنگ تحمیلی نقش بی‌بدیل و تعیین‌کننده‌ی ایفا کرد و دستاوردهای بزرگی برای انقلاب و کشور به ارمغان آورد.

در مقطع پس از تثبیت،
عملیات‌های محدود، اساس
و شکل‌گیری فرماندهی و
سازمان رزم جدید سپاه
پاسداران در جریان جنگ
تحمیلی می‌باشد

عملیات محدود در مقطع پس از عملیات رمضان

مقطع دوم عملیات محدود، پس از عملیات رمضان است. سیر پیروزی‌های چشمگیر و تعیین‌کننده که با عملیات ثامن‌الائمه کلید خورد و با عملیات طریق‌القدس ادامه یافت، در عملیات‌های فتح‌المبین و بیت‌المقدس به اوج خود رسید. در این عملیات‌ها، علاوه بر آزادسازی بخش اعظم سرزمین و مناطق اشغالی ایران، موازنه‌ی قوا به نفع جمهوری اسلامی تغییر کرد و رهبران حکومت عراق که پس از تجاوز به ایران و اشغال حدود بیست هزار کیلومتر از خاک

مهران - که در پی اصلاح خط دفاعی و دور کردن دشمن از جاده‌ی ارتباطی مهران - دهلران بود. - با عملیات قبل تفاوت داشت و از آن برتر بود. فرماندهی عملیات‌های محدود این دوره را نیز گاه یک قرارگاه با نظارت فرماندهی قرارگاه مرکزی بر عهده داشت. مانند والفجر ۳ که فرماندهی عملیات به عهده‌ی قرارگاه نجف به فرماندهی مشترک ارتش و سپاه و برادر عزیز جعفری، سرهنگ جاودانی^(۳) و برادر رحیم صفوی در نقش ناظر و کمک کار از قرارگاه مرکزی، بود.

۲. فروردین ۱۳۶۴ تا اسفند ۱۳۶۵: در این دوره عملیات‌های محدود بیش‌تری نسبت به مقاطع و دوره‌های

گزاف نیست اگر نتیجه‌گیری شود، عملیات‌های محدود و دوره‌ی ده ماهه‌ی بهمن ۱۳۵۹ تا مهر ۱۳۶۰ و نیز دوره‌ی چهار ماهه مقاومت در مقابل تجاوز عراق از سی و یکم شهریور تا بیست دی ماه ۱۳۵۹، شالوده و اساس جنگ تحمیلی تا پایان بوده است

قبل انجام شد و برای اولین بار فرماندهان سپاه عملیات محدود را یک راهبرد نظامی در نظر گرفتند و آن را در دستور کار قرار دادند. به همین منظور، محسن رضایی، فرماندهان را در قرارگاه دور هم جمع کرد و موضوع عملیات محدود را به بحث

گذاشت. پیش‌زمینه‌ی این اقدام، موفقیت و مؤثر بودن عملیات محدود قدس ۱ (۲۴ خرداد ۱۳۶۴) در منطقه‌ی هورالهویزه بود که بازتاب بیرونی گسترده‌ی داشت و پس از عملیات رمضان (تیرماه ۱۳۶۱)، اولین بار بود که سپاه در فصل تابستان در جنوب عملیات انجام می‌داد که در نهایت توانست ۲۰۰ کیلومتر مربع از منطقه‌ی هور را آزاد کند و تلفات فراوانی به ارتش عراق وارد آورد.^(۴) در تکمیل هدف‌های این عملیات، قدس ۲ (۶ تیر ۱۳۶۴) نیز در همین محدوده‌ی جغرافیایی انجام شد. در جلسه‌ی فرماندهان جنگ، محسن رضایی اعلام کرد: «یکی از

نجف اشرف، به فرماندهی حسین خرازی، ابراهیم همت و احمد کاظمی ایفای نقش کردند. بنابراین، در عملیات محدود مقطع دوم، پراکندگی فرماندهی مقطع اول جای خود را به تمرکز و شکل‌گیری سطوح فرماندهی داد.

سوم، هدف: اهداف عملیات محدود در مقایسه با مقطع اول، مهم‌تر است و می‌توان آن را در چارچوب استراتژی عملیاتی تعریف کرد.

عملیات محدود به عنوان راهبرد، پس از والفجر مقدماتی

مقطع سوم عملیات محدود، پس از عملیات‌های والفجر مقدماتی و والفجر ۱ آغاز شد. به رغم یکسانی و شباهت‌های عمده میان مقاطع اول و دوم، پس از والفجر مقدماتی، عملیات محدود به عنوان یک راهبرد آغاز و بر اساس آن، تا پایان جنگ، در مناطق جنوب، غرب و شمال‌غرب، عملیات‌های متعددی با اهداف و دامنه‌ی محدود یا وسیع علیه خطوط دفاعی و مواضع ارتش عراق انجام شد که دستاوردهای مهمی نیز در پی داشت.

مقطع سوم را به دو دوره می‌توان تقسیم کرد:

۱. خرداد ۱۳۶۲ تا پایان سال ۱۳۶۳. در این دوره عملیات‌های والفجر ۲ (۱۹ تیر ۱۳۶۲) در محور حاج عمران؛ والفجر ۳ (۷ مرداد ۱۳۶۲) در محور مهران؛ تحریرالقدس (۲۱ بهمن ۱۳۶۲) در محور دربندی‌خان - ارتفاع شاخ‌شمیران؛ والفجر ۵ (۲۹ بهمن ۱۳۶۲) در محور مهران - چنگوله؛ والفجر ۶ (۲ اسفند ۱۳۶۲) در محور دهلران - ارتفاعات چیلان و عملیات عاشورا (۲۵ مهر ۱۳۶۳) در ارتفاع میمک انجام شد.

عملیات‌های محدود این دوره به خصوص عملیات‌های والفجر ۲ و ۳ با عملیات‌های محدود مقطع اول و حتی عملیات محدود محرم در مقطع دوم قابل مقایسه نیست. در این دو عملیات با تأکید بر عملیات والفجر ۳، از یگان‌ها و گردان‌های بسیاری استفاده شد و هدف عملیات نیز به خصوص در

۳. عملیات کربلای ۳ (۱۰ شهریور ۱۳۶۵) توسط لشکر ۱۴ امام حسین و نیروی دریایی سپاه در شمال خلیج فارس (اسکله‌های البکر و العمیه‌ی عراق) که برخلاف انتظار نیروهای خودی و دشمن، غواصان توانستند مسیر طولانی اروند تا اسکله‌های عراق را درون آب‌های مَواج خلیج فارس در نیمه‌های شب طی کنند و پس از رفتن روی اسکله‌ها و انهدام تأسیسات و مواضع عراقی‌ها به محل قبلی بازگردند.^(۷)

عملیات محدود در جبهه‌ی شمال غرب

مقطع چهارم عملیات محدود با شروع سال ۱۳۶۶، در فروردین‌ماه آغاز شد و تا ۲۶ فروردین ۱۳۶۷ ادامه یافت. ویژگی این مقطع در مقایسه با سایر مقاطع، تمرکز عملیات‌های محدود در منطقه‌ی شمال غرب است. به جز عملیات کربلای ۸ (۱۷ فروردین ۱۳۶۶) که با هدف اصلاح خط دفاعی در ادامه‌ی عملیات کربلای ۵ در جنوب شملجه، انجام شد، سایر عملیات‌های محدود، در شمال غرب و تعداد کمی نیز در جبهه‌ی غرب انجام شد. دلیل عمده‌ی این تغییر رویه و انتخاب منطقه‌ی جغرافیایی شمال غرب، سخت شدن نبرد در جنوب به دلیل حساسیت زیاد عراق؛ هشیاری ارتش عراق برای جلوگیری از وقوع شکستی دیگر در این جبهه، و از سوی دیگر، هم‌سویی عملیات‌ها با فعالیت‌های قرارگاه رمضان و راهبرد عملیات نامنظم بود. بیش‌تر عملیات‌های این قرارگاه در سال ۱۳۶۶ انجام شد و جمهوری اسلامی نیز کوشید از موقعیت خلق‌شده به وسیله‌ی قرارگاه رمضان و کُردهای معارض حکومت عراق بهره‌برداری کند. بنابراین، عملیات‌های ایران در سال ۱۳۶۶، در آن منطقه متمرکز و چند عملیات محدود نیز به منظور هم‌پوشانی عملیات بزرگ و متوسط در شمال غرب انجام شد که عبارت‌اند از: عملیات‌های نصر ۱ (۲۵ فروردین ۱۳۶۶)، جبهه‌ی ماووت - ارتفاعات چنگاوی؛ عملیات نصر ۴

خطوط کاری ما؛ انجام عملیات محدود است.^(۵) وی وارد آوردن فشار استراتژیک نظامی به دشمن را نیز مدّ نظر قرار داد. بر این اساس، از یگان‌ها خواسته شد که در تابستان و پاییز سال ۱۳۶۴، با انتخاب منطقه و تصویب قرارگاه، به عملیات محدود مبادرت ورزند و در پی آن، عملیات‌های قدس ۱ تا ۵؛ عملیات‌های عاشورای ۱ تا ۴؛ عملیات ظفر ۱ تا ۳، عملیات عاشورا (۳۰ مهر ۱۳۶۴) در هورالهویزه^(۶) و عملیات پشتیبانی ام‌الرصاص (۲۰ بهمن ۱۳۶۴) در جنوب آبادان با هدف انحراف ذهنی فرماندهان عراق و فرعی نشان دادن عملیات در فاو آغاز شد.

در این دوره که با فتح فاو در عملیات بزرگ

والفجر ۸ همراه است و تا اردیبهشت ۱۳۶۵ طول کشیده است. عراق نیز (اسفند ۱۳۶۴ تا فروردین ۱۳۶۵) راهبرد دفاع متحرک را برگزید که به سقوط مجدد شهر مهران انجامید، اما با عملیات متوسط کربلای ۱ (۹ تیر ۱۳۶۵) یک بار دیگر شهر مهران آزاد

ناکامی عملیات رمضان به جبهه‌های ایران شوک وارد کرد و فرماندهان نظامی برای برون‌رفت از وضعیت پیش‌آمده به زمان نیاز داشتند؛ به همین دلیل، مقطع دوم عملیات محدود شکل گرفت

شد. حساسیت حفظ فاو؛ تمرکز نیروهای ایران در خطوط دفاعی فاو و جزایر مجنون و فشار سنگینی که روی یگان‌ها آمد، دلایلی بود که سبب شدند عملیات‌های محدود بسیاری علیه مواضع عراق انجام نشود. بنابراین، در سال ۱۳۶۵، فقط ۳ عملیات محدود انجام شد:

۱. عملیات تکمیلی والفجر ۸ (۸ اردیبهشت ۱۳۶۵) در محور فاو - کارخانه‌ی نمک، با هدف اصلاح و ترمیم خطوط دفاعی.
۲. عملیات کربلای ۲ (۹ شهریور ۱۳۶۵) در اربیل عراق - حاج عمران.



از راست: امین شریعتی، حسین اردستانی (نگارنده مقاله)، عزیز جعفری

(۳۱ خرداد ۱۳۶۶)،
جبهه‌ی ماووت؛ عملیات
نصره ۵ (۳ تیر ۱۳۶۶)، قلعه
دیزه - ارتفاع دوپازا در
محور سردشت؛ نصر ۷
(۱۴ مرداد ۱۳۶۶)، ارتفاع
دوپازا؛ نصر ۸ (۲۸ آبان
۱۳۶۶)، ماووت - ارتفاع
گرده‌رش؛ بیت المقدس ۳
(۲۳ اسفند ۱۳۶۶)، ماووت
- ارتفاع گوجار و هم‌زمان
با عملیات والفجر ۱۰،
بیت المقدس ۴ (۱۳۶۷/۱/۴)،
دربندیخان - ارتفاع
شاخ شمیران؛ بیت المقدس ۶

جنگ را رقم بزند و شکست را به دشمن تحمیل کند و در نتیجه‌ی آن دشمن و حامیانش مجبور به پذیرش شرایط سیاسی ایران و توقف جنگ شوند، فرماندهان جنگ را مجبور می‌کرد تا با اجرای عملیات‌های محدود برای عملیات بزرگ سالانه‌ی بعدی آماده شوند. از این منظر و با توجه به استراتژی نظامی ایران که بر تنبیه متجاوز و گرفتن غرامت از او و حامیانستوار بود و به دلیل این که جمهوری اسلامی حاضر نبود بدون تحقق و تضمین اجرای این هدف‌ها پشت میز مذاکره بنشیند، عملیات محدود یک فرصت محسوب می‌شد. نابرابری توان نظامی ایران و عراق و برتری شکننده‌ی عراق بر ایران در همه‌ی زمینه‌ها اعم از تسلیحات، تجهیزات و امکانات و حتی برتری از نظر تعداد تیپ و لشکر و تعداد نیروی انسانی و برخی عوامل دیگر که در جبهه‌های نبرد و خط‌های دفاعی عراق مشهود بود، اجرای یک عملیات بزرگ را در سال به ایران دیکته می‌کرد و در مابقی سال، عملیات محدود، ادامه‌ی جنگ را ممکن می‌کرد و به فرماندهان فرصت می‌داد برای وارد آوردن ضربه‌ی نظامی اساسی به عراق تدابیر جدیدی بیندیشند. این حالت فقط در نیمه‌ی دوم سال ۱۳۶۰ تا بهار ۱۳۶۱

(۱۳۶۷/۱/۲۶)، ماووت - ارتفاع شیخ محمد.^(۸) تمرکز عملیات محدود ایران در محور ماووت با هدف باز کردن راه زمینی برای قرارگاه رمضان و اتصال به داخل عراق و کمک به عملیات بزرگ والفجر ۱۰ بوده است.

تأثیر اوضاع و تحولات جبهه‌های نبرد بر عملیات محدود

در شکل‌گیری، تداوم و نقش عملیات‌های محدود، اوضاع و تحولات میدان‌های نبرد یک عامل تأثیرگذار و مهم بوده است. از جمله عواملی که سبب شدند اجرای عملیات محدود ضروری به نظر برسد، عبارت‌اند از: فراز و نشیب عملیات‌های بزرگ؛ دگرگونی در زمین؛ آرایش و سازمان رزم دشمن؛ موفقیت یا شکست این عملیات‌ها؛ فصول سال؛ سرما و گرما و اوضاع جوی؛ امکان اعزام نیرو از شهرها به جبهه‌ها یا غیرممکن بودن آن؛ وابسته بودن سازمان رزم سپاه و تیپ‌ها و لشکرها به نیروهای مردمی و بسیج و محروم بودن آن از نیروهای پاسدار و کادر ثابت و برخی عوامل دیگر.

ناتوانی ایران در اجرای عملیات‌های بزرگ و پیاپی یا اجرای دو سه عملیات بزرگ کارساز که سرنوشت

استفاده کنند. همان گونه که اشاره شد، مهم‌ترین دلیل، داشتن فرصت برای عملیات بعدی بود. این عملیات‌ها به فرماندهان زمان و فرصت می‌دادند تا به طراحی عملیات‌های بزرگ بپردازند. محدودیت توان نظامی ایران به اجبار فاصله‌ی طولانی میان عملیات‌ها را موجب می‌شد و تا آن زمان، برای طراحی، شناسایی ضعف‌ها، امکان نفوذ به خطوط دفاعی دشمن ... باید از دشمن سلب آرامش می‌شد و نیروهایش درگیر نگه داشته می‌شدند و عملیات محدود این فرصت را فراهم می‌کرد. علاوه بر این و به دلیل ضعف توان نظامی ایران و قدرت بیش‌تر عراق، فرماندهان ایران باید می‌کوشیدند مناطق بکر و نقاطی را کشف و انتخاب کنند که فرماندهان عراق نمی‌پنداشتند ایران به عملیات بزرگ در این مناطق اقدام کند و عملیات محدود این امکان را به آن‌ها می‌بخشید. همچنین حفظ دور تک و ندادن ابتکار عمل به ارتش عراق، مستلزم استمرار جنگ و ممانعت از سکون در جبهه‌ها بود تا از این طریق ضمن جلوگیری از انفعال ایران در مقابل عراق، ارتش عراق درگیر نگه داشته شود. موضوع مهم دیگر در اجرای عملیات‌های محدود که ریشه در فرهنگ فرماندهان و رزمندگان و روحیه رهبری انقلاب داشت، اصل هجوم به دشمن بود. این امر در کل دوران جنگ و در همه‌ی موضوعات و تصمیم‌گیری‌های نظام و جنگ مشهود بود. بنابراین، صرف نظر از علل و عوامل دیگر، آن گاه که عملیات بزرگ میسر نبود، جنگ نباید متوقف می‌ماند و عملیات محدود پاسخ گوی این نیاز بود.

افزون بر این، در یک جنگ طولانی، برای حفظ روحیه رزمندگان و فرماندهان در سطوح خرد و میانی؛ جلوگیری از بروز آثار منفی روانی در میان آحاد مردم؛ حفظ روحیه مقاومت جامعه و گرم نگه داشتن جبهه‌ها، اجرای عملیات ضرورت داشت و عملیات محدود همراه با سایر عملیات‌ها به این مهم پاسخ می‌داد

– که عملیات‌های ثامن‌الائمه، طریق‌القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس انجام شد – در جبهه‌ها مشاهده نشد و ایران به طور متوالی توانست چهار عملیات محدود، متوسط و بزرگ را که اهدافی راهبردی و بزرگ داشتند، اجرا کند. از آن پس، عملیات‌های محدود زمینه‌ساز یا فرصت‌ساز عملیات‌های بزرگ شدند، این عملیات‌ها عبارت بودند از: عملیات‌های مسلم بن عقیل و محرم، پس از توقف در عملیات رمضان و قبل از عملیات بزرگ والفجر مقدماتی؛ عملیات‌های والفجر ۲ و ۳ قبل از عملیات بزرگ خیبر؛ عملیات عاشورا (میمک) قبل از عملیات بزرگ بدر؛ عملیات‌های قدس، عاشورا، ظفر و ام‌الرصاص، قبل از عملیات بزرگ والفجر ۸؛

پس از والفجر مقدماتی، عملیات محدود به عنوان یک راهبرد آغاز و بر اساس آن، تا پایان جنگ، در مناطق جنوب، غرب و شمال‌غرب، عملیات‌های متعددی با اهداف و دامنه‌ی محدود یا وسیع علیه خطوط دفاعی و مواضع ارتش عراق انجام شد

عملیات‌های کربلای ۲ و ۳، قبل از عملیات‌های بزرگ کربلای ۴ و ۵ و عملیات‌های نصر ۱، نصر ۴، نصر ۵، نصر ۷ و نصر ۸، قبل از عملیات والفجر ۱۰.

با این وصف، عملیات‌های محدود بخش اعظم دوران جنگ را شامل

می‌شوند. بنابراین، به یک راهبرد در جنگ تبدیل شدند که ذیل راهبرد کلان جنگ، کار ویژه‌های خاص خود را می‌طلبیدند. گفتنی است که بر خلاف عملیات‌های بزرگ، ایران در بیش‌تر عملیات‌های محدود، پیروز بود و توانست ارتش عراق را وادار به شکست کند.

دلایل اجرای عملیات محدود

تحولات عرصه‌های نبرد و موارد دیگری که پیش از این در خصوص عملیات محدود ذکر شد، عواملی بودند که سبب شدند. فرماندهان به عملیات محدود روی آوردند و از آن به عنوان یک راهبرد علیه عراق

مراتب بالاتر از رده‌ی قبلی‌شان برسند و جای‌گزین کادرهای قبلی شوند که در سایر عملیات‌ها شهید و جانباز شده بودند. اتکای سپاه در جنگ به نیروی انسانی و محروم بودن از تسلیحات و تجهیزات، سبب می‌شد که تلفات کادر سپاه به خصوص در رده‌ی دسته تا گردان همراه معاونان آن‌ها، بسیار فراتر از حد معمول باشد؛ بنابراین، جای‌گزینی آنان بدون تجربه‌ی عملیاتی میسر نبود. عملیات محدود این فرصت را برای تجربه‌آموزی آنان فراهم می‌کرد تا در عملیات‌های بزرگ و سنگین، بهتر ایفای نقش کنند و ساز و کار جای‌گزینی فرماندهان شهید و

جانباز در عمل اتفاق بیفتد. بنابراین، عملیات محدود، علاوه بر کادرسازی و جای‌گزینی، به سایر کادرهای تیپ‌ها و لشکرها فرصت کسب تجربه را می‌داد. همچنین، از این رهگذر، تیپ‌ها و لشکرها ارتقا می‌یافتند و نوعی سازندگی در آن‌ها

با توجه به استراتژی نظامی ایران که بر تنبیه متجاوز و گرفتن غرامت از او و حامیان‌ش استوار بود و به دلیل این که جمهوری اسلامی حاضر نبود بدون تحقق و تضمین اجرای این هدف‌ها پشت میز مذاکره بنشیند، عملیات محدود یک فرصت محسوب می‌شد

انجام می‌شد. یکی از دلایل توان‌مندی خارق‌العاده‌ی یگان‌های سپاه و کارآمدی آن‌ها در عرصه‌ی جنگ، حضور آن‌ها در عملیات‌های بسیار بوده است. این ساز و کار سبب می‌شد که برخی یگان‌ها در مقاطع خاص تبدیل به یگان‌های ویژه و خط‌شکن شوند، در حالی که قبل از آن این توانایی را نداشتند. عملیات محدود همراه با سایر عملیات‌های هم‌طراز آن (ایذایی، کوچک، متوسط و شناسایی) عملاً به زیرساخت توان‌مندی یگان‌های سپاه تبدیل شده بود. محسن رضایی فرمانده کل سپاه، معتقد است: «تیپ

و به طور مستمر، تب جنگ را در جبهه و جامعه حفظ می‌کرد تا از آثار رکود و رخوت در میان آن‌ها جلوگیری شود. و در نهایت این که پس از عملیات بزرگ، بازسازی یگان‌ها به زمان نیاز داشت و در فصل بهار و تابستان - که زمان تحصیل دانش‌آموزان و دانشجویان و فصل مناسب برای کشاورزان و روستاییانی که در مزرعه کار می‌کردند، محسوب می‌شد- اجرای عملیات محدود امکان‌پذیر بود و فرماندهان باید بدان می‌پرداختند، زیرا این اقشار ستون‌های اصلی سازمان سپاه پاسداران را تشکیل می‌دادند.

به این موارد، چند عامل دیگر را می‌توان افزود: اول، لزوم یافتن و طراحی و صورت‌بندی تاکتیک‌های جدید یا تغییر استراتژی عملیاتی که پس از عملیات‌های بزرگ ناموفق اتفاق می‌افتاد و برای غلبه بر دشمن، به روش‌ها و تاکتیک‌های جدید نیاز بود، مثل ورود به هورالهویزه پس از والفجر مقدماتی و ورود به شمال غرب پس از کربلای ۵.

دوم، ضربه زدن به روحیه‌ی نظامیان عراق و نگه داشتن آن‌ها در وضعیت اضطراب و راحت نشدن خیال آنان از رکود و سکون قطعی خطوط دفاعی‌شان.

سوم، اگر گرمای بسیار زیاد جبهه‌های جنوب را یک عامل بازدارنده‌ی عملیات در فصل تابستان بدانیم، انطباق ماهیت و حد و اندازه‌ی عملیات محدود، این امکان را فراهم می‌کرد که با اجرای عملیات محدود در این فصل در سایر جبهه‌های غرب و شمال غرب، علاوه بر دستیابی به هدف‌های نظامی، آتش جنگ نیز داغ نگه داشته شود، چراکه با حذف عملیات محدود، عملاً در بخش عمده‌ی سال، اجرای عملیات میسر نبود.

چهارم، کادرسازی: در عملیات مستمر و ایفای نقش گردان‌ها و مدیریت‌های رزمی یگان‌ها، نیروهای جدید تجربه کسب می‌کردند و ارتقا می‌یافتند و در مراحل بعد می‌توانستند از مسئولیت‌های دسته و گروهان، گردان، محور، تیپ، لشکر و قرارگاه، به



از راست: غلامعلی رشید، ...، سیدرحیم صفوی

و لشکری که عملیات نمی‌کند به مرور از بین می‌رود و توانش فرسوده شده و وضع روحی‌اش را از دست می‌دهد. در نبرد است که سازمان‌دهی رزم قوی می‌شود و توان رزمی افزایش می‌یابد.^(۹)

هدف‌های عملیات محدود

به رغم دلایل و عوامل مؤثر بر عملیات محدود، اوضاع و تحولات عرصه‌ی نبرد که اجرای این نوع عملیات را ضرورت

می‌بخشید، فرماندهان جنگ، هدف‌های مهمی را از اجرای عملیات محدود دنبال می‌کردند. این هدف‌ها ابعاد عملیاتی؛ اصلاح خطوط مواصلاتی؛ اصلاح خط‌های دفاعی؛ تصرف نقاط سرکوب؛ تصرف زمین و گرفتن سرپل، فریب؛ انهدام و محروم کردن دشمن از برخی مزیت‌ها را شامل می‌شد و در استراتژی عملیاتی و نظامی معنا و مفهوم می‌یافت. یکی از هدف‌های مهم عملیات محدود، اصلاح خط‌های دفاعی بود. این هدف در سایر عملیات‌ها نیز ذیل هدف‌های اصلی و به عنوان زیر هدف، مدّ نظر قرار می‌گرفت. عملیات‌های محدود محرم؛ والفجر ۳؛ عملیات عاشورا بر روی ارتفاع میمک و برخی عملیات‌های دیگر این اهداف را دنبال می‌کردند. تسهیل در ارتباط مواصلاتی جبهه‌ها نیز اهمیت بسیاری داشت. مثلاً عملیات والفجر ۳ در محور مهران حد فاصل کنجانچم تا بهرام‌آباد و رضاآباد، در پی پس زدن دشمن از این محور و فراهم آوردن امکان حمل و نقل زمینی میان ایلام - مهران - دهلران بود تا علاوه بر ارتباط آسان و بدون خطر یگان‌ها، امکان ارتباط محلی نیز میسر شود. در خصوص نقاط سرکوب، مهم‌ترین

اهداف عملیات‌ها عبارت بودند از: در عملیات والفجر ۲، تصرف ارتفاع ۲۵۱۹ در منطقه‌ی حاج‌عمران و تصرف ارتفاع کله‌قندی و قلاویزان در منطقه‌ی مهران؛ در جریان عملیات والفجر ۳^(۱۰)، تصرف ارتفاع گسیگه؛ روبه‌روی شهر مندلی عراق در منطقه‌ی سومار در جریان عملیات مسلم بن عقیل و تصرف یال‌های ارتفاع حمزین در عملیات محرم در منطقه‌ی شرهانی. گرفتن سرپل یک هدف کلیدی در عملیات محدود محسوب می‌شد. مهم‌ترین نمونه برای این نوع عملیات، عملیات نصر ۸ روی ارتفاع گرده‌رش در غرب رودخانه‌ی قلعه‌چولان در شمال سلیمانیه عراق است. تصرف این ارتفاع و عبور از رودخانه و تصرف این ارتفاع، امکان اجرای عملیات بزرگ روی ارتفاعات گوجار، والاغلو، آمدین، قمیش، دلبشک و ادامه‌ی عملیات به سمت ارتفاعات موکبه و قیوان و در نهایت ارتفاعات ازمر - که مشرف بر شهر سلیمانیه است - یا تغییر جهت عملیات به سمت سد دوکان را فراهم می‌کرد. پس از موفقیت عملیات نصر ۸، عملیات بیت‌المقدس ۲ در منطقه‌ی مذکور منهای ارتفاعات موکبه و قیوان و ازمر، انجام شد. سرما؛ وجود نداشتن

که دشمن تصور کند حمله‌ی اصلی سال ۱۳۶۴ ایران در این منطقه می‌باشد؛ بنابراین، دشمن به رغم شروع عملیات در فاو، غافل گیر شد و آن را فرعی پنداشت و توان خود را صرف عقب زدن رزمندگان اسلام از ام‌الرصاص کرد، اما مشاهده کرد که یگان‌های ایران در منطقه‌ی فاو در حال گسترش و تصرف شهر و... می‌باشند. به همین دلیل، روز سوم (و شب چهارم) اطمینان یافت که عملیات اصلی ایران فاو است و نه هور و ام‌الرصاص و به دلیل عقب‌ماندگی، در اقدامی کم‌سابقه، بی‌درنگ لشکر گارد جمهوری را

وارد منطقه‌ی فاو کرد و از روی جاده‌ی استراتژیک فاو - بصره به پاتک اقدام کرد و متحمل تلفات سنگین و عقب‌نشینی غیر اختیاری لشکر گارد جمهوری شد. علاوه بر این، نتیجه‌ی دیگری از مثلث هور - ام‌الرصاص - فاو

عملیات‌های محدود بخش اعظم دوران جنگ را شامل می‌شوند. بنابراین، به یک راهبرد در جنگ تبدیل شدند

به‌دست آمد و آن انهدام سنگین دشمن در فاو بود. این نتیجه را به طور غیر مستقیم می‌توان یکی از اهداف عملیات محدود برشمرد. انهدام دشمن که یکی از هدف‌های عملیات‌های محدود بود، در برخی از این عملیات‌ها تحقق یافت.

هدف مهم دیگر عملیات محدود، وارد آوردن فشار استراتژیک نظامی به ارتش عراق از راه فعال کردن خط‌های دفاعی و محدود نکردن جبهه‌ی نبرد به یک نقطه‌ی مشخص بود. نظر فرمانده سپاه این بود که عملیات پیاپی یک راهبرد است. رضایی در این باره می‌گوید: «اگر به صورت مداوم هر یگان دو عملیات محدود در یک ماه انجام دهد، دشمن مجبور است فشار جدید و جهت‌گیری جدیدی را

امکان پشتیبانی و برخی عوامل دیگر مانع از ادامه‌ی عملیات بیت‌المقدس ۲ شدند.

فریب دشمن هدف مهم دیگری بود که در جهت تحقق استراتژی نظامی و فراهم کردن زمینه‌ی اجرای عملیات بزرگ موفق و شکست دشمن، اهمیت بسزا داشت. اجرای عملیات‌های تحریرالقدس در محور دربندی‌خان و والفجر ۶ در محور دهلران - چیلان با هدف فریب دشمن؛ درگیر کردنش - هر چند در سطح محدود در آن محورها - و غفلتش از عملیات خیبر، در آستانه‌ی اجرای این عملیات انجام شد. مهم‌تر از همه، اجرای عملیات ام‌الرصاص در جزیره‌ی ام‌الرصاص بود که قرارگاه نجف با همکاری سپاه و ارتش دو روز مانده به آغاز عملیات والفجر ۸ به اجرای آن پرداخت و این عملیات با این هدف انجام شد که به دلیل نزدیکی منطقه‌ی عملیات به بصره ذهنیت دشمن را متوجه این منطقه کند تا امکان عبور از اروندرود و گرفتن سرپل و نیز گسترش در محدوده‌ی فاو و شمال آن تا کارخانه‌ی نمک امکان‌پذیر شود. فرمانده سپاه نگران آن بود که در صورت اطلاع و آمادگی دشمن در فاو، عملیات به شکست بینجامد و تلفات سنگین به جبهه‌ی خودی وارد شود. برای در امان ماندن از این آثار احتمالی، محسن رضایی و فرماندهان دیگر سپاه دو اقدام بسیار مهم و دقیق انجام دادند: اول، "عملیات ستون‌کشی" و "تظاهر به تک" در هورالهویزه و دوم، اجرای عملیات ام‌الرصاص در نزدیکی بصره و نیز در شمال فاو.

کنش یگان‌های سپاه در جبهه‌ی شمال بصره و محور هورالهویزه که تا آستانه‌ی عملیات طراحی شده بود، سبب شد که نیروهای عراقی در این منطقه متمرکز شوند. علاوه بر فریب دشمن، اجرای عملیات‌های خیبر و بدر در سال‌های ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ در هورالهویزه و ضعف ارتش عراق در هور، زمینه‌ساز تأثیرگذاری بیش‌تر این تاکتیک شد. علاوه بر این، تک فریب قرارگاه نجف به فرماندهی برادر عزیز جعفری در ام‌الرصاص به دلیل استراتژیک بودن زمین، سبب شد

غلامعلی رشید نیز بر این باور بود که عملیات محدود می‌تواند این آثار را به همراه داشته باشد: «۱. فشار روحی - روانی به سربازان و فرماندهان عراقی ۲. فریب دشمن نسبت به عملیات اصلی ۳. وارد کردن تلفات به دشمن.»^(۱۳)

نتیجه‌گیری

عملیات محدود در جریان جنگ تحمیلی نقشی کلی و تسهیل‌کننده داشت و این امکان را برای فرماندهان دفاع مقدس فراهم آورد که ابتکار عمل را در میدان‌های نبرد در دست داشته باشند و با استفاده از این متغیر مهم با تحمیل رفتار انفعالی به دشمن، مانع از تغییر استراتژی عملیاتی او از دفاع به تهاجم شوند. عملیات‌های محدود تا فروردین سال ۱۳۶۷ این نقش را ایفا کردند. همچنین، عملیات محدود، از شکل ساده به پیچیده میل کرده و به تدریج نقش مهم‌تری در جنگ ایفا کرده است. نمونه‌ی بارز آن را می‌توان در عملیات ام‌الرصاص که تک پشتیبانی والفجر ۸ محسوب می‌شد، مشاهده کرد. این عملیات در پیروزی عملیات بزرگ والفجر ۸ و تصرف شهر فاو نقشی تعیین‌کننده داشته است. این نوع عملیات‌ها در مقطع اول و در دوره‌ی دی تا مهر ۱۳۶۰ که بستر و زمینه‌ی شکل‌گیری سازمان رزم سپاه و پرورش فرماندهان سپاه را در ادامه‌ی جنگ امکان‌پذیر کرد نیز نقش مهمی ایفا کردند. سرانجام، عملیات محدود در یک مورد در شمایل عملیات بزرگ و استراتژیک ظاهر شد و در عملیات ثامن‌الائمه نقش مهمی در مقابله با اشغال سرزمینی ایران ایفا کرد و نیروهای ایرانی با اجرای آن موفق به شکستن محاصره‌ی آبادان شدند.

این نوع عملیات، از نظر امام خمینی نیز اهمیتی راهبردی داشته و در روحیه‌بخشی به رزمندگان بسیار مؤثر بوده است: «عملیات کنید و دشمن را آرام نگذارید، ولو عملیات ایزدایی»^(۱۴)

به سازمان‌دهی رزم خود وارد کند. دشمن مجبور می‌شود نیروهای احتیاط خود را تقسیم و تکه‌تکه نماید یا مجبور است روی لشکرهاش سرمایه‌گذاری بیش‌تر کند.

هدف دیگر منتج از این هدف، یعنی فشار به دشمن، تجزیه‌ی توان متمرکز عراق از دو سه نقطه به ده‌ها نقطه است. از نظر فرمانده سپاه:

«وقتی امکانات قوی و متمرکز در دست سپاه‌ها و لشکرهای عراق است، این‌ها آمادگی دارند اگر ما از یک جا نیروهای مان را وارد عمل کنیم، به صورت متمرکز با ما برخورد می‌کنند، اما اگر در هفت جا با این‌ها برخورد کردیم، آن موقع دشمن یا باید صبر کند، منتظر حمله‌ی بزرگ ما بماند که غافل‌گیر نشود یا باید نیروهایش را تجزیه کند که در این صورت، یک تغییر اساسی در سازمان رزم دشمن به وجود خواهد آمد.»^(۱۱) از این رو،

حساسیت دشمن تجزیه می‌شود و حساسیتش را از دست می‌دهد.^(۱۲)

آثار عملیات محدود

از نظر فرماندهانی که بر اجرای عملیات محدود اصرار می‌ورزیدند، صرف نظر از هدف‌ها و...، این نوع عملیات برخی آثار مهم را در پی دارد. محسن رضایی این هدف‌ها را چنین برمی‌شمارد: «۱. حفظ حالت تهاجمی ۲. افزایش تجارب یگان‌ها. ۳. کسب اطلاعات از اسرا درباره‌ی دشمن.»

بر خلاف عملیات‌های بزرگ، ایران در بیش‌تر عملیات‌های محدود، پیروز بود و توانست ارتش عراق را وادار به شکست کند

پی‌نوشت

۱. رجوع کنید به: یحیی صفوی و حسین اردستانی، عملیات ثامن‌الائمه مبدأ تحول در استراتژی نظامی ایران، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، تهران، ۱۳۸۸.
۲. محسن رشید، آشنایی با جنگ، (گزارش کوتاه)، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، تهران، چاپ هشتم، ۱۳۸۷، صص ۳۵-۳۴.
۳. سند شماره ۱۲۵ / گ، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، گزارش راوی قرارگاه نجف در عملیات والفجر ۳ (حسین اردستانی)، ۱۳۶۲.
۴. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، سلسله عملیات قدس، تهران، ۱۳۸۴، ص ۱۸.
۵. حسین اردستانی، تنبیه متجاوز، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، تهران، ۱۳۸۷ (چاپ سوم)، ص ۱۶۴.
۶. آشنایی با جنگ، پیشین، ص ۶۶.
۷. رجوع کنید به: مهدی حاجی خداوردی‌خان، نبرد العمیه، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، تهران ۱۳۸۴، (چاپ سوم).
۸. آشنایی با جنگ، پیشین، صص ۷۸-۷۲.
۹. حسین اردستانی، تنبیه متجاوز، پیشین، ص ۱۶۴.
۱۰. همان، صص ۵۷-۵۶.
۱۱. همان، ص ۱۶۴.
۱۲. همان، ص ۱۶۵.
۱۳. همان، ص ۱۳۶۷.
۱۴. همان، ص ۱۶۸.



راهبرد عملیات محدود ایران پس از عملیات رمضان (۱۳۶۱/۹/۱ تا ۱۳۶۱/۵/۷)

حسن دری*

چکیده	عملیات رمضان در چارچوب راهبرد "تنبیه متجاوز" به اجرا در آمد که با ناکامی مواجه شد و به اهداف نظامی تعیین شده نرسید. بنابراین، فرماندهان عالی رتبه‌ی نظامی با تجزیه و تحلیل نقاط قوت و ضعف قوای خودی و دشمن در جهت اجرای راهبرد کلان جنگ موسوم به "تنبیه متجاوز"، راهبرد عملیاتی "عملیات محدود" را طراحی و اجرا کردند.		
	در چارچوب راهبرد عملیاتی عملیات محدود در دوره‌ی زمانی مرداد تا آذر ۱۳۶۱، عملیات‌های "مسلم بن عقیل" و "محرم" طراحی و اجرا شد که با موفقیت همراه بود.		
	مقاله‌ی حاضر با استفاده از منابع اختصاصی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس به بررسی و چگونگی شکل‌گیری و اجرای راهبرد عملیاتی عملیات محدود پرداخته است.		
	واژگان کلیدی: راهبرد، راهبرد نظامی، راهبرد عملیاتی، عملیات رمضان، عملیات محدود، عملیات مسلم، عملیات محرم.		

مقدمه

این راهبردها با پیروزی و برخی دیگر با شکست مواجه شد. مهم‌ترین راهبرد نظامی ایران پس از فتح خرمشهر بر مبنای تصرف شهر بصره با عنوان "تنبیه متجاوز" طراحی و اجرا شد. اغلب فرماندهان نظامی بر این باور بودند که در صورت تصرف مناطق حاشیه‌ی شرقی و شمالی اروند و شمال بصره، از یک سو تهدید نظامی شهرهای مرزی استان خوزستان برطرف و از سوی دیگر با در اختیار داشتن منطقه‌ی استراتژیک بصره مذاکره برای صلح در وضعیت بهتری انجام می‌شد. علاوه بر این، در صورت شکست مذاکرات و ادامه‌ی جنگ، نیروهای خودی به موضع برتر نظامی دست می‌یافتند. در چارچوب این راهبرد نظامی، عملیات رمضان

جنگ نتیجه‌ی درگیری بر سر منافع موجود و منطق حاکم بر آن، تلاش برای شکست طرف مقابل است. در این راه طرفین درگیری راهبردهای گوناگونی را برای غلبه بر یکدیگر به کار می‌گیرند. به عبارت دیگر، جنگ محل رویارویی راهبردها است و طرفی در جنگ پیروز خواهد شد که راهبرد برتر و کارآمدتری در میدان جنگ داشته باشد. بنابراین، "راهبرد نظامی" هنر توزیع و به‌کارگیری توانایی‌های نظامی به منظور برآوردن کامل اهداف مورد نظر و همچنین شکست دشمن است.

در طول هشت سال دفاع مقدس راهبردهای نظامی گوناگونی برای دستیابی به برتری سیاسی و نظامی بر عراق طراحی و اجرا شد که برخی از

* کارشناس و پژوهش‌گر مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

عملیات مسلم بن عقیل در ۹ مهر ۱۳۶۱ در حد فاصل جنوب نفت شهر و شمال میمک طراحی و اجرا شد. در منطقه‌ی عین‌خوش در جنوب دهلران (جبهه‌ی جنوبی) نیز عملیات محرم در ۱۰ آبان ۱۳۶۱ طراحی و اجرا شد. اجرای دو عملیات محدود در چارچوب راهبرد عملیاتی محدود که با موفقیت نسبی توأم بود این دستاوردها را در پی داشت: تغییر در نگرش راهبرد کلان نظامی جنگ؛ آزادسازی برخی مناطق حساس مرزی؛ نگه داشتن نیروهای خودی در حالت تهاجمی و گسترش و ارتقا یگان‌های سپاه پاسداران از تیپ به لشکر.

تعریف مفاهیم:

راهبرد

برابر انگلیسی واژه‌ی راهبرد که در فارسی نیز کاربرد بسیاری دارد، واژه "استراتژی" است. این واژه از ریشه‌ی یونانی استراتیگوس (strategos) گرفته شده و نخستین بار در سده‌ی ۱۸ میلادی در معنای "هنر ژنرال" (Maurice ۱۹۹۶) یا "هنر سازمان‌دهی" یگان‌ها به کار رفته است.

راهبرد تعاریف متعددی دارد. افراد عامی "استراتژی" را از پیش پا افتاده‌ترین کلماتی می‌دانند که تعبیرهای متعددی از آن می‌شود. اما عمومی‌ترین تعریف آن میان استراتژیست‌ها عبارت است از: «نقشه‌ی عملیاتی که برای دستیابی به یک نتیجه‌ی نهایی طراحی شده است و نیتی خاص که تدابیری برای اجرای آن اندیشیده‌اند».^(۱)

راهبرد نظامی

"راهبرد نظامی" سیاستی است که سازمان‌های نظامی به منظور رسیدن به اهداف راهبردی مطلوب اتخاذ می‌کنند. راهبرد نظامی شامل طرح‌ریزی و هدایت لشکرکشی‌ها؛ تحرک و استقرار نیروها و فریب دشمن است. کارل فون کلاسویتز راهبرد نظامی را

در ۲۲ تیر ۱۳۶۱ در حد فاصل کوشک تا شلمچه در چهار محور اصلی و پنج مرحله اجرا شد که در نهایت، در ۷ مرداد ۱۳۶۱ متوقف شد. ناکامی در عملیات رمضان نقطه‌ی عطفی برای طرح‌ریزی راهبرد عملیاتی جدید به منظور پیشبرد راهبرد نظامی کلان جنگ شد. مبنای فکری این راهبرد را فرمانده کل قوا حضرت امام خمینی در جلسه‌ی شورای عالی دفاع بیان کردند. امام خمینی در این جلسه فرمودند: «شما به جنگ‌تان ادامه بدهید در جاهایی که دشمن ضعیف‌تر است به دشمن حمله کنید تا هم بتوان روی آن

تبلیغ مناسبی شود و هم جو سیاسی ما نسبت به دشمن قوی بماند».

فرماندهان نظامی بر اساس این فرمان، با بررسی دلایل شکست و همچنین چگونگی طراحی عملیات‌های آینده اقدامات و تدابیر جدیدی اتخاذ کردند.

که به طراحی "راهبرد عملیاتی محدود" انجامید. مهم‌ترین هدف‌های راهبرد عملیات محدود عبارت بودند از: جلوگیری از رکود در جبهه‌ها؛ شکستن تمرکز نیروهای عراقی در منطقه‌ی شرق بصره؛ آماده‌سازی نیروها به منظور اجرای عملیات گسترده؛ کسب برتری تاکتیکی در جبهه‌ها نسبت به دشمن و حفظ و آمادگی توان رزمی نیروهای خودی.

در چارچوب راهبرد "عملیات محدود" قرارگاه‌ها با بررسی وضعیت مناطق عملیاتی، در نهایت، مناطق سومار و عین‌خوش را برای اجرای عملیات انتخاب کردند. در منطقه‌ی عملیاتی سومار در جبهه‌ی میانی،

امام خمینی فرمودند: «شما به جنگ‌تان ادامه بدهید در جاهایی که دشمن ضعیف‌تر است به دشمن حمله کنید تا هم بتوان روی آن تبلیغ مناسبی شود و هم جو سیاسی ما نسبت به دشمن قوی بماند»

راهبرد عملیاتی

علم، هنر توزیع و بکارگیری و هدایت نیروهای اختصاص یافته در یک صحنه‌ی عملیاتی یا جنگ، به منظور حصول به اهداف استراتژیک را راهبرد عملیاتی گویند.^(۳)

عملیات محدود

عملیات محدود از جمله مفاهیم نظامی است که در صحبت‌ها و نوشته‌های فرماندهان عالی جنگ به خصوص فرماندهان سپاه پاسداران هنگام طراحی و اجرای عملیات‌های آفندی و

راهبردهای نظامی در هشت سال دفاع مقدس دیده می‌شود.

فرماندهان عالی جنگ تکهایی را که در دوره‌ی زمانی شهرپور تا آبان ۱۳۶۱ با ویژگی‌های زیر طراحی و اجرا کرده‌اند "عملیات محدود" می‌نامند.

۱. طراحی عملیات را یک قرارگاه اصلی انجام داده باشد.

۲. فرماندهی عملیات به عهده‌ی یک قرارگاه اصلی باشد.

۳. سازمان رزم به کار گرفته شده در عملیات حداکثر از ترکیب و استعداد ۵ لشکر باشد.

۴. وسعت منطقه‌ی عملیاتی حداکثر ۷۰۰ کیلومتر مربع باشد.

۵. اهداف تک تاکتیکی و در جهت راهبرد نظامی کلان جنگ باشد.

۶. امکان طراحی و اجرای همزمان عملیات در دو یا چند جبهه وجود داشته باشد.^(۴)

«به‌کارگیری نبردها در جهت کسب پیروزی نهایی در جنگ» تعریف می‌کند. تعریفی که لیدل هارت از راهبرد نظامی ارائه می‌دهد تأکید کم‌تری بر نبرد دارد و عبارت است از: «راهبرد نظامی هنر توزیع و به‌کارگیری توانایی‌های نظامی به منظور برآوردن کامل اهداف راهبرد.»

استراتژی نظامی در طول تاریخ همواره متأثر از تفکرات کلاسیک و آغازین استراتژیست‌ها بوده است که می‌کوشیدند یک راهبرد موفق را در مجموعه‌ی از اصول جمع کنند. اولین اثر مکتوب نیز در زمینه‌ی استراتژی در جنگ، در حدود ۵۰۰ سال پیش از میلاد با نام هنر جنگ نوشته شده و نویسنده‌ی آن سون تزو چینی است.

در حوزه‌ی مدیریت نظامی، استراتژی نه تنها با دستیابی به هدف‌های خودی ارتباط دارد، بلکه با پیش‌گیری از رسیدن دشمن به هدف‌هایش نیز مرتبط است. سون تزو در این باره می‌گوید که باید به آنچه دشمن می‌خواهد به آن برسد پی برد و آن‌گاه او را از رسیدن به آن محروم کرد. بنابراین، استراتژی نظامی دارای دو جزء مهم و اساسی شامل "مانور" و "نبرد" است. مانورها معمولاً با این اهداف اجرا می‌شوند: دستیابی به هدف‌های خودی؛ تسخیر مواضعی که دشمن را از دستیابی به هدف‌هایش باز می‌دارد؛ بازداشتن دشمن از اجرای عملیات.^(۲)

اگر یک واحد نظامی در نبرد بخواهد به هدف‌هایش دست یابد، باید استراتژی روشنی داشته باشد تا بتواند بر اساس آن عمل کند. این استراتژی باید مبتنی بر توانایی واحد نظامی برای مانور و نبرد باشد. علاوه بر این، آگاهی از استراتژی‌های احتمالی دشمن و طراحی استراتژی‌هایی برای مقابله با تهدیدهای دشمن ضروری است. این استراتژی‌ها باید روشن، ساده، قابل درک و مبتنی بر برداشت صحیح از وقایع احتمالی باشند.

عملیات محدود از جمله مفاهیم نظامی است که در صحبت‌ها و نوشته‌های فرماندهان عالی جنگ به خصوص فرماندهان سپاه پاسداران هنگام طراحی و اجرای عملیات‌های تهاجمی و راهبردهای نظامی در هشت سال دفاع مقدس دیده می‌شود

راهبرد نظامی ایران پس از فتح خرمشهر

رخدادهای مهم سیاسی و نظامی پس از فتح خرمشهر از مهم‌ترین عواملی بودند که راهبرد نظامی ایران را در ادامه‌ی جنگ تعیین کردند. با پیروزی مطلق قوای خودی در عملیات بیت‌المقدس، که فتح خرمشهر و آزادسازی بیش از ۵۰۰۰ کیلومتر مربع از مناطق اشغالی را در پی داشت، پیش‌بینی می‌شد با این برتری نظامی بر عراق، امکان صلحی شرافتمندانه فراهم شود، اما آمریکا و غرب برای حفظ حکومت عراق و تشدید فشار بر جمهوری اسلامی ایران تلاش‌های جدیدی را آغاز کردند. کشورهای حامی عراق و سازمان‌های بین‌المللی در پی تحمیل

وضعیت و شرایطی بودند که هنگام مذاکرات صلح، جمهوری اسلامی در موضع برتر نباشد. علاوه بر این، رژیم عراق نیز بر مواضع قبلی‌اش از جمله قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر پافشاری می‌کرد^(۵)، ضمن آن که عراق برخی از

نقاط مهم مرزی کشور را که اهمیت ژئواستراتژیکی داشتند از جمله شلمچه، طلائیه، ارتفاعات مرزی حمرین، ارتفاعات مرزی مهران و ارتفاعات مرزی قصرشیرین و نفت‌شهر را در اشغال خود نگه داشته بود تا، امکان تهدید نظامی و حمله‌ی مجدد همواره باقی بماند.^(۶)

در چنین وضعیتی، جمهوری اسلامی ایران که به دنبال صلحی شرافتمندانه توأم با تعیین و تنبیه متجاوز، گرفتن غرامت و رهایی از وضعیت "نه جنگ و نه صلح" بود، مجبور به ادامه‌ی دفاع برای

احقاق حقوق ملت خود شد.^(۷) به همین منظور، برای تحقق اهداف مذکور، فرماندهان عالی‌رتبه با بررسی‌های دقیق، راهبرد نظامی جمهوری اسلامی را برای ادامه‌ی دفاع طرح‌ریزی و تبیین کردند.

نقطه‌ی ثقل راهبرد نظامی ایران "تصرف منطقه‌ی بصره" و سپس استفاده از آن به منزله‌ی اهرم فشار برای پایان دادن به جنگ بود. این راهبرد "تنبیه متجاوز" نامیده شد.^(۸) این راهبرد را فرماندهان عالی‌رتبه‌ی نظامی در حضور فرمانده کل قوا در خرداد ۱۳۶۱ اتخاذ کردند.^(۹)

طبق این راهبرد، قوای خودی می‌باید با تصرف مناطق شمال و شرق بصره و با استقرار بر کرانه‌ی رودخانه‌ی دجله و اروندرود، معابر وصولی شهر بصره را کنترل و تثبیت کنند. این راهبرد اهداف متعددی را دنبال می‌کرد که مهم‌ترین دستاورد آن در صورت موفقیت، برتری در مذاکرات بود.^(۱۰)

عملیات رمضان

عملیات رمضان اولین عملیات گسترده‌ی ایران بود که در چارچوب راهبرد نظامی تنبیه متجاوز طراحی و اجرا شد. این عملیات در منطقه‌ی تقریباً مثلثی شکل به وسعت ۱۶۰۰ کیلومتر مربع که از شمال به کوشک و طلائیه و حاشیه‌ی جنوبی هورالهویزه به طول ۵۰ کیلومتر، از غرب به رودخانه‌ی اروند (که از نقطه‌ی تلاقی رودخانه‌ی دجله و فرات به نام القرنه شروع می‌شود تا شلمچه در غرب خرمشهر) به طول ۸۰ کیلومتر و از شرق به خط مرزی شمالی - جنوبی از کوشک تا شلمچه به طول ۶۰ کیلومتر محدود می‌شود، اجرا شد. در این منطقه روی رودخانه‌ی اروند ۴ پل احداث شده است و در جنوب غربی این رودخانه شهر صنعتی و بندری بصره که دومین شهر اقتصادی عراق است، قرار دارد.^(۱۱)

طرح‌ریزی و آماده‌سازی عملیات از اواخر خرداد ۱۳۶۱ آغاز و اجرای عملیات در ساعت

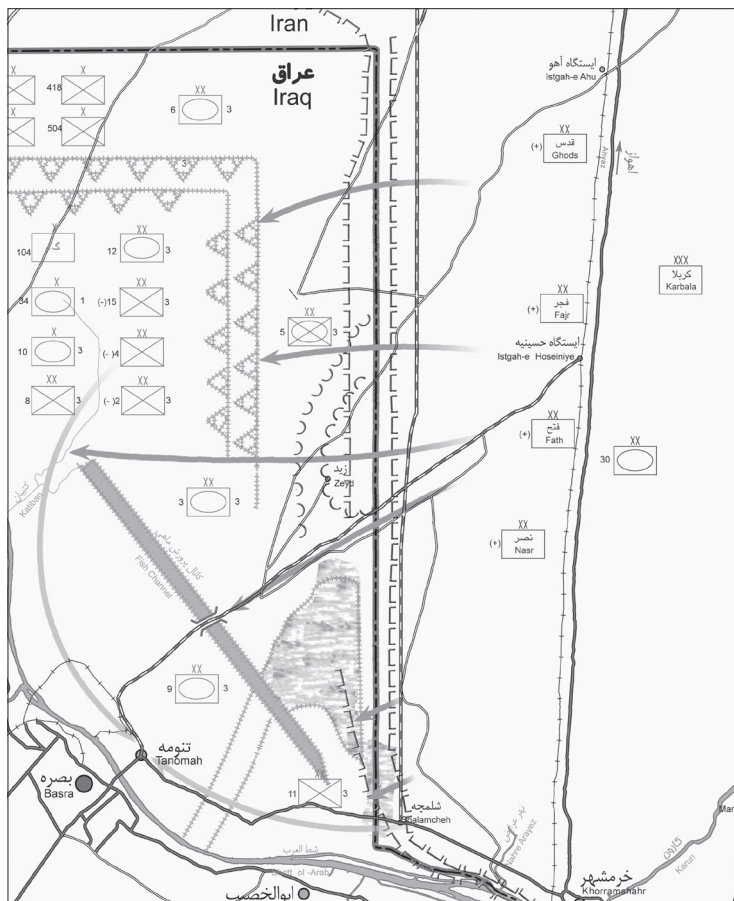
نقطه‌ی ثقل راهبرد نظامی ایران
"تصرف منطقه‌ی بصره" و سپس
استفاده از آن به منزله‌ی اهرم فشار
برای پایان دادن به جنگ بود. این
راهبرد "تنبیه متجاوز" نامیده شد.
این راهبرد را فرماندهان عالی‌رتبه‌ی
نظامی در حضور فرمانده کل قوا در
خرداد ۱۳۶۱ اتخاذ کردند

محسن رضایی فرمانده وقت کل سپاه در این جلسات می‌کوشید توجه به فرماندهان را از ناکامی در عملیات رمضان به استراتژی عملیاتی آینده‌ی جنگ و ضرورت اجرای عملیات محدود معطوف کند. وی در یکی از این جلسات گفت: «برادران، چندی پیش که با اعضای شورای عالی دفاع خدمت حضرت امام رفته بودیم، ایشان به این مضمون فرمودند "شماها به جنگ‌تان ادامه بدهید در جاهایی که دشمن ضعیف‌تر است به دشمن حمله کنید تا هم بتوان روی آن تبلیغ مناسبی شود و هم جو سیاسی ما نسبت به دشمن قوی بماند."»^(۱۵) رضایی تأکید کرد:

ما به این نتیجه رسیده‌ایم که فعلاً تا اجرای عملیات

۲۱:۳۰ روز ۲۲ تیر ۱۳۶۱ با رمز "یا مهدی ادرکنی" شروع شد. عملیات در پنج مرحله اجرا شد و تا ۷ مرداد ۱۳۶۱ طول کشید.^(۱۲) رزمندگان در این عملیات خطوط دفاعی دشمن را در هم شکستند و خسارت‌های سنگینی به یگان‌های زرهی ارتش عراق وارد آوردند، اما به دلیل تسلیح زمین؛ موانع پچیده و نداشتن امکانات مناسب برای مقابله با دشمن و پیشروی در منطقه، عملیات با ناکامی مواجه شد.^(۱۳)

تبیین راهبرد نظامی جدید و دیدگاه فرماندهان ناکامی در عملیات رمضان - که در چارچوب راهبرد تنبیه متجاوز انجام شد- نقطه‌ی آغاز جریانی است که در طول آن راهبرد عملیاتی عملیات محدود شکل گرفته است.



نقشه عملیات رمضان

مطالعات و بررسی مشروح مذاکرات فرماندهان عالی جنگ در دوره‌ی زمانی مرداد تا آذر ۱۳۶۱ نشان می‌دهد منطق حاکم بر شکل‌گیری راهبرد عملیاتی عملیات محدود را از جنبه‌های گوناگونی می‌توان بررسی کرد. پس از پایان عملیات رمضان از مرداد تا اواسط مهر ۱۳۶۱، جلسات متعددی در قرارگاه‌های مرکزی سپاه و ارتش برگزار شد. در این جلسات فرماندهان عالی‌رتبه‌ی جنگ نظرهای متفاوتی درباره‌ی چگونگی رسیدن به اهداف استراتژیک؛ تعیین منطقه؛ راه‌کار برای اجرای عملیات آینده و گسترش سازمان رزم یگان‌ها، بیان کردند و در این خصوص به بحث و گفت‌وگو پرداختند.^(۱۴)



عملیات رمضان

گسترده و تعیین‌کننده‌ی آینده باید توان دشمن را در سراسر جبهه‌ها از شمال تا جنوب تجزیه و درگیر کنیم. برادران، ما برای این کار قرارگاه‌های حمزه برای کردستان، نجف برای غرب و قائم برای فکه تا مهران و کربلا را برای جنوب، سازمان‌دهی کرده‌ایم. برادران، عملیات گسترده برای تصرف بصره، عملیات تعیین‌کننده‌ی است، اما مقدماتی دارد. عراق به شدت به بصره حساس شده و توان

امام و شورای عالی دفاع است، این است که جنگ را به صورت فعالانه علیه دشمن ادامه بدهیم تا مردم ببینند، دنیا ببیند که ما چگونه مصمم به اهدافمان هستیم ما در مرحله‌ی قرار گرفتیم که در این مرحله باید به هدف‌هایش برسند.^(۱۷)

محسن رضایی در اجرای راهبرد عملیاتی، تغییراتی هم در مأموریت و فرماندهی قرارگاه‌ها ایجاد کرد. بخشی از تغییرات این چنین بود:

وی حسن باقری را فرمانده قرارگاه کربلای سپاه و مجید بقائی را جانشین وی کرد، محمدابراهیم همت فرمانده قرارگاه نصر و رهسپار غرب شد؛ مرتضی صفاری به فرماندهی قرارگاه فجر منصوب شد، فرماندهی لشکر فتح به عهده‌ی ردانی پور گذاشته شد. رضایی همچنین بر اداره‌ی مشترک قرارگاه قائم تأکید کرد. قرارگاه قائم را ارتش تشکیل داده بود و وظیفه اجرای عملیات‌های محدوده‌ی فکه تا چنگوله را بر عهده داشت. فرمانده کل سپاه همچنین رحیم صفوی و غلامعلی رشید را نمایندگان خود برای رسیدگی به امور قرارگاه‌ها کرد.^(۱۸)

بالایی را در منطقه متمرکز کرده است. برادران، همان طور که بارها صحبت کرده‌ایم و گفته‌ایم که استراتژی جنگ که مرحله‌ی اولش انهدام دشمن و آزادسازی مناطق تحت اشغال دشمن می‌باشد، یک مرحله‌ی نهایی دارد که الان در آغاز آن عملیات تعیین‌کننده هستیم. ما باید با اجرای عملیات‌های محدود تلفات انسانی بالا و خسارات سنگین به دشمن وارد آوریم. همین عملیاتی که در غرب تا چند روز دیگر انجام می‌شود با همین هدف است. شهرهای مرزی [عراق] همچون، خانقین، نفت‌خانه، مندلی از اهمیت بالایی برخوردارند که در صورت تصرف آنان از تبلیغات سیاسی خوبی بهره خواهیم برد. ما باید در این مدت تیپ‌های جدید تأسیس کنیم و توان‌مان را افزایش دهیم. یگان‌های ما باید متحرک و از قدرت جا به جایی بالایی برخوردار شوند.^(۱۶)

ما باید آن‌قدر عملیات محدود که جزئی از آن عملیات نهایی ما می‌باشد، انجام دهیم تا شش ماه دیگر طراحی و اجرای عملیات گسترده آماده شود. به هر ترتیب، برادران آن‌چه که در ذهن حضرت



۳. خسارت بسیاری به دشمن وارد شود.
۴. اجرای عملیات محدود زمینه را برای طرح‌ریزی عملیات گسترده فراهم کند.
رحیم صفوی که دلیل ناتوانی در اجرای عملیات گسترده را کمبود نیروی انسانی می‌دانست، در جلسه‌ی قرارگاه کربلا گفت: «مشکل اساسی ما نیرو است. ما توان عملیات گسترده را به دلیل کمبود توان نیروی آموزش‌دیده نداریم، اما باید تا زمان امکان [اجرای عملیات] و فراهم آوردن [مقدمات] عملیات گسترده، ابتدا در غرب و سپس در جنوب عملیات محدود کنیم.»^(۲۲) وی که پس از عملیات رمضان

رحیم صفوی: مشکل اساسی ما نیرو است. ما توان عملیات گسترده را به دلیل کمبود توان نیروی آموزش‌دیده نداریم، اما باید تا زمان امکان [اجرای عملیات] و فراهم آوردن [مقدمات] عملیات گسترده، ابتدا در غرب و سپس در جنوب عملیات محدود کنیم

ضمن پی‌گیری امور عملیاتی قرارگاه‌ها با سرکشی‌های مستمر در یگان‌های رزم به ارتقای سطح کیفی آموزش و ساختار و سازمان یگان‌ها می‌پرداخت. صفوی در جلسه‌یی که برای طراحی عملیات محرم در قرارگاه کربلا تشکیل شده بود، در خصوص گسترش و

ارتقای توان جذب نیروی انسانی گفت:

[...] باید همه تلاش‌مان را بگذاریم ان‌شاءالله تعالی در این ماه محرم با یک یا دو عملیاتی که در غرب و جنوب انجام می‌شود و با سخنرانی‌هایی که روحانیون که در روستاها و شهرها می‌کنند، مشکل نیرو حل شود، چون الآن مهم‌ترین مشکل ما نیرو است و چون نیرو نداشتیم با این مشکلات مواجه شدیم؛ پس باید از این محرم و عاشورا استفاده کنیم [برای مقابله] با مشکلات یا اگر یادتان باشد، پارسال هم بیش‌ترین نیروها دو ماه محرم [و صفر]

رحیم صفوی مأموریت‌ها و انتصاب‌ها را در روز جمعه ۱۹ شهریور ۱۳۶۱ در قرارگاه کربلا در حضور فرماندهان قرائت و ابلاغ کرد.^(۱۹)

سرهنگ علی صیاد شیرازی فرمانده وقت نیروی زمینی ارتش در خصوص اجرای عملیات محدود می‌گوید: «ما باید فاصله‌ی اجرای عملیات را کم کنیم، جبهه‌ها را با انجام عملیات گرم نگه داریم. به همین منظور، در غرب، عملیاتی در دست طراحی و اجراست که در این فاصله شرایط عملیات در جنوب را هم باید فراهم آوریم»^(۲۱) صیاد شیرازی در آستانه‌ی اجرای عملیات مسلم با تأکید بر چگونگی و ضرورت اجرای عملیات محدود در جلسه‌ی قرارگاه کربلا می‌گوید: «الآن زمانی که دارد می‌گذرد بایستی ما دشمن را یک جوری متأثر بکنیم و عملیات محدودی داشته باشیم که این عملیات محدود خود به خود در غرب برنامه‌ریزی شده و ان‌شاءالله اجرا هم می‌شود و در جنوب هم باید همیشه عملیاتی داشته باشیم.»^(۲۰)

وی با تأکید بر اهمیت اهداف عملیات محدود و این که آن را برادران سپاه طراحی کرده‌اند، گفت: «جایی که می‌خواهند عمل بکنند، حساب کردند با حداقل تلفات می‌توانند ضربه‌ی محکمی به دشمن بزنند، اسیر زیادی نیز داشته باشند. در حقیقت، یک انهدام خوبی از دشمن بکنند که طوری بشود دشمن طوری جدی بگیرد و بعد هم بررسی شده که آن‌جا را تخلیه کرد و یا اگر جایی باشد که بگردانیم [بتوانیم مستقر شویم]، نیروی زیادی نخواهد.»^(۲۱)

صیاد شیرازی در این جلسه توجه فرماندهان را در طراحی عملیات‌های محدود به چهار نکته‌ی اصلی جلب کرد:

۱. رزمندگان منطقه‌ی تک‌شده را به راحتی حفظ و نگه‌داری کنند.
۲. حفظ منطقه نیازی به جا به جایی نیرو از مناطق دیگر نداشته باشد.

بدهیم. فعلاً این ۲۰ تیپ است که باید فرصتی داده شود تا روی این بچه‌ها کار بشود. ما به این نتیجه رسیدیم که در این فاصله کارهای محدودی از چزابه تا قصر شیرین کنیم. بیش‌ترین هدف هم گرفتن ارتفاعات؛ ریختن دشمن و تحمیل کردن این خطوط پدافندی بود. این مسلم است که ما از چزابه به بالا انهدام نیروی قابل توجهی نداریم. [...] ما نمی‌توانیم هدف‌های عمیق را انتخاب کنیم یا بگوییم که می‌رویم و خانقین و عماره را می‌گیریم، چون این مخالف استراتژی ماست. [...] ما باید از طرح‌های محدودتر و بیش‌تری استفاده کنیم. من مخالف زیاد رفتن در عمق هستم، چون برنامه‌ی اصلی ما به هم می‌خورد.^(۲۴)

غلامعلی رشید در ادامه‌ی سخنانش اصلی‌ترین مشکل را کمبود نیرو و کندی تشکیل تیپ‌های رزمی برای پیشبرد استراتژی نظامی - عملیاتی می‌داند و از سوی دیگر بر اجرای عملیات‌های محدود تأکید می‌کند، چرا که معتقد است این عملیات‌ها ضمن داشتن تأثیر مثبت در روحیه‌ی مردم و گرم نگه داشتن جبهه‌ها، تأثیرات سیاسی بسیاری در پیشبرد راهبرد اصلی جنگ دارد.

حسن باقری فرمانده قرارگاه کربلا معتقد بود که با اجرای عملیات‌های محدود و باز کردن جبهه‌های گوناگون در مقابل ارتش عراق، امکان عملیات گسترده فراهم و در صورت تصرف شهرهای مندلی و خائفین فشار سیاسی و اقتصادی بر عراق وارد خواهد شد.^(۲۵)

باقری تأکید می‌کرد که نیروهای عملیاتی تنها با اجرای عملیات‌های محدود تجربه کسب می‌کنند و برای عملیات‌های گسترده آماده می‌شوند.

حسن باقری هم همانند فرماندهان اصلی جنگ مهم‌ترین دغدغه را کمبود نیرو و ناتوانی در تأسیس یگان‌های رزمی در قالب تیپ و لشکر می‌دانست که عامل اصلی پیشبرد راهبرد نظامی جنگ محسوب می‌شد.

آمدند. ان‌شاءالله این دو عملیات، یعنی عملیات شمال و عملیات غرب بازار جنگ را داغ می‌کند و در مردم روحیه‌ی جنگی به وجود می‌آورد. ماه محرم، سخن‌رانی‌های علما و روحانیون و اصلاً خود عاشورای حسینی همه را منقلب می‌کند. بنابراین، اگر بتوانیم در ماه محرم نیروگیری کنیم و یک ماه بعد از محرم، عملیات گسترده‌ی خود را در صورتی که زمین، آب و هوا به ما اجازه بدهد انجام بدهیم، این مهم‌ترین زمان است، یعنی ما بهتر از این، زمانی نداریم.^(۲۳)

غلامعلی رشید نماینده‌ی محسن رضایی در امور قرارگاه‌ها که در این دوره عموماً به بررسی طرح‌های عملیاتی و چگونگی گسترش یگان‌های سپاه در طول جبهه‌ها می‌پرداخت، در جلسه‌ی فرماندهان قرارگاه کربلا در تشریح استراتژی

غلامعلی رشید: ما برای عملیات گسترده چیزی حدود ۵۰ تیپ می‌خواهیم، یعنی حداقل در حد ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار نفر نیروی تک‌ور که باید حمله کنند. [...] این فعلاً از عهده‌ی ما خارج است

نظامی قوای خودی گفت:

برادر محسن رضایی استراتژی کلی جنگ را تا چهار یا شش ماه آینده در شورای عالی دفاع مطرح کرده و مورد بحث و گفت و گو قرار داده است و پذیرفته شده است. مسئله‌ی اصلی ما بصره است و ما باید بصره را بگیریم. [...] وقتی بصره گیر کرد، جبهه‌ی غرب را مورد بررسی و بحث قرار دادیم. [...] برادران، ما برای عملیات گسترده چیزی حدود ۵۰ تیپ می‌خواهیم، یعنی حداقل در حد ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار نفر نیروی تک‌ور که باید حمله کنند. [...] این فعلاً از عهده‌ی ما خارج است. شاید ما نتوانیم حتی تا یک سال دیگر هم این تیپ‌ها را تشکیل



عملیات رمضان

احمد غلامپور
فرمانده قرارگاه قدس، در
جلسه‌ی عملیاتی قرارگاه
فتح درباره‌ی تعیین
محورهای گوناگون
عملیاتی در خط حد
قرارگاه فتح می‌گوید:

اگر، قرار است که
عملیات محدود بکنیم تا
انشاءالله تیپ‌های دیگر
ما آماده بشوند و برسند،
به نظر من مناسب‌ترین
راه، تصرف ارتفاعات
حمرین است که به عنوان
یک کلید در دست‌مان

باشد و اگر احیاناً مسئله‌ی پایین [فکه] قفل شد و ما
نتوانستیم عملیات را انجام بدهیم، این ارتفاعات به
عنوان یک راه‌کار در دست‌مان باشد تا بتوانیم عمل
بکنیم.^(۲۶)

مصطفی ردانی‌پور در جلسه‌ی قرارگاه کربلا در
پاسخ به سیدرحیم صفوی در خصوص طرح مانور
در تأیید عملیات محدود می‌گوید:

اگر هم‌زمان با عملیات فکه قبل از این که
عملیاتی در این منطقه صورت بگیرد، ارتفاعات
حمرین گرفته بشود، برای اجرای عملیات بعدی کار
خیلی ساده‌تر می‌شود. باز دشمن یک مقدار بیش‌تر
متوجه خطوط پدافندی بعدی می‌شود، یعنی به جای
آن‌که بیاید و در این جا استحکامات درست کند، به
جای استحکامات که در این جا از او گرفته شده و
مشغول می‌شود و فرصت مناسبی پیدا می‌شود که
انشاءالله عملیات اصلی از همان دو محور شروع
بشود.^(۲۷)

حسین خرازی فرمانده قرارگاه فتح، درباره‌ی
ضرورت اجرای عملیات محدود می‌گوید: «نیروهایی

که از شهرها به جبهه‌ها اعزام می‌شوند فقط برای
عملیات می‌آیند و پس از مدتی در صورت پایان
عملیات یا عدم اجرای عملیات به شهرهای‌شان باز
می‌گردند. در حال حاضر هم اندک نیرویی که در
یگان‌ها می‌باشد در همین وضعیت به سر می‌برند.
لذا، بهترین روش برای حفظ این نیروها در منطقه
تا عملیات گسترده‌ی بعدی اجرای عملیات محدود
است.»^(۲۸)

همانطور که ملاحظه شد، نظر فرماندهان
نظامی بر این بود که هم‌زمان در کنار راهبرد کلان
نظامی جنگ، با توجه به توان نظامی قوای خودی
در مقابل راهبرد نظامی جدید ارتش عراق، یعنی
"دفاع مطلق از زمین"^(۲۹)، در کوتاه مدت راهبرد
خرد نظامی طراحی و اجرا شود تا ضمن فراهم
کردن مقدمات اجرای راهبرد کلان نظامی، همواره
برتری نظامی و سیاسی در ابعاد مختلف جنگ
حفظ‌شود.

فرماندهان نظامی به این نتیجه رسیده بودند که
وضعیت جبهه‌های نبرد در مقایسه با عملیات‌های
گذشته تفاوتی اساسی کرده و این دگرگونی به

را برای فرماندهان در پی داشت، زیرا علاوه بر این که اهداف نظامی جنگ در عملیات رمضان تحقق نیافته بود، از برتری سیاسی، نظامی و روانی ایجاد شده بر اثر فتح خرمشهر نیز - که بسیار مهم بود - کاسته شده بود.^(۳۳) بنابراین، مهم ترین دغدغه ی فرماندهان نظامی پس از عملیات رمضان جلوگیری از بن بست نظامی جنگ و به دست گرفتن مجدد ابتکار عمل نظامی - عملیاتی در میدان نبرد بود.

پیش بینی می شد در صورتی که راهبرد عملیاتی جدیدی مبتنی بر توانایی نظامی و وضعیت جدید دشمن طراحی و اجرا نشود، جمهوری اسلامی با مشکلات فراوانی مواجه و حتی مجبور شود تحت فشارهای ارتش عراق و حامیان خارجی اش جنگ را خاتمه دهد.^(۳۴)

بر این اساس راهبرد عملیات محدود در سراسر جبهه ها با اهداف ذیل در دستور کار قرار گرفت:

۱. تسهیل در راهبرد کلان جنگ.
۲. باز کردن جبهه های گوناگون در مقابل دشمن.
۳. حفظ موقعیت برتر نظامی نسبت به عراق در جنگ.
۴. آزادسازی ارتفاعات مرزی کشور و تصرف مناطق مهم عراق.
۵. آفندی نگاه داشتن قوای خودی در مقابل دشمن.
۶. ایجاد خستگی و فرسایش در نیروهای دشمن به منظور کاهش مقاومت آنان.
۷. فرصت ندادن به دشمن برای بازسازی و ترمیم یگان های رزم و خطوط دفاعی اش.
۸. اختلال در سیستم فرماندهی دشمن.
۹. شکستن تمرکز دشمن در شرق بصره.
۱۰. گرم نگه داشتن جبهه ها.
۱۱. تغییر تاکتیک و شیوه ی رزم در جبهه های نبرد.
۱۲. سازمان دهی و آماده سازی یگان های رزم.
۱۳. ایجاد تحرک و جا به جایی در یگان های رزم خودی.

سرعت در حال گسترش است. ارتش عراق با درک این موضوع که بصره در راهبرد نظامی ایران اهمیت بسیاری دارد، دفاع برای حفظ زمین را در کانون راهبرد خود قرار داده است، طوری که مستحکم ترین و پیچیده ترین موانع پدافندی را به همراه بیش ترین توان رزم یگان هایش متمرکز جبهه ی جنوب به ویژه مناطق شرقی بصره کرد.^(۳۵)

فرماندهان عراقی در عملیات رمضان در واکنش به تاکتیک های نیروهای خودی، تدابیر مناسبی اندیشیده بودند و توانستند با بهره گیری از یگان های زرهی و آتش پشتیبانی توپخانه و ادوات شان،

با مهارت بسیار تک های رزمندگان را در دشت های باز شرق بصره مهار و سلسه پیروزی های نیروهای ایرانی را متوقف کنند. البته، در وضعیت جدید که عملیات های نیروهای خودی در خاک عراق دنبال می شد، قوای عراقی

با انگیزه یی بسیار بیش تر از گذشته عملیات های پدافندی را برای حفظ خطوط و مناطق دفاعی خود، اجرامی کردند.^(۳۶)

در مجموع، ارتش عراق با اتکا به سه عامل اساسی گسترش و افزایش سازمان رزم؛ تغییرات در زمین های استراتژیک و استفاده ی مناسب از تسلیحات نظامی، توانست اولین گام را برای تغییر موازنه ی جنگ به نفع خود در عملیات رمضان بردارد.^(۳۷)

پیدایش وضعیت جدید نگرانی های بسیاری

محسن رضایی: ما به این نتیجه رسیده ایم که فعلاً تا اجرای عملیات گسترده و تعیین کننده ی آینده باید توان دشمن را در سراسر جبهه ها از شمال تا جنوب تجزیه و درگیر کنیم

قرارگاه نجف و منطقه‌ی عملیاتی فکه خط حد قرارگاه کربلا، را برای اجرای عملیات محدود مدّ نظر قرار دادند.^(۳۵)

اولین دستور عملیاتی در اواسط شهریور ۱۳۶۱ به قرارگاه نجف برای اجرای عملیات مسلم در منطقه‌ی عملیاتی سومار ابلاغ شد.^(۳۶) همچنین، در روز ۳۱ شهریور، قرارگاه کربلا دستور اجرای عملیات محدود در منطقه‌ی عملیاتی فکه را صادر کرد.^(۳۷)

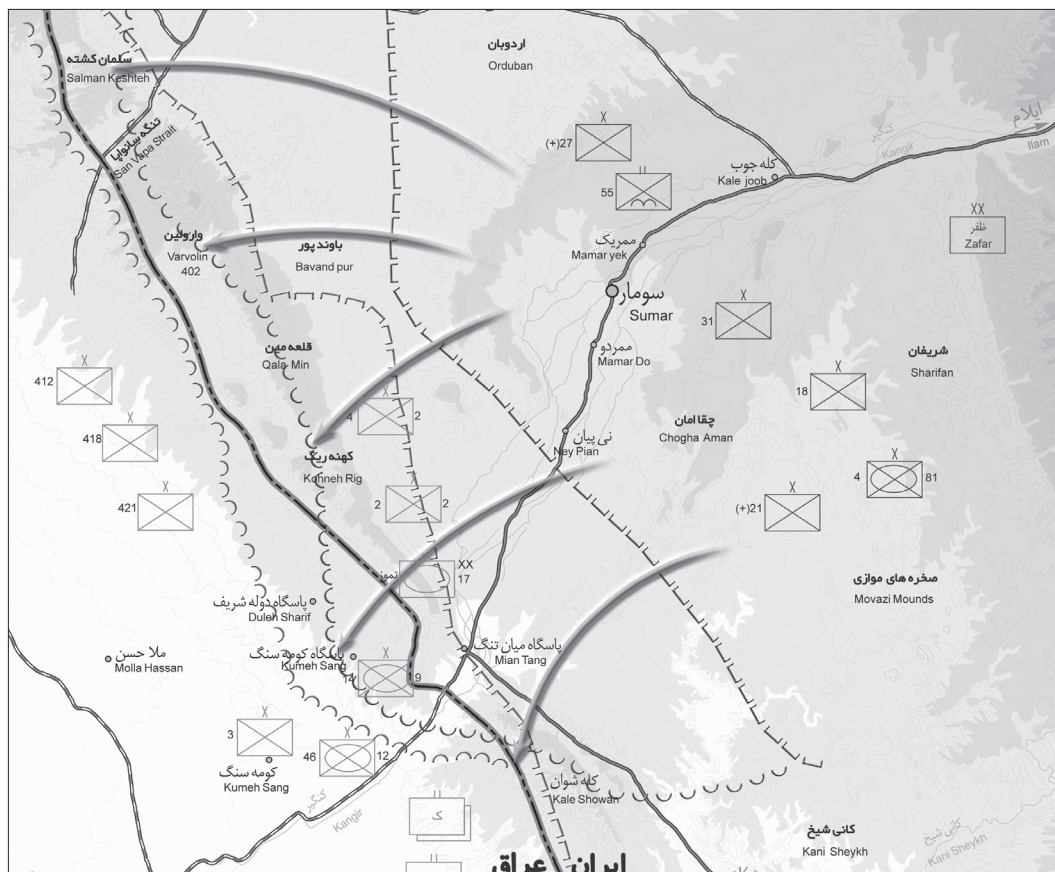
عملیات مسلم بن عقیل

اولین عملیات محدود در چارچوب راهبرد عملیاتی عملیات محدود، عملیات مسلم بن عقیل بود. منطقه‌ی عملیاتی مسلم بن عقیل که شهر سومار عقبه‌ی آن محسوب می‌شد، با یک جاده‌ی آسفالت از ایلام به

۱۴. تغییر و ترغیب در جذب و سازمان‌دهی نیروهای رزمی.

مناطق پیشنهادی اجرای عملیات محدود

به منظور اجرای عملیات محدود، محسن رضایی فرمانده وقت کل سپاه، علی صیاد شیرازی فرمانده وقت نیروی زمینی ارتش، غلامعلی رشید معاون عملیاتی سپاه، سیدیحیی (رحیم) صفوی معاون عملیاتی سپاه، و حسن باقری فرمانده قرارگاه کربلا که طراحان اصلی عملیات‌ها در آن زمان بودند، در بررسی‌های عملیاتی از مناطق جنوب و غرب و همچنین تشکیل جلسات مکرر با فرماندهان قرارگاه‌ها و برخی یگان‌ها در مرداد و شهریور ۱۳۶۱، منطقه‌ی عملیاتی سومار در غرب؛ خط حد عملیاتی



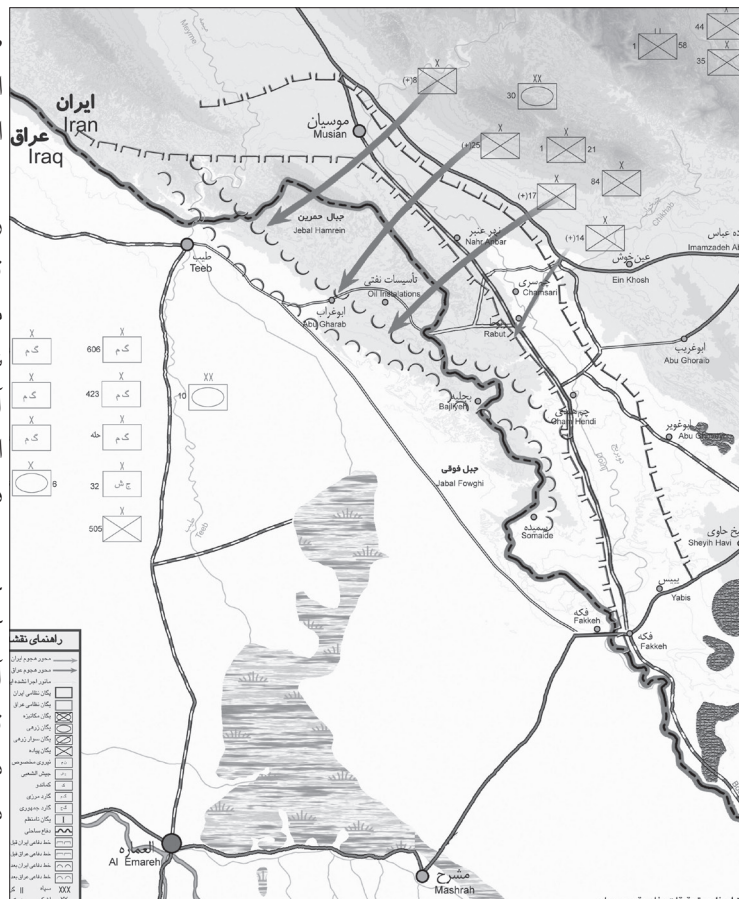
نقشه عملیات مسلم بن عقیل^(۳)

رزمندگان تیپ محمد رسول الله (ص) سپاه دلاوران تیپ ۵۵ هوای ارتش به طور شگفت آوری در کمترین زمان با رعایت اصل غافلگیری، هدفهای مشخص شده را تصرف کردند. این عملیات در حالی اجرا شد که یگانهای عراقی مواضع پدافندی شان با ۵۰ ردیف مین و تله های انفجاری عمیق داده بودند و در حالت آماده باش صد در صد به سر می بردند و هشدارهای مکرری دریافت می کردند. با آغاز روشنایی اولین روز عملیات، فرماندهی لشکر ۱۲ زرهی ارتش عراق با فراخوانی یگانهای احتیاط، پاتکهای متعددی را تدارک و اجرا کرد که با مقاومت رزمندگان اسلام روبه رو شد و به شکست انجامید.^(۴۰)

بدین ترتیب، قوای خودی ضمن تثبیت موقعیت، بیش از ۱۵۰ کیلومتر مربع از مناطق اشغالی ایران را آزاد و نزدیک به ۳۰ کیلومتر مربع از خاک عراق را تصرف کردند و علاوه بر تأمین دشت سومار بر تنگه های مرزی تسلط یافتند. همچنین شهر مندلی در دید و تیررس آنان قرار گرفت. در نتیجه، امکان پیشروی در خاک عراق فراهم شد.

در عملیات مسلم بن عقیل ۱۰۰ تن از نیروهای عراقی کشته یا زخمی و ۳۴ تن از آنان اسیر شدند. همچنین، ۲۵ تانک و نفربر، ۳ قبضه توپ، ۳ دستگاه مهندسی و ۲۰ خودرو دشمن منهدم و ۶ تانک و نفربر، ۱۵ قبضه توپ و ۳۰ خودرو به غنیمت گرفته شد.^(۴۱)

سومار و پاسگاه میان تنگ و پس از ارتفاعات مرزی به شهر مندلی عراق ختم می شد. در شمال این منطقه، نفت شهر و در جنوب آن، ارتفاعات میمک قرار داشت.^(۳۸) اهداف تاکتیکی مورد نظر فرماندهان عملیات، تسلط نیروهای خودی بر مواضع دشمن در شهر مندلی - که در ۱۲ کیلومتری ارتفاعات مرزی قرار دارد - و از بین بردن تسلط دید و تیر دشمن بر منطقه ی سومار که با تصرف ارتفاعات مرزی حاصل می شد.^(۳۹) عملیات در ساعت ۴۷ دقیقه ی بامداد ۹ مهر ۱۳۶۱ با رمز "یا ابوالفضل العباس" به فرماندهی قرارگاه عملیاتی مشترک نجف اشرف سپاه و ارتش آغاز شد. برای اجرای این عملیات ۳۸ گردان نیروی رزمی پیش بینی شده بود.



نقشه عملیات محرم

عملیات محرم

دومین عملیات محدود در چارچوب "راهبرد عملیاتی عملیات محدود"، عملیات محرم بود.

منطقه‌ی عملیاتی محرم منطقه‌ی کوهستانی است که در جنوب غربی دهلران در غرب عین‌خوش قرار دارد. دشمن با اشغال و تسلط بر ارتفاعات استراتژیک این منطقه که متعلق به ایران است، امتیازات بسیاری به دست آورده بود، از جمله:

۱. از نظر پدافندی در مواضعی مطمئن مستقر بود.
۲. جاده‌ی دهلران - عین‌خوش را زیر دید و تیر خود داشت و بدین ترتیب، آن را بدون استفاده کرده بود.
۳. می‌توانست به اشغال چندین حوزه‌ی نفتی و تأسیسات آن در منطقه‌ی بیات، در دو طرف مرز بین‌المللی و در داخل خاک عراق، ادامه دهد.
۴. قادر به دفاع از شهرک صنعتی طیب، زبیدات و چاه‌های نفت آن، چندین روستا و پاسگاه مهم در خاک عراق بود.

هدف این عملیات، تصرف همه‌ی ارتفاعات سرکوب منطقه، راندن دشمن به دشت باز و قرار گرفتن در موضع برتر تاکتیکی بود.^(۴۲)

عملیات محرم با طراحی و فرماندهی قرارگاه قائم از ارتش و سپاه سوم صاحب‌الزمان (عج) از سپاه پاسداران، مقارن با ایام شهادت اباعبدالله الحسین (ع) در ۱۰ آبان ۱۳۶۱ با رمز "یا زینب" در غرب رودخانه دویرج آغاز شد. نیروهای عمل‌کننده، به ویژه دل‌اورمردان یگان‌های استان ایلام با استعداد ۶۶ گردان، متشکل از ۵۳ گردان از سپاهی و ۱۳ گردان از ارتش، به ۴۶ گردان دشمن یورش بردند. این عملیات در ۴ محور و در ۴ مرحله انجام شد و یگان‌های عمل‌کننده در ۱۰ روز نبرد بی‌امان بدین ترتیب عمل کردند:

از سمت شمال ضمن گرفتن سرپل در غرب رودخانه‌ی میمه، مناطق مورد نظر را محاصره کردند و در سمت غرب ارتفاعات مهم مرزی با ایجاد خط پدافندی استقرار یافتند و بر شهر طیب عراق

تسلط پیدا کردند. در محورهای میانی و جنوبی با عبور از رودخانه دویرج تا محدوده‌ی ارتفاعات ۴۰۰ وارد عمل شدند و با محورهای دیگر الحاق کردند، سپس در مراحل بعدی ضمن آزاد کردن باقی مانده‌ی ارتفاعات ۳۰۰ و ۴۰۰، پاسگاه‌های ربوط و چم‌سری و تأسیسات نفتی ابوغراب را نیز به تصرف خود درآوردند و به سمت جنوب پدافند کردند. بنابراین، رزمندگان اسلام با وجود پاتک‌های متعدد دشمن، توانستند اهداف خود را به طور کامل محقق سازند و ۳۰۰ کیلومتر مربع از اراضی جمهوری اسلامی را آزاد کنند و ۲۰۰ کیلومتر مربع از خاک عراق را در اختیار بگیرند.

در این عملیات ۶۰۰ تن از نیروهای عراقی کشته یا زخمی و ۲۳۵۰ تن از آنان اسیر شدند. همچنین،

۱۲ هواپیما؛ ۲۷۰ تانک و نفربر؛ ۲۵۰ خودرو و ۳۰ تفنگ ۱۰۶ دشمن منهدم و ۱۴۹ تانک و نفربر؛ ۲۷۰ خودرو و ۳۵ تفنگ ۱۰۶ به غنیمت گرفته شد.^(۴۳)

نتایج و دستاوردها

نتایج و دستاوردهای حاصل از راهبرد عملیاتی عملیات محدود را از

جنبه‌های گوناگونی می‌توان بررسی کرد، اما به دلیل گستردگی تنها به چهار دستاورد مهم اشاره می‌شود:

۱. آنچه مسلم است مهم‌ترین دستاورد راهبرد عملیاتی عملیات محدود بازنگری در راهبرد کلان جنگ بود.

موفقیت در عملیات‌های مسلم و محرم در چارچوب این راهبرد، سبب شد فرماندهان عالی‌رتبه جنگ موضوعات جدیدی را درباره‌ی ضرورت تغییر در اهداف استراتژی کلان جنگ مطرح و درباره‌ی

برادران، همان طور که بارها صحبت کرده‌ایم و گفته‌ایم که استراتژی جنگ که مرحله‌ی اولش انهدام دشمن و آزادسازی مناطق تحت اشغال دشمن می‌باشد، یک مرحله‌ی نهایی دارد که الان در آغاز آن عملیات تعیین‌کننده هستیم. ما باید با اجرای عملیات‌های محدود تلفات انسانی بالا و خسارات سنگین به دشمن وارد آوریم

فراهم کردن زمینه‌ی اجرای عملیات گسترده بود. سرهنگ صیاد شیرازی در خاطراتش درباره‌ی پیامد دو عملیات مسلم بن عقیل و محرم نوشته است: «[این] دو عملیات [که] انجام شد، نشان می‌دهد که ما می‌توانیم با توان عمده‌یی که در دست داریم، عملیاتی گسترده را طرح‌ریزی کنیم.»^(۴۵)

در واقع، پایه و اساس عملیات گسترده در منطقه‌ی جنوب که هدفش تعیین سرنوشت جنگ بود، بر اساس نتایج دو عملیات محدود که در چارچوب راهبرد نظامی عملیات محدود اجرا شد، بار دیگر شکل گرفت.^(۴۶)

۳. سومین دستاورد راهبرد عملیات محدود، ارتقا و گسترش سازمان رزم سپاه بود. منحنی جذب نیروی مردمی از عملیات ثامن الائمه^(۴۷) تا عملیات بیت المقدس رشد فوق‌العاده‌یی را نشان می‌داد، اما حرکت این منحنی در حد فاصل عملیات بیت المقدس تا عملیات رمضان سیر یک‌نواختی داشت. تحلیل این موضوع، فرماندهان سپاه را به این نتیجه رساند که ظرفیت سازمانی سپاه برای جذب نیروهای مردمی پر شده است. تیپ‌های مستقل سپاه - که در نبردهای گذشته اغلب بیش از ده گردان را زیر پوشش خود داشتند- نیز نشان می‌داد که گسترش سازمان، امری اجتناب‌ناپذیر است. ضمن آن‌که برای پیشبرد استراتژی کلان جنگ می‌بایست سازمان رزم، ارتقا و گسترش می‌یافت، طوری که توازن بین اهداف استراتژی با توان نظامی حفظ می‌شد. بر همین اساس، سپاه در چارچوب این راهبرد نظامی با حرکتی جهشی تیپ‌های مستقل خود را به لشکر تبدیل کرد و نیروی زمینی را تشکیل داد.^(۴۷)

۴. با اجرای این راهبرد عملیاتی، تسلسل پیروزی‌ها که در عملیات رمضان متوقف شده بود، بار دیگر آغاز شد. همچنین، رزمندگان که به دلیل ناکامی در عملیات رمضان روحیه‌شان تضعیف شده بود، بار دیگر انگیزه‌ی لازم را برای نبردهای آینده به

آن‌ها بحث کنند. در این باره، محسن رضایی فرمانده وقت کل سپاه که موثرترین فرد در طراحی و مدیریت راهبردهای نظامی جنگ محسوب می‌شد در یکی از جلسات فرماندهان بر ضرورت تقویت توان رزمی و مشکل محدودیت زمانی اشاره و این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کند: «در حال حاضر باید همین شیوه‌ی چند ماه قبل را عملی کنیم.» وی در ادامه خطاب به اعضای جلسه می‌گوید: «شیوه‌ی جنگ ما چگونه باشد، آیا باز مثل سابق عمل کنیم یا باید شیوه‌ی جنگ را تغییر دهیم و آیا زمانش رسیده است یا نه؟»

راهبرد نظامی کلان جنگ که تا آن زمان تنها

بر اساس تصرف

بصره دنبال می‌شد،

با افزایش اهداف

نظامی تغییر

یافت. طوری‌که

فرماندهان عالی

جنگ راهبرد کلان

آینده جنگ را این

گونه ترسیم کردند:

«پیش‌روی به نقاط

ذیل، جنگ را به

مرحله‌ی جدیدی

می‌کشاند که

می‌توانیم خواسته‌های خود را بر دشمن تحمیل کنیم:

۱. تصرف بصره (منطقه‌ی شرق بصره). ۲. تصرف

منطقه‌ی العماره - علی غربی. ۳. زیر آتش قرار دادن

بغداد.»^(۴۴)

همان‌طور که مشاهده می‌شود، زیر آتش قرار

دادن بغداد پایتخت عراق و تصرف العماره هم جزء

اهداف راهبردی کلان جنگ شد. طرح و اجرای

عملیات‌های گسترده‌ی والفجر مقدماتی و والفجر ۱

و نیز بر همین اساس بود.

۲. دستاورد دیگر راهبرد عملیات محدود،

دستاورد دیگر راهبرد عملیات محدود،
فراهم کردن زمینه‌ی اجرای عملیات
گسترده بود. سرهنگ صیاد شیرازی در
خاطراتش درباره‌ی پیامد دو عملیات
مسلم بن عقیل و محرم نوشته است:
«[این] دو عملیات [که] انجام شد،
نشان می‌دهد که ما می‌توانیم با توان
عمده‌یی که در دست داریم، عملیاتی
گسترده را طرح‌ریزی کنیم

مقدس، ۱۳۸۴، ص ۷۲-۶۹.

۱۰. مأخذ ۵، ص ۳۳.

۱۱. محمد درودیان، خرمشهر تا فاو، تهران، مرکز اسناد و

تحقیقات دفاع مقدس، ۱۳۶۷، ص ۲۷.

۱۲. همان، ص ۲۹.

۱۳. مأخذ ۶، ص ۹۰.

۱۴. سند شماره ۱۷۰ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس:

دفترچه‌ی ثبت جنگ راوی: شهید محمدتقی رضوانی

۱۵. پیاده نوار شماره ۸۲۱۳، ص ۴، (۱۳۶۱/۶/۲۷) و نوار

شماره ۶۸۹۱، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس:

جلسه‌ی فرماندهی در قرارگاه رمضان، (۱۳۶۱/۷/۳).

۱۶. همان.

۱۷. همان.

۱۸. سند شماره ۱۰۰ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس:

دفترچه‌ی راوی قرارگاه کربلا شهید رضوانی، ص ۶۰.

۱۹. همان.

۲۰. پیاده نوار شماره ۶۹۰۲، ص ۳ و ۴، مرکز اسناد و تحقیقات

دفاع مقدس: جلسه‌ی قرارگاه کربلا، (۱۳۶۱/۷/۵).

۲۱. همان.

۲۲. پیاده نوار شماره ۶۸۷۱، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع

مقدس: جلسه‌ی قرارگاه کربلا، (۱۳۶۱/۶/۱۱).

۲۳. پیاده نوار شماره ۷۰۳۴، ص ۲۳، مرکز اسناد و تحقیقات

دفاع مقدس: جلسه‌ی قرارگاه کربلا، (۱۳۶۱/۷/۱۶).

۲۴. پیاده نوار شماره ۷۰۳۱، ص ۲ و ۳، مرکز اسناد و تحقیقات

دفاع مقدس: جلسه‌ی قرارگاه کربلا، (۱۳۶۱/۷/۱۲).

۲۵. پیاده نوار شماره ۶۸۸۴، ص ۹ تا ۲۰، مرکز اسناد

و تحقیقات دفاع مقدس: جلسه‌ی قرارگاه کربلا،

(۱۳۶۱/۶/۱۸).

۲۶. پیاده نوار شماره ۶۹۰۸، ص ۲ و ۳، مرکز اسناد

و تحقیقات دفاع مقدس: جلسه‌ی قرارگاه قدس،

(۱۳۶۱/۷/۱۱).

۲۷. پیاده نوار شماره ۶۸۹۱، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع

مقدس، (۱۳۶۱/۷/۳).

۲۸. مأخذ ۲۲، ص ۲۸.

۲۹. مأخذ ۵، ص ۲۸.

۳۰. همان، ص ۳۶.

۳۱. همان.

دست آورند، طوری که سرهنگ صیاد شیرازی پس

از عملیات مسلم بن عقیل در قرارگاه کربلا گفت:

این برداشتی که از عملیات مسلم بن عقیل کردیم

و از نظر ما که فعلاً یک بیننده هستیم و تاریخ‌ها در

فکر و ذهن مان ثبت می‌شود، ما این عملیات‌ها را

پشت سر هم می‌بینیم و تقریباً درجه‌ی بسیار حقیری

نسبت به آن رزمندگانی که در خط اول هستند و

شهید می‌شوند و یا حضور دارند و می‌جنگند را

داریم، اقلاً ما می‌توانیم یک مقایسه بکنیم که در کدام

عملیات روح معنویت بیش‌تر حاکم است که تا این

موقع ما عملیاتی از نظر روح معنویت و روحانیت

از عملیات فتح‌المبین قوی‌تر نداشتیم. ما در عملیات

مسلم بن عقیل که مقایسه کردیم با این‌که عملیات

کوچک‌تری نسبت به عملیات فتح‌المبین بود، ولی

به نظر ما از نظر روح معنویت حتی این‌جا بالاتر بود

که ما باید خدا را شکر کنیم که این هم یک پیشرفت

تکاملی است که ما در این مسیر اعتقادی حرکت‌مان

طی می‌کنیم.^(۴۸)

فهرست منابع

۱. جان ام. کالینز، استراتژی بزرگ اصول و رویه‌ها،

ترجمه‌ی کورش پانیدر، تهران، دفتر مطالعات سیاسی

و بین‌المللی، ۱۳۷۰، ص ۴۵.

۲. سن تسو، هنر جنگ، ترجمه‌ی حسن حبیبی، تهران،

قلم، ۱۳۶۴، ص ۴۳.

۳. میرعلی محمدنژاد، فرهنگ استراتژی، تهران، سنا،

۱۳۷۸، ص ۱۸.

۴. حسن دری، ۱۳۹۰.

۵. حسین اردستانی، تنبیه متجاوز، تهران، مرکز اسناد و

تحقیقات دفاع مقدس، ۱۳۸۴، ص ۲۶.

۶. حسن دری، کارنامه‌ی نبردهای زمینی، تهران، مرکز

اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ۱۳۸۱، ص ۸۳.

۷. مأخذ ۵، ص ۲۸.

۸. همان، ص ۲۶.

۹. محمد درودیان، نقد و بررسی جنگ ایران و عراق -

روند پایان جنگ، تهران، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع

چمران بویه*

[illegible]

خود به دنبال مکمل‌های سرزمینی در محیط اطراف خود هستند. پی‌گیری این استراتژی بیش‌تر به جنگ انجامیده است. عراق از جمله کشورهایی است که به لحاظ سرزمینی چنین وضعیتی دارد. تنگنای ژئوپلیتیکی عراق از زمان موجودیت این کشور نقش مهمی در روابط خارجی آن با محیط بین‌المللی داشته است. از آنجا که دسترسی عراق به دریا با محدودیت همراه است؛ یکی از اهداف این کشور برطرف کردن این تنگنای ژئوپلیتیکی بوده

جنگ و جنگ طلبی عملی در جهت تغییر محیط فیزیکی و روانی یک کنش گر است. این تغییر در مختصات جغرافیایی، در قالب مفهوم قلمروخواهی نمود پیدا می کند. قلمروخواهی، یک استراتژی در سیاست خارجی دولت ها است که بر تحصیل سرزمین و منابع موجود در آن برای افزایش قدرت ملی کشورها دلالت می کند. استراتژی قلمروخواهی بیش تر ریشه در نیازها و ضعف های سرزمینی دارد، طوری که کشورها برای رفع نقاط ضعف سرزمینی

* دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی و دانشگاه تربیت مدرس

سیاست خارجی آن جایگاه محوری یافته است. از این رو، نویسنده این نوشتار درصدد برآمدن باروش‌شناسی توصیفی-تحلیلی، تأثیر تنگناهای ژئوپلیتیکی را در استراتژی جنگ طلبانه عراق بررسی کند.

مبانی نظری

۱. جنگ

اندیشمندان بسیاری تا کنون به بررسی ریشه‌های فلسفی جنگ در حوزه‌ی فلسفه‌ی سیاسی پرداخته‌اند، اما اولین تفکرات فلسفی در مورد جنگ را می‌توان در فلسفه‌ی سیاسی مردمان مشرق زمین به ویژه هندیان جست‌وجو کرد. گسترش قلمرو سیاسی امپراتوری هند در قرن چهارم قبل از میلاد موجب تحولات شگرفی در ساختارهای جامعه‌ی هند شد که به دنبال آن فرهنگ و فلسفه‌ی سیاسی ویژه‌ی هند شکل گرفت. فلسفه‌ی سیاسی هند طبیعت انسانی را خودخواه، تبهکار، مستعد تجاوز، ظلم و شیفته حکومت اقویا می‌داند. از این رو، تأکید فلسفه‌ی سیاسی هند بیش‌تر بر پشتیبانی از سیاست نظامی بوده است.^(۲) فیلسوفان یونانی نیز جنگ را جزئی از نظام طبیعی جهان می‌پندارند، برای نمونه هراکلیت جنگ را عامل پیشرفت و شاخصی برای ارزیابی و تقسیم‌بندی افراد می‌داند. از نظر وی جنگ ریشه‌ی همه چیز است.^(۳) افلاطون نیز جنگ را شکل حاد شر عام یعنی خودپرستی طبیعی در سرشت انسان می‌داند.^(۴) وی و اندیشمندان دیگری چون ارسطو و کانت ریشه‌ی جنگ را نیازهای تجملاتی و هوس‌های انسان می‌دانند.^(۵) به همین دلیل، انسان به ناچار به جنگ و ستیز با انسان‌های دیگر کشانده می‌شود.^(۶) هابز ستیز انسان‌ها با یک‌دیگر را امری طبیعی می‌داند و تأکید می‌کند انسان‌ها به طور طبیعی در حالت جنگ به سر می‌برند. وی معتقد است که بیش‌تر

است. عراق از آغاز تأسیس خود تا سقوط سلطنت خاندان هاشمی بیش‌تر به دریای مدیترانه توجه داشت. حاکمان بغداد حدود ۴۰ سال می‌کوشیدند با ضمیمه کردن سوریه، لبنان، فلسطین و اردن به عراق کشوری بزرگ تحت لوای خاندان هاشمی عراق به وجود آورند اما موفق نشدند.^(۱) محقق نشدن چنین امری سیاست‌های عراق را متوجه خلیج فارس کرد، اما واقعیت‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی عراق در این سو نیز با بن‌بست رو به رو شد، زیرا این کشور به دلیل طول کم سواحل خود جایی میان کشورهای مسلط بر این خلیج نداشت و نمی‌توانست در امور سیاسی-اقتصادی آن نقش مؤثری ایفا کند. این کشور تنها در صورتی می‌توانست در تحولات خلیج فارس مؤثر واقع شود که شکل مرزهایش به منظور افزایش طول سواحل و دسترسی بیش‌تر به خلیج فارس تغییر می‌یافت و این امر تنها از راه تحصیل سرزمین‌های ایران و کویت ممکن بود.

جغرافیای هر کشور بسیاری از اندیشه‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و راه‌حل‌ها را به مسئولان آن کشور تحمیل و گاهی فراتر از اصول و انتزاعیات عمل می‌کند

عراق مدت‌ها مدعی مالکیت بر کویت به ویژه جزایر وره و بوبیان بود و از سوی دیگر خوزستان ایران را نیز عربستان می‌نامید. سرانجام این کشور برای تصرف خوزستان ایران، مالکیت انحصاری ارون‌درود و تصرف جزایر وره و بوبیان به ایران و کویت حمله‌ی نظامی کرد.

به نظر می‌رسد متأثر از ویژگی‌های ژئوپلیتیکی عراق، فارغ از هر نوع حکومتی استراتژی‌های توسعه طلبانه و تهاجمی این کشور در رویکردهای

۲. لَبْسروم (فضای حیاتی)

مفهوم لبسروم در اندیشه‌های عصر روشن‌گری و گرایش‌های جهان‌وطنی در سنت‌های رماتیک و تاریخ‌گرای آلمان ریشه دارد. از فلاسفه نیز افلاطون، ارسطو، سیسرو، هابز، روسو، فیخته و هربرت اسپنسر دیدگاهی ارگانیک درباره‌ی نهاد دولت داشته‌اند و آن را با بدن انسان مقایسه می‌کردند.^(۱۱) سرانجام فردریش راتزل و کارل هاوس هوفر، لبسروم را در قالب نظریه‌ی دولت ارگانیک تئوریزه کردند. بر اساس این دیدگاه، دولت به مثابه پدیده‌ی طبیعی و زیستی ادراک می‌شود که از طریق مؤسسات مختلف خود کارکردهای گوناگونی ارائه می‌دهد. کارکردهای مناسب نشان دهنده‌ی صحت

کل بخش‌های متشکل (اندام) دولت است.^(۱۲) لبسروم مورد نظر راتزل سرزمینی است که پیکره‌ی ارگانیک دارد. از این رو، گسترش مرزهای دولت، بازتابی از سلامت و توان توسعه‌ی آن ملت است و دولت‌ها همانند جانوران رشد می‌کنند و در صورت نبود فضای حیاتی

گسترش خط ساحلی و دسترسی
آسان به آب‌های ساحلی خلیج
فارس از اهداف استراتژیک عراق
بوده است که این مهم از طریق
پیوست خوزستان ایران به عراق،
حاکمیت انحصاری این کشور بر
اروندرو، در اختیار داشتن کویت یا
دست کم حاکمیت بر دو جزیره‌ی
کویت و ربه و بویان امکان‌پذیر است

ناتوان می‌شوند و سرانجام می‌میرند. بر این اساس، مرز دولت‌ها کارکردی موقت، پویا و متغیر دارند. دترمینیسم ناشی از لبسروم موجب شد دولت‌های قوی‌تر تحصیل سرزمین‌های متعلق به دولت‌های ضعیف را توجیه کنند.^(۱۳) در بسیاری از نظریه‌های ژئوپلیتیک دولت‌ها به منظور تأمین فضای حیاتی ناگزیر از قدرت‌یابی روزافزون از طریق نفوذ در دیگر قلمروها هستند.^(۱۴) بنابراین در اندیشه‌ی لبسروم جنگ مقوله‌ی اجتناب‌ناپذیر است.

امیال و خواسته‌های فطری انسان در جهت پیکار با هم‌نوعانش قرار دارد و عامل تمامیت‌خواهی سبب می‌شود انسان در برابر هرآنچه در محیط اطرافش وجود دارد، میل به تصاحب و تملک داشته باشد.^(۷) از این رو، در جهانی که انسان‌ها در قالب جوامع گوناگون از یک‌دیگر جدا شده‌اند، یک جامعه‌ی مفروض تنها در صورت بهره‌کشی از یک یا چند کشور دیگر می‌تواند رشد و توسعه یابد. نتیجه این‌که علل پیدایش جنگ در اختلاف حکومت‌ها با رقابا نهفته است.^(۸) ماکیاول جنگ را با میل انسان‌ها به آزادی مرتبط می‌داند. وی بر این باور است که میل به آزادی موجب می‌شود آدمی همه‌ی ابزارهای لازم را برای تحقق آن به کار گیرد و حتی در این مسیر به محدود کردن و اسارت آزادی دیگران نیز اقدام کند. در واقع میل به آزادی، در تمایل انسان به ایجاد یک امپراتوری ارضی نمود پیدا می‌کند که هدف آن نیز توسعه‌ی قلمرو سرزمینی و حفظ آزادی‌های به دست آمده در آن است. در نتیجه تلاش برای توسعه‌ی ارضی و حفظ آزادی‌های آن به دلیل تمایل آزادی‌خواهانه‌ی دیگران زمینه‌ساز تصادم و جنگ می‌شود.^(۹) کلاسوویتز صرف‌نظر از دیدگاه‌های اخلاق مدارانه، جنگ را ابزار عقلانی سیاست ملی می‌داند. وی بر سه مؤلفه‌ی عقلانی، ابزار و ملی تأکید دارد. از نظر او، تصمیم به جنگ باید عقلانی باشد، به این معنا که بر هزینه‌ها و عواید برآورد شده‌ی جنگ مبتنی باشد. همچنین جنگ باید ابزاری باشد، یعنی برای رسیدن به هدفی انجام گیرد و هرگز به هدف جنگ، جنگیدن نباشد و استراتژی و تاکتیک‌ها باید در جهت یک هدف آن هم پیروزی باشند. سرانجام، جنگ باید ملی باشد، به این معنا که هدف آن ارتقاء‌ی منافع دولت ملی باشد و همه‌ی تلاش‌های ملت در خدمت به هدف نظامی بسیج شوند.^(۱۰)

۳. ژئوپلیتیک

بیش منسجم در ژئوپلیتیک جهانی یا وضعیت و منافع یک کشور است. بنابراین کدهای ژئوپلیتیک اساس سیاست خارجی کشورها را تشکیل می‌دهد و نوع منافع، عوامل تهدیدکننده‌ی منافع و نوع واکنش در برابر تهدیدها را تبیین می‌کند.^(۱۷) از این رو، یک منطقه یا مختصات جغرافیایی محل کنش و واکنش کدهای ژئوپلیتیک کشورها است که بسته به ماهیت کدها (هم‌سو و غیر هم‌سو) فضای تقابل و منازعه یا مسالمت‌آمیز و هم‌کاری شکل می‌گیرد.

۶. استراتژی ژئوپلیتیک

استراتژی ژئوپلیتیک را اولین بار هاوس هوفر آلمانی مطرح کرد. وی مدعی شد که آلمان و روسیه در مقام دو قدرت بزرگ اروپا، باید در آسیا به اشتراک منافع دست یابند. این ترتیبات به آلمان امکان می‌داد تا از طریق ژاپن با آمریکا ارتباط یابد.^(۱۸) استراتژی ژئوپلیتیک عبارت است از خط‌مشی‌یی که دولت بر پایه‌ی جنبه‌های فضایی - جغرافیایی و عوامل ژئوپلیتیک ثابت و متغیر علیه رقبای خود در پیش می‌گیرد تا به اهداف و منافع ملی خود دست یازد.^(۱۹) به عبارت دیگر، یک استراتژی جامع و متکی بر واقعیت‌های ژئوپلیتیک گونه‌ای از طراحی برنامه است که از آن با عنوان "استراتژی ژئوپلیتیک" یاد می‌شود. ماهیت چنین برنامه‌یی بر پایه‌ی نگرش‌های استراتژیک قرار دارد که مبتنی بر نحوه‌ی ادراک یک کشور از منافع حیاتی خود در محیط بین‌المللی است.

الف. یافته‌های پژوهش

۱. جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک عراق

یکی از عواملی که در هر شرایطی سیاست یک کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد، جغرافیا است. جغرافیای هر کشور بسیاری از اندیشه‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و راه‌حل‌ها را به مسئولان آن کشور تحمیل و گاهی فراتر از اصول و انتزاعات عمل می‌کند.^(۲۰)

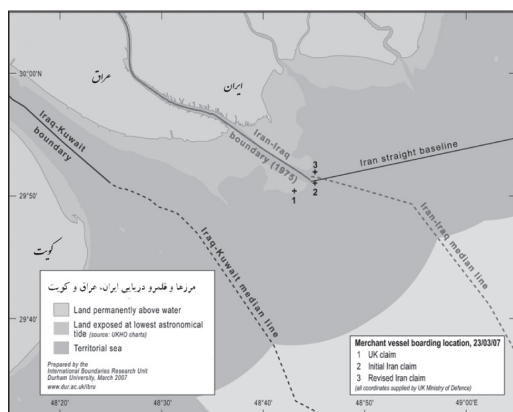
۴. واقعیت‌های ژئوپلیتیک

واقعیت‌های ژئوپلیتیک بیان‌گر ادراکات ژئوپلیتیک هستند که ماهیتی جغرافیایی-سیاسی دارند و رفتار سیاسی، استراتژی‌ها، اهداف و منافع ملی، امنیت ملی، تمامیت ارضی، بقا و موجودیت کشورها را توجیه می‌کنند، طوری که چشم‌پوشی از آن‌ها تحقق اهداف حیاتی و استراتژیک کشورها را با مشکل رو به رو می‌کند. بنابراین، واقعیت‌های ژئوپلیتیک، سیاست داخلی و خارجی دولت‌ها را در مسیر دستیابی به منافع ملی هدایت می‌کند. ادراک ناشی از یک واقعیت ژئوپلیتیک زمینه‌ساز تدوین کدهای ژئوپلیتیک کشورها می‌شود. بر این اساس، بسته به میزان آگاهی و درک از واقعیت‌های ژئوپلیتیک، استراتژی ملی کشورها تدوین می‌شود.

۵. کد ژئوپلیتیک

کد ژئوپلیتیک عبارت است از دستور کار عملیات سیاست خارجی یک کشور که در ماورای مرزهای خود، مکان‌های جغرافیایی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. کد ژئوپلیتیک به نوعی نتیجه‌ی استدلال مجموعه‌یی از پیش‌فرض‌های سیاسی-جغرافیایی مربوط به زیرساخت سیاست خارجی یک کشور است.^(۲۱) کد ژئوپلیتیک نماینده‌ی دیدگاه‌های کم و

و همسایگانش همواره وجود داشته باشد. عارضه‌ی دوم، محصور بودن نسبی عراق در خشکی است که نوعی تنگنای ژئوپلیتیک را به لحاظ عدم دسترسی این کشور به آب‌های آزاد ایجاد کرده است و تمایل استراتژیک عراق را برای حضوری وسیع‌تر در خلیج فارس برجسته می‌کند.^(۲۱) به عبارت دیگر، کرانه‌های جنوبی عراق به دلیل تأمین نکردن نیازهای این کشور ناکارآمد محسوب می‌شوند. طول کرانه‌ی دریایی عراق در خلیج فارس حدود ۵۸ کیلومتر است^(۲۲) که در فاصله‌ی خور عبدالله (مرز مشترک عراق با کویت) و جزیره‌ی آبادان قرار دارد. با احتساب طول آب‌راه خور عبدالله، عراق حداکثر ۸۰ کیلومتر در خلیج فارس ساحل دارد. بصره، ام‌القصر و فاو سه بندر معروف آن در خلیج فارس و دهانه‌ی اروندرود هستند که به دلیل عمق کم و باتلاقی بودن برای رفت و آمد نفت‌کش‌ها مناسب نیستند.



مرزها و قلمرو دریایی ایران، عراق و کویت بر اساس معاهده‌ی الجزایر ۱۹۷۵

این امر یکی از مشکلات ژئوپلیتیکی عراق از نظر اقتصادی، ارتباطی، نظامی و راهبردی محسوب می‌شود، طوری که رفتار سیاسی- نظامی این پرجمعیت‌ترین کشور عربی خلیج فارس را تحت تأثیر قرار داده است و از بازی‌گری آن در این منطقه‌ی ژئوپلیتیک ممانعت می‌کند. در واقع چاره‌جویی برای تنگنای ناشی از کمبود

سرزمین عراق در سال ۱۵۳۵م پس از شکست نیروهای ایرانی از سپاه عثمانی به تصرف آن امپراتوری درآمد و تا پایان جنگ جهانی اول، به جز سال‌های ۱۶۲۵-۱۶۳۸ که در تصرف ایران بود، بخشی از عثمانی به شمار می‌رفت. پس از جنگ جهانی اول، با فروپاشی امپراتوری عثمانی و تجزیه‌ی آن به دست متفقین، عراق از سه ولایت موصل در شمال (کردستان)، بغداد در مرکز (بخش سنی‌نشین کشور) و بصره در جنوب (بخش شیعه‌نشین و اکثریت) تشکیل شد و براساس معاهده‌ی سور در ۱۰ اوت ۱۹۲۰م. تحت قیمومیت انگلستان قرار گرفت. تا آغاز جنگ جهانی دوم عراق زیر نفوذ انگلستان قرار داشت اما دوازده سال بعد یعنی در سال ۱۹۳۲م. از سلطه‌ی انگلستان خارج شد و به طور رسمی استقلال یافت. در سال ۱۹۴۱م. رشید عالی گیلانی با کودتا، زمام قدرت را در عراق به دست گرفت، اما نتوانست در برابر هجوم سربازان انگلیسی مقاومت کند. تا سال ۱۹۵۸ خاندان هاشمی بر عراق حکومت می‌کرد. سرانجام در همان سال حکومت پادشاهی عراق به دنبال کودتای عبدالکریم قاسم سرنگون و حکومت جمهوری اعلام شد. چند سال بعد، حزب بعث عراق علیه قاسم کودتا کرد و زمام امور را به دست گرفت. بر این اساس، دلیل وجودی عراق در پیوند با خواست همگانی نبوده و بیش‌تر ریشه در فروپاشی امپراتوری عثمانی و منافع قدرت‌های فرامنطقه‌یی (انگلستان و فرانسه) داشته است. این امر دو عارضه‌ی مهم برای این کشور در پی داشته است: اولین عارضه، اختلافات ارضی و مرزی عراق با همه‌ی همسایگان به جز عربستان سعودی است. این اختلافات به دلیل قراردادی بودن مرزها، به منابع آب و نفت و گاز نیز تسری یافت و موجب شد زمینه‌ها و بسترهای منازعه و تنش میان این کشور

جنوب اروندرکنار به خلیج فارس می‌ریزد. عرض این رود بین ۴۰۰ تا ۱۰۰۰ متر و عمق آن تا حدود ۱۸ متر متغیر است. بندرهای ایرانی خرمشهر و آبادان و همچنین بزرگ‌ترین بندر عراق یعنی بصره در کناره‌های این رودخانه واقع شده‌اند. این رود میان ایران و عراق مشترک است و طبق قوانین بین‌المللی هر دو کشور حقوق یکسانی در استفاده از آن دارند. با توجه به این که نحوه‌ی تعیین خط مرز برای رودخانه‌های مرزی یا به روش خط فرض مقسم‌المیاه (خط فرض منصف وسط رودخانه) است یا به روش تالوگ (به معنای خط‌القدر قابل کشتی‌رانی در حالت جزر کامل) رودخانه‌ی اروندر طبق مشخصاتی که دارد باید به روش تالوگ تعیین مرز می‌شد، اما عراق مدعی مالکیت کامل بر همه‌ی رودخانه بود و مرز را ساحل ایران و نه در امتداد خط تالوگ می‌دانست که این ادعا فاقد مبنای حقوق بین‌الملل بود. در واقع با این فرض اروندرود جزء آب‌های داخلی عراق به شمار می‌آمد و حق استفاده‌ی ایران برای کشتی‌رانی، ماهی‌گیری و برداشت آب از این رودخانه باید با اجازة و تصویب عراق و پرداخت عوارض انجام می‌شد. نزدیک به ۱۳ رودخانه در طول مرزهای مشترک ۱۶۰۰ کیلومتری ایران و عراق وجود دارد که در همه‌ی آن‌ها خط منصف به عنوان مرز مشترک پذیرفته شده است. ولی عراق این استثنای غیر قانونی را تنها برای اروندرود قائل شده است.^(۲۶) البته ریشه‌ی این ادعای عراق به قرارداد ۱۳ تیر ۱۳۱۶ میان دو کشور ایران و عراق برمی‌گردد که طبق آن حق کشتی‌رانی در سراسر اروندر به استثنای ۵ کیلومتر از آب‌های آبادان تا خط تالوگ (با فشار انگلستان) به دولت عراق واگذار شد و مالکیت عراق بر همه‌ی اروندرود به استثنای آن ۵ کیلومتر گسترش یافت.^(۲۷) با کودتای عبدالکریم قاسم در آذر ۱۳۳۷ اروندرود روابط ایران و عراق را دچار بحران سختی کرد. این در حالی بود که حسن البکر (رهبر کودتاکنندگان

فضای آبی و ساحلی به هدفی آرمانی برای عراق مبدل شده است.^(۲۳) از این رو، گسترش خط ساحلی و دست‌رسی آسان به آب‌های ساحلی خلیج فارس از اهداف استراتژیک عراق بوده است که این مهم از طریق پیوست خوزستان ایران به عراق، حاکمیت انحصاری این کشور بر اروندرود، در اختیار داشتن کویت یا دست کم حاکمیت بر دو جزیره‌ی کویتی وره و بوبیان امکان‌پذیر است. وضعیت نامساعد کرانه‌ی عراق سبب شده است تحدید حدود مرزهای دریایی در شمال خلیج فارس که به هم‌کاری و تفاهم ایران، عراق و کویت نیاز دارد، هرگز عملی نشود. در واقع این کشور به دلیل مشکلات ژئوپلیتیکی انگیزه‌ی برای حل موضوع ندارد و منافع خود را در حل و فصل نشدن آن ارزیابی می‌کند.^(۲۴)

با پایان یافتن جنگ جهانی اول و تجزیه‌ی عثمانی و پدید آمدن کشورهای ترکیه، عراق، کویت و... شیخ خزعل نیز در صدد تجزیه‌ی خوزستان و حکمرانی بر آن برآمد که با مداخله‌ی ارتش رضا شاه غائله‌ی خزعل پایان گرفت

۲. کدهای ژئوپلیتیکی عراق

۲-۱. اروندرود

اروندرود در جنوب غربی کشور و هم‌مرز با کشور عراق است که از پیوستن رودهای دجله، فرات و کارون پدید آمده است. این رود پس از طی مسافتی طولانی در محلی به نام قصبه‌ی فیله به خاک ایران می‌رسد.^(۲۵) طول بخش مرزی این رودخانه ۸۴ کیلومتر است. دجله و فرات پیش از پیوستن به کارون در شهر قرنه در ۱۱۰ کیلومتری شمال غربی آبادان به هم می‌پیوندند. طول اروندرود از قرنه تا ریزشگاه آن در خلیج فارس ۱۹۰ کیلومتر است. ریزشگاه اروندرود بین شهر ایرانی اروندرکنار و شهر عراقی فاو قرار دارد که در نهایت در ۸ کیلومتری

شد. در آغاز جنگ شهرهایی چون سوسنگرد، دزفول، اندیمشک، خرمشهر، آبادان و اهواز (مرکز خوزستان) پی‌درپی هدف حملات موشکی و توپ‌خانه‌ای ارتش عراق قرار داشتند. این استان به لحاظ هویت تاریخی خود همواره مورد ادعای عراق بود. در دوران مقارن با حکومت شاهرخ میرزای تیموری حکومت‌های محلی غرب ایران تحت حاکمیت جهانشاه قره‌قویونلو که شیعه مذهب بود، قرار داشت و حکومت فارس و خوزستان نیز در سلطه‌ی عبدالله سلطان نوه‌ی شاهرخ میرزا بود. در این زمان که مذهب شیعه در ایران و عراق رواج داشت. فردی به نام سید محمد مشعشع در بستر مساعد جامعه‌ی شیعی خوزستان ادعای

مهدویت کرد و با استفاده از احساسات مردم قیامی تدارک دید. در این اوضاع و احوال شاهرخ میرزا فوت کرد. به دنبال این رخداد، جهانشاه قره‌قویونلو ضمن اعلام استقلال قسمت‌های دیگر ایران را تصرف کرد ولی به دلیل اعتقاد به

عراق می‌کوشید با القای آموزه‌های پان‌عریسم و جذب نواحی عرب‌نشین موجبات جدایی خوزستان را فراهم کند

مذهب شیعه در مورد منطقه‌ی جنوب غرب ایران و جنوب شرق عراق که یاران محمد مشعشع در آن جا نفوذ پیدا کرده بودند، چندان سخت‌گیری نکرد و همین امر موجب گسترش نفوذ مشعشعیان در خوزستان و جنوب شرقی عراق شد و حدود ۷۰ سال به طور مستقل در این منطقه حکومت کردند. مشعشعیان سرانجام در سال ۱۹۱۴ با حمله‌ی شاه اسماعیل صفوی سرنگون شدند. بر این اساس، عراق با استناد به خلأ قدرت دولت مرکزی ایران در دوران مشعشعیان و همچنین عرب‌نژاد بودن آنها ادعاهای توسعه‌طلبانه‌ی خود را

علیه حکومت عراق ادعای حاکمیت مطلق عراق بر اروندرود را مطرح کرد و مقامات بعثی تصمیم گرفتند اسناد و مدارک کشتی‌هایی را که وارد اروندرود می‌شوند را بازرسی کنند. به دنبال این تصمیم در ۲۶ فروردین ۱۳۴۸ وزارت امور خارجه‌ی عراق آبراه اروندرود (شط‌العرب) را جزء جدایی‌ناپذیر خاک عراق دانست و از ایران خواست پرچم‌های خود را از روی کشتی‌ها پایین بیاورد. در پی این اقدام، دولت ایران در اردیبهشت ۱۳۴۸ عهدنامه‌ی مرزی ۱۳۱۶ را ملغی و تمایل خود را به انعقاد قراردادی مبتنی بر خط تالوگ اعلام کرد. بر اثر این رویداد دو کشور با یک‌دیگر درگیری نظامی پیدا کردند، اما با میانجی‌گری هواری بومدین در جریان اجلاس سران اوپک، در این باره توافقاتی انجام گرفت. به موجب عهدنامه‌ی الجزایر و با پذیرش خط تالوگ به منزله‌ی خط مرزی دو کشور، عملاً حاکمیت ایران بر اروندرود پذیرفته شد. با این حال، پس از این قرارداد به ویژه با فروپاشی نظام شاهنشاهی ایران، رهبران عراق بارها در سخنان خود خواستار برقراری حاکمیت مطلق آن کشور بر اروندرود شدند و اعلام کردند که می‌خواهند به موضع پیش از سال ۱۹۷۵ برگردند. (۲۸)

۲-۲. خوزستان

استان خوزستان با مساحت ۶۴/۰۷۵ کیلومتر مربع در جنوب غربی ایران و در جوار خلیج فارس و اروندرود قرار دارد. خوزستان از شمال به استان لرستان، از شمال شرقی و شرق به استان چهارمحال و بختیاری، از شمال غربی به استان ایلام، از شرق و جنوب شرقی به استان کهگیلویه و بویراحمد، از جنوب به خلیج فارس، و از غرب به کشور عراق محدود می‌شود. در این استان از ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ تا آخرین روز جنگ تحمیلی عملیات‌های گوناگونی برای بازپس‌گیری مناطق اشغال شده‌ی ایران انجام

قائل شوند. به عقیده آنان این همراهی سبب می‌شد تا اشغال خوزستان رنگ آزادسازی به خود گیرد. از این رو، در گام اول عراق سعی در تحریف تاریخ خوزستان می‌کرد که در این خصوص به چاپ نقشه‌هایی از کشور خود اقدام کرد که خوزستان نیز با نام عربستان جزء آن بود.^(۳۰)

۲-۱. علایق ژئوپلیتیکی عراق در خوزستان

محدودیت عراق در دسترسی به آب‌های آزاد، گستره‌ی مانور این کشور را در خلیج فارس از نظر نظامی و اقتصادی محدود می‌کرد. تا جایی که از آغاز استقلال عراق دسترسی آسان و گسترده به آب‌های خلیج فارس پیوسته در زمره‌ی آرمان‌های رهبران آن کشور قرار گرفت. زمام‌داران دوران حکومت بعث برای رهایی از این مشکل ژئوپلیتیک همواره چند گزینه پیش روی خود داشتند که یکی از آن‌ها اشغال خوزستان بود. الحاق خوزستان به عراق مزیت‌هایی به این شرح برای این کشور داشت:

۱. تسلط بر منابع غنی نفت ایران.^(۳۱)
 ۲. حاکمیت انحصاری بر آب‌های اروندرود.
 ۳. تسلط بر منابع مهم آبی همچون رودهای کارون، کرخه، دز، هندیجان، جراحی، مارون و بهمنشیر.
 ۴. استفاده از مناطق حاصل خیز و جلگه‌یی خوزستان.
 ۵. بهره‌گیری از کانون‌های اقتصادی و نفتی از جمله بندرهای آبادان، خرمشهر، ماهشهر و امام خمینی (ره).
 ۶. افزایش طول کرانه‌ی ساحلی.
 ۷. تسلط بر اتحادیه‌ی عرب.
 ۸. تغییر جایگاه عراق در ساختار نظام ژئوپلیتیک منطقه‌یی و جهانی.
 ۹. تحکیم مبانی فکری حزب بعث و مشروعیت آن در جهان عرب.
- ویژگی‌های مذکور سبب شد نوک پیکان حملات عراق در جنگ با ایران متوجه استان خوزستان شود.

درباره‌ی تجزیه‌ی خوزستان مطرح می‌کرد. موقعیت سیاسی عشیره خزلی‌ها، به ویژه شیخ خزعل در خوزستان دوره‌ی قاجار نیز در طرح چنین ادعاهایی مؤثر بود. شیخ خزعل با استفاده از نفوذ خود در دربار قاجار و همچنین دوران پر آشوب مشروطیت در ایران دامنه‌ی حکمرانی و نفوذ خود در خوزستان را تثبیت کرد. با پایان یافتن جنگ جهانی اول و تجزیه‌ی عثمانی و پدید آمدن کشورهای ترکیه، عراق، کویت و... شیخ خزعل نیز در صدد تجزیه‌ی خوزستان و حکمرانی بر آن برآمد که با مداخله‌ی ارتش رضا شاه غائله‌ی خزعل پایان گرفت.^(۳۲) مجموعه‌ی فعل و انفعالات سیاسی خوزستان زمینه‌یی شد تا عراق

طرح ادعاهایش را درباره‌ی این منطقه، به ویژه پس از انقلاب ایران مطرح کند و تلاش‌های گسترده‌یی برای تجزیه‌ی خوزستان انجام دهد. مشکلات ناشی از انقلاب و ضعف دولت مرکزی ایران وضعیت مساعدی برای عراق فراهم کرده بود تا مطامع توسعه طلبانه‌ی

راه‌های دسترسی عراق به خلیج فارس در احاطه‌ی آب‌های ایران و کویت قرار گرفته و دو بندر بصره و ام‌القصر تحت تأثیر این امر دچار مشکل شده‌اند

خود را درباره‌ی خوزستان عملی کند. وجود اقلیت عرب خوزستان، این استان را در کانون توجه و مداخلات زمام‌داران عراق قرار داد، طوری که روابط گسترده‌ی عراق با گروهک‌ها و شیوخ قبایل عرب استان در استراتژی ژئوپلیتیکی این کشور جایگاه ویژه‌یی یافت. عراق می‌کوشید با القای آموزه‌های پان عربیسم و جذب نواحی عرب‌نشین موجبات جدایی خوزستان را فراهم کند. چنین اقدامی موجب شد تا زمام‌داران عراق در اشغال خوزستان برای همراهی و کمک اقلیت عرب استان اهمیت ویژه‌یی



۲-۳-۱. **علاقه ژئوپلیتیکی عراق در جزایر ورهبه و بوبیان:**
عراق از سال ۱۹۶۹ تا ۱۹۹۰ به طور جدی جزایر ورهبه و بوبیان را مطالبه می‌کرد. این کشور مایل بود که کویت این جزایر را یا به آن کشور واگذار کند یا به صورت ۹۹ ساله اجاره دهد. دلیل اصلی توجه عراق به این جزایر، وجود تنگنای فضایی در قلمرو آبی جنوب کشورش است. در واقع، راه‌های دسترسی عراق به خلیج فارس در احاطه‌ی آب‌های ایران و کویت قرار گرفته و دو بندر بصره و ام‌القصر تحت تأثیر این امر دچار مشکل شده‌اند. با پذیرش خط تالوگ در اروند عملاً از اهمیت بندر بصره کاسته شد، زیرا مسیر رفت و آمد کشتی‌ها در اروندرود در سمت ساحل ایران است. بندر ام‌القصر نیز در احاطه‌ی جزایر ورهبه و بوبیان قرار دارد و برای دسترسی به این بندر باید از آب‌های کویت عبور کرد. دولت عراق ادعا می‌کرد به دلیل وسعت کم فاقد عمق استراتژیک است و نمی‌تواند در برابر حملات خارجی از خود دفاع کند.^(۳۳) به همین دلیل

جزیره‌ی بویان در شمال شرقی کویت با حدود ۱۵۰۰ کیلومتر مربع وسعت، بزرگ‌ترین جزیره‌ی کویت است. این جزیره در مدخل شط العرب قرار دارد و به پایگاه دریایی ام‌القصر عراق مشرف است. کم‌ترین فاصله‌ی بویان با خاک عراق تقریباً ۲۰ کیلومتر است و فاصله‌ی آن تا آبادان نیز در همین حدود می‌باشد. بویان به طور تقریبی در ۶۵ کیلومتری جنوب غربی دهانه‌ی خور موسی، ۱۹۰ کیلومتری شمال غربی خارک و ۲۵۰ کیلومتری شمال غربی بوشهر قرار دارد. بخش‌های شمال و شمال شرقی این جزیره که در مجاورت خاک عراق قرار دارد، پست و باتلاقی است. بویان را یک پل بتونی به طول ۲۵۰۰ و عرض ۱۹ متر به خاک اصلی کویت متصل کرده است؛ به طوری که کشتی‌ها می‌توانند از زیر بخشی از این پل که در قسمت جنوبی جزیره‌ی بویان احداث شده است، عبور کنند. این پل به کویت امکان می‌دهد که در صورت لزوم نیروهای خود را به داخل این جزیره منتقل کند. کویت از مدت‌ها پیش می‌کوشد با استقرار ادوات پدافندی و احداث استحکامات نظامی و حتی ساختمان‌های مسکونی و وسایل تفریحی، حضور خود را در این جزیره اثبات کند. واقع شدن جزیره‌ی بویان در امتداد جزیره‌ی مهم خارک، اهمیت استراتژیکی این جزیره را دو چندان کرده است. جزیره‌ی بسیار کوچک ورره نیز در شمال جزیره‌ی بویان و در فاصله‌ی کمی از ۲۰ کیلومتر از آبادان قرار دارد و به وسیله باریکه‌ی آبی خور بویان از جزیره‌ی بویان جدا شده است. این جزیره نیز مانند بویان مشرف بر بندر ام‌القصر عراق است، بندری که در زمان عبدالکریم قاسم رئیس‌جمهور اسبق عراق تأسیس شد و در سال‌های بعد توسعه یافت.^(۳۲)

اسلامی ایران در جامعه‌ی مستعد عراق و همچنین مهیا شدن فرصتی تاریخی برای جبران تحقیر حاصل از امضای قرارداد الجزایر، حکومت صدام را به سوی رویارویی با ایران سوق داد. علاوه بر این، از آن‌جا که انقلاب ایران سطوح قدرت در خاورمیانه را دگرگون کرده بود، عراق می‌کوشید در محیط ژئوپلیتیکی جدید اهداف و آمال سیاسی خود را نیز پی‌گیری کند. این کشور پس از سرخوردگی چندین ساله در موضوع الحاق کویت به خاک خود این بار متوجه خاک ایران شد. از این رو، همگام با تحولات و دگرگونی‌های سیاست داخلی و خارجی ایران، تنش‌های سیاسی عراق نیز شدت می‌یافت و این کشور زمینه را برای برخورد با ایران فراهم می‌کرد.

۳-۱. تحولات و تحرکات سیاسی - نظامی عراق علیه ایران

چهار روز پس از پیروزی انقلاب اسلامی اولین واکنش سیاسی عراق در برابر انقلاب ایران در سخنان سعدون حمادی وزیر خارجه نمایان شد. وی در مصاحبه‌ی گفت: عراق به ثبات ایران تا آن‌جا علاقه‌مند است که این کشور با اعراب، به ویژه عراق روابط دوستانه برقرار کند و در امور عراق دخالت نکند. همچنین از سیاست استیلاجویی در خلیج فارس دست بشوید و به تمامیت ارضی دو کشور احترام بگذارد.^(۳۶) اما با گذشت چند ماه از پیروزی انقلاب، حملات سیاسی عراق به ایران آغاز شد و روزنامه‌ی الثورة ارگان حزب بعث عراق در خرداد ۱۳۵۸ سه روز متوالی ضمن اعلام حمایت از اقلیت عرب‌نژاد ایران به رهبران انقلابی ایران اخطار کرد که راه و روش شاه مخلوع را دنبال نکنند، زیرا این امر برای‌شان گران تمام می‌شود و تأکید کرد که بازوی انقلاب عراق بلندتر از آن است که به تصور آید.^(۳۷) طاهر توفیق عضو رهبری ملی حزب بعث عراق نیز ضمن نکوهش سیاست ضد نژادی و تجاوزکارانه‌ی ایران در برابر عراق گفت: سیاست تجاوزکارانه‌ی ایران معرف یک معارضه‌ی جدی علیه احساسات

در گذشته همیشه کویت را برای واگذاری جزایر وره و بوبیان به تحت فشار قرار می‌داد.^(۳۴) در طول جنگ ایران و عراق نیز به دلیل انسداد اروندرود و انهدام اسکله‌های نفتی البکر و الامیه و سپس فاو، راه‌های ارتباطی عراق با خلیج فارس قطع شده و این کشور توانایی اجرای عملیات دریایی را از دست داده بود؛ از این رو عراق به روش‌های گوناگون برای تصرف یا استفاده از این جزیره اقداماتی انجام داد تا ضمن به دست آوردن قدرت مانور و اجرای عملیات دریایی به تأسیسات حیاتی جمهوری اسلامی ایران در جزیره‌ی خارک نیز صدمه وارد کند. به طور کلی این موارد از جمله عللی هستند که تلاش عراق برای تملک جزایر مذکور را توجیه می‌کنند:

۱. باز شدن راه تنفسی

عراق و خروج از انزوای محیطی با اتصال به خلیج فارس و آب‌های بین‌المللی.

۲. دستیابی به ساحل

مناسب و باکیفیت برای ایجاد تأسیسات و پایانه‌های نفتی و بازرگانی.

۳. گسترش طول ساحلی

مرزها در خلیج فارس.

۴. افزوده شدن بر

تعداد جزایر و بندرها در

عراق در هر تنشی با ایران، خواسته‌ی ارضی خود در مورد اروندرود را به طور شفاف بیان می‌کرد

حوزه‌ی اقتصادی خلیج فارس.

۵. افزایش عمق استراتژیک کشور در برابر تهدیدهای نظامی.

۳. حمله‌ی نظامی به ایران

وقوع انقلاب اسلامی در ایران روند اجرای مفاد عهدنامه‌ی الجزایر و تعیین مرزهای آبی - خاکی ایران و عراق را متوقف کرد.^(۳۵) در وضعیت جدید به مرور زمان سیاست خارجی دو کشور ماهیتی تهاجمی به خود گرفت. نگرانی صدام از بازتاب‌های انقلاب

مأموران عراقی اشغال شد و سفیر ایران در بغداد رسماً خواستار بسته شدن سرکنسولگری‌های عراق در خرمشهر و کرمانشاه و سرکنسولگری‌های ایران در بصره و کربلا شد.^(۴۲) عراق در هر تنشی با ایران، خواسته‌ی ارضی خود در مورد اروندرود را نیز به طور شفاف بیان می‌کرد. برای مثال حدود دو ماه پس از تنش‌های مربوط به کنسولگری ایران در بصره، وزیر اطلاعات عراق در مصاحبه‌ی با نشریه‌ی المستقبل چاپ پاریس از ایران دعوت کرد که پیشنهاد تجدید نظر در قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را بپذیرد. وی گفت که تمدید قرارداد برای عراق مطلوب نیست و ایران باید درباره‌ی آن تجدید نظر کند. همچنین شطالعرب

چندی پس از فرار شاه از ایران در ۸ بهمن ۱۳۵۷ هلی کوپترها و هواپیماهای عراقی منطقه‌ی مرزی سریرین را که بین شهر مرزی بانه در ایران و آبادی شوط واقع شده است، بمباران کردند که ۱۵ نفر در این حمله کشته شدند

بدون تردید یک رودخانه‌ی عربی است و ایران باید جزایر سه‌گانه را به امارات پس بدهد.^(۴۳) صدام نیز در ادامه‌ی حملات لفظی خود به ایران، در فروردین ۱۳۵۹ با صراحت خواستار به رسمیت شناختن عربستان (خوزستان) به عنوان

یک منطقه‌ی عربی شد. به دنبال سخنان صدام، طه یاسین رمضان نیز در اردیبهشت همان سال در سخنانی بر پای‌بندی کشورش در گرفتن حق ملت عربستان (خوزستان) تأکید کرد. در همان ماه صدام در واکنشی دیگر، در مجمع شورای ملی عراق گفت که هیچ وقت رسالت خود و مفهوم آن را از یاد نبرده‌ایم. ما فریاد زنان اعرابی را که در عربستان (خوزستان) به سر می‌برند، از یاد نخواهیم برد.

به موازات اظهارات و واکنش‌های خصمانه‌ی سیاسی مقاومت عراق و همگام با وضعیت سیاسی داخلی و

ملت‌های عرب است و تهدیدی جدی در روابط دو کشور محسوب می‌شود.^(۳۸) در همین رابطه لطیف جاسم وزیر اطلاعات عراق ایران را به بی‌عدالتی در حق اقلیت عرب زبانان متهم کرد.^(۳۹)

ترس حکومت‌های عربی از تأثیرات انقلاب ایران در تحرک جنبش‌های ضد حکومتی، عراق را بر آن داشت تا خود را ناجی اعراب معرفی کند و با استفاده از این نقش دشمنی با ایران را مشروع جلوه دهد. در همین خصوص و به دنبال تظاهرات شیعیان در بحرین و کویت، صدام در مهر ۱۳۵۸ با لحنی اخطارگونه خطاب به ایران گفت: «قدرت عراق علیه هر کشوری که بخواهد به حاکمیت کویت یا بحرین تجاوز کند و یا به مردم و یا تمامیت ارضی آن کشورها آسیب رساند، به کار می‌رود. ما حاضریم با هر کسی که بخواهد با ما بجنگد با او بجنگیم. هر کسی که بخواهد دشمن عراق و دشمن ملت عرب باشد ما مانند نیزه‌های نوک تیزی خواهیم بود که برای جنگیدن با او آماده هستیم.» او روز بعد نیز در دانشگاه "مستنصریه" - محل سوء قصد به طارق عزیز - گفت: «خون پاکی که در مستنصریه به زمین ریخت بدون انتقام نخواهد ماند.» سپس سه بار سوگند یاد کرد که انتقام خون کشته شدگان واقعه‌ی مستنصریه را خواهد گرفت و تأکید کرد: «ملت ما آماده است برای دفاع از افتخار و حاکمیت خود و همچنین برای صلح بین مردم عرب بجنگد.» وی همچنین درباره‌ی جنگ قادسیه گفت: «در آن [جنگ] امپراتوری ساسانیان از اعراب شکست خورد.»^(۴۰) با این حال، اولین اظهار نظر جدی یک مقام رسمی دولت عراق اظهارات سفیر عراق در بیروت بود که در مصاحبه با روزنامه‌ی النهار در ۸ آبان ۱۳۵۸، گفت: «ایران باید کلیه‌ی حقوق عراق در شطالعرب را به طور داوطلبانه برگرداند.»^(۴۱)

به فاصله‌ی کوتاهی پس از اشغال سفارت امریکا در ایران سرکنسولگری ایران در بصره به دست

همان‌گونه که ذکر شد به هر میزانی که بر شدت تنش‌های ایران با غرب به ویژه امریکا افزوده می‌شد دامنه‌ی تحرکات نظامی عراق نیز شدت می‌یافت. از این رو، چندی پس از آن که ابراهیم یزدی وزیر خارجه‌ی ایران اعلام کرد که قرارداد دو جانبه‌ی نظامی ایران و امریکا لغو می‌شود؛^(۴۸) هلی‌کوپترهای عراقی دو هفته بعد، چندین پرواز شناسایی بر فراز خسروآباد آبادان انجام دادند و پاسگاه‌های مرزی خود را در طول مرزهای خرمشهر و اروندرود تقویت کردند.^(۴۹) همچنین روز بعد از تعرض هوایی مذکور، مدنی استاندار خوزستان به قاچاق اسلحه از عراق به خوزستان اشاره می‌کند.^(۵۰) از این به بعد حملات هوایی این کشور به طور مداوم ادامه یافت طوری که در ۱۶ بهمن ۱۳۵۹ چهار جنگنده‌ی عراقی دهکده‌های مرزی ایران را بمباران کردند و ده‌ها کشته بر جای گذاشتند.^(۵۱) چهار روز پس از این عملیات، دو هواپیمای سوخو از طریق مرز هوایی اورامانات وارد حریم هوایی ایران شدند و ضمن شکستن دیوار صوتی تا عمق ۹۰ کیلومتری خاک ایران به تجسس پرداختند.^(۵۲) سه روز بعد نیز دو هواپیمای سوخوی دیگر یکی از روستاهای حومه‌ی اورامانات را بمباران کردند.^(۵۳)

در ادامه‌ی تجاوز عراق به ایران، در ۲۳ آبان ۱۳۵۸ دو هلی‌کوپتر عراقی در منطقه‌ی نوسود به حریم هوایی ایران تجاوز کردند و مدت نیم ساعت در مناطق مرزی ایران پرواز کردند.^(۵۴) در همین روز حکومت عراق، ایرانیان مقیم این کشور را به نوار مرزی آورد و آن‌ها را در وضعیت نامناسبی رها کرد.^(۵۵) میزان حملات عراق به مناطق مرزی ایران به حدی بود که سرانجام با واکنش صادق قطب‌زاده وزیر خارجه‌ی ایران مواجه شد. وی گفت که عراق برخلاف ضوابط همسایگی در خط امپریالیسم (امریکا و اسرائیل) قرار دارد و در برخی نقاط مرزی به ایران حمله کرده است.^(۵۶) سه روز بعد از واکنش وزیر خارجه‌ی ایران،

خارجی ایران، تحرکات نظامی این کشور نیز سامان می‌گرفت. به گواه اسناد تاریخی، تحرکات نظامی عراق در مرز ایران از قبل پیروزی انقلاب شدت گرفته بود؛ طوری که بختیار آخرین نخست‌وزیر محمدرضا شاه در واکنش به گزارش‌های ژاندارمری کل کشور در مورد نقل و انتقال ادوات نظامی برخی کشورهای همسایه به مرزهای ایران گفت: هنگامی که در کشوری بحران داخلی وجود دارد این گونه مسائل طبیعی است، ولی نگران تجاوز رسمی به ایران نیستم.^(۵۷) آسوشیت‌پرس نیز در این باره گزارش داد که جمهوری سوسیالیستی عراق به نقل و انتقال ادوات و تجهیزات نظامی در مرزهای ایران دست زده است.^(۵۸) حدود یک ماه بعد، چندی پس از فرار شاه از ایران در ۸ بهمن هلی‌کوپترها و هواپیماهای عراقی منطقه‌ی مرزی سیرین را که بین شهر مرزی بانه در ایران و آبادی شوط واقع شده است، بمباران کردند که ۱۵ نفر در این حمله کشته شدند.^(۵۹) علاوه بر این، صدام در ۱۳ آبان ۱۳۵۹ (یک ماه و

میزان حملات عراق به مناطق مرزی ایران به حدی بود که با واکنش صادق قطب‌زاده وزیر خارجه‌ی ایران مواجه شد

سیزده روز پس از حمله به ایران) در یک سخن‌رانی به آمادگی قبلی ارتش عراق برای حمله به ایران اعتراف کرد و گفت: «برداران نظامی در گذشته به من و رهبری نزدیک شدند و پیشنهادهای و توصیه‌هایی در مورد وضع ایران دادند. برای ما طبیعی بود که به حال آماده‌باش باشیم. ما با هوشیاری مراقب همسایگان خود هستیم و طرح عملیاتی برای هر کدام از آن‌ها داریم تا در صورتی که یک همسایه بخواهد به ما تجاوز نماید آن را به مورد اجرا بگذاریم. این طرح‌ها در گذشته‌ی خیلی دور تهیه شده‌اند.»^(۶۰)

داخلی ایران که بر اثر اقدامات مسلحانه‌ی سازمان مجاهدین خلق از جمله ترور گسترده‌ی مسئولان کشور و انفجار حزب جمهوری اسلامی ایجاد شده بود، قصر شیرین و پاسگاه‌های مرزی را به توپ بست و اطراف سردشت به وسیله‌ی هواپیماهای عراقی بمباران شد.^(۶۱) دو ماه بعد نیز درگیری گسترده‌ی در سرتاسر نوار مرزی قصر شیرین بین نیروهای مهاجم عراق و نیروهای ارتش ایران و سپاه پاسداران و مأموران ژاندارمری رخ داد.^(۶۲) ترور رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر ایران بار دیگر اوضاع داخلی ایران را در بحران فروبرد و عراق نیز بر حجم تجاوزات

روزی که رابطه‌ی دیپلماتیک ایران و آمریکا قطع شد، عراقی‌ها با آتش توپ و خمپاره‌انداز نفت شهر را زیر آتش گرفتند

نظامی خود افزود، طوری که چند روز بعد از این حادثه، تبادل آتش توپ در نوار مرزی قصر شیرین شدت گرفت.^(۶۳) همچنین دو روز بعد بر اثر حمله‌ی عراق به شهرهای نفت شهر و خسروی عده‌یی غیر نظامی شهید و مجروح شدند. ایران

در واکنش به این اقدام عراق با استفاده از آتش توپخانه به شهرهای منظریه و خانقین حمله کرد.^(۶۴) در روزهای پایانی شهریور کمابیش سرتاسر نوار مرزی ایران و عراق زیر آتش قرار می‌گرفت. طبق گزارش روابط عمومی ستاد مشترک عملیات منطقه‌ی غرب کشور، در سراسر مرز ایران و عراق درگیری وجود داشت و نفت شهر زیر آتش شدید توپ‌های عراق و نیروی هوایی این کشور بود.^(۶۵) در واکنش به عملیات آتشباری نیروهای ایران روی شهر زرباطیه‌ی عراق که محل تجمع ارتش عراق و انبار مهمات آن‌ها بود، ارتش عراق مقابل نوار

عراق در دو اقدام دیپلماتیک و نظامی به اظهارات وزیر خارجه‌ی ایران پاسخ داد. در این روز هم‌زمان با تجاوز دو هواپیمای جنگنده‌ی عراقی به حریم هوایی ایران. سعدون حمادی نیز در یک یادداشت اعتراضی به سفیر ایران در بغداد، ایران را به نقض مقررات اخلاقی و سنتی دیپلماتیک متهم و تهدید کرد که همه‌ی اعضای هیئت دیپلماتیک خود را از تهران فراخواهد خواند مگر آن‌که ایران حمله به سفارت عراق و دیپلمات‌های آن را پایان دهد.^(۶۷) سرانجام شدت تنش‌ها به جایی رسید که روابط ایران و عراق به سطح کاردار تقلیل یافت. همچنین در این روز یک هواپیمای میگ عراقی که با چهار هلی‌کوپتر همراهی می‌شد به حریم هوایی ایران در منطقه‌ی مرزی سومار تجاوز کرد و با شلیک دو بمب به سوی تأسیسات نفتی منطقه‌ی سومار از منطقه خارج شد.^(۶۸) در اوج اختلافات ایران و آمریکا، سعدون حمادی با ارسال پیامی به کورت والدهایم دبیر کل سازمان ملل اشغال جزایر سه‌گانه به دست ایران را به رسمیت نشناخت و با غیر قانونی خواندن این اقدام از ایران خواست تا به توسعه‌طلبی، تهاجمات و تهدیدهای خود پایان دهد و حاکمیت و استقلال کشورهای عربی احترام بگذارد. در همین روز وزارت خارجه‌ی عراق یک دیپلمات ایرانی را اخراج کرد. همچنین استانداری ایلام اعلام کرد که قریب به پانزده هزار شیعه‌ی عراقی به وسیله‌ی کامیون به مرز دهلران آورده شدند و در وضعیت استغناکی رها شدند.^(۶۹) روزی که رابطه‌ی دیپلماتیک ایران و آمریکا قطع شد، عراقی‌ها با آتش توپ و خمپاره‌اندازها نفت شهر را زیر آتش گرفتند. در منطقه‌ی باویس نیز نیروهای سپاه با عراقی‌ها درگیر شدند و نقاط اشغالی را پس گرفتند. متاثر از این رویدادها، ظهیرنژاد فرمانده ژاندارمری کل کشور به همه‌ی پاسگاه‌های ژاندارمری در مرز ایران و عراق آماده‌باش کامل داد.^(۷۰) همچنین ارتش عراق تحت تاثیر بحران

۵. حمله به کویت

سابقه‌ی تاریخی ادعاهای ارضی عراق در برابر کویت را باید در قرارداد ۲۹ ژوئیه‌ی ۱۹۱۳ جست و جو کرد. به موجب این قرارداد که بین عثمانی و بریتانیا به امضا رسید، کویت به منزله‌ی ایالتی خودمختار با پرچم خاص خویش به رسمیت شناخته شد. علاوه بر آن، مرزهای کویت با عراق که همین مرزهای کنونی هستند تعیین گردید. تا این زمان کویت به طور رسمی بخشی از امپراتوری عثمانی بود، ولی طبق قرارداد ۱۸۹۹ منعقد بین بریتانیا و عثمانی، کویت تحت کنترل بریتانیا قرار گرفت. بعدها در جریان جنگ جهانی اول که متصرفات خاورمیانه‌ی عثمانی از جمله عراق از آن جدا شدند، بریتانیا کویت را به عنوان امارتی مستقل به رسمیت شناخت. اما عراق در طول سالهای بعد همواره با این ادعا که کویت از توابع استان بصره بوده است، آن را بخشی از خاک خود می‌دانست.^(۷۱) از نظر تاریخی عراق هیچ‌گاه استقلال کویت را به طور کامل نپذیرفت. عبدالکریم قاسم رئیس‌جمهور وقت عراق، پس از اعلام استقلال کویت در سال ۱۹۶۱، اعطای استقلال به این کشور از طرف انگلستان را جعلی خواند و کویت را جزء لاینفک عراق و بخشی از استان بصره دانست. عراقی‌ها در زمان عبدالسلام عارف استقلال و حاکمیت کویت را به رسمیت شناختند، اما هرگز راضی به حل اختلافات مرزی فیما بین نشدند. کوشش بغداد برای تصرف کویت یا پیوستن این کشور به عراق زمانی تشدید گردید که نفت در کویت کشف شد و به مرحله‌ی صدور رسید. از آن هنگام گرایش روزافزونی برای سیطره بر ثروت نفتی و مالی کویت پدید آمد. عراق بارها کویت را متهم کرد که این کشور بر سهمیه‌ی نفت عراق از حوضچه‌ی نفتی روميله واقع در مرز دو کشور چنگ انداخته است و حاضر نیست با اجاره یا فروش جزایر وره و بوبیان

مرزی استان ایلام با چند لشکر صف‌آرایی کرد.^(۷۲) سرانجام پس از ماه‌ها تنش سیاسی - نظامی بین ایران و عراق وزارت خارجه‌ی عراق در یادداشتی مورخ ۲۶ شهریور ۱۳۵۹ قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را لغو و صدام با ادعای حاکمیت مطلق عراق بر اروندرود (شط‌العرب)، آن را در برابر دوربین‌های تلویزیونی پاره کرد.^(۷۳) چند روز پس از این رویداد، نبردی سنگین در طول کانال اروندرود از دهانه تا آخر خرمشهر و همچنین در مرزهای خشکی استان خوزستان در گرفت که در آن توپ، تانک، موشک و انواع جنگ‌افزارهای سنگین به کار گرفته شد. دامنه‌ی این نبرد به ترمینال خرمشهر و فرودگاه

آبادان نیز کشیده شد.^(۷۴) یک روز بعد از این نبرد زمینی، هوایم‌های عراقی با ورود غیرمنتظره به آسمان کرمانشاه، شیراز، همدان، تبریز، ارومیه، شهرکرد، بوشهر و تهران، فرودگاه‌ها و پایگاه‌های نظامی این شهرها را بمباران کردند.^(۷۵) و بدین

ترتیب جنگ هشت ساله‌ی ایران و عراق با حمله‌ی عراق به ایران آغاز شد.

به طور کلی، ماهیت ادعاهای عراق در آن زمان دو جنبه‌ی اصلی داشت: توانمندی‌های عراق در کنار ضعف‌های سیاسی و ژئوپلیتیکی آن. یکی شدن اهداف این کشور با ایالات متحده در برخورد با انقلاب اسلامی در مجموع وضعیتی را به وجود آورد که زمینه و بستر جنگ را آماده کرد. عراق با استفاده از این موقعیت در تلاش برای جبران ضعف‌های گذشته و تحقق اهداف خود برآمد.^(۷۶)

پس از ماه‌ها تنش سیاسی - نظامی بین ایران و عراق وزارت خارجه‌ی عراق در یادداشتی مورخ ۲۶ شهریور ۱۳۵۹ قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را لغو و صدام با ادعای حاکمیت مطلق عراق بر اروندرود (شط‌العرب)، آن را در برابر دوربین‌های تلویزیونی پاره کرد

بر معضلات ژئوپلیتیکی خود در منطقه‌ی خلیج فارس فائق آید؛ چراکه بدون غلبه بر آن‌ها، امکان برخورداری از یک موقعیت برتر در خلیج فارس وجود نداشت. تهاجم عراق به کویت سند گویایی است که نشان می‌دهد زمام‌داران بغداد برای گریز از تنگنای ژئوپلیتیکی خود می‌کوشیدند.

راهبرد ژئوپلیتیک عراق نوین

۱. عراق جدید، قرارداد الجزایر و آرمان شط العرب

با سقوط حکومت بعث در عراق و روی کار آمدن

ماهیت ادعاهای عراق در آن زمان دو جنبه‌ی اصلی داشت: توانمندی‌های عراق در کنار ضعف‌های سیاسی و ژئوپلیتیکی آن

حکام جدید انتظار می‌رفت که سیاست خارجی عراق در خصوص ارون‌دروود تغییر عمده‌ی داشته باشد، زیرا رهبران جدید بیش‌تر از هم‌پیمانان ایران در زمان حکومت سابق بودند و به لحاظ مذهبی و سیاسی قریب‌های بسیاری به یک‌دیگر داشتند،

اما به نظر می‌رسد موضوع ارون‌دروود همچنان به عنوان یک چالش ملی بر مناسبات دو کشور سایه افکنده است، چرا که با سرنگونی حکومت بعث، حاکمان جدید عراق به نوعی همچنان همان ادبیات سیاسی دوران بعث را در خصوص لغو یا تغییر مفاد پیمان الجزایر مطرح می‌کنند که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

جلال طالبانی رئیس‌جمهوری عراق در مصاحبه با روزنامه‌ی الحیات گفت: قرارداد الجزایر پیش از این میان صدام و شاه ایران امضا شده بود و بین دو کشور ایران و عراق نبوده است. وی ضمن تأکید بر

به عراق، راه دریا را برای بغداد بگشاید و منافع اقتصادی و راهبردی آن را از این نظر تأمین کند.^(۷۲) در چنین فضای روانی-تبلیغاتی بود که صدام مخالفت خود را با خطوط مرزی عراق-کویت - که بریتانیا در سال ۱۳۰۱ حدود آن را تعیین کرده بود- اعلام کرد. وی بر این باور بود که این وضعیت سبب عدم دست‌رسی عراق به دریا شده است. از سوی دیگر، اصرار کویت بر دریافت وام‌های بی‌بهره‌ی که در خلال جنگ هشت ساله به بغداد پرداخت شده بود.^(۷۳) در تشدید تعارض میان دو دولت به عنوان متغیر تسهیل‌گر نمایان شد. نمایندگان عراق و کویت برای رفع اختلافات در زمینه‌ی وام‌ها و بدهی‌های عراق ۱۰ مرداد ۱۹۹۰ در ریاض به گفت‌وگو پرداختند تا راه حلی پیدا کنند. همان روز حسنی مبارک رئیس‌جمهور مصر در بغداد با صدام دیدار کرد و از او قول گرفت که به کویت حمله نکند. گزارش‌های منتشر شده حکایت از آن داشت که نماینده‌ی کویت در گفت‌وگوهایش موافقت کرده بود که دولت وی با پرداخت یک میلیارد دلار به بحث پایان دهد. نماینده‌ی عراق این پیشنهاد را رد کرد و خواستار پرداخت همه‌ی مبلغ مورد ادعا شد. نماینده‌ی کویت گفت‌وگو را نیمه تمام گذاشت و پرخاش‌کنان در را به هم کوبید و به کشورش بازگشت. این موضوع خشم عراق را برانگیخت و ساعاتی پس از این رخداد، به کویت حمله کرد. مدتی بعد عراق شیخ‌نشین کویت را استان نوزدهم خود خواند و نام آن را به "الکاضمه" تغییر داد.^(۷۴) از زمان تأسیس سازمان ملل (۱۹۴۵) این نخستین بار بود که سرزمین یکی از دولت‌های عضو به زور ضمیمه‌ی کشور دیگر می‌شد.^(۷۵) هرچند عراق در گذشته فقط خواستار واگذاری بخش‌هایی از خاک کویت به عراق شده بود؛ اما در نهایت هدفش الحاق کامل کویت به عراق بود. عراق همواره امیدوار بود که از طریق انضمام کویت

از نظر تاریخی عراق
هیچ گاه استقلال
کویت را به طور
کامل نپذیرفت

قرارداد الجزایر، مطالبات مربوط به جنگ هشت ساله، رودهای مرزی، مناطق مین گذاری شده، نقاط مرزی مورد اختلاف و هواپیماهای عراقی موجود در ایران، تنها بخشی از مسائلی است که مجلس عراق باید برای آن‌ها برنامه‌هایی را طراحی کند. وزیر خارجه‌ی عراق در سخنان خود تأکید کرد که ایران و عراق بر سر تعیین مرزهای زمینی و دریایی خود، از جمله اروندرود اختلاف دارند و تلاش‌های مخفیانه و درازمدت عراق برای متقاعد کردن ایرانی‌ها درباره‌ی ضرورت دست کشیدن از قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و بستن قراردادی جدید با ایران به نتیجه نرسیده است. زیباری ادامه داد: درباره‌ی مسائلی که در قرارداد الجزایر از آن سخنی به میان نیامده است، حاضر به گفت و گو نیستیم. وی مدعی شد: در سه سال اخیر، ایرانی‌ها را به پذیرش برخی موارد مربوط به مرزها، خارج از چارچوب قرارداد الجزایر ترغیب کرده‌ایم.^(۷۸) محمد الحاج حمود معاون (وقت) وزیر خارجه‌ی عراق نیز تصریح کرده است که قرارداد ۱۹۷۵ اهمیت دارد اما از نظر عراق ملغی است و موضوع گفت و گوی طرفین نخواهد بود. وی در عین حال افزود: البته می‌توان به توافقی در این باره دست یافت. حمود همچنین تأکید کرد: برخی مسائل حل نشده میان عراق و ایران وجود دارد که تلاش می‌کنیم از طریق مذاکره آن‌ها را حل کنیم. ما اکنون توافق کرده‌ایم که درباره‌ی حل مشکل شط العرب (اروندرود) به دلیل انحراف از مجرای قدیمی آن و غرق کشتی‌ها و عوامل طبیعی دیگر، مذاکره کنیم. معاون وزیر خارجه‌ی عراق تأکید کرد: عراق با طرف ایرانی برای تشکیل یک کمیته‌ی مشترک به منظور بازگرداندن رودخانه‌ی اروند به مجرای قدیمی آن و ترسیم حدود مرزها توافق کرده است و ما به بازسازی استحکامات مرزی برای رفع برخی از مشکلات مربوط به خط مرزی نیازمندیم.^(۷۹) پس از مناقشه‌ی مرزی بر سر چاه‌های

این‌که خواهان روابط خوب با تهران است، گفت: ما توافق‌نامه‌ی الجزایر را لغو شده می‌دانیم و آن را قبول نداریم. طالبانی تصریح کرد که مخالف برخی بیانیه‌های مشترک با ایران است که در متون آن، توافق‌نامه‌ی الجزایر درج شده است و ادامه داد تا کنون نیز برخی از بیانیه‌های مشترک را تنها به این دلیل که در آن‌ها به این توافق‌نامه اشاره شده، امضا نکرده است.^(۷۶) به دنبال اعتراض تهران وی ناچار به اصلاح گفته‌های خود شد و اعلام کرد که این قرارداد را به طور یک‌طرفه نمی‌توان لغو کرد، اما هیئتی روانه‌ی تهران خواهد شد تا در این باره به مذاکره با ایران بنشیند. متأثر از تنگناهای ژئوپلیتیکی عراق و جو روانی ایجاد شده است تمایل بسیاری از جریان‌های سیاسی عراق، طالبانی در گفت‌وگو با الحیات ضمن اشاره به روابط خوب دو کشور، بار دیگر مخالفت خود با قرارداد الجزایر را اعلام کرد و گفت: من فکر می‌کنم که روابط ایران و عراق طبیعی و خوب است. البته در برخی موارد از جمله مسائل مرزی، اجرای قرارداد الجزایر و موضوع آب اختلافاتی وجود دارد.^(۷۷) واکنش‌ها و ادعاهای مطرح شده در مورد قرارداد الجزایر تنها محدود به رئیس جمهور عراق نبوده است بلکه طیف وسیعی از سیاستمداران و نمایندگان مجلس عراق را نیز شامل می‌شود. برای مثال هوشیار زیباری وزیر خارجه‌ی عراق گفته است که بزرگ‌ترین پرونده‌ی عراق در وزارت خارجه مربوط به ایران است. وی مدعی است که اجرای

که حکومت سابق عراق قرارداد ۱۹۷۵ را به منظور حذف تهدید جنبش‌های کردی منعقد کرده بود. یکی از بندهای قرارداد ۱۹۷۵ تعقیب کردها در منطقه‌ی تحت حاکمیت عراق و ایران است که باید هرچه سریع‌تر این بند از قرارداد الجزایر حذف شود. همچنین او بر این باور است که چون ایران بر ۲/۳ اروندرود و عراق بر ۱/۲ آن حاکمیت دارد، باید قرارداد جدیدی بسته شود.^(۸۵) وی مدعی شد که عهدنامه‌ی الجزایر اعتبار خود را از دست داده است چون صدام حسین آن را در طول جنگ ایران و عراق پاره کرد.^(۸۶)

از زمان تأسیس سازمان ملل
(۱۹۴۵) این نخستین بار بود
که سرزمین یکی از دولت‌های
عضو به زور ضمیمه‌ی کشور
دیگر می‌شود

حسین الفلوجی از نمایندگان سنی مجلس عراق نیز بر این اعتقاد است حفظ اعتبار عهدنامه‌ی الجزایر به سود ایران و عراق نیست بلکه باید مذاکرات دو جانبه‌ی جدیدی انجام شود که تضمین‌کننده‌ی صلح باشد. او معتقد است که جنگ ایران و عراق عهدنامه‌ی رامنسوخ

کرده است و تأکید کرد که همه‌ی کشورها بعد از هر جنگی توافق‌نامه‌ی عهدنامه‌ی جدیدی امضا می‌کنند. بر این اساس، او سه گزینه‌ی فراروی ایران قرار داد:

۱. لغو قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر ۲. تغییر مفاد قرارداد الجزایر به گونه‌ی که حقوق دو طرف را شامل شود
 ۳. لغو قرارداد ۱۹۷۵ و انعقاد قرارداد جدید دیگری.^(۸۷)
- بر این اساس، سیاست‌مداران عراقی معتقدند که قرارداد الجزایر باید مورد تجدید نظر (لغو یا اصلاح) قرار گیرد. این در حالی است که در حقوق بین‌المللی، اصل تداوم معاهده و خصوصیت لایتغیر بودن آن از اصول قطعی، دائمی و ثابت محسوب می‌شود و این اصول از اصول ذاتی مفاد تشکیل دهنده‌ی عهدنامه‌های مرزی است. بنابراین، استناد به اصل

نفت در منطقه‌ی مرزی فکه، علی‌الدباع سخن‌گوی (وقت) دولت عراق گفت که قانون‌گذاران عراقی برای تجزیه و تحلیل قرارداد الجزایر و تجدید نظر درباره‌ی آن تلاش خواهند کرد تا چشم‌انداز روشنی به سوی صلح که پس از جنگ ایران و عراق حاصل نشد، به دست آید.^(۸۰) به دنبال بروز تنش در منطقه‌ی فکه و آرایش نظامی در مرزهای مشترک، اسامه النجیفی رئیس کمیسیون (وقت) نفت و گاز مجلس عراق نیز تأکید کرد که پرونده‌ی مربوط به مرزهای ایران و عراق و قرارداد الجزایر به سازمان ملل بازگردانده خواهد شد تا موضوع از طریق این نهاد بین‌المللی حل و فصل شود. النجیفی اضافه کرد که پارلمان عراق و به طور ویژه کمیسیون نفت و گاز تا فرستادن این پرونده به سازمان ملل متحد، به تلاش‌های خود ادامه می‌دهد و مجلس خواهان حل و فصل سیاسی این موضوع است.^(۸۱)

عبداللطیف عبدالرشید وزیر (وقت) امور آب دولت عراق نیز درباره‌ی رودخانه‌های مرزی دو کشور گفت: اختلافات بسیار مهمی درباره‌ی استفاده از رودخانه‌های مرزی بین عراق و ایران وجود دارد که باید بر طرف شود تا عراق از حق طبیعی خود در بهره‌گیری از این منابع آبی باز نماند. ما با همسایه‌ی خود ایران، منافع مشترک مرزی و آبی داریم، اما ایران با اجرای برخی طرح‌ها، موجب تغییر مسیر رودخانه‌هایی شده است که باید به عراق وارد می‌شد. او همچنین مدعی شد: ایران مسیر کارون، اروند و کرخه را به گونه‌ی تغییر داده است که آبی به عراق وارد نمی‌شود.^(۸۲) وی تأکید کرد که ایران تا کنون به هیچ کدام از انتظارات آبی عراق پاسخ نداده است.^(۸۳) عبدالستار سلطان استاد حقوق بین‌الملل در دانشگاه بغداد معتقد است که عهدنامه‌ی الجزایر همان شامگاه جنگ ایران و عراق در سپتامبر ۱۹۸۰ لغو شد. بنابراین عراق این قرارداد را از نظر قانونی باطل می‌داند.^(۸۴)

محمود عثمان از نمایندگان کرد مجلس عراق نیز گفت

عراق فاصله دارد.^(۸۹) آغاز عملیات ساخت این تأسیسات بندری، موجب تیره شدن روابط عراق و کویت شده است. هزینه‌ی احداث این پایانه بیش از ۶ میلیارد دلار پیش‌بینی شده است و کویت قصد دارد با احداث آن از کشتی‌های عراقی که از طریق خور عبدالله وارد ساحل فاو می‌شوند، مالیات دریافت کند. عراق معتقد است با تکمیل تأسیسات عظیم بندر نفتی "مبارک"، دسترسی این کشور به آب‌های خلیج فارس محدود می‌شود.

وزارت خارجه‌ی عراق با احضار سفیر کویت در بغداد، اعتراض خود را در مورد ساخت این تأسیسات نفتی عظیم در آب‌های مشترک دو کشور اعلام کرد. هم‌زمان با آغاز ساخت تأسیسات نفتی بندر مبارک، گروه‌های مسلح جنوب عراق هشدار داده‌اند که به این تأسیسات حمله خواهند کرد. مقامات کویتی نیز در واکنش به اعتراض‌های عراق اعلام کرده‌اند که جزیره‌ی بوبیان بخشی از خاک کویت است و این کشور حق دارد در خاک خود اقداماتی در جهت منافع ملی خود انجام دهد. با تداوم ساخت بندر مبارک در مجاورت آب‌های عراق، فراكسیون

تغییر فاحش اوضاع و احوال در معاهدات مرزی جایز نیست و ملغی کردن این گونه عهدنامه‌ها یا تعلیق مفاد یا انقضای اصول آن مردود تلقی می‌شود.^(۸۸)

۲. بندر مبارک و تنش با کویت

واکنش حکومت جدید عراق در برابر ایران تنها به اظهارات دیپلماتیک و اعتراض به عهدنامه‌ی الجزایر انجامید، اما سیاست خارجی این کشور در مقابل کویت همسایه‌ی کوچک و ضعیف‌تر خود حالت تهاجمی به خود گرفت و در قالب تهدید موشکی آشکار شد. برخورد سه موشک اسکاد به منطقه‌ی نفت‌خیز در مرز عراق و کویت در ۴ شهریور ۱۳۹۰ موج گسترده‌ی تنش‌های سیاسی را در دو کشور ایجاد کرد. مقامات عراقی هدف این موشک‌ها را اردوگاهی در خاک عراق بیان کرده‌اند، اما کویت هدف حمله را تأسیسات نفتی خود در جزیره‌ی بوبیان می‌داند، زیرا محل برخورد موشک‌ها، منطقه‌ی در نزدیکی تأسیسات در دست ساخت بندر نفتی "مبارک" واقع در جزیره‌ی بوبیان بود. این بندر که قرار است در قالب ۴ فاز ساخته شود، پس از تکمیل شامل ۶۰ اسکله خواهد بود که

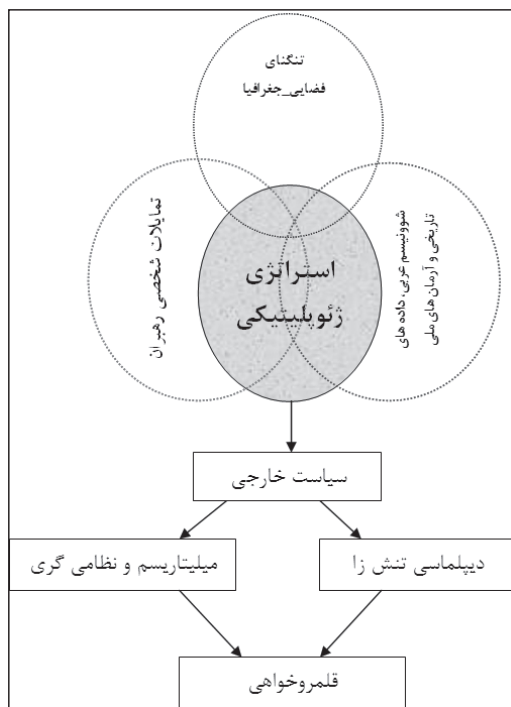
در این صورت به یکی

از بزرگ‌ترین بندرهای خلیج فارس تبدیل خواهد شد. این بندر از راه خشکی به وسیله‌ی سه پل و بزرگراهایی به شهرهای الصبیه و الحریر و از طریق راه‌آهن به کشورهای جنوب خلیج فارس، ایران، ترکیه و عراق مرتبط خواهد شد و ۱۳۰۰ متر از نزدیک‌ترین نقطه به خاک عراق و ۴۰۰۰ متر از مرزهای کویت و



ژئوپلیتیکی موجود شد که در قالب تجاوز ارضی به ایران و کویت خود را نشان داد. بر این اساس، ادراک ژئوپلیتیکی واحد جغرافیایی - سیاسی عراق همواره بر اساس کدها و مکمل‌های ژئوپلیتیکی در قلمروها و فضاهای اطراف خود شکل می‌گیرد. از این رو، دغدغه‌ی دسترسی نداشتن به آب‌های آزاد نقشی محوری در سیاست خارجی عراق در همه‌ی حکومت‌های این کشور داشته است. به عبارت دیگر ادراک ژئوپلیتیکی سبب شده است تا حکومت عراق فضای حیاتی این کشور را در دسترسی آسان به آب‌های آزاد از طریق اروندرود، خوزستان و کویت تشخیص بدهد. به نظر می‌رسد با توجه به تغییر ناپذیری مؤلفه‌ها و عوامل ژئوپلیتیکی و به طور کلی تنگناهای جغرافیایی - فضایی عراق، سیاست خارجی این کشور همواره بر پایه‌ی تنگناهای ژئوپلیتیک این کشور ترسیم می‌شود. بر این اساس رفتار سیاست خارجی عراق از الگوی زیر تبعیت می‌کند.

مدل استراتژی ژئوپلیتیکی عراق (نگارنده)



پارلمانی "فرسان" یکی از زیرمجموعه‌های ائتلاف دولت قانون عراق، کویت را به واکنش نظامی تهدید و اعلام کرد در صورتی که دولت کویت طی ۴۸ ساعت آینده ساخت بندر مبارک را متوقف نکند، باید با حمله‌ی نظامی عراق مواجه شود.^(۹۰) گفتنی است که عراق در دوران حکومت صدام حسین قصد داشت پایانه‌ی نفتی بزرگی با عنوان "بندر فاو بزرگ" در منطقه‌ی فاو در جنوب بصره و در ساحل خلیج فارس احداث کند. که دولت کویت احداث این پایانه را نقض حریم دریایی خود تلقی کرد.^(۹۱)

نتیجه‌گیری

تلاش برای تقویت قدرت ملی ارتباط مستقیمی با عوامل و متغیرهای ژئوپلیتیک دارد. در این میان میزان برخورداری از وسعت، موقعیت، منابع و... فرصت‌ها یا محدودیت‌هایی فراوری دولت‌ها قرار داده است. حکومت‌ها با توجه به وضعیت ژئوپلیتیکی و تعریفی که از وضعیت خود دارند اقدام به تدوین استراتژی ژئوپلیتیکی می‌کنند که هدف آن جهت‌دهی به نظام‌های سیاسی برای هژمونی، تحصیل و تصرف منابع (مادی و معنوی) فضایی - سرزمینی است.

ناکارآمدی جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک عراق همواره بستری مساعد و بالقوه برای جنگ و منازعه است. البته دو عامل دیگر در گرایش این کشور به جنگ مؤثر است: ۱. تمایلات و دیدگاه‌های سیاسی شخصی ۲. رویکردهای شونیستی. تلفیق این دو عامل با تنگناهای ژئوپلیتیک عراق به سیاست خارجی این کشور ماهیتی تهاجمی، قلمروخواه و معترض بخشید و این وضعیت زمینه‌ساز تقویت اندیشه‌های توسعه‌طلبانه‌ی این کشور برای تحصیل سرزمین به منظور برون‌رفت از تنگنای

فهرست منابع و مأخذ:

17. O'Loughlin, J.V. (1994), Dictionary of geopolitics, First published. Greenwood Publishing Group
۱۸. عزتی، عزت الله، ژئواستراتژی، تهران: سمت، ۱۳۷۹.
۱۹. حافظ نیا، پیشین (۱۳۸۵)
۲۰. سرریع‌القلم، محمود، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: قابلیت و امکان تغییر، فصل‌نامه‌ی بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، شماره‌ی اول، ۱۳۸۸.
۲۱. کمپ، جفری و هارکاو، رابرت، جغرافیای استراتژیک خاورمیانه: پیشینه، مفاهیم و مسایل، ترجمه‌ی سیدمهدی حسین‌متین، تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی، جلد اول، ۱۳۸۸.
۲۲. اسدی، بیژن، خلیج فارس و مسائل آن، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۱.
۲۳. حافظ نیا، پیشین (۱۳۸۵)
۲۴. کریمی‌پور، یدالله، مقدمه‌ی بر ایران و همسایگان، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی تربیت معلم، ۱۳۷۹.
۲۵. منصوری، فیروز، استعمار بریتانیا و مسئله‌ی اروندرود، تهران: مؤسسه‌ی مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۶.
۲۶. پارساپور، روزبه، اروندرود یادگاری از هزاران سال تمدن کهن ایران زمین، [تهران]: کانون پژوهش‌های خلیج فارس، ۱۳۸۹.
۲۷. اردستانی، حسین، جنگ عراق و ایران رویارویی استراتژی‌ها، تهران: دوره‌ی عالی جنگ دانشکده فرماندهی و ستاد، ۱۳۸۷.
۲۸. جعفری ولدانی، اصغر، اهداف عراق از تجاوز به ایران، مجموعه مقالات بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، [تهران]: دبیرخانه‌ی کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع، جلد دوم، ۱۳۶۸.
۲۹. حسینی، حسین، بررسی علل وقوع جنگ ایران و عراق، مجموعه مقالات تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق: ریشه‌های تهاجم، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷.
۳۰. رشید، غلامعلی، تأثیر عوامل ژئوپلیتیک در راهبردهای دفاعی ایران در برابر عراق، تهران: انتشارات مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸.
۱. جعفری‌ولدانی، اصغر، نقش تنگناهای ژئوپلیتیکی عراق در اشغال کویت، فصل‌نامه‌ی ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره‌ی سوم، ۱۳۸۹.
۲. ناصری، الف، تاریخ عقاید سیاسی، تهران: انتشارات بی‌نا، ۱۳۵۶.
۳. بوتول، گاستون، جامعه‌شناسی جنگ، ترجمه‌ی هوشنگ فرخجسته، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹.
۴. گالی، وب، فیلسوفان جنگ و صلح، ترجمه محسن حکیمی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۲.
۵. فاستر، مایکل، خداوندان اندیشه‌ی سیاسی (افلاطون-ارسطو)، ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی، تهران: انتشارات امیرکبیر، جلد اول، ۱۳۸۳.
۶. جونز، وت، خداوندان اندیشه‌ی سیاسی (مکیاول، بدن، هابز، لاک)، ترجمه علی رامین، انتشارات امیرکبیر، جلد دوم، ۱۳۵۹.
۷. هابز، توماس، لویاتان، ترجمه‌ی حسین بشیریه، تهران: نشر نی، ۱۳۸۴.
۸. رسو، ژان ژاک، قرارداد اجتماعی، ترجمه مرتضی کلانتریان، تهران: نشر آگاه، ۱۳۸۹.
۹. مکیاول، نیکولا، (۱۳۸۴) شهریار، محمود محمود، چاپ دوم، عطار، انتشارات عطار.
10. Clausewitz, Carlvin (1968), On War, England: Penguin Books, J. J. Graham translation, 1908. Anatol Rapaport, editor/Introduction and notes (c) Anatol Rapaport, 1968.
۱۱. عالم، عبدالرحمن، بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی، ۱۳۸۳.
12. Jones, Greta, (1980) Social Darwinism and English Thought: organic theory of the state. (Brighton, from :http://www.politicsprofessor.com/politicaltheories/organic-theory-of-the-state.php
13. Vallecera, Virgil B. (2008): A Paper on Friedrich Ratzel's Organic State Theory., August
۱۴. عزتی، عزت الله، ژئوپلیتیک، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۶.
۱۵. حافظ‌نیا، محمدرضا، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی، ۱۳۸۵.
۱۶. حافظ‌نیا، محمدرضا، خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه‌ی هرمز، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۴.

۳۱. حسینی، سیدیعقوب، تاریخ نظامی جنگ تحمیلی، زمینه‌های بروز جنگ، تهران: نشر آجا، جلد اول، ۱۳۸۷.
32. <http://www.garoon.com/forum/viewtopic.php?f=7&t=3505>
۳۳. جعفری ولدانی، اصغر، نقش تنگناهای ژئوپلیتیکی عراق در اشغال عراق، محل نشر: ناشر، ۱۳۸۹.
۳۴. ولایتی، علی‌اکبر، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، [تهران]: انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶.
۳۵. سجادی‌پور، سیدکاظم و امیری مقدم، رضا، نقش ساز و کارهای حقوقی در حل و فصل منازعات ژئوپلیتیکی؛ مطالعه موردی: عهدنامه‌ی مرزی و حسن همجواری ۱۹۷۵ الجزایر، فصل‌نامه‌ی ژئوپلیتیک، سال پنجم، شماره‌ی دوم، ۱۳۸۸.
۳۶. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۷/۱۲/۲۶
۳۷. همان: ۱۳۵۸/۳/۲۶
۳۸. همان: اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۱۰
۳۹. همان: اطلاعات، ۱۳۵۸/۵/۲۱
40. Claudia Wright, (1980) "Iraq: new power in the middle east", Foreign affairs, setting national priorities: Washington D.C, P.319
۴۱. پارسا دوست، منوچهر، ما و عراق؛ از گذشته‌ی دور تا امروز، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵.
۴۲. روزنامه‌ی اطلاعات، ۵۸/۸/۱۶
۴۳. همان: اطلاعات، ۵۸/۱۰/۸
۴۴. همان: اطلاعات، ۵۷/۱۱/۲
۴۵. همان: اطلاعات، ۵۷/۱۱/۳
۴۶. همان: اطلاعات، ۵۷/۱۲/۸
۴۷. پارسا دوست، پیشین.....
۴۸. روزنامه‌ی اطلاعات، ۵۸/۲/۳۱
۴۹. همان: ۵۸/۲/۳۱
۵۰. همان: ۵۸/۳/۱۳
۵۱. همان: ۵۸/۳/۱۶
۵۲. همان: ۵۸/۳/۲۰
۵۳. همان: ۵۸/۴/۲۳
۵۴. همان: ۵۸/۸/۲۳
۵۵. همان: ۵۸/۸/۲۳
۵۶. همان: ۵۸/۹/۱۲
۵۷. همان: ۵۸/۹/۱۵
۵۸. همان: ۵۸/۱۲/۱۸
۵۹. همان: ۵۹/۱/۱۸
۶۰. همان: ۵۹/۱/۱۹
۶۱. همان: ۵۹/۴/۱۷
۶۲. همان: ۵۹/۶/۶
۶۳. همان: ۵۹/۶/۱۳
۶۴. همان: ۵۹/۶/۱۵
۶۵. همان: ۵۹/۶/۱۹
۶۶. همان: ۵۹/۶/۲۲
۶۷. حسینی، پیشین (۱۳۸۷)
۶۸. روزنامه اطلاعات ۵۹/۶/۳۱
۶۹. همان: ۵۹/۷/۱
۷۰. ثانی‌نژاد، غلامرضا، ریشه‌های تهاجم عراق به ایران، مجموعه مقالات جنگ تحمیلی، [تهران]: دانشکده‌ی فرماندهی و ستاد، ۱۳۷۳.
۷۱. ولدانی، پیشین، ص ۵۵
۷۲. مرکز مطالعات و پژوهش‌های کویت، کویت از پیدایش تا بحران، ترجمه‌ی مؤسسه‌ی فرهنگی تحقیقاتی ایران و اسلام، [تهران]: انتشارات قصیده‌سرا، ۱۳۸۱، ص ۲۲۱
73. James A. Baker, III, and Lee H. Hamilton (2006) "The Iraq Study Group Report Chairsp. Vintage books a division random house, Inc. New York.
۷۴. مجتهدزاده، پیروز، نگاهی به جغرافیای سیاسی عراق و کویت، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال پنجم، شماره‌ی ۴۱ و ۴۲، ۱۳۶۱.
75. Omar A. Bakhashab the Implication of Iraqi Invasion of Kuwait, A Legal Study within the Framework of the UN CharterJ. KAU: Econ. & Adm, Vol. 12, No. 2, pp. 21-45.
76. <http://international.daralhayat.com/archivearticle/152330>
77. <http://international.daralhayat.com/international-article/146350>
78. <http://al-sharq.com/articles/more.php?id=174512&date=2009-12-27>
79. <http://alforattv.net/index.php?show=news&action=article&id=28571>.
80. <http://articles.cnn.com/2009-12-23/world/iraq>.

[illegible]

ژئوپلیتیک و استراتژی جنگ طلبانه‌ی عراق

iran.border_1_algiers-treaty-hassan-kazemi-gomi-iranian-territory?_s=PM:WORLD

81. <http://www.aawsat.com/details.asp?section=4&issueno=11358&article=551022&search>.

82.<http://www.tabnak.ir/fa/pages/?cid=69720>

83.<http://www.orato.com/world-affairs/drought-iraq-threatens-2-million>

84. <http://www.aljazeera.net/NR/exeres/1A19EB54-42AC-4DC5-BE04-ACB0FB9F30ED.htm>.

85. <http://en.aswataliraq.info/?p=70201>

۸۶. Cnn, بیشین: (۲۰۰۹)

٨٧. aswataliraq. یشیر: (٢٠٠٨)

۸۸. بیگدلی ضیایی، محمدرضا، حقوق بین الملل عمومی، تهران: انتشارات کتابخانه‌ی گنج دانش، ۱۳۸۷.

89.<http://www.asriran.com/fa/news/174309/www.asriran.com>

90. <http://www.mashregnews.ir:2011/fa/news/63745>

91. <http://www.zamannews.ir/view.aspx?ID=900508009>

[illegible]

جاده پیروزی در عملیات طریق القدس

امیر رزاقزاده*

در این مقاله تلاش شده است بخشی از فعالیت‌های ارزنده‌ی جهاد سازندگی در یکی از نبردهای مهم جمهوری اسلامی ایران علیه دشمن تشریح شود. مقاله‌ی جاده‌ی پیروزی در عملیات طریق القدس، مروری بر اقدامی خارق‌العاده است که با جسارت، شجاعت، خلاقیت و کارآمدی نیروهای دلسوز مردمی جهاد سازندگی انجام شد و یکی از عوامل مهم در پیروزی‌های درخشان نیروهای مسلح در برابر ارتش سرپا مسلح عراق بود.

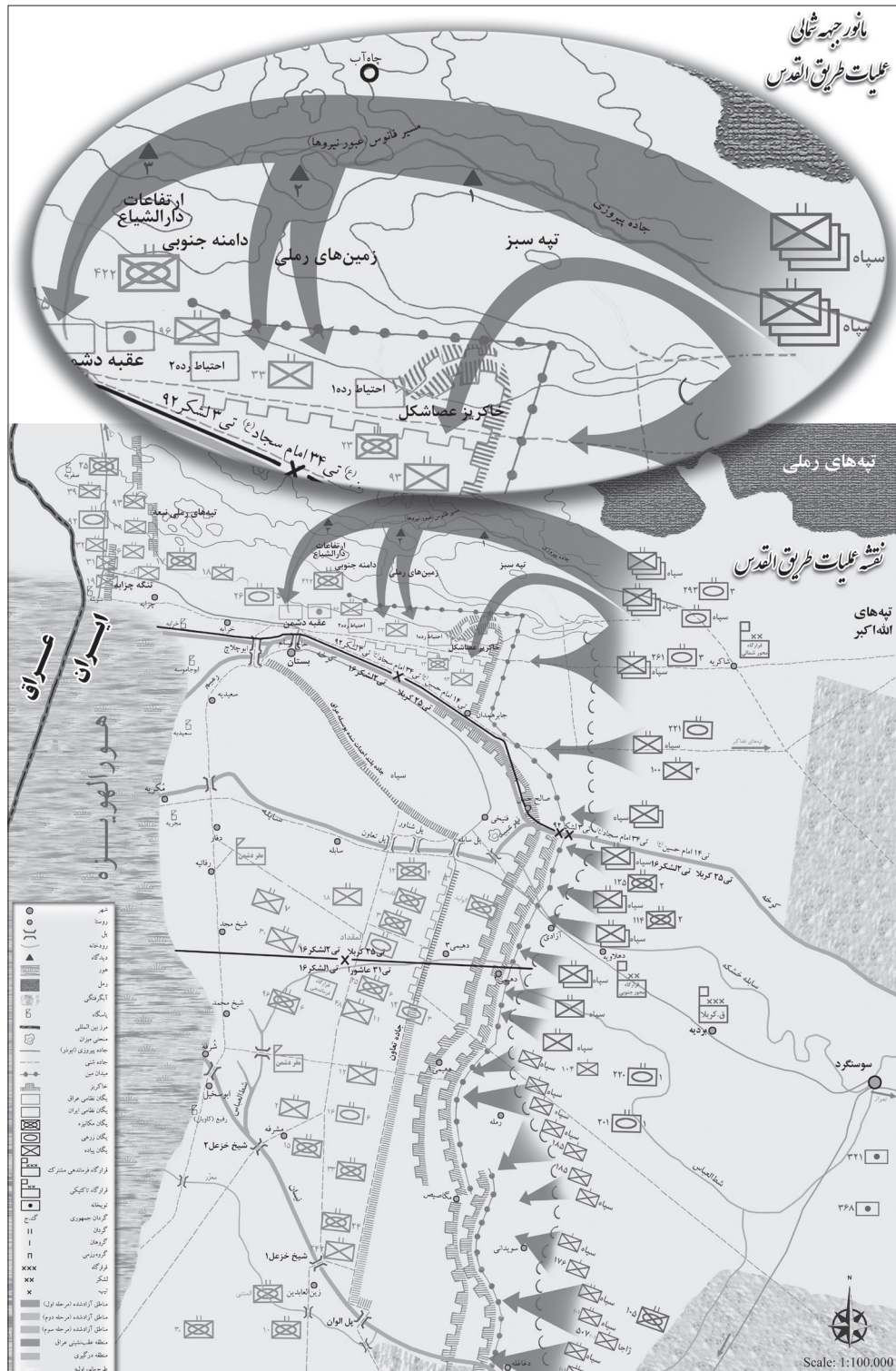
چکیده

مقدمه

دانست. انتخاب واژه‌ی "سنگرسازان بی سنگر" بیان‌گر عمق فداکاری و اخلاق جوانان جهادی است که در زیر باران گلوله و دید مستقیم دشمن به احداث خاکریز، پل، سنگر و سایر استحکامات مشغول بودند. عبور نیروهای ایران از رودخانه‌ی مرزی اروند و

جهاد سازندگی با شروع جنگ تحمیلی نقش مؤثر و مهمی در زمینه‌ی فعالیت‌های فنی و مهندسی در جبهه‌ها ایفا کرد. شاید بتوان بخش بزرگی از پیروزی‌های رزمندگان اسلام را در عملیات‌های گوناگون جنگ متأثر از ایثار و فداکاری جهادگران

* راوی و نویسنده دفاع مقدس.



برای تدوین استراتژی جنگ، جلسات متعددی با حضور فرماندهان جدید ارتش و مسئولان سپاه برگزار شد. اجرای این راهبرد عبارت بود از تعیین اهداف پلکانی برای رسیدن به هدف نهایی که دفع تجاوز دشمن و آزادسازی همه‌ی سرزمین‌های اشغال شده از چنگال دشمن و انهدام ارتش عراق بود.

بر همین اساس، عملیات "طریق القدس" اولین حلقه از زنجیره عملیات‌های آزادسازی محسوب می‌شد که بر مبنای استراتژی جدید طراحی شده بود و اولین گام از سلسله عملیات‌های کربلا بود که پس از بحث و بررسی‌های فراوان فرماندهان ارتش و سپاه در منطقه‌ی دشت آزادگان با هدف آزادسازی شهر بستان و ۷۰ روستای منطقه، طراحی و اجرا شد.

طرح مانور عملیات

در طرح‌ریزی مانور عملیات پیش‌بینی شده بود که نیروهای سپاه و ارتش باید با عملیات تهاجمی وسیع و انهدام گسترده‌ی قوای دشمن در این منطقه، توان رزمی و میل جنگ‌جویی نیروهای متجاوز را به شدت

عملیات "طریق القدس" اولین حلقه از زنجیره عملیات‌های آزادسازی محسوب می‌شد که بر مبنای استراتژی جدید طراحی شده بود

کاهش دهند و برای اجرای حمله‌ی نهایی به منظور بیرون راندن دشمن از سرزمین‌های اشغالی آماده باشند. محورهای گوناگون عملیات با در نظر گرفتن شاخص‌های متعددی مانند وضعیت دشمن، زمین، ضرورت‌ها و تاکتیک‌های ویژه تعیین و برای هر محور اهداف و سازمان رزم مشخص به این در نظر گرفته شد.

تلاش اصلی نبرد

پس از این که ارزیابی‌های دشمن درباره‌ی توان ایرانیان تحلیل و بررسی و مشخص شد که عراقی‌ها احتمال

غافل‌گیری نیروهای عراقی در عملیات طریق‌القدس (فتح بستان، سال ۱۳۶۰) و والفجر ۸ (فتح فاو، سال ۱۳۶۵) از شاخص‌ترین عملیات‌های مهندسی - رزمی جهاد محسوب می‌شود که حیرت جهانیان را برانگیخت و نقش برجسته‌ی جهاد سازندگی را در جنگ نشان داد.

در عرصه‌ی دفاع مقدس، نقش مهم نیروی انسانی به وضوح مشاهده می‌شود، زیرا این نیروها منبع اصلی و مولد انرژی در جنگ بودند. بنابراین، منبع عظیم نیروی انسانی و سازمان‌های پویایی نظیر سپاه و جهاد سازندگی و مهارت این نیروها در ایجاد فضای مناسب برای ظهور خلاقیت و پرورش نیروهای انسانی خلاق، عواملی مهم و کلیدی در هشت سال دفاع مقدس بودند که نقش تعیین کننده‌ی در جنگ داشتند.

تلاش‌های مستمر و بی‌وقفه‌ی جهادگران در عرصه‌های سازندگی؛ بهره‌گیری از نیروهای فعال و مخلص؛ تکیه بر توانایی‌های مردم در حل مشکلات و از همه مهم‌تر حضور در همه‌ی عرصه‌های سازندگی و توسعه، در مدت بسیار کمی این نهاد را به مجموعه‌ی کارساز، کارآمد و پرتوان تبدیل کرد که می‌تواند الگوی مناسبی برای سازمان‌های گوناگون در سطوح ملی و فراملی باشد. این مقاله به اختصار عملکرد جهاد سازندگی را در خصوص احداث جاده‌ی پیروزی در عملیات طریق‌القدس بررسی می‌کند. امید است با الگوگیری از این مجموعه گام‌های بزرگ و مؤثری برای آبادانی کشور برداشته شود.

جایگاه عملیات طریق‌القدس در راهبرد جنگ

در پی موفقیت عملیات شکست حصر آبادان با عنوان ثامن‌الائمه^(ع) - که در آغاز سال دوم جنگ اجرا شد و مهم‌ترین تحول نظامی تا آن زمان بود - زمینه‌ی لازم برای صورت‌بندی و تدوین استراتژی جنگ با هدف آزادسازی مناطق اشغالی فراهم شد. این استراتژی ملهم از منویات و رهنمودهای حضرت امام خمینی بود.

در جاده سوسنگرد - بستان در حد فاصل دهیمی ۳ و دهلاویه تا نهر عبید و ساحل جنوبی رودخانهی کرخه قرار داشت که هدف آن تصرف شهر بستان بود. در این محور، تیپ ۲۵ پیادهی کربلا از سپاه و تیپ ۲ لشکر ۱۶ زرهی ارتش مأموریت داشتند در موعد مقرر، تک کنند و پس از انهدام دشمن؛ تصرف پل های سابل و برقراری تأمین بخش جنوبی پل حاج مسلم و شهر بستان، با عبور از پل رمیم و پیشروی در جنوب، پل ابوچلاچ را تأمین کنند.

در این جبهه، محور دوم، حد فاصل دهیمی ۱، رمله تا دغاغله با هدف انهدام دشمن در منطقهی شمال رودخانهی نیسان در نظر گرفته شده بود. یگان های این محور را تیپ ۳۱ پیادهی عاشورا از سپاه و تیپ ۱ لشکر ۱۶ زرهی قزوین از ارتش جمهوری اسلامی ایران تشکیل می دادند. این یگان ها مأموریت داشتند که هم زمان با محورهای دیگر، عملیات را آغاز کنند و پس از انهدام نیروهای دشمن و تصرف و تأمین پل ها و سرپل های آن ها روی رودخانهی نیسان در کنارهی شمالی این رودخانه به پدافند بپردازند و آماده شوند طبق دستور، در جنوب پل های موجود به تک ادامه دهند و نیروهای دشمن را در این منطقه منهدم و پس از آن در حد فاصل آب گرفتگی هویزه تا روستای ابوسخیل (رفیع) پدافند کنند.

ایدهی احداث جاده

برای طراحی و شروع عملیات، فرماندهان سپاه و ارتش به دنبال یافتن راه حلی به منظور حملهی غافل گیرانه به دشمن بودند، زیرا از استقرار دشمن در مواضع اشغالی، مدت نسبتاً طولانی می گذشت و دشمن با ایجاد میدان های متعدد مین و تقویم مواضع و استحکاماتش برای مقابله و دفاع از هر جهت آماده بود. فرماندهان ارتش و سپاه نیز از ماه های قبل همواره به دنبال یافتن مناسب ترین راه آزادسازی مناطق اشغالی بودند.

عبور نیرو و تجهیزات ایرانیان را از منطقه رملی نمی دهند، محور شمالی رودخانهی کرخه به عنوان بازوی اصلی مانور تک احاطه یی عملیات انتخاب شد تا بدین ترتیب دشمن غافل گیر شود. در محور شمال رودخانهی کرخه، تیپ ۳ زرهی از لشکر ۹۲ ارتش و تیپ های ۱۴ پیادهی امام حسین^(ع) و ۳۴ پیادهی امام سجاد^(ع) از سپاه پاسداران مأموریت داشتند ضمن تصرف مواضع دشمن در جابر همدان، تلاش اصلی خود را متوجه عمق کنند و پس از انهدام دشمن، شمال شهر بستان و شمال پل های احداث شده در ابوچلاچ را تأمین کنند.

ایجاد کانال ارتباطی مناسب برای دور زدن دشمن و اجرای عملیات نیروهای زرهی در کنار نیروهای پیاده و راه یابی غافل گیرانه به عمق و عقبه ی مواضع دشمن در طراحی مانور نبرد نیز پیش بینی شده بود.

تلاش پشتیبانی نبرد

یک مانور جبهه یی با استفاده از ۲ تیپ

پیادهی سپاه و ۲ تیپ زرهی ارتش طراحی شد که ضمن پشتیبانی از تلاش اصلی، اهداف دیگری را دنبال می کرد که شامل آزادسازی بستان و منطقهی غرب سوسنگرد و نیز دستیابی به کرانهی شمالی رودخانهی نیسان و سواحل شرقی هورالعظیم بود. ضمن این که در منطقهی غرب سوسنگرد، حد فاصل جنوب رودخانهی کرخه تا رودخانهی نیسان، به دلیل گستردگی زمین قرار شد عملیات با دو فلش مجزا اجرا شود. محور نخست، جبهه ی غرب سوسنگرد بود که

پس از این که ارزیابی های دشمن درباره ی توان ایرانیان بررسی و مشخص شد که عراقی ها احتمال عبور نیرو و تجهیزات رزمندگان را از منطقه رملی نمی دهند، محور شمالی رودخانهی کرخه بازوی اصلی مانور عملیات انتخاب شد تا بدین ترتیب دشمن غافل گیر شود

متشکل از نیروهای سه گردان حر، ابوذر و مقدار بودند که توانستند با شناخت کامل زمین منطقه با کمک پورولی رئیس یکی از اکیپ‌های شناسایی، چشمه‌ی آب سرد و گوارایی را در عمق منطقه‌ی رملی بیابند. وی در خصوص چگونگی مطلع شدن حسن باقری از این خبر و راه‌حل‌های وی به ویژه درباره‌ی ضرورت احداث جاده در این محور می‌گوید:

همراه سیدعلی حسینی و پورولی رفتیم، دیدم چشمه‌ی آب سرد و گوارایی آن‌جا هست ... موضوع را با حسن باقری در میان گذاشتم. باقری می‌گفت: من باورم نمی‌شود، مگر بروم و ببینم! "غروب همان روز رفتیم.

چشمه‌ی آب را دید، گفت: "نیروهای شناسایی این منطقه را خوب بگردند. اگر بتوانیم از این‌جا تا جزایره جاده‌ی احداث کنیم، آن‌وقت است که با عراقی‌ها سینه به سینه و قدم به قدم درگیر می‌شویم. جاده از پشت آن‌ها تا تنگه‌ی

ایده‌ی احداث جاده درزمینی رمل برای دست‌یابی به عقبه‌ی دشمن و نابودی نیروها و امکانات آنان در عملیات طریق‌القدس پایه‌ریزی شد

جزایره می‌رود؛ یعنی، می‌توانیم از رو به رو آن‌ها را دور بزنیم! اگر جزایره را بگیریم، نیروهای عراقی دو قسمت می‌شوند؛ یعنی، ارتباط شمال به جنوب نیروهای عراقی در منطقه قطع می‌شود."^(۱) اولین اقدام برای احداث جاده شناسایی دقیق رمل‌های شحیطیه توسط جهاد بود. به همین منظور، تیمی به فرماندهی مهندس محمد طرحچی فرمانده قرارگاه کربلای جهاد به منطقه اعزام شدند و اقداماتی بدین ترتیب انجام دادند:

ایده‌ی احداث جاده‌ی رملی برای دست‌یابی به عقبه‌ی دشمن و نابودی نیروها و امکانات آنان در عملیات طریق‌القدس پایه‌ریزی شد و مخالفان و موافقان این طرح در جلسات مشترک و متعدد فرماندهان ارتش و سپاه به طور جدی در خصوص آن بحث کردند.

در جناح شمالی، تپه‌های رملی گسترده‌ی به نام شحیطیه پیش روی رزمندگان قرار داشت که از مجاورت ارتفاعات الله‌اکبر تا تنگه‌ی جزایره امتداد یافته و برای نیروهای خودی ناشناخته بود. دشمن نیز به دلیل عمق زیاد این رمل‌ها - که به حدود ۲۰ الی ۲۵ کیلومتر می‌رسید و حتی عبور نفرات پیاده از آن‌ها به سختی امکان‌پذیر بود- در عمق مواضع خود، توپ‌خانه و مرکز فرماندهی و مهندسی را به آن، متکی کرده بود. بنابراین، رزمندگان اسلام از راه‌های گوناگون درصدد کسب اطلاع از وضعیت زمین‌های این منطقه برآمدند. نیروی اطلاعاتی سپاه با مسئولیت سیدعلی حسینی* زیر نظر حسن باقری از چند ماه قبل، در این منطقه فعال بودند. از طرف دیگر، نیروهای محلی نیز به کمک رزمندگان شتافتند، که به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود.

حضور مداوم نیروهای اطلاعات عملیات سپاه از چند ماه قبل - که به طور مشخص زیر نظر حسن باقری و با مسئولیت سیدعلی حسینی فعالیت می‌کردند،- سبب شده بود که آنان شناخت کاملی از مشکلات منطقه داشته باشند و راهکارهای مناسبی برای آن‌ها بیندیشید حضور نیروهای بومی و مشارکت آنان در فعالیت گوناگون نیز اطلاعات آنان را افزایش داده بود و این نیروها ضرورت احداث جاده را از چندین ماه قبل دریافته بودند.

محمدحسن نظرنژاد مسئول وقت محور الله‌اکبر و حوادثی بود که اواخر مرداد و اوایل شهریور ۱۳۶۰ در این محدوده رخ داد. گروه شناسایی تحت امر وی

* سیدعلی حسینی یکی از مسئولان خوش‌فکر و شجاع واحد اطلاعات عملیات سپاه بود که مدارج ترقی را تا مسئولیت اطلاعاتی قرارگاه کربلا طی کرد و سرانجام سال ۱۳۶۶ هم‌زمان با اجرای عملیات والفجر ۱۰ در شمال غرب کشور، به شهادت رسید.

ارتش و سپاه در گلف، جلسه‌یی با واحد مهندسی و جهاد سازندگی گذاشته شد و راجع به احداث جاده از الله اکبر تا چاه آب بحث و بررسی صورت می گرفت.^(۳)

در آن زمان جلسه‌یی در ستاد جهاد سازندگی سوسنگرد تشکیل شد و محمدتقی رضوی* از مسئولان طراز اول این ستاد به این اختصار درباره‌ی عملیات آتی رزمندگان توضیحاتی داد. وی ضمن با اهمیت شمردن احداث جاده و تأکید بر توان جهاد سازندگی خراسان از نظر امکانات و تجهیزات و نیروی متخصص، با صراحت و به طور رسمی آمادگی جهاد سازندگی خراسان را برای احداث جاده اعلام می کرد. فرماندهان ارتش و سپاه در عین ناباوری از این پیشنهاد استقبال کردند. در نهایت، طرح احداث جاده‌ی رملی برای رسیدن به عقبه‌ی دشمن و نابودی تسلیحات و تجهیزات ارتش عراق در غرب سوسنگرد پایهریزی و پس از بررسی‌های فراوان به تصویب قرارگاه مشترک ارتش و سپاه رسید.

نکته‌یی که در آن جلسه بر روی آن تأکید شد، تشکیل ستاد مشترکی به منظور ایجاد وحدت رویه و اجرای هماهنگی‌های لازم از جهاد خراسان، ارتش و سپاه در خصوص عملیات مهندسی بود که محل آن سوسنگرد تعیین شد. با توجه به اهمیت فعالیت‌های پشتیبانی و تدارکات، در این مقاله، مجموعه اقدامات انجام شده در خصوص احداث جاده‌ی پیروزی (ابوذر) بررسی خواهد شد.

تلاش برای کسب آمادگی

اجرای عملیات مستلزم مقدمات و پیش زمینه‌های لازم فراوانی است. بر اساس تجارب به دست آمده در جنگ، فرماندهان تلاش عمده‌ی خود را معطوف مقدمات نبرد می کردند. این کار به دنبال تشکیل جلسات متعدد برای انجام هماهنگی‌های

مهندس محمد طرحچی با هم‌کاری تعدادی از برادران ارتشی و سپاهی، به وسیله‌ی اسب، عملیات شناسایی را از کنار رود کرخه شروع و تمام تپه‌های رملی تا اطراف تنگه‌ی چزابه و پشت شهرستان (بستان) را زیر پا گذاردند. عملیات شناسایی یک شبانه‌روز طول کشید که طی آن منطقه کاملاً شناسایی و ابتدا و انتهای جاده و عوارض طبیعی منطقه مشخص گردید. این جاده با عبور از تپه‌های رملی و تنگه‌ی صعه به پشت دشمن می رسید.^(۲)

پس از این که مسئولان جهاد سازندگی استان

خراسان عملیات

شناسایی را به طور

کامل انجام دادند، ابتدا و

انتهای جاده و عوارض

طبیعی از تپه‌های رملی

تا ارتفاعات دارالشیع

به سمت تنگه‌ی چزابه

در پشت نیروهای

دشمن تعیین شد.

دست‌رسی به

اطلاعات جدید از

وضعیت زمین منطقه، فکر

احداث جاده را تقویت

کرد و کار عملاً وارد مرحله‌ی جدیدی شد.

تصویب ایده

تصمیم به احداث جاده‌ی رملی، بعد از شناسایی‌های لازم و جمع‌آوری اطلاعات دقیق و سرکشی برخی مسئولان سپاه و ارتش از تپه سبز به سمت غرب ارتفاعات میشداغ یا به تعبیری تنگه‌ی چزابه و بر اساس پیشنهاد و اعلام آمادگی نیروهای خلاق و فعال جهاد سازندگی مستقر در منطقه بدین ترتیب تقویت شد: «در ۱۴ آبان ۱۳۶۰ توسط فرماندهان

حسن باقری و محمدحسن نظر نژاد
مسئول طرح احداث جاده‌ی رملی
برای رسیدن به عقبه‌ی دشمن و
نابودی تسلیحات و تجهیزات ارتش
عراق در غرب سوسنگرد پایهریزی
و پس از بررسی‌های فراوان به
تصویب قرارگاه مشترک ارتش و
سپاه رسید

*وی در طول سال‌های دفاع مقدس، حضوری مستمر و فعال در میدان‌های نبرد داشت و در آستانه‌ی عملیات طریق القدس از مسئولان ستادی جهاد بود که هم‌زمان با اجرای عملیات کربلای ۱۰، در تاریخ ۳ خرداد ۱۳۶۶، در منطقه سردشت - با دارا بودن مسئولیت معاونت قرارگاه مهندسی جهاد سازندگی - به فیض شهادت نائل شد.



قرارگاه کربلا - سمت راست: عزیز جعفری، سمت چپ: غلامعلی رشید

لازم صورت می‌پذیرفت و هدف اصلی آن، ایجاد وحدت رویه در واحدهای پشتیبانی، سازمان‌دهی و انسجام و آماده‌سازی کامل نیروها و منطقه و رفع مشکلات و کمبودها برای مرحله‌ی نهایی نبرد بود. معمولاً برای اجرای هر عملیات، در طول جنگ ایران و عراق اقداماتی به این شرح انجام می‌شد:

شناسایی منطقه‌ی مورد نظر؛ کسب اطلاعات درباره‌ی استعداد و شیوه آرایش دشمن؛ تشکیل سازمان

کشور هم به همین منظور در چند بخش اصلی سازمان‌دهی و برای این نبرد آماده و در مناطق عملیاتی حاضر شده بودند. جهادهای خراسان، سمنان و اصفهان در محور شمال کرخه یا به تعبیری ارتفاعات الله‌اکبر پس از سازمان‌دهی لازم وارد عمل شدند. برای تفکیک وظایف بین واحدهای مهندسی ارتش و سپاه مأموریت‌هایی از طرف قرارگاه مرکزی کربلا و ستاد اصلی جهاد سازندگی برای واحدهای جهادی مستقر در مناطق عملیاتی تعیین و به آنان ابلاغ شد. در آستانه‌ی عملیات طریق‌القدس، مهم‌ترین مأموریت‌های جهاد سازندگی، احداث جاده‌ی الله‌اکبر و احداث جاده‌ی پیروزی یا ابوذر بود. علی‌آبادیان در این باره می‌گوید: «۱۸ آبان‌ماه، کار احداث جاده به نیروهای جهاد سمنان ابلاغ شد و آنان کار شناسایی و بررسی را انجام دادند.»^(۴)

در پی ابلاغ مأموریت به فرماندهی یگان‌ها و جهادهای تعیین شده برای عملیات، فعالیت آنان برای تحویل گرفتن منطقه و استقرار در آن نقاط، آغاز شد.

رزمی مورد نیاز برای اجرای عملیات و برنامه‌ریزی برای تدارک نیروهای رزمنده‌ی شرکت‌کننده در عملیات؛ طرح‌ریزی مانور مناسب از بین راه‌کارهای گوناگون؛ انتقال یگان‌های رزمی به منطقه‌ی عملیات و آماده‌سازی نیروها و منطقه برای حمله به دشمن و اجرای عملیات در زمان مناسب.

ضرورت ایجاب می‌کرد در عملیات طریق‌القدس همه‌ی جوانب امور به دقت در نظر گرفته شود؛ از طرفی، نیازها موجب بروز نوآوری و خلاقیت در جریان عملیات شدند. احداث جاده‌ی پیروزی یکی از کارهای خلاقانه‌ی جهاد سازندگی بود که می‌تواند نمونه و الگویی برای آیندگان باشد.

ابلاغ مأموریت

سرزمینی که برای آزادسازی‌اش تلاش می‌شد بسیار گسترده بود، به همین دلیل باید از امکانات و تجهیزات سازمان‌ها و نهادهای حاضر در منطقه به گونه‌ی مطلوب استفاده می‌شد. نیروهای جهادی

احداث جاده

واحد مهندسی جهاد سازندگی خراسان برای اولین بار، در عملیات طریق القدس به صورت یک سازمان منظم مهندسی، متشکل از تیم‌های گوناگون آغاز به کار کرد و از نظر هماهنگی و فرماندهی شبیه سازمان ارتش و سپاه بود که در ادامه به فعالیت‌های آنان اشاره می‌شود.

بعد از عملیات و تصرف تپه سبز، یک جاده‌ی تدارکاتی از الله اکبر به دامنه‌ی این تپه برای استقرار توپخانه‌ی ارتش کشیده شده بود. این مسیر به نام جاده‌ی الله اکبر معروف شد که طول آن به ۷ کیلومتر و عرض آن به ۷ متر می‌رسید.

با این اوصاف، موضوع احداث جاده‌ی پیروزی

- که کلید و راه کار اصلی ورود به منطقه‌ی شمالی عملیات بود - در دهه‌ی دوم آبان سال ۱۳۶۰ با جدیت دنبال و طول تقریبی و مسیر آن مشخص شد. مسئولان جهاد هم به همراه فرماندهان عملیات چندین بار بر روی تپه‌ها و ارتفاعات حضور یافتند و در

در آستانه‌ی عملیات
طریق القدس، مهم‌ترین
مأموریت‌های جهاد
سازندگی، احداث جاده‌ی
الله اکبر و احداث جاده‌ی
پیروزی یا ابوذر بود

جریان کامل امور قرار گرفتند.

به دنبال فراهم شدن مقدمات کار احداث جاده، ضرورت داشت تا نیروهای زبده‌ی سپاه حاضر در منطقه به کمک نیروها، به‌ویژه در امر مسیریابی جاده بشتابند. در همین خصوص در کتاب عملکرد جهاد سازندگی خراسان در دفاع مقدس آمده است: که شهید رضوی به همراه تنی چند از برادران جهاد خراسان برای شناسایی به منطقه می‌روند و بعد از شناسایی، عملیات احداث جاده آغاز می‌شود.^(۵)

بعد از این که مسئولان جهاد سازندگی استان خراسان کار شناسایی منطقه را به طور کامل انجام دادند، ابتدا و انتهای جاده و عوارض طبیعی از تپه‌های رملی تا ارتفاعات دارالشیاع به سمت تنگه‌ی جزابه در پشت نیروهای دشمن تعیین شد.

سرانجام، پشتیبانی جنگ جهاد سازندگی اعلام کرد که با بهره‌گیری از امکانات خود و با حداکثر سرعت جاده‌ی مورد نظر را احداث خواهد کرد تا در حرکت خودروها و تانک‌ها مشکلی پیش نیاید.

بلافاصله، در دهه‌ی دوم آبان ۱۳۶۰ مطابق با نیمه‌ی دوم محرم، کار احداث جاده شروع شد. با توجه به ضرورت اجرای عملیات و تأکیدات مسئولان کشوری و فرماندهان سپاه و نیروی زمینی در اواسط ماه محرم، کار با سرعت و تلاش بسیار آغاز شد؛ با این هدف که تا آخر ماه محرم این کار به اتمام برسد.

بدین منظور، فرماندهان تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) از سپاه و تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی اهواز با در اختیار قرار دادن امکانات، تجهیزات و نیروهای مجرب واحدهای مهندسی یگان‌هایشان جهاد سازندگی را تقویت کردند و بی‌صبرانه در انتظار نتایج کار بودند، زیرا احداث جاده‌ی خاکی در داخل رمل‌ها، به نیروهای پیاده و زرهی کمک می‌کرد به سرعت، تپه‌های غیر قابل عبور را پشت سر گذارند و در شب عملیات همه‌ی نیروهای عمل‌کننده بنا بر ضرورت از آن استفاده کنند. به هر حال، جهاد سازندگی (شهرستان دامغان) استان سمنان به سرپرستی ابوالفضل حسن بیگی و با مسئولیت اجرایی مهندس علی‌آبادی و میری، به رغم مشکلات و کمبودهای فراوان کار سترگ احداث جاده را تقبل کردند.

پس از این که هماهنگی‌های لازم بین جهاد سازندگی و برادران سپاهی انجام شد، کارهای مقدماتی برای احداث جاده‌ی ابوذر (پیروزی) آغاز شد و در ادامه، نیروهای جهاد سازندگی توانستند و

از عرض جاده کاسته و در فواصل مساوی یک پارکینگ تعبیه شد، ولی بعداً به خاطر مشکلات به وجود آمده عرض جاده بیش تر شد.^(۷) کارها در روزهای اول کند پیش می رفت، ولی به تدریج سرعت کار افزایش یافت. به دلیل نرم بودن تپه های رملی، استفاده از وسایل چرخ دار غیر ممکن یا با مشکلات عدیده یی همراه بود. به همین خاطر برای صاف کردن جاده فقط از بولدوزرهای زنجیری استفاده می شد.

موانع و مشکلات احداث جاده

احداث جاده با مشکلات و موانع بسیاری همراه بود، از جمله:

فرماندهان تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) از سپاه و تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی اهواز با در اختیار قرار دادن امکانات و نیرو، مجرب واحدهای مهندسی یگان هایشان جهاد سازندگی را تقویت کردند

شن های موجود در منطقه فوق العاده نرم و روان و به صورت تپه های وسیع گسترده بودند. بادهای تند منطقه شن های نرم را جا به جا می کردند و در نتیجه رمل ها موجب محو شدن جاده می شدند. برای مقابله

با این پدیده، اعضای جهاد حاضر در منطقه با استفاده از هر وسیله یی از بیل دستی گرفته تا لودر، پیوسته شن ها را از روی جاده مدفون شده کنار می زدند و کار احداث جاده را ادامه می دادند.

مسئولان جهاد سمنان برای تنظیم برنامه های کاری شان باید از زمان دقیق اجرای عملیات مطلع می شدند که به دلیل طبقه بندی این اخبار قاعدتاً از آن محروم بودند. بحث آب نیز برای نگه داشتن برخی نقاط رملی به طور موقت و جلوگیری از ریزش جاده بسیار مهم بود. مشکل دیگری که احتمال داشت

مسیر جاده را از جداری خطوط پدافندی و حائل بین دو طرف متخاصم به عمق تپه های رملی در بخش شمال غربی ادامه دهند.

در مرحله ی بعد، جهاد سازندگی برای تقویت نیروی انسانی مورد نیازش درخواست نیرو کرد که ۵۰ نفر از خراسان به منطقه اعزام شدند و از این به بعد فعالیت های لازم بدین ترتیب آغاز شد.

اولین گام برای احداث جاده، تشکیل تیم های مهندسی بود که به طور شیفتی و شبانه روز کار را ادامه دهند. مقدمه ی ساخت ابنیه ی جاده، دیوار چینی در دو طرف جاده بود که در این خصوص طرح های بسیاری ارائه شد. یکی از این طرح ها چیدن تراورس ها به طور عمودی بود که به دلیل نبود امکانات و مصالح مورد نیاز این طرح موفق نبود. طرح دوم، جمع آوری و چیدن اتومبیل های اسقاطی و مهندم شده بود که در محور سوسنگرد دیو شده بودند و قسمتی از دیوار چینی جاده به وسیله ی این اتومبیل ها ساخته شد و سومین طرح، چیدن کیسه های گونی پر شده از خاک و استفاده از نیزارهای وسیع بود که در سر تا سر منطقه گسترده شده بودند. هم چنین، برای تثبیت شن ها از درختان کویری مانند تاغ و گز استفاده شد.

با فراهم شدن مقدمات کار احداث جاده، ضرورت داشت تا نیروهای زبده ی جهاد حاضر در منطقه برای احداث مسیر جاده شتاب کنند. به همین منظور اقداماتی بدین ترتیب انجام شد: «حدود ۸۰ کامیون کمپرسی بدون وقفه خاک را از تپه ی شحیطیه (حوالی الله اکبر) حمل کرده و در مسیر تعیین شده روی رمل ها می ریختند که توسط ماشین های مختلف جاده سازی پخش و در رمل کوبیده می شد. برای سهولت حرکت، تپه های بلند رملی بریده شده و شیب مناسبی برای جاده ایجاد شد.»^(۸)

هم زمان با احداث جاده، پیش بینی های اولیه متناسب با پیشرفت کار تغییر می کرد: «بدین ترتیب،



عملیات طریق القدس

دشمن را در خصوص احداث این جاده حساس کند، این بود که:

عرض جاده‌ی ابوذر به ۷ متر می‌رسید که به ارتفاع ۵۰ سانتی‌متر خاک‌ریزی می‌شد و بعد از کوبیدن ارتفاع جاده به ۳۰ سانتی‌متر کاهش پیدا می‌کرد. به علت کم عرض بودن جاده، کمپرسی‌ها قادر نبودند در جاده مانور بکنند و ناچار بودند با دنده عقب به جاده آمده و پس از تخلیه‌ی بار خود برگردند^(۸)

به دلیل وجود ماسه‌های روان (رمل‌ها) ساخت دیوار چینی ضرورت داشت. به همین منظور، برای تأمین گونی از استان کمک خواسته شد. سپس، برای جلوگیری از ریزش تپه‌های شنی روی جاده و حرکت رمل‌ها در کناره‌های راه ارتباطی احداث شده با هزاران کیسه‌ی شن دیوارسازی شد. رزمندگان، مهندسان و جهادگران توان مقابله با از هم گسیختگی جاده را نداشتند و این جا صحنه‌ی زیبای دیگری خلق شد و در امر پشتیبانی مستقیم نبرد، فرماندهان دست نیاز به سوی مردم دراز کردند و باز هم مردم چاره‌ساز شدند.

برای کنترل حرکت طوفان شن و بادهای موسمی در نماز جمعه‌ی اهواز و سوسنگرد از مردم خواسته شد که به یاری رزمندگان بشتابند. مردم با شور و شغف تمام و عاشقانه در یک بعد از ظهر با همت و تلاش مضاعف، نی‌های کنار رودخانه‌ی کرخه را به جاده آوردند و در سمتی که باد می‌وزید کار گذاشتند تا رمل‌ها کنترل شود. کاری که فقط از دست مردم - که صاحبان اصلی کشور و حامیان وفادار دفاع در مقابل دشمن و جهاد در راه بیرون راندن متجاوزان

بر این اساس، کار احداث جاده در چنین وضعیت سخت و پیچیده‌ی، بسیار دشوار و طاقت‌فرسا بود.

راه‌های مقابله با مشکلات

بر اساس اطلاعات کسب شده، مسئولان جهاد سازندگی برنامه‌های‌شان را به منظور آماده‌سازی جاده و مقابله با مشکلات بدین ترتیب تنظیم کردند: هم‌زمان با کار احداث جاده، به حفظ و نگهداری جاده و جلوگیری از ریزش شن‌های روان و در نتیجه تخریب جاده به طور اساسی توجه و مشخص شد که برای این کار نیز باید تمهیدات ویژه‌ای اندیشیده شود که با توجه به خلاقیت و ابتکار عمل رزمندگان اسلام به خصوص جهادگردان، این کار نیز امکان‌پذیر و عملی بود. در این راه، یاری و حضور مردم به منظور تحقق ایده‌های مبتکرانه‌ی جهادگران دامغان نقش بسزایی داشت. در ادامه به اختصار به اقداماتی که دست‌اندرکاران احداث جاده انجام دادند، اشاره می‌شود.

که به دلیل محدودیت زمانی، انجام کار به صورت معمولی فراهم نبود، زیرا دشمن پروازهای شناسایی داشت و احتمال این که با تهیهی عکس به موضوع حساس شود و در نهایت عملیات لو برود، وجود داشت. به همین دلیل رزمندگان نمی توانستند زودتر اقدام به احداث جاده کنند.

جهاد سازندگی نیز به رغم تلاش در راه آماده سازی جاده از اخبار و زمان دقیق عملیات اطلاعی در دست نداشت بر همین اساس، اعضای این نهاد درصدد برآمدند تا ضمن آگاه شدن از زمان شروع عملیات برنامه های شان را به ویژه آماده سازی

آخرین مرحلهی جاده را بر اساس اولویت های ابلاغی تنظیم کنند و هم زمان با آن به کار خود شتاب و سرعت بیش تری بدهند.

آخرین هماهنگی ها

صبح روز جمعه ششم آذر ۱۳۶۰ بعد از حدود سه هفته فعالیت مداوم برای

احداث جاده در محدوده ی تپه سبز تا محدوده ی دیدگاه اول، فرماندهان سپاه و ارتش و فرماندهان و افسران قرارگاه کربلای ۱ از جاده بازدید کردند.

سرهنگ علی صیاد شیرازی درباره ی احساس خود و فرمانده قرارگاه کربلا و در خصوص ایجاد بستر و زمینه ی لازم برای دستیابی به موفقیت در عملیات آتی گفت:

پانزده یا شانزده روز بعد، گفتند جاده برای بازدید آماده است. رفتیم برای بازدید همان حالتی که به سرهنگ نیاکی دست داده بود - مبنی بر این که

از خاک ایران بودند- برمی آمد. در این خصوص، سرهنگ علی صیاد شیرازی می گوید: «برای این که دوباره شن های روان نیاید - چون صبح که بلند می شدیم، می دیدیم شن جاده را گرفته، شن روان بود و با باد می آمد - (جهادگران با کمک مردم) دیوار حصیری زدند.»^(۹)

روستائیان هم به یاری جهادگران آمدند و چاه هایی را احداث کردند. اتخاذ چنین تصمیماتی کار احداث جاده را تسهیل کرد. تانکهای آب پاش، جاده را آب پاشی می کردند و با این کار رمل ها سفت و محکم می شد و بعد از آن کمپرسی ها خاک هایی را که بیش تر رس بودند، بر سطح جاده تخلیه می کردند و پس از آن غلطک ها با کوبیدن خاک رس جاده را تثبیت و برای تردد آماده می کردند و در مکان هایی که بستر جاده بیش از اندازه سست بود، ابتدا به وسیله ی تورهای سیمی، جاده را مفروش و بر روی آن ها خاک رس پهن می کردند و سپس آن را می کوبیدند تا سفت شود.

سرهنگ هوشنگ بهرامی در این باره می گوید: « دو دستگاه لودر و ۳۰ دستگاه کامیون کمپرسی تپه ی بزرگی (تپه سبز) از خاک رس را در ارتفاعات الله اکبر باز نموده و به داخل رمل ها بردند. خاک رس با ملاتی که از امکانات محلی به دست می آمد، مخلوط شده و بر روی رمل ها قرار داده می شد که می توانست خودروهای چرخ دار را تحمل کند.»^(۱۰)

قرارگاه پیوسته وضعیت کار را پی گیری می کرد و همه بی صبرانه منتظر بودند کار احداث جاده تمام شود. برای این که دشمن در خصوص احداث این جاده حساس نشود، کار ساخت آن در شب انجام می شد و در روز مسیر احداث شده استتار می شد تا دشمن با گرفتن عکس هوایی از منطقه یا از طریق گشت هلی کوپتری نتواند به وجود آن و به خصوص به جهت تک احتمالی رزمندگان اسلام پی ببرد.

جاده نقشی حیاتی در عملیات داشت. ضمن این

به دلیل نرم بودن تپه های رملی، استفاده از وسایل چرخ دار غیر ممکن یا با مشکلات عدیده ای همراه بود به همین خاطر برای صاف کردن جاده فقط از بولدوزرهای زنجیری استفاده می شد

تدارکات و مهمات با مشکلات و سختی همراه بود. در هر صورت، آن ۸-۷ کیلومتر راهسازی، خوب و مؤثر بود، ولی بخش اصلی در عمق منطقه‌ی نبرد همچنان به صورت رمل باقی ماند. برای همین، شب عملیات ما مسیر را با فانوس روشن کردیم. به اعتقاد من آن ۷ کیلومتر که جاده احداث شده، به نام "جاده‌ی ابوذر یا پیروزی" است و بقیه‌ی مسیر که با فانوس روشن کردیم و ۱۲ کیلومتر بود، باید به نام "جاده‌ی فانوس" از آن یاد کرد.^(۱۲)

به رغم پیش‌بینی اولیه برای احداث جاده‌یی به طول ۲۰ الی ۲۵ کیلومتر، بنا به دلایل گوناگون از جمله کمی وقت؛ تعجیل برای اجرای عملیات و جلوگیری از کشف منطقه‌ی نبرد توسط دشمن، تنها حدود ۱۵ کیلومتر از جاده‌ی حد فاصل تپه سبز تا نزدیکی دیدگاه دوم به پایان رسید و از آن‌جا به بعد نیز به دلیل وجود زمین‌های محکم بین تپه‌های رملی، نیازی به جاده‌کشی تا دیدگاه سوم نبود و فقط قطعات کوتاه رملی (به میزان حداکثر ۲ کیلومتر) بین زمین‌ها را نیز قابل استفاده کردند، در کناره‌های این راه، برای جلوگیری از ریزش تپه‌های شنی روی جاده و حرکت رمل با هزاران کیسه شن دیواره‌سازی شده بود.

از دیدگاه دو تا سه، برای مشخص بودن امتداد مسیر و جلوگیری از گم شدن و انحراف خودروها و رزمندگان از مسیر در شب، به فاصله‌ی هر ۱۰۰ متر دستک‌های کوتاه چوبی و آهنی نصب کرده و فانوس‌های کوچکی به آن آویخته بودند و به این ترتیب مسیر مناسبی در دل رمل‌ها و تقریباً موازی با امتداد جناح شمالی نیروهای دشمن به طول ۱۰ کیلومتر ایجاد شد و امکان عبور نیرو و احاطه و دستیابی سریع به پهلوی و عقبه‌ی نیروهای اشغال‌گر فراهم شد. به همین دلیل، عده‌یی این مسیر مال‌رو را که در امتداد جاده‌ی پیروزی (ابوذر) یا شهدا قرار داشت، جاده‌ی فانوس می‌نامند.

پیروز هستیم - این جاده را که دیدیم، به ما هم [فرمانده ارتش و سپاه] دست داد. جاده مثل [پل] پیروزی بود. در همان محوری بود که می‌خواستیم برویم. جای خوبی بود برای حمله؛ به این دلیل که دشمن فکر کرده بود از جناح چپ او، به علت رملی بودن، نمی‌توانیم پیشروی کنیم. جاده درست شده بود و معنی‌اش این بود که تنها با نیروی پیاده حمله نمی‌کنیم. پشت سر پیاده‌نظام، تانک هم می‌تواند برود، نفربر و امکانات پشتیبانی می‌تواند راه بیفتد و خیلی از مسائل حل است.^(۱۱)

عملیات جاده‌سازی با سرعت بسیاری آخرین مراحل خود را می‌گذراند و مسئولان طرح قول دادند که تا ظهر روز ششم آذرماه، کار به پایان برسد و جاده آماده بهره‌برداری شود. بولدوزرها، تخلیه‌کن‌ها و گریدرها با سرعت مشغول کار بودند و شیب آخرین تپه‌ی رملی را می‌ساختند تا عبور تانک‌های چیفتن و خودروهای آمبولانس و سایر وسایط نقلیه به سهولت و با سرعت بیش‌تری انجام شود.

سیدعلی بنی‌لوحی یکی از فرماندهان حاضر در منطقه‌ی عملیاتی درباره‌ی این جاده می‌گوید: جاده‌ایی که توسط جهاد احداث شد، تقریباً ۳۰ کیلومتر از مسیر تا رسیدن به دیدگاه سوم را پوشش داد و در زمان انتقال گردان‌ها به عمق منطقه ما ناچار بودیم حدود ۱۲ کیلومتر پیاده در عمق از رمل‌ها عبور کنیم. برای همین انتقال ادوات زرهی، بردن آمبولانس و نفربر برای حمل مجروحین و تأمین

مردم با شور و شغف تمام و عاشقانه در یک بعد از ظهر با همت و تلاش مضاعف، نی‌های کنار رودخانه‌ی کرخه را به جاده آوردند و در سمتی که باد می‌وزید کار گذاشتند تا رمل‌ها کنترل شود

در انتظار اقدام

ماه محرم سال ۱۴۰۲ هجری قمری، به روزهای آخر رسید و با وجودی که همه از ابتدای این ایام انتظار شروع یک عملیات بزرگ را می کشیدند، هیچ تحرکی در جبهه های جنگ انجام نشده بود. شمارش معکوس عملیات آغاز شده بود. در چنین وضعیتی، مهم ترین دغدغه ی فرماندهان در آستانه ی نبرد شیوه ی دست رسی نیروهای زرهی از حوالی روستای شاکریه به دیدگاه یک و از آن جا تا عمق مواضع دشمن در دیدگاه سوم بود، طوری که مسیر را گم نکنند و در تاریکی شب بتوانند بدان دست یابند.

بدین ترتیب، مشکل هدایت یگان های زرهی برای شب عملیات با ابتکار دیگر نیروهای خلاق و هوشمند مرتفع شد. در چنین وضعیتی، فرماندهان و یگان های سپاه و ارتش آماده شدند تا دستور حمله را برای نبردی بی امان صادر کنند.

برای مشخص بودن امتداد مسیر و جلوگیری از گم شدن و انحراف خودروها و رزمندگان از مسیر در شب، به فاصله ی هر ۱۰۰ متر دستک های کوتاه چوبی و آهنی نصب کرده و فانوس های کوچکی به آن آویخته شد

پس از تلاش های فراوان برای انجام دادن آخرین هماهنگی های لازم، قرارگاه کربلا - که با مسئولیت طرح ریزی، اجرا، کنترل و هدایت عملیات طریق القدس در مجاورت پاسگاه فرماندهی لشکر ۹۲ (ابتدای ارتفاعات الله اکبر در شمال کرخه) تشکیل و مستقر شده بود - در این اثنا وارد مرحله ی جدیدی از فعالیت خود شد.

بنا بر تدابیر قبلی، پایان روز پنجم آذر ۱۳۶۰، زمان آغاز عملیات انتخاب شده بود، اما با توجه به مشکلاتی که وجود داشت و همچنین آماده نبودن

در واقع، جاده از تپه سبز تا دیدگاه دوم و تا نزدیکی چاه آب احداث شد و به دلیل محدودیت زمانی و تجهیزاتی، فرصت نشد تا به دیدگاه سوم برسد و ادامه یابد. در انتهای جاده نیز یک باند هلی کوپتر برای استفاده ی یگان ها در حین عملیات احداث شد. محلی نیز برای واحد بهداری در نظر گرفته شد تا مقارن با عملیات به وضعیت مجروحان عملیات با سرعت رسیدگی و به وسیله ی آمبولانس یا هلی کوپتر امکان جا به جایی و تخلیه ی مصدومان فراهم شود.

سرانجام، با گذشت حدود ۳ هفته جاده ی پیروزی (ابوذر) و در امتداد آن نیز مسیر جاده ی فانوس آماده شد. این فعالیت، کاری بود بس عظیم که با همت و اراده ی مثال زدنی جهادگران عرصه های نبرد تحقق یافت.

تلاش شبانه روزی جهاد سازندگی شهرهای دامغان و سمنان وابسته به استان خراسان، اقدام برجسته ی مهندسی جنگ بود که با امکانات و تجهیزات محدود، اما اراده ی آهنین از مرحله ی مشاوره و طراحی تا زمان اجرا و اتمام کار انجام شد. خلاقیت و شکوفایی جهادگران، مدرسان طراحان سپاه و ارتش بود تا با اطمینان از عملکرد آنان، فارغ البال، عمده انرژی شان را معطوف امور ضروری دیگر بکنند.

نکته ی اساسی دیگر شیوه ی برنامه ریزی و مراقبت های سنجیده ی رزمندگان بود که به رغم فعالیت های فراوان به واسطه ی حضور گسترده ی نیرو و استفاده ی بی وقفه از امکانات و تجهیزات مهندسی، دشمن متوجه کار احداث جاده نشود و ضریب حفاظتی و امنیتی عملیات نیز از بین نرود. این اقدام نمایان گر فعالیت خارق العاده ی مهندسی جنگ با مشارکت و هم کاری مشترک جهادگران و واحدهای مهندسی سپاه و ارتش بود که فعالیت های گسترده ی نبردهای عظیم و تعیین کننده ی جنگ را نیز پایه گذاری کرد.

گردان اباعبدالله از محور جاده‌ی پیروزی و شهدای طریق القدس - که توسط برادران جهادگر به عمق (وسعت) ۷ تا ۸ کیلومتر ایجاد شد - عبور کردند و ما توانستیم دشمن را در عمق ۱۸ کیلومتری دورتر در عقب دور بزنیم؛ بدین ترتیب که ۲۴ ساعت قبل از عملیات حرکت کردیم و در نزدیکی درخت‌های موجود نیروها را منتقل و پنهان کردیم.^(۱۳)

فرماندهان نیروهای زرهی و مکانیزه نیز به دنبال استفاده از تاکتیک حمله‌ی برق‌آسا بودند، بدین منظور، آنان نیز با رعایت همه‌ی جوانب حفاظتی اقدام به جا به جایی و استقرار نیروهایشان از طریق جاده‌ی پیروزی در ایام قبل از شب عملیات کردند. همه برای رسیدن به آن سوی تپه‌ها و دور زدن خاکریز (دژ) عصا شکل و عبور از خطوط مقدم بی‌تابی می‌کردند.

نیروهای جهادی جلوتر از همه با هماهنگی لودر و بلدوزرهایشان مشغول بودند تا هر جای کار گره‌یی خورد وارد عمل شوند و با درک وضعیت عمومی عملیات، ضمن مصروف داشتن همه‌ی توان‌شان، فضا را مهیای رزم دیگری کنند.

سرانجام، پس از حدود بیست شبانه‌روز کار مستمر واحدهای جهاد سازندگی شهرهای دامغان و سمنان از استان خراسان*، جاده‌ی پیروزی احداث شد و بدین ترتیب، امکان دست‌رسی نیروهای خودی در خیز اول به عقبه‌ی دشمن در تنگه‌ی چزابه و پل ابوچلاچ فراهم شد.

تأثیر وضعیت جوی در عملیات

هم زمان با حضور نیروهای گردان‌های عمل‌کننده در منطقه، وضعیت جوی نیز دگرگون شد. هوا از صبح روز شنبه ابری شد، طوری که امکان شناسایی هوایی را از هواپیماهای دشمن سلب کرد. وزش باد نیز مزید بر علت شد و گرد و غباری تمام سطح منطقه را پوشاند. از همان ساعت اولیه‌ی ورود نیروها به منطقه

کامل منطقه و یگان‌ها، اجرای عملیات به پایان روز هفتم آذر ۱۳۶۰، موکول شد. ساعت شروع درگیری نیز، با توجه به عمق منطقه‌ی عملیاتی و نیاز به زمان کافی برای دست‌یابی نیروها به اهداف پیش‌بینی شده، ساعت ۳۰ دقیقه‌ی بامداد روز هشتم آذر ۱۳۶۰، تعیین شد.

البته، به یگان‌های محور شمالی تأکید شد تا از تاریکی شب ششم آذر، حداکثر بهره‌برداری را کنند و حرکت‌شان را در شب آغاز و به سرعت از جاده‌ی پیروزی و تپه‌های رملی عبور کنند و خود را به پشت مواضع دشمن برسانند.

در همین خصوص، گردان‌های عمل‌کننده در محدوده‌ی دیدگاه ۳ - که می‌بایست مواضع نظامی دشمن را در عمق ۱۸ کیلومتری تصرف می‌کردند - نیروهایشان را از ۲۴ ساعت قبل گسیل کردند و بخشی از مسیر پر فراز و نشیب رمل‌ها را در این فرصت پشت سرگذاشتند تا شب

حمله در کم‌ترین زمان و فاصله‌ی مکانی وارد عمل شوند و ضریب دست‌یابی به اهداف از پیش تعیین شده را افزایش دهند. بدین ترتیب، نیروهای گردان‌های اباعبدالله^(ع)، یازهرا^(س)، امیرالمؤمنین^(ع) و امام هادی^(ع) تیپ ۱۴ امام حسین^(ع)، با دستور فرماندهان‌شان راه‌پیمایی خود را از عقبه به سوی اماکنی در نزدیکی دیدگاه سوم آغاز کردند و در محل‌های تعیین شده [لابلای تپه و رمل‌ها] مستقر شدند.

علی زاهدی فرمانده گردان اباعبدالله درباره‌ی این تدبیر می‌گوید:

در مدت ۳ هفته جاده‌ی پیروزی (ابوذر) و در امتداد آن، مسیر جاده‌ی فانوس آماده شد

* در آن زمان جهاد سازندگی شهرهای دامغان و سمنان تشکیلات مستقلی نداشتند و زیر نظر جهاد خراسان فعالیت می‌کردند.



و افزایش تردها و آمد و شدها بر میزان غبار محلی افزوده شد، اما وضعیت به گونه‌یی بود که با اوضاع جوی حاکم هماهنگی داشت. این وضعیت تا غروب ادامه داشت و هر چه زمان سپری می‌شد بر شدت بادهای موسمی و تراکم ابرها افزوده می‌شد. این اوضاع خارج از تصور و پیش‌بینی‌های قبلی

بود. از ساعت ۱۹، باران رحمت الهی نم‌نم و پراکنده شروع به باریدن کرد. چنین وضعیت غیرمترقبه‌یی، بر میزان حساسیت فرماندهان افزود. آنان فکر همه چیز را کرده بودند، به جز باران. برخی از آنان بارش باران را عامل کندی، توقف و شکست عملیات می‌دانستند، اما بارش باران در عملیات تأثیر بسزایی داشت و کمک فراوانی به رزمندگان اسلام کرد، از جمله این که:

دشمن که متوجه تحرکات نیروهای اسلام برای حمله‌ی گسترده شده بود، دستور آماده‌باش کامل را صادر کرده بود، اما بارش باران ساعاتی قبل از آغاز عملیات و تشدید آن در ساعات بعد، سبب شد تا نیروهای عراقی گمان کنند که بر اثر بارش باران، رزمندگان اسلام هرگز حمله نخواهند کرد؛ بنابراین، دشمن در برخی نقاط و محورهای کم‌اهمیت از ساعت ۲۱ به بعد، دستور آماده‌باش را لغو کرد.

از طرف دیگر، افزایش حضور رزمندگان از غروب روز شنبه هفتم آذر در خطوط مقدم و تردد فزاینده‌ی آنان به ویژه در جاده‌های خاکی سبب ایجاد گرد و غبار شدید در حالت عادی و علامتی برای دشمن می‌شد تا محل حضور و راه‌های وصولی رزمندگان را تا پای کار و معابر، شناسایی کنند، اما بارش باران، همه‌ی آثار گرد و غبار را زایل کرد. علاوه بر این که شدت بارش باران از ساعات اولیه‌ی شب سبب شد تا نیروهای گشتی شناسایی و نگهبانی دشمن که هر شب هوشیارانه، مناطق را زیر نظر داشتند به داخل سنگرها بروند و میزان حساسیت آنان کاهش عمده‌یی یابد.

همان طور که در مباحث قبلی بیان شد، قسمتی از شمال منطقه پوشیده از شن‌های روان بود که عبور از تپه‌ها را بسیار مشکل و سرعت رزمندگان را کند می‌کرد. اما بارش باران رمل‌ها را سفت و محکم می‌کرد و رزمندگان می‌توانستند به راحتی از آن‌ها عبور کنند.

در چنین وضعیتی رزمندگان اسلام آسوده خاطر، به ویژه در بخش شمالی، تپه‌های رملی را پشت سر گذاشتند و بعد از عبور از زمین‌های سفت خود را به میدان‌های مین و معابر نفوذی رساندند.

شرح عملیات

به دنبال تاریک شدن هوا (هفتم آذر ۱۳۶۰) و قطعی شدن زمان حمله - در حالی که دو ساعت بیش تر به شروع عملیات نمانده است - فعالیت و تلاش ها به اوج خود می رسد و همه مترصد شروع عملیات اند. قطرات باران که از سر شب به آرامی بر سر رزمندگان حاضر در منطقه می بارد، با جدی شدن زمان عملیات و حرکت نیروها شدت یافته است. گویی رابطه ی مستقیمی بین سرعت وارد شدن نیروها به معابر و شدت باران وجود دارد، دیگر از نم نم باران خبری نیست، بلکه رگبار منطقه را فراگرفته است. در این لحظات نفس گیر، نیروهای رزمنده تحت

بارش باران در عملیات تأثیر بسزایی داشت

امر یگان های خود، به موقع در نقاط از پیش تعیین شده حضور می یابند و در انتظار فرمان حمله می مانند.

تلاش برای حضور به موقع مابقی نیروها اوضاع شمال کرخه را کاملاً دگرگون کرده است. به طوری که تعداد بی شماری موتورسوار و وانت های

سپاه در رفت و آمد هستند. با وجود ادامه داشتن کار ساخت آخرین بخش و شیب جاده ی پیروزی (ابوذر یا شهدا)، ترافیک سنگینی از چندین تانک، نفربر، خودرو و رزمنده های پیاده و سواره در میان رمل ها و حوالی دیدگاه ۱ به وجود آمده است. تجمع بیش از حد در میان تپه ماهورهای رملی حوالی دیدگاه اول، هنگامه ی عجیبی ایجاد کرده است، طوری که امکان لو رفتن این محور عملیاتی به خوبی احساس می شود و همه به شدت نگران هستند. در محورهای دیگر هم با وجود کم و کاستی های فراوان، سرانجام،

نیروهای خط شکن از عقبه به خط مقدم منتقل می شوند. تاریکی شب همه جا را فراگرفته است که به یک باره با وارد عمل شدن موتورسواران و روشن کردن فانوس ها، راهی روشن و نورانی در رمل ها پیش پای رزمندگان قرار می گیرد که آنان را از مسیر شناسایی به هدف می رساند.

فرمان حمله

پس از روزها کار نفس گیر در وضعیتی بسیار نگران کننده، سرانجام لحظه ی موعود فرا می رسد. عقربه های ساعت، ۳۰ دقیقه ی بامداد را نشان می دهد و فضای سکوت قرارگاه در برده با سخنان محسن رضایی فرمانده سپاه و سپس فرمان حمله ی غلامعلی رشید فرمانده نبرد بدین ترتیب می شکند:

بسم الله الرحمن الرحيم

ولا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم " الان ساعت دوازده و نیم است و طبق توافقی که با برادران ارتش داشتیم، با توکل بر خدا و با در نظر گرفتن یاری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه (صلوات حضار) برادر عزیزمان رشید مسئول عملیات سپاه، در این جریان، دستور آغاز عملیات را می دهد، به امید آن که ان شاء الله بتوانیم تا چند ساعت آینده به مرز برسیم ^(۱۴)

قدسی بی سیم چی قرارگاه کربلا نیز با به گوش کردن همه ی یگان ها و واحدها طی پیامی رمز را بدین صورت به آنها اعلام می کند: « از رشید به کلیه واحدها. از رشید به کلیه واحدها: یاحسین، یاحسین. یاحسین، یاحسین. یاحسین!... » ^(۱۵)

آغاز درگیری و پیشروی ها

به دنبال نفوذ نیروهای خط شکن به مواضع دشمن، درگیری از حدود ساعت یک و نیم به بعد در سراسر منطقه آغاز می شود.

محور شمال کرخه

از مسیر رمل‌ها، در بخش شمال کرخه، ۱۲ گردان پیاده، در نقش نیروی احاطه‌کننده، شامل ۱۱ گردان پیاده از سپاه و یک گردان پیاده از ارتش به همراه دو گردان تانک و یک گروهان مکانیزه، متشکل از یک گردان زرهی سپاه و یک گردان زرهی ارتش و یک گروهان مکانیزه از سپاه، حمله به سمت عمق جبهه‌ی دشمن را برای رسیدن به خطر استراتژیک تنگه‌ی چزابه آغاز می‌کنند.

شیوه‌ی عبور و ضرورت حضور یگان‌های زرهی

در چنین اوضاعی، نیروهای زرهی ارتش و سپاه - که از غروب به تدریج حرکت کرده و آخر شب روی جاده بودند - بعد از آغاز درگیری و با شروع عملیات به حرکت‌شان تا دیدگاه سوم ادامه می‌دهند و با عبور نیروهای پیاده از معابر و خطوط اول، به تدریج، راه‌شان را در میان تپه‌ها پیدا می‌کنند. گردان زرهی ۲۹۳ تیپ ۳ لشکر ۹۲ و تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) و یگان مستقل زرهی تحت امر قرارگاه هم مانند نیروها چندین بار مسیر را گم می‌کنند، اما در نهایت موفق می‌شوند از موانع عبور کنند.

حسین خرازی شیوه‌ی حرکت یگان‌های زرهی ارتش و سپاه را چنین توصیف می‌کند:

چون دو سه مرتبه در این رمل‌ها گم شدیم و تانک‌ها از این طرف به آن طرف رفتند، ولی الحق تا پای هدف خیلی با ما خوب راه آمدند. آن‌ها چندین مرتبه در این رمل‌ها حرکت کردند و خدا هم خیلی کمک کرد. تانک‌هایی که سالم آن پنج کیلومتر راه می‌رود و می‌ماند و خراب می‌شود، با آن وضعیت حدود ۹ تا ۱۰ کیلومتر در رمل تا پای دیدگاه ۳ آمدند و از آن‌جا به بعد، چندین مرتبه در این رمل‌ها گم شدند، ولی دوباره حرکت کردند و جلو آمدند.^(۱۶) با وجود بارش شدید باران و کندی طبیعی حرکت نیروهای پیاده، متقابلاً شرایط جاده برای

عبور و مرور خودروها و یگان‌های زرهی و مکانیزه به صورت مطلوب فراهم گردید.

حسین خرازی در این باره می‌گوید:

آخرین نفربرهای زرهی سپاه را تقسیم کرده بودیم که تعدادی از آن‌ها در این‌جا [خطوط رهایی نیروها در تپه سبز و شنی خط حد تیپ ۳۴ امام سجاد^(ع)] و تعدادی در دیدگاه اول و تعدادی در دیدگاه سوم و در عمق [مواقع] دشمن بود[ند] که عملیات پشتیبانی، تدارکات و تخلیه‌ی مجروح ما را در رمل‌ها به عهده داشتند. بچه‌ها از این بابت [روحیه‌شان] خیلی تقویت شده بود، [دیگر] زرهی از خودشان [سپاه] بود که پا به پای [نیروهای پیاده]، زرهی‌شان هم پیش آمدند.^(۱۷)

حضور نیروهای جهاد سازندگی در شب عملیات مغتنم شمرده می‌شود و آنان با استفاده از لودر، بلدوزر و دستگاه‌های کشنده‌ی خودروهای سنگین، کمک بسیاری به گردان‌های زرهی و مکانیزه‌ی ارتش و سپاه - که درصدد

عبور از گردنه و عقبه‌های تند و سخت رملی برآمده بودند - می‌کنند.

در همین خصوص یکی از نیروهای جهادسازندگی خراسان می‌گوید:

«شب عملیات که از آن جاده، تریلرکمرشکن با تانک عبور کرد، عملیات شروع شد. در محور تپه‌های الله‌اکبر می‌خواستند به ما استراحت بدهند. می‌گفتند شما به اندازه‌ی کافی زحمت کشیده‌اید. قبول نکردیم. قرار شد از محور الله‌اکبر ما هم در عملیات باشیم.»^(۱۸)

عراقی‌ها با تانک‌های مجهز

نظیر تی-۷۲ به‌سوی نیروهای حاضر در تنگه‌ی چزابه شلیک می‌کردند. با این اقدام عراقی‌ها، موقعیت رزمندگان به‌طور جدی تهدید می‌شد و هر لحظه امکان داشت جای پیروزی به شکست تبدیل شود

الان هم می‌گویم یا صاحب‌الزمان [عج]، من که در این ۱۸ کیلومتر تانک را نیاوردم، صاحب‌الزمان [عج] آورده است، مگر این‌جا را نمی‌توانم بالا ببرم. حسین خرازی او را گرفت و بوسیدش خیلی نکته‌ی جالبی بود [این حرف‌ها] ما را [از نظر روحی] تکان داد. حالا این‌قدر هم درگیری است. زمین و زمان آتش و گلوله است. عراق و ایران همه در محورهای دیگر درگیرند. حالا ما این‌جا گیر کرده‌ایم که اگر تانک از آن [تپه] بالا برود [مشکل] حل است. بعد از روبروسی خرازی با او، راننده‌ی تانک گفت: "حالا هم [می‌گویم یا صاحب‌الزمان [عج]] و می‌آیم بالا [تپه]،" ما هم رفتیم بالای تپه و ارتفاع دارالشیع ایستادیم و راننده‌ی تانک گریه می‌کرد و می‌گفت: "یا صاحب‌الزمان [عج]" و فشار می‌آورد به تانک، آن‌قدر فشار به موتور تانک آورد که من گفتم الآن خود موتور تانک می‌ترکد. او [به پدال گاز] فشار داد و [دائم] می‌گفت: "یا صاحب‌الزمان [عج]" و تانک همین‌جور، تکان می‌خورد و کم‌کم تپه‌ی رملی را بالا آمد. وقتی رسید به بالا [ی تپه] همه گفتند: "الله‌اکبر، الله‌اکبر" با تکبیر گفتن همه، اصلاً انگار با رسیدن تانک به بالا [ی تپه] ما در کل عملیات پیروز شدیم، اشک و گریه‌ی همه سرازیر شده بود. بعد از آمدن اولین تانک به بالا [ی تپه] که با سختی و با صاحب‌الزمان [عج] گفتن [همراه بود] همه‌ی کسانی که آن‌جا بودند، دیدند که انگار جاده برای تانک‌های دیگر [هموار و] آسفالت شده و همه به راحتی بالا آمدند.^(۱۹)

در همین خصوص ستوان غلامحسین دربندی از رزمندگان گردان ۱۴۵ تیپ ۳ زرهی لشکر ۹۲ اهواز ارتش در محور شمالی عملیات، می‌گوید: «نیمه‌های شب، بی‌صدا از جاده‌یی که در دل رمل‌ها توسط رزمندگان جهادگر بدون سنگر کشیده شده بود، به طرف بستان حرکت کردیم و به کمک نور فانوس‌هایی که در داخل قوطی‌های کوچکی قرار

مجید توکلی از نیروهای اکیپ شناسایی، حوادث این شب را این‌چنین روایت می‌کند:

تانک‌های چیفتن و PMP1ها آمده بودند در مسیر قرار گرفته بودند، می‌خواستند از مسیر رملی با راهنمایی فانوس‌ها به سمت عمق مواضع دشمن در ۲۵ کیلومتری بروند این‌ها شروع کردند به حرکت تا [این‌که همگی] به همان تپه‌ی [دارالشیع] رسیدیم که آن‌جا تصمیمش [از قبل] گرفته شده بود.

حسین خرازی هم [در این شرایط خطر] منطقه [عملیاتی یگان خود] را [به طور موقت] رها کرده و آمده بود این‌جا، چراکه کلید فتح بستان این [جا] است. [که اگر] این در [معبّر یا راه] باز شود [دیگر مشکل] حل است. [در غیر این صورت] [اگر این در [معبّر] باز نشود، همه [نیروهای حاضر در میدان نبرد] گیر می‌کنند. دیگر عرصه‌ی کارزار در جابرهمدان شروع شده بود و رمز عملیات را گفته بودند.

حالا همه‌ی مشکل بستان و دارالشیع این بود که تانک از همین دارالشیع بالا برود. سرگرد صفوی و سروان روستا از گروهان تانک جلوتر بودند. علی حسینی، حسین خرازی و من [مجید توکلی] رفتیم بالای سر راننده‌ی تانک که استواری بود و پشت تانک نشسته بود. حسین خرازی بهش [به او] گفت: "برادر اگر تو از این ارتفاع، تانک را بالا آوری پشت سرت همه بالا می‌آیند و اگر تو نتوانی بالا بیایی انتظاری از بقیه نیست." بعد آن استوار که پشت تانک بود گریه‌اش گرفت و گفت برادر خرازی ۱۸ کیلومتر است که می‌گویم یا صاحب‌الزمان [عج]،

اولین نبردی که در چارچوب
استراتژی نظامی - دفاعی ایران
طراحی و اجرا شد، عملیات
طریق القدس نام گرفت که جایگاه
ویژه‌یی نزد نظامیان دارد

صعب‌العبور و جاده‌ی شنی شاکریه به بستان و تاخت آنان به سوی خطوط درگیری، امکان الحاق و تداوم عملیات یگان‌ها را برای مراحل بعدی در محور شمال کرخه فراهم می‌کند و به رزمندگان اسلام برای پیمودن گام‌های بعدی قوت قلب می‌دهد.

گردان‌های مهندسی جهاد شبانه‌روز برای موفقیت در عملیات تلاش می‌کردند. فعالیت آن‌ها که از آبان‌ماه آغاز شد، در آذر نیز ادامه یافت و با شروع نبرد به اتمام نرسید، بلکه بر شدت آن افزوده شد. جهادگران هم‌پای یگان‌های عمل‌کننده در شب اول حرکت و به آن‌ها کمک کردند، طوری که ناجی

دستگاه‌های بسیاری شدند. در صبح روز اول نیز بی‌درنگ در منطقه حاضر شدند و با توجیه حسین خرازی و رحیم صفوی برای مرحله و شب دوم وارد عمل شدند.

در این هنگام، عراقی‌ها با تانک‌های مجهز خود نظیر

تی-۷۲ - که در مقابل یگان‌های تک‌کننده مستقر کرده‌اند به سوی نیروهای حاضر در تنگه‌ی چزابه شلیک می‌کنند. با این اقدام عراقی‌ها موقعیت رزمندگان به طور جدی تهدید می‌شود و هر لحظه امکان دارد جای شکست با پیروزی تغییر کند.

دیگر هوا روشن شده و پاتک دشمن هم آغاز شده است. عراق با همه‌ی توان می‌کوشد جلو رزمندگان را بگیرد. نیروهای رزمنده زیر آن آتش شدید مقاومت می‌کنند، نیروهای جهاد هم هم‌زمان با آنان با همه‌ی تجهیزات و امکانات‌شان، کار احداث خاکریز را تمام می‌کنند. هر لحظه شلیک‌های

گرفته بودند و رو به رزمندگان در دو طرف جاده، سوسو می‌زدند، گذشتیم تا به پشت توپ‌خانه‌ی دشمن برسیم»^(۲۰)

مهندس حسن بیکی وقایع مرتبط با مساعدت جهاد به تجهیزات و خودروهای سنگین نیروهای شرکت‌کننده در عملیات را چنین تشریح می‌کند:

شب عملیات یک لحظه دیدم که گردان‌های [زرهی [سپاه] ارتش ایستاده و نمی‌تواند تکان بخورد. همان لحظه هم به من بی‌سیم زدند که از محور راست بیا محور وسط. چون قبلاً ما فکر کرده بودیم هر آینه امکان دارد یک تانکی بخواهد از جاده عبور کند و نتواند برود، ۸ تا بلدوزر گذاشتیم که هر جایی دیدیم تانک و نفربر توی رمل گیر کرد و ماند فوری بُکسل کنیم و ۳ تا، تانک چیفتن را با بلدوزر بچه‌ها بُکسل کردند تا آن‌ها به خط مقدم بروند [طبق طرح مانور قرار این بود] آن‌جایی که تانک رفت نزدیک مثلاً چزابه [آن وقت] بلدوزر بایستد که در خط مقدم رانده‌ی بلدوزر شهید شد، یعنی با گلوله و تیر مستقیم تانک، بلدوزر جهاد را زدند.^(۲۱)

به دنبال فراهم شدن شرایط و باز شدن معابر وصولی به عقبه‌ی دشمن و شکسته شدن خطوط مقدم و دوم و احتیاط‌های نیروهای عراقی، ضرورت داشت تا نیروهای زرهی به همراه نیروهای پیاده و شانه به شانه‌ی آنان در خطوط مقدم وارد عمل شوند.

در این وضعیت لزوم ادامه‌ی حرکت نیروهای زرهی و مکانیزه به خطوط مقدم درگیری ضرورت یافته است و به دنبال تماس‌های مکرر، فرماندهان از طریق بی‌سیم می‌کوشند تا اهمیت موضوع را بیان و متعاقب آن نیروهای زرهی را وارد عمل کنند.

تأکیدات فراوان فرماندهان قرارگاه و یگان‌های پیاده‌ی سپاه، سرانجام کارساز و سبب می‌شود تا تحرکی از طرف واحدهای زرهی انجام شود که بدان اشاره می‌شود.

گسیل نیروهای زرهی از رمل‌ها، تپه‌های

حضور گسترده‌ی نیروهای مردمی در عملیات طریق‌القدس مهم‌ترین ویژگی این عملیات بوده است

حضورشان در جبهه و موفقیت‌شان در میدان‌های نبرد نشان‌دهنده‌ی درستی روش در سازمان‌دهی و به‌کارگیری نیروها بود. شاید بتوان گفت که حضور گسترده‌ی نیروهای مردمی در عملیات طریق القدس مهم‌ترین ویژگی این عملیات بوده است.

خلاصیت* در طراحی مانور و اتخاذ تاکتیک مناسب در نبرد

تاکتیک ویژه در عملیات طریق القدس، عبور از منطقه‌ی تپه‌های رملی بود که بر پایه‌ی خلاصیت و ابتکار عمل فرماندهان سپاه، طراحی و با شجاعت نیروهای مردمی و انقلابی و نیروهای ارتش و جهاد سازندگی اجرا شد و نقش مهم و تعیین‌کننده‌ی در کسب پیروزی داشت.

محسن رضایی فرمانده کل سپاه درباره‌ی احداث جاده در بین تپه‌های رملی می‌گوید:

بین این تپه‌های رملی که بغل دشمن است، ما ۱۵ کیلومتر جاده به وسیله‌ی جهاد سازندگی درست کردیم. البته، از ۱۵ کیلومتر تنها ۵ الی ۶ کیلومترش سخت بود، بقیه‌اش یک مقدار علفزار بود که می‌شد [افراد و خودروها از روی آن] تردد کنند، آن ۵ الی ۶ کیلومتر را هم جهاد درست کرد. بعد [شرایط فراهم شد و] ما دیگر می‌توانستیم از اینجا هم تانک بیاوریم و هم نفرات رزمنده [نیروی پیاده] را عبور دهیم.^(۲۲) تعبیر سرهنگ علی صیاد شیرازی از ارزش نظامی چنین جاده‌یی به میزان چند لشکر نیرو بود.^(۲۳) حسین خرازی فرمانده تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) نیز در خصوص احداث جاده می‌گوید: «چندین مرتبه خودمان رفتیم، دیدیم که واقعاً پیاده‌روی مشکل بود، ولی ایشان (مسئول جهاد) به ما امید می‌داد و می‌گفت که جاده درست می‌کنیم و جاده درست شد. با کار خیلی خوب جهاد سازندگی جاده‌یی کشیده شد که جاده خیلی مرتب و مناسبی بود.»^(۲۴)

عراقی‌ها شدیدتر می‌شود. بلدوزرها پراکنده شده و به صورت خیز سنگر درست کرده‌اند.

با گشوده شدن مواضع اصلی دشمن در خط مقدم در چند محور شمالی و جنوبی، اوضاع تغییر می‌کند، طوری که امید به اردوگاه رزمندگان باز می‌گردد و فرماندهان عملیات نفس راحتی می‌کشند و درصدد پیاده‌سازی مراحل بعدی نبرد بر می‌آیند.

به این ترتیب، با گذشت حدود یک ماه جنگ و گریز و اضطراب و دلهره، اولین حلقه‌ی استراتژی جدید نظامی ایران به همت قوای مسلح و با فداکاری نیروها و فرماندهان ارتش و سپاه و پشتیبانی مردم با دستیابی به همه‌ی اهداف محقق و قرین موفقیت می‌شود. این پیروزی زمینه را برای برداشتن گام‌ها یا به تعبیری حلقه‌های بعدی استراتژی نظامی جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌کند.

نتایج و دستاوردها

اولین نبردی که در چارچوب استراتژی نظامی - دفاعی ایران طراحی، تصویب و اجرا شد، عملیات طریق القدس نام گرفت که جایگاه ویژه‌ی نبرد نظامیان دارد. آگاهی از چگونگی اجرای چنین نبردی می‌تواند برای مجموعه‌های آکادمیک نظامی و غیر نظامی مؤثر واقع شود. بدین منظور، لازم است نتایج و دستاوردهای عملیات به دقت بررسی و تجزیه و تحلیل شود. نتایج این عملیات مسئولان کشور و فرماندهان نیروهای مسلح را به تداوم استراتژی جنگ و اجرای گام‌های بعدی امیدوار کرد و آنان تصمیم گرفتند با تدبیر و دوراندیشی، برنامه‌های اساسی‌شان را تا آزادسازی همه‌ی مناطق اشغالی میهن اسلامی ادامه دهند.

عملیات طریق القدس دومین تجلی قدرت مردم در قالب نیروهای بسیج و مردمی وابسته به سازمان سپاه در کسب پیروزی‌های بزرگ بود که نتایج

* در این خصوص، غلامعلی رشید فرمانده عملیات طریق القدس، چنین روایت کرده است: «خلاصیت و ابتکار عمل مربوط به حوزه‌ی فرماندهی است و خدا را شاهد می‌گیرم که این خلاصیت و پیشنهادها همواره از طرف فرماندهان سپاه شرایط ظهور و بروز را پیدا می‌کرد.»

و دشواری و تنها با تکیه بر خلاقیت بسیجیان جهاد سازندگی ساخته شد. نسل حاضر به ویژه دانشجویان باید تاریخ انقلاب و دوران دفاع مقدس را به دقت مطالعه کنند تا بدانند که ایران چه دوران سختی را پشت سر گذاشته است.

در دوران دفاع مقدس و در سازمان جهاد افرادی فعالیت می کردند که صرفاً مهندس نبودند و تنها برای سازندگی کشور تلاش می کردند و در ازای فعالیت های شان نیز نه تنها پولی دریافت نمی کردند، بلکه در بسیاری از مواقع خود هزینه می کردند و همه ی توان شان را صرف خدمت به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران می کردند.

منابع و مأخذ

۱. رحیمی، مصطفی و بابانظر، خاطرات شفاهی شهید محمدحسن نظرنژاد، تهران، شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۸۸، ص ۱۲۶.
۲. زرینی، سعید و عیسی سلمانی لطف آبادی، جهاد سازندگی خراسان در دفاع مقدس، جلد ششم، مشهد، نشر سلمان، چاپ ۱۳۸۵، ص ۶۵.
۳. جعفری، فتح الله، جزایه، تهران، حوزه ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی، انتشارات سوره، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
۴. کاظمی، محسن، یادداشت های سفر شهید صیاد شیرازی، چاپ اول، ۱۳۷۸، انتشارات ارتش، ص ۱۴۵.
۵. مأخذ ۲، صص ۶۲ تا ۶۵.
۶. بختیاری، مسعود، عملیات طریق القدس، هیئت معارف شهید صیاد شیرازی، نشر سبز ایران، ۱۳۸۰، ص ۹۳.
۷. مأخذ ۵، ص ۱۵۱.
۸. مأخذ ۵، ص ۶۷.
۹. دهقان، احمد، ناگفته های جنگ خاطرات شهید شیرازی، نشر شاهد، چاپ ششم، ۱۳۸۶، صص ۲۱۹-۲۲۰.
۱۰. طرفی، حمید، دشت آزادگان در ۸ سال دفاع مقدس، نشر نسیم حیات، چاپ اول، ۱۳۸۴، ص ۵۶۲.
۱۱. مأخذ، ص ۱۵۱.
۱۲. سند شماره ی ۱۵۲۶ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
۱۳. مأخذ، صص ۵ و ۱۱۴.

در واقع، جاده از تپه سبز تا دیدگاه دوم و تا نزدیکی چاه آب احداث شد و به دلیل محدودیت زمانی و تجهیزاتی، فرصت نشد تا به دیدگاه سوم برسد و ادامه یابد. در انتهای جاده نیز یک باند هلی کوپتر برای استفاده ی یگان ها در حین عملیات احداث شد. محلی نیز برای واحد بهداری در نظر گرفته شد تا مقارن با عملیات به وضعیت مجروحان عملیات با سرعت رسیدگی و به وسیله ی آمبولانس یا هلی کوپتر امکان جا به جایی و تخلیه ی مصدومان فراهم شود.

دشمن پیش از عملیات، سمت اصلی تک نیروهای خودی را تک جبهه یی با اتکا بر جاده ی سوسنگرد - بستان پیش بینی می کرد؛ ضمن این که درک روشنی از تاکتیک ها و میزان قوای شرکت کننده، به ویژه نیروهای سپاه و بسیج نداشت. به همین دلیل، با وجود هوشیاری درباره ی چگونگی اجرای عملیات، از نظر تاکتیکی غافل گیر شد. این ویژگی های تاکتیکی سبب شد تا در عملیات طریق القدس پس از پیشروی نیروهای خودی و تصرف مواضع ارتش عراق در محور شمالی، دشمن بلافاصله از مناطق اشغال شده در محور جنوب کرخه عقب نشینی کند. ساختن چنین سازمانی با چنین شیوه های نبردی متکی به انسان هایی خلاق و سازمان دهنده است. آنان تنها مدیریت نمی کردند، بلکه در انتخاب نوع نبرد و خلق تاکتیک ها و ابتکارات رزم و همچنین در امور مربوطه به سازمان دهی ابتکاری و رزمی و نظامی نقش مؤثری داشتند.

در طول هشت سال جنگ تحمیلی، سازندگی هایی انجام شد که در آن ها تنها بر ابتکارات فردی بسیجی ها و نیروهای جهاد تکیه می شد، چراکه کشور در وضعیت تحریم بسیار سختی به سر می برد. نمونه ی بارز مهندسی در طول دوران دفاع مقدس، احداث جاده ی بی نظیر پیروزی (ابوذر یا شهدا) است. این جاده در وضعیت بسیار سخت

[illegible]

۱۴. پیاده شده‌ی نوادر مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، با موضوع هدایت عملیات به شماره‌ی ۳۷۰۳ و تاریخ ۱۳۶۰/۹/۸.
۱۵. پیاده شده‌ی نوادر مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، شماره‌ی ۳۷۲۲، به تاریخ ۱۳۶۰/۹/۱۷، ص ۱۵.
۱۶. همان.
۱۷. همان.
۱۸. جاده‌ی پیروزی، نشر بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، ۱۳۷۴، صص ۴۱-۴۰.
۱۹. قسمت دوم پیاده شده‌ی فیلم مستند مؤسسه‌ی روایت فتح با عنوان با علی بودن، زمستان ۱۳۸۸.
۲۰. مأخذ ۱۰، ص ۶۰۷.
۲۱. متن دست‌نویس پیاده شده‌ی همایش واکاوی عملیات طریق‌القدس با حضور فرماندهان و مسئولان عالی‌رتبه‌ی نبرد در مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، مورخ ۱۳۸۸/۲/۹، صص ۷۸-۷۷.
۲۲. سند شماره‌ی ۶۹۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
۲۳. مأخذ ۹، ص ۲۱۹.
۲۴. مأخذ ۱۵

[illegible]

راه افتادند تا حمیدیه و تا محور اهواز (غرب اهواز تا حمیدیه) هیچ کس جلویشان نبود، ولی چون پادگان حمیدیه در حال سقوط بود، ۲۰ نفر از بچه‌های سپاه به فکر می‌افتند که جلو دشمن را بگیرند. این بود که اولین شیخون را در پنج شش کیلومتری حمیدیه به دشمن می‌زنند. ۲۰ نفر بودند که به دشمن حمله می‌کنند و دشمن این ۸۰-۷۰ کیلومتر را که در خاک ما آمده بود، دوباره برمی‌گردد، یعنی دوباره می‌رود تا لب مرز.

راوی: بر اثر این شیخون؟

برادر عزیز جعفری: این شیخون بود و ادامه‌ی آن صبح به کمک هوانیروز، که فرار دشمن را تشدید کرد و آن‌ها تا لب مرز برگشتند، یعنی ۸۰ کیلومتر آمده بودند جلو، این ۸۰ کیلومتر را دوباره برگشتند عقب، یعنی از بستان هم حتی رد شدند و سوسنگرد را گرفته بودند پس دادند و رفتند. از سوسنگرد رفتند بستان، از بستان هم گذشتند و بچه‌ها در برگشت رفتند در بستان مستقر شدند. اما از آن‌جا که ارتش هنوز منسجم نشده بود؛ آمادگی نداشت و جلو نیامده بود، دشمن دوباره کم‌کم برگشت، یعنی بستان را هم گرفت و بعد آمد دهلاویه و سوسنگرد را محاصره کرد و خواست دوباره تا حمیدیه بیاید و دوباره رفت به جنوب اهواز. این جریان فاز اول جنگ بود.

۳. شرح ماجرای محاصره‌ی دوم سوسنگرد ۲۴ آبان ۱۳۵۹ راوی: قبل از این که به عملیات ۳۱ اردیبهشت ۶۰ بپردازید، جریان محاصره‌ی سوسنگرد و نحوه‌ی شکستن آن را توضیح دهید؟

برادر عزیز جعفری: در جریان محاصره‌ی آخر سوسنگرد که مصادف بود با عاشورای سال ۵۹، ارتش کلاً این طرف سوسنگرد نبود و از نیروهای ارتش خالی شده بود و تنها یک واحد ارتش جلو پادگان حمیدیه، انتهای تپه‌های شنی الله‌اکبر نزدیکی‌های خود پادگان مستقر بود، آن هم در شمال کرخه. سوسنگرد

پراکنده‌کاری‌ها و کارهایی که [سرتیپ] مدنی [رئیس ستاد ارتش] حساب شده کرده بود، مخصوصاً در رابطه با لشکر اهواز، این‌ها [لشکر اهواز] دیگر تاب مقاومت نداشتند و با هجوم اولیه‌ی دشمن، دست به عقب‌نشینی زدند، طوری که بدون کوچک‌ترین مقاومتی این‌ها [ارتش عراق] داشتند به خود شهر اهواز می‌رسیدند که داخل شهر اهواز همه‌ی مسئولین منتظر دشمن بودند که وارد بشود. بعد از نشست و کلی فکر، فرماندهان به این نتیجه رسیدند که دشمن را در ابتدا با استفاده از موانع طبیعی در یک جایی متوقف بکنند، بعد به فکر عقب‌زدنش بیفتند. بهترین موانع طبیعی هم دو رودخانه‌ی کرخه و کارون بود که از جنوب اهواز، یعنی از اهواز به پایین تقریباً رودخانه‌ی کارون مانع شد و از اهواز به بالا رودخانه‌ی کرخه. در پشت این رودخانه‌ها دشمن برایش سخت بود که پل بزند و سپاه با این امکانات کمش با یک آر.پی.جی. چند کیلومتر از رودخانه را می‌پوشاند. سپاه سوسنگرد آن موقع کلاً دو تا آر.پی.جی. داشت که با آن جلو دشمن مقاومت می‌کرد. خلاصه با این شیوه این‌ها [عراقی‌ها] را پشت رودخانه متوقف کردند.

سپاه سوسنگرد آن موقع کلاً دو تا آر.پی.جی. داشت که با آن در مقابل دشمن مقاومت می‌کرد

۲. شیخون "غیور اصلی" اولین اقدام خودی در مقابل دشمن

برادر عزیز جعفری: دشمن ابتدا تانک‌های زیادی داشت و چون مقاومتی نمی‌شد، گله‌وار سرشان را همین طور می‌انداختند می‌آمدند جلو، یعنی از مرز که



برادر عزیز جعفری و سرهنگ جاودانی

تا دهلاویه تا ۱۲ کیلومتری غرب سوسنگرد و حتی جنوب سوسنگرد - هویزه هم هنوز آزاد بود و کلاً در این منطقه به این وسعت، ارتش نبود و نیروی دشمن حتی از هویزه آمده بود رد شده بود و در جنوب کرخه کور مستقر بود. بعد وقتی دشمن سوسنگرد را در این وضع دید تصمیم گرفت که محاصره و اشغال کند. اگر سوسنگرد را می گرفت، گرفتن اهواز

و حمیدیه و این‌ها برایش راحت می شد.

این بود که دست به محاصره زد از سه جناح: غرب و شمال غربی، جنوب و شرق (شرق سوسنگرد)، یعنی از کرخه کور و از هویزه آمد جاده‌ی هویزه - سوسنگرد را قطع کرد و آمد بالا جاده‌ی بستان را هم قطع کرد. سپس، از جاده‌ی بستان آمد دهلاویه. نیروهایی که در دهلاویه مستقر بودند، از بچه‌های تبریز بودند که خیلی شهید هم دادند آن‌جا. آمد غرب سوسنگرد و یک نیرویی هم از شمال کرخه، تقریباً از کنار تپه‌های الله اکبر آمد، یعنی از کنار تپه‌های الله اکبر آمد شمال غربی سوسنگرد. به هر حال، این [دشمن] از چهار طرف تقریباً شهر را محاصره کرد. بعد، ۷۰۰، ۸۰۰ نفر از نیروهایی که در شهر بودند با نیروهایی که در هویزه بودند، همه جمع شدند در سوسنگرد. این‌ها [نیروهای خودی] فقط یک راه فرار داشتند، از قسمت شمالی سوسنگرد و از طریق رودخانه‌ی کرخه که با قایق و طناب و ... نیروها می رفتند آن طرف آب و تخلیه می شدند و از طریق جاده‌ی شمالی رودخانه‌ی کرخه می رفتند پادگان

حمیدیه. که همان جا لب آن رودخانه تلفات زیادی وارد شد به بچه‌ها. حدوداً آن یکی دو روزی که شهر را زدند (زیر آتش توپ‌خانه‌ی شدید گرفتند) تلفات زیاد وارد شد. عده‌یی در رودخانه غرق شدند. به هر حال، دشمن بعد از یک روز و نصفی این راه نفوذی و این راه فرار را هم بست و به کلی، نیروهایی که داخل شهر بودند و شهر کاملاً در حالت محاصره قرار گرفت. در این جا ۲۵۰، ۳۰۰ نفر از بچه‌ها که مانده بودند، چون راه فرارشان بسته شده بود، تصمیم گرفتند برگردند داخل شهر مقاومت بکنند، برگشتند داخل شهر و ...

راوی: یعنی بچه‌ها قبلاً تصمیم داشتند که شهر را تخلیه کنند؟

برادر عزیز جعفری: بله یعنی ناچار بودند، چون کاملاً محاصره شده بودند و از هیچ جا هم به آن‌ها کمک نمی رسید. ناچار بودند که بروند، چون اصلاً این کار [ماندن در شهر] منطقی نبود. از بالا هم به آن‌ها دستور داده بودند، یعنی از اهواز هم به آن‌ها گفته بودند که بیایند بیرون که بعد بچه‌ها تصمیم می گیرند مقاومت کنند،

۵. عملیات ۲۶ آبان ۱۳۵۹ و آزادی سوسنگرد از محاصره‌ی سه روزه

برادر عزیز جعفری: در این جریان هم راهنمای این‌ها [نیروهای خودی] بودیم و هم این‌که با این‌ها وارد شهر شدیم. ضد حمله حدوداً ساعت ۱۰ صبح شروع شد، یعنی ۹، ۱۰ صبح با عراقی‌ها درگیر شدند از قسمت ابوحمیظه و گل‌بهار از روی جاده.

راوی: از ظهر دوشنبه [۲۶ آبان ۱۳۵۹]؟

برادر عزیز جعفری: آره. ظهر دوشنبه، از طرف حمیدیه آمدند و همین طور از شرق سوسنگرد به این‌ها [نیروهای عراقی] حمله کردند و این‌ها [نیروهای عراقی] پا به فرار گذاشتند، یعنی به طرف جنوب (هویزه) فرار کردند و رفتند پایین. تیپ خیلی خوب عمل کرد و شهید چمران هم آن‌جا خیلی زحمت کشید، حتی در محاصره افتاد، تیر خورد آن‌جا که بچه‌ها رسیدند، او را برداشتند بردنش اهواز و ظهر دوشنبه ساعت دوازده و نیم، یک، در دروازه‌ی شهر سوسنگرد صحنه‌ی خیلی عجیبی اتفاق افتاد، آن بچه‌های سپاه، آن‌هایی که داخل شهر بودند، با این نیروهایی که وارد شهر می‌شدند، داشتند می‌آمدند بیرون و همه‌ی امیدشان قطع شده بود. یک حالت خیلی عجیبی بود. بچه‌ها همین طور هم‌دیگر را در آغوش می‌کشیدند و همه هم به گریه افتاده بودند. به هر حال، این یک پیروزی بود و شهر سوسنگرد ظهر دوشنبه (تاسوعا) با این وضع آزاد شد. نیروهای [عراقی مستقر در] غرب سوسنگرد به همان صورت ماندند و ما با آن‌ها درگیر بودیم تا ۲۶ اسفند ۵۹ که آن جریانات پیش آمد که یک دفعه زدیم [و آن‌ها] دوباره برگشتند و حمله‌ی بعدی ۳۱ اردیبهشت ۶۰ بود.

راوی: در هنگام محاصره‌ی سوسنگرد، نیروهای ژاندارمری و شهربانی هم در شهر بودند یا این‌که قبلاً رفته بودند؟

برادر عزیز جعفری: نه آن‌ها هم در شهر بودند، ولی رفتند.

برمی‌گردند داخل شهر سازمان‌دهی می‌کنند و می‌روند اطراف شهر داخل خانه‌ها با آر.پی.جی. سنگر می‌گیرند. از صبح جمعه ۲۳ آبان ۵۹ حمله شروع می‌شود و تا ظهر دوشنبه ۲۶ آبان ۵۹ طول می‌کشد. دوشنبه تاسوعا بود که البته خود من همان صبح جمعه قبل از این‌که حمله شود، اهواز یک کاری داشتم رفتن انجام بدهم سریع برگردم، که وقتی داشتم برمی‌گشتم دیگر جاده‌ی حمیدیه بسته شده بود. یک راه نفوذی هم کنار کرخه داشتیم، آمدیم داخل شهر که دیگر آن امکان هم از ما گرفته شد. برگشتیم با نیروهای پشت هم کاری کردیم.

۴. واکنش بنی‌صدر در محاصره‌ی سه روزه‌ی سوسنگرد

برادر عزیز جعفری:

بنی‌صدر با این جریان سوسنگرد خیلی بد بود. یعنی حتی سوسنگرد محاصره شده بود و از یک جناح‌هایی حتی دشمن وارد شهر شده بود، ولی او در تلویزیون گفت که به من خبر دادند که اصلاً سوسنگرد محاصره نشده و دروغ است.

این‌جوری برخورد کرده بود، ولی این فشارهایی که بچه‌ها آوردند و حتی در رده‌های خیلی بالا با امام تماس گرفتند که سوسنگرد را نجات بدهید، امام خودشان دستور دادند که یک تیپ باید برود برای آزاد کردن [شهر] سوسنگرد که تیپ ۲ دزفول مثل این‌که نزدیکی‌های شوش و آن‌جا بود، از آن‌جا حرکت کرد آمد برای نجات دادن سوسنگرد. در اهواز با کمک نیروهای چمران و سپاه و ۵۰ نفر از بچه‌های تبریز که تازه به سپاه حمیدیه آمده بودند و خود ما با این‌ها شروع کردیم.

عزیز جعفری:

آن موقع افراد و شخصیت‌ها و مهره‌هایی که در رأس ارتش و فرمانده کل قوا بودند، از جمله بنی‌صدر کلاً می‌خواستند جنگ را به نفع خودشان تمام کنند و سپاه یا نیروهای دیگر را اصلاً به حساب نیاورند

۶. عملیات نصر (۱۳۵۹/۱۰/۱۵)، نتایج، عوامل شکست

برادر عزیز جعفری: پس از این جریان تا حمله‌ی ۱۵ دی ۱۳۵۹ (حمله‌ی هویزه) ارتش بازسازی و سازمان‌دهی شد و آمادگی‌اش را برای حمله اعلام کرد. قرار شد از هویزه، یعنی از جنوب اهواز و از جنوب سوسنگرد به دشمن حمله شود و نیروها خودی بروند تا پاسگاه حمید و دنباله‌ی کارون را بگیرند و پس از آن مراحل بعدی طرح اجرا بشود و تا آبادان و مرز شلمچه پیشروی کنند و به بصره برسند و این چنین امیدهایی داشتند که البته با توجه به تعداد لشکرهای

دشمن و کمبود توان ارتش خودمان و بسیاری محاسبات دیگر، این محاسبات اصلاً غلط بود و اشتباه از آب درآمد. این حمله صورت گرفت و در لحظات اول موفق بود، اما بعد به عقب‌نشینی انجامید که دلایل آن بی‌تجربگی (عملیات حساب شده نبود)؛

کمبود امکانات؛ قضا و قدر الهی و ... بود.

راوی: چه کمبودهایی داشتند؟

برادر عزیز جعفری: کمبودها بیش‌تر لودر و بلدوزر بود که اصلاً در این حمله حساب نشده بود، یعنی کل این لشکر که حمله کرد مثل این‌که یکی دو تا، دو تا سه تا لودر و بلدوزر همراه‌شان بود. دیگر این‌که فرماندهان به فکر نبودند که یک لشکر یک‌سره نمی‌تواند حمله کند، یعنی بعد از ۲۴ ساعت پیشروی باید یک‌جا تحکیم مواضع کند، بعد دوباره حمله کند، ولی آن‌ها بی‌رویه داشتند پیش می‌رفتند که با ضد حمله‌ی دشمن مواجه شدند.

راوی: یعنی در محاصره در شهر بودند؟

برادر عزیز جعفری: بله، قبل از محاصره در شهر بودند.

راوی: در حین محاصره؟

برادر عزیز جعفری: نه، حین محاصره نبودند، رفته بودند همه. هم شهربانی و هم ژاندارمری رفته بودند. یعنی مسئله‌ی نبود. البته، آن موقع زود عقب کشیدند، همان روز اول حمله، خیلی سریع عقب رفتند، ولی به هر حال به طور کلی باید از شهر بیرون می‌رفتند.

راوی: آن وقت در سه روزی که سوسنگرد در محاصره بود، نحوه‌ی رسیدن غذا و مهمات به چه صورت بود، بچه‌ها از قبل غذا و مهمات داشتند؟

برادر عزیز جعفری: غذا و مهمات یک مقدار داخل شهر بود که احتیاج زیادی به رساندن نبود، ولی یک کمک‌هایی از طرف همان تپه‌های الله‌اکبر و پادگان حمیدیه از راه آب، بلم و این‌ها می‌شد به بچه‌ها، ولی خیلی جزئی بود.

راوی: در محاصره‌ی سوسنگرد مردم هم بودند در شهر یا مردم رفته بودند؟

برادر عزیز جعفری: مردم بودند داخل شهر تا محاصره‌ی سوسنگرد، ولی قبل از این‌که دشمن حمله کند و به جنوب کرخه‌کور برسد، نقل و انتقال دشمن سریع به عرب‌های ساکن منطقه به واسطه‌ی رابطه‌هایی که داشتند می‌رسید و آن‌ها از کارهایی که عراقی‌ها می‌کردند مطلع می‌شدند و عده‌یی از مردم رفته بودند و عده‌یی هم همان صبح جمعه سریع شهر را تخلیه کردند، ولی دهی در پنج کیلومتری سوسنگرد (ابوحمیظه) بود که مردم آن‌جا نتوانسته بودند بروند و دشمن خودش را رسانده بود آن‌جا، تلفات زیادی به مردم وارد کرده و اذیت کرده و اسیر گرفته بود و مردم را به بیگاری گرفته و این جنایت را آن‌جا کرده بود.

عزیز جعفری:

در ۲۶ اسفند ۱۳۵۹ در سوسنگرد اولین تجربه‌ی حمله‌ی منظم و وسیع سپاه با نیروی پیاده در این عملیات انجام شد. قبل از این عملیات، سپاه همیشه شیخون می‌زد و در شب حمله می‌کرد

راوی: کلاً چه قدر پیش رفتند؟

برادر عزیز جعفری: ۱۸ - ۱۷ کیلومتر پیشروی داشتند. حدود ۲۳ - ۲۲ کیلومتر آمدند عقب.

راوی: یعنی بیش تر؟

برادر عزیز جعفری: بله. البته، ارتش اصلاً تجربیه‌ی نداشت دیگر. در واقع، ارتش ما جنگ منظم نداشته، جنگ واقعی نداشته است. بعد وقتی این جریان [حمله]

صورت می‌گیرد - نه این که تجربه نبوده - هیچ کس به فکر ضد حمله‌ی دشمن نبود. الآن در طرح‌هایی که داده می‌شود، اولین چیزی که حساب می‌شود، جواب‌گو بودن به ضد حمله‌ی

دشمن است، ولی ما اصلاً نمی‌دانستیم ضد حمله می‌خواهد بکند یا صرفاً آمادگی او برای ضد حمله خیلی سریع است. ارتش عراق این حُسن را دارد برای ضد حمله خیلی آماده است. سریع ضد حمله می‌کند. یک ضد حمله کرد و نیروهای ارتش مجبور به عقب‌نشینی

شدند که این‌ها خودش جریانی دارد. آن موقع افراد و شخصیت‌ها و مهره‌هایی که در رأس ارتش و فرماندهی کل قوا بودند، از جمله بنی‌صدر کلاً می‌خواستند که جنگ را به نفع خودشان تمام کنند و سپاه یا نیروهای دیگر را اصلاً به حساب نیاورند و قهرمان‌سازی بکنند برای سوءاستفاده‌ی سیاسی بعدشان و سپاه را اصلاً نمی‌خواستند در جنگ دخالت دهند.

راوی: تعداد نیروهای سپاه در عملیات نصر و آمار شهیدان چند نفر بود؟

برادر عزیز جعفری: در جلسات کلی بچه‌ها بحث می‌کردند و می‌گفتند که ما هم باید باشیم در کنار

ارتش و اگر شما اجازه ندهید ما خودمان می‌آییم. این صحبت‌ها زیاد می‌شد تا این که آن‌ها مجبور شدند، چون سپاه در شناسایی منطقه زیاد کمک‌شان کرده بود [نیروهای سپاه را هم در عملیات شرکت دهند]. در جریان حمله‌ی هویزه ۳۰۰ نفر از نیروهای سپاه سوسنگرد شرکت داشتند که ۶۰، ۷۰ نفر از آنان در جریان عقب‌نشینی شهید شدند.

۷. شکست توطئه‌ی بنی‌صدر در کسب وجهه‌ی سیاسی

برادر عزیز جعفری: این بود که این جریان [عملیات] را این‌ها [بنی‌صدر و ...] می‌خواستند به نفع خودشان تمام کنند و حالا اگر همه‌ی این کمبودها و بی‌تجربگی‌ها را بگذاریم کنار، اگر این‌ها در این عملیات پیروز می‌شدند، به انقلاب خدشه وارد می‌شد، در این صورت آنان خود را ناجی انقلاب می‌دانستند، مخصوصاً بنی‌صدر خیلی سوءاستفاده می‌کرد و هدف امریکا برای جا انداختن این شخص برآورده می‌شد. این بود که این طرح‌شان به شکست انجامید.

۸. چگونگی عقب‌نشینی نیروهای خودی در عملیات نصر

راوی: عقب‌نشینی در جریان هویزه به چه شکلی بود؟ **برادر عزیز جعفری:** نیروهای خودی حدود ۲۴ ساعت پس از حمله با ضد حمله و آتش شدید دشمن مواجه شدند و مجبور به عقب‌نشینی شدند و تعداد زیادی تانک و نفربر جا گذاشتند که بعد بچه‌های سپاه به کمک‌شان رفتند و تعدادی از آن‌ها را عقب آوردند و تعدادی نیز همان وسط ماند. تا آمدند لب جاده‌ی حمیدیه - سوسنگرد.

راوی: این تانک‌ها را می‌توانستند با خودشان بیاورند یا این که چاره‌ی نداشتند و باید آن‌ها را می‌گذاشتند فرار می‌کردند؟

برادر عزیز جعفری: می‌توانستند تانک‌ها را بیاورند، یعنی اگر همت می‌کردند می‌توانستند بیاورند. خوب می‌ترسیدند دیگر. یک عده‌شان می‌ترسیدند. بعد

عزیز جعفری:
پس از این عملیات فرماندهان ارتش به نظریه‌های سپاه بسیار اهمیت می‌دادند و در حوادث و عملیات‌های بعدی ما را به جلسه‌های خود دعوت می‌کردند و منتظر بودند ببینند ما چه می‌گوییم که به آن عمل کنند

ارتش دشمن چند برابر ارتش ما بود، این شیوهی عملیات مقدور نبود. این نتیجه کم حاصل شد.

۱۰. آغاز ابتکار عمل سپاه پاسداران، اجرای عملیات امام مهدی (عج)

برادر عزیز جعفری: ضمن این رکود، نیروهای متعهد سپاه به این فکر افتادند که جنگ را باید به هر حال خاتمه داد. حالا که ارتش نمی‌تواند این چیزی است که به دوش ماست. بعد، این شیوهی جنگ که الآن در پیش گرفته‌ایم جا افتاد؛ البته، با کمک خدا و به فرماندهی امام زمان (عج). این شیوه‌یی که الآن در پیش گرفته‌ایم که نتیجه‌ی آن عملیات امام مهدی (عج) در ۲۶ اسفند ۱۳۵۹ در سوسنگرد بود که اولین تجربه‌ی حمله‌ی منظم و وسیع سپاه با نیروی پیاده در این عملیات انجام شد. قبل از این عملیات، سپاه همیشه شبیخون می‌زد و شب حمله می‌کرد.

راوی: در این منطقه شبیخون می‌زد یا در کل منطقه؟ **برادر عزیز جعفری:** کلاً در همه‌ی جبهه‌ها. بیش‌تر شبیخون می‌زد و کم‌تر دست به حمله‌های گسترده می‌زد، چون دشمن همه‌جا با استفاده از خاکریز پنهان می‌شد یا خودش را به یک خاکریزی محدود می‌کرد و کسی تصور نمی‌کرد که ما بتوانیم از خاکریز دشمن بالا برویم؛ داخل خاکریز شویم و با دشمن درگیر شویم، ولی در این عملیات این حوادث رخ داد و ما مجبور شدیم تقریباً یک‌سوم یا یک‌چهارم نیروی دشمن، نیرو داخل خاکریز دشمن بفرستیم که با هم جنگ تن به تن بکنند و از همه چیز بگذرند و داخل خاکریز دشمن شوند. البته، عده‌یی می‌گفتند که ما همه‌ی نیروهای مان می‌رود داخل تلف می‌شود و اصلاً امیدی نیست که برگردند، ولی با آن محاسباتی که می‌شد، می‌دانستیم ما موفق هستیم، چراکه دشمن اصلاً روحیه نداشت، یعنی روحیه‌اش صفر بود. در ضمن ما غافل‌گیرش کرده بودیم. یعنی خواب بود. در صورتی که حمله ساعت ۸ صبح انجام شد. البته،

چندتا از تانک‌ها را برای این که دست دشمن نیفتد بچه‌های خودمان مجبور شدند بزنند.

راوی: کلاً چند تانک به دست دشمن افتاد؟

برادر عزیز جعفری: تعداد دقیق‌شان را نمی‌دانم، ولی تعداد تانک‌هایی که کلاً از ما زدند حدس می‌زنم ۶۰، ۷۰ دستگاه بوده باشد، ولی نمی‌دانم چندتا از آن‌ها سالم به دست دشمن افتاد.

راوی: مهمات‌شان تمام شد که تانک‌ها را به این صورت رها کردند؟

برادر عزیز جعفری: مهمات هم تأثیر داشت، یعنی کمبود مهمات هم یکی از عواملش بود اما تدارکات‌شان هم ضعیف بود. این هم یکی از عوامل عقب‌نشینی بود.

راوی: غنائم چطور؟

برادر عزیز جعفری: به غنائم البته پرداختند، ولی پرداختن به غنائم عامل چندان مهم و مؤثری نبود.

۹. اوضاع حاکم بر جبهه‌ها بعد از ناکامی در عملیات نصر

برادر عزیز جعفری: کلاً جریان حمله‌ی هویزه برای آن‌هایی که طراح جنگ بودند، تجربه‌های بسیاری به همراه داشت. بعد از جریان هویزه حدوداً سه ماه جبهه‌ها در حالت رکود بسیار شدیدی به سر می‌برد و هیچ‌کس نمی‌دانست باید چه کار کند، چراکه آن خط جنگی که پیاده شده بود، یعنی حمله‌ی زرهی با زرهی، یعنی درگیری دو ارتش منظم ایران و عراق مؤثر واقع نشد و با توجه به این که دشمن از لحاظ تجهیزات و سلاح‌های جنگی غنی‌تر از ما بود و همه‌ی ابرقدرت‌ها پشتش بودند و به او سلاح می‌دادند، ولی ما اگر تانک‌های مان را از دست می‌دادیم چیزی جایش نمی‌آمد. اگر مهمات مان تمام می‌شد کسی به ما مهمات نمی‌داد. هواپیمای مان سقوط می‌کرد جایش نمی‌آمد و باید بیش از این احتیاط می‌کردیم، یعنی به این سادگی نمی‌توانستیم حمله‌ی زرهی بکنیم و کلاً چون استعداد تانک‌های

موفقیت‌آمیز دیدند، به دست و پا افتادند، چراکه دشمن را کاملاً نابود شده دیدند و به دست و پا افتادند که بیایند پل بزنند و تانک ببرند و منطقه را حفظ کنند که دیگر دیر شده بود و نتوانستند این کار را انجام بدهند و ما هم که منتظر ضد حمله‌ی دشمن بودیم و می‌دانستیم که ضد حمله می‌کند، وقتی خبردار شدیم که دشمن دارد از پشت می‌آید، سریعاً منطقه را خالی کردیم، چون می‌دانستیم نیروی پیاده تنها با آر.پی.جی. نمی‌تواند جلو ضد حمله‌ی دشمن را بگیرد. این بود که برگشتیم و دشمن آمد سرجای خودش.

با آتش تهیه بود، ولی می‌دانستیم دشمن در آن لحظه خواب است، چراکه شب تا صبح بیدار بود تا به ضد حمله‌ها و شبیخون‌ها جواب بدهد و روز می‌خواهید. ما از این استفاده کردیم و می‌دانستیم زمانی که نیروی پیاده و آر.پی.جی. به صد متری تانک برسد، دیگر تانک از کار می‌افتد. نیروی پیاده هم که داخل سنگر بود، به هر حال مقاومت می‌کرد و بچه‌ها جوابش را می‌دادند.

۱۱. استعداد نیروهای دشمن در عملیات امام مهدی (عج) (۱۳۵۹/۱۲/۲۶)

برادر عزیز جعفری: با این محاسبات و توکل به خداوند عملیات امام مهدی (عج) ۲۶ اسفند ۱۳۵۹ انجام شد. دشمن در این عملیات تقریباً یک گردان تانک؛ یک گردان مکانیزه و یک گردان نیروی پیاده داشت.

عزیز جعفری:
در عملیات ۲۶ اسفند ۵۹، توجه امام زمان (عج) به این عملیات بود که فرماندهی‌شان واقعاً برای همه مسجل شد. یعنی چه بچه‌هایی که در حمله بودند و چه آن‌هایی که مسئولیت داشتند، در حمله به آن‌ها ثابت شده بود که یک نفر هست و دارد کمک‌شان می‌کند

۱۳. طرح جمع‌آوری یا انهدام غنائم
راوی: تانک هم جزء غنائم به دست آمده بود؟
برادر عزیز جعفری: غنائم زیادی نگرفتیم. یکی از اصولی که به بچه‌ها گفته بودیم رعایت کنند این بود که به هیچ وجه دست به غنیمت نزنند. گفته بودیم یک گروه مخصوص این کار است که می‌آید و غنیمت جمع می‌کند که دیگر فرصت این‌که این گروه برود غنیمت جمع کند نشد. تانک‌هایی که به دست آورده بودیم، همه‌شان سالم بود، یعنی حین حمله یکی دوتا از آن‌ها را زده بودیم، ولی بعد که خواستیم برگردیم بچه‌ها ۲۲، ۲۳ تانک را با آر.پی.جی. زدند؛ ماشین‌ها را زدند؛ انبار مهمات‌ها را زدند و همه چیز را منهدم کردند و آمدند عقب.
راوی: یعنی ارتش راننده هم نداشت که غنیمت‌ها را بیاورند؟

برادر عزیز جعفری: نه. البته، راننده‌ی آن تانک‌های عراقی را که ارتش نداشت. اگر می‌خواستیم خودمان باید از پناهنده‌های عراقی کسی را می‌آوردیم که آن هم نشد. از جمله خصوصیات این طرح سرعت عمل بود. به بچه‌ها بسیار تأکید شده بود که وقتی داخل می‌روند با موضوع احساساتی برخورد نکنند چون سرعت عمل در این حمله نقش بسیار مؤثری داشت و در لحظات اول حتماً باید نیروهای دشمن را منهدم کنند تا این‌که دشمن سقوط کند.

۱۲. طراحی عملیات و عدم هم‌کاری ارتش با سپاه
برادر عزیز جعفری: طرح عملیات را که نوشتیم به ارتش دادیم که ما دشمن را از غرب سوسنگرد پاک‌سازی می‌کنیم بعد شما بیایید پل بزنید، تانک عبور دهید و این منطقه را حفظ کنید. ولی چون اولین طرح سپاه بود اصلاً هیچ‌کدام اهمیتی به آن نمی‌دادند و می‌گفتند شما می‌روید یک شبیخونی می‌زنید و برمی‌گردید، کاری نمی‌کنید و اصلاً به این موضوع اهمیت نمی‌دادند. خودشان را آماده نکردند و حتی در طرح هم شرکت نکردند. چون این طرح با محاسبات خودشان و با آن قوانینی که در کتاب‌های جنگ هست هم‌خوانی نداشت. صبح روز عملیات، وقتی عملیات را



۱۵. عملیات امام مهدی (عج) الگوی یک طرح موفق،

تغییر دیدگاه ارتش در مورد سپاه

برادر عزیز جعفری: پیش از این عملیات ارتش اصلاً به سپاه و نظریه‌هایش اهمیت نمی‌داد و از بالا و از طرف فرماندهی کل قوا - که آن موقع دست بنی‌صدر ملعون بود - نیز به آنان این‌گونه القا می‌شد، اما پس از این عملیات فرماندهان ارتش به نظریه‌های سپاه بسیار اهمیت می‌دادند و در حوادث و عملیات‌های بعدی ما را به جلسه‌های‌شان دعوت می‌کردند و منتظر بودند ببینند ما چه می‌گوییم و به آن عمل کنند.

بعد از عملیات ۲۶ اسفند ۱۳۵۹، رابطه‌ی ارتش و

سپاه کاملاً عوض شد و بسیار تفاوت کرد و شیوه‌ی حمله‌ی سپاه که به صورت طرح درآمد و نوشته شده بود، در جلسه‌ی مطرح و به هم می‌محورها داده شد و برای همه توضیح داده شد و این محاسبات، یعنی این حساب‌هایی که در

این حمله کرده بودیم، همه‌اش درست درآمد بود و از آن‌ها هم در محورهای دیگر استفاده شد و از آن زمان به بعد ما شاهد پیروزی‌های بسیاری بودیم. از نوروز سال ۱۳۶۰ به بعد حملات بازی‌دراز انجام شد، بعد به دنبالش حمله‌های دارخوین و آبادان و تپه‌های مدن و بعد دوباره هم‌زمان حمله‌هایی در ارتفاعات الله‌اکبر، غرب سوسنگرد، شوش و ... انجام شد و باز دوباره در تپه‌های غرب. یعنی این کاملاً جا افتاد، حمله‌ی نیروی پیاده هم برای ارتش کاملاً جا افتاد و آن را پذیرفت هم برای

۱۴. آمار اسیران و تلفات دشمن، شناسایی دقیق،

آمار نیروهای خودی، وضعیت سلاح در عملیات

امام مهدی (عج)

برادر عزیز جعفری: این موضوع سبب شد که دشمن تلفات بسیاری بدهد، یعنی در این عملیات بیش از ۱۵۰ کشته داد و حدود ۶۰ تن از نیروهایش اسیر شدند که عده‌ی از آنان زخمی بودند. چون حمله هم تقریباً از پشت دشمن انجام شده بود، آن‌ها زیاد نتوانستند فرار کنند. در این حمله شناسایی خیلی دقیق انجام شده بود، حدود یک ماه و نیم کار شناسایی شده بود و بچه‌ها همه‌ی راه‌های نفوذ تا ده متری سنگرهای عراقی‌ها را شناسایی کرده و حتی بعضی جاها تا توی سنگر عراقی‌ها هم رفته بودند. عراقی‌ها سنگرهای داشتند که شب در آن بودند و روز آن‌جا نبودند و این سنگرها در نبود آن‌ها شناسایی می‌شدند. این اقدامات شناسایی به موفقیت عملیات خیلی کمک کردند.

راوی: نیروهای شرکت‌کننده در عملیات چند نفر بودند؟

برادر عزیز جعفری: نیروهای حمله‌کننده ۱۲۰ نفر بودند. تعدادی هم نیروهای تدارکاتی و ... بودند، ولی ۱۲۰ نفر رفتند داخل. دو گروه ۶۰ نفری از دو طرف رفتند داخل. تعداد شهدای ما ۱۳ نفر و زخمی‌های ما ۲۰ الی ۳۰ نفر بودند. این تعداد [نسبت به محاسبات ما] خیلی کم بود و ما اصلاً انتظار این تعداد را نداشتیم و روی بیش‌تر از این‌ها حساب می‌کردیم.

راوی: از نظر سلاح سنگین چه کمبودهایی داشتید؟
برادر عزیز جعفری: سلاح سنگین هیچی نداشتیم. البته، ارتش ما را با توپ‌ها و خمپاره‌هایش پشتیبانی کرد که بسیار هم مؤثر بود، ولی خودمان سلاح سنگین نداشتیم. آر.پی.جی. بود و تیربار و ژ-۳.

عزیز جعفری:
میدان مین هم با جانبازی چند تا از
بچه‌ها خنثی شد و بچه‌ها رفتند روی
میدان مین که بقیه از روی‌شان رد
شوند و این عملیات موفق شد



برادر عزیز جعفری

خود سپاه و همه‌ی نیروها و آن حالت تهاجمی ما از آن زمان شروع شد، به طرف نیروهای دشمن. **راوی:** جریانی که می‌گفتند سپاه باید از منطقه بیرون برود چه بود؟

برادر عزیز جعفری: وقتی او [فرمانده یگان ارتش در منطقه‌ی سوسنگرد] آمد، یک ماه، یک ماه و نیم قبل از عملیات ۲۶ اسفند ۱۳۵۹ بود. وقتی وارد منطقه شد با آن رقابتی که بین خودش و سپاه حس می‌کرد و فکر می‌کرد که سپاه می‌خواهد جانشینش شود. چهره‌ی دورویی داشت؛ توی روی‌مان یک‌جوری دیگر برخورد می‌کرد، ولی پشت سر برخوردش یک چیز دیگری بود. از همان اولی که آمدند گفتند حتی سپاه باید از منطقه برود، از سوسنگرد باید برود و ما منطقه را بگیریم و ... ولی

بعد چون همان کارهای اولیه‌ی سپاه را دیدند، ما آن طرف رودخانه بودیم و این‌ها این طرف رودخانه ایستادند به دفاع و خیلی کار کردند. یعنی کانال برای عملیات ۵۹/۱۲/۲۶ کنده شده بود (این کانال‌کنی برای اولین بار انجام شده بود) و این زحماتی را که دیده بودند خودشان هم خجالت کشیدند که بگویند این مسئله را و کلاً حالا یا دلایل دیگری هم داشت من نمی‌دانم. کلاً این را خواستند. ولی چون می‌خواستیم

با آن‌ها هم‌کاری کنیم و نخواستیم در تضاد بیفتیم از اول هر چه اطلاعات و شناسایی داشتیم در اختیارشان گذاشتیم و سعی نکردیم تضاد رشد کند.

۱۶. رابطه‌ی ارتش با سپاه در جبهه‌ی جنگ

برادر عزیز جعفری: [از برخی رفتارهای بعضی فرماندهان ارتش] گذشتیم و سعی نکردیم برخوردی کنیم که موجب رشد تضادها شود. کوتاه آمدیم و این جا افتاد. بعد از عملیات ۲۶ اسفند ۵۹، حمله‌ی

بعضی جاها ۲/۵ کیلومتر بود.

یعنی در جبهه‌یی به این وسعت نیروی پیاده به عراقی‌ها حمله کرد و شناسایی و کانال‌کشی آن‌قدر دقیق و زیاد بود که از پشت به دشمن حمله کرد. مثلاً یک کانال (یک مسیر) حمله‌مان درست از پشت دشمن به طرف او بود، یعنی درست جهت برعکس بود و از سمت خودش به طرفش حمله شده بود، یعنی به پشت دشمن. بعد، بیش‌تر حمله از جناح راست و از جنوب کرخه به طرف جاده بود که اولاً یک بیست روزی، یک ماهی [کار] شناسایی [انجام] شد تا کانال پیدا شد. این کانال‌ها کوتاه بودند و حدوداً یک ماه طول کشید تا این کانال‌ها کنده شدند، یعنی پشت دشمن شب‌ها کانال‌کشی می‌شد و تا فاصله‌ی ۸۰۰ متری دشمن کانال کندند بچه‌ها، پشت دشمن بودند، شب می‌کندند این کانال را که برای رفت و آمد و این‌ها راحت باشند. باز شناسایی‌ها آن قدر دقیق بود که تا فاصله‌ی ۲۰ متری، ۵۰ متری، ۱۰۰ متری دشمن شناسایی می‌شد آن پشت، حتی جایی که خودشان اصلاً فکرش را هم نمی‌کردند که ما به آن‌جا برسیم یا بتوانیم کانال بکنیم. **راوی:** در کندن کانال‌ها ارتشی‌ها هم بودند یا نه؟

برادر عزیز جعفری: بله، در حمله‌ی دوم، یعنی ۳۱ اردیبهشت ۶۰ در کندن کانال و این‌ها چون مشترک بود، آن‌ها هم کمک کردند و کلاً سربازها و درجه‌دارهای سطح پایین‌شان هم‌کاری‌شان خیلی زیاد بود و ابراز علاقه می‌کردند در حمله، ولی بعدها فرماندهان‌شان زیاد خوب از آب درنیامدند. مخصوصاً هواپرد همیشه خیلی می‌ترسد از دشمن، به دشمن نزدیک نمی‌شود. این انتقاد بود به آن‌ها.

۱۸. سازمان رزم، طراحی و آرایش نیرو در عملیات امام علی^(ع)

برادر عزیز جعفری: نیروهای سپاه و ارتش به صورت گروه‌های ۱۵ نفره در دو تیم ۷ نفره که یک تیم سپاه بود و یک تیم ارتش، با هم ادغام شده بودند.

۳۱ اردیبهشت ۶۰ را طراحی کردیم، یعنی شناسایی‌ها انجام شد و طرح دادیم، بعد به طور کاملاً مساوی از نیروهای سپاه و ارتش در این حمله شرکت کردند. اول خواسته‌شان این بود که سپاه را از منطقه بیرون کنند و در جریان هویزه هم به همین صورت بود. البته، فرمانده کلشان نبود، فرمانده یک واحدشان بود که گفته بود سپاه باید از منطقه‌ی هویزه برود تا ما عمل کنیم. یک چنین چیزی هم آن‌جا گفته شده بود که البته الآن دیگر از این صحبت‌ها خبری نیست. حتی واحدهای ارتش رقابت می‌کنند تا این‌که یک نیروی سپاهی را زیر امر بگیرند. یعنی هر حمله‌یی که صورت می‌گیرد، هر جایی که سپاه کنار یک واحدی از ارتش فعال بوده، کلاً آن منطقه فعال بوده و این را می‌توانیم در کل محورها ببینیم، یعنی این را بسنجیم. یک نمونه‌اش در دزفول است. چون دزفول محورش خیلی گسترده است، تعداد نیروهای سپاه در آن‌جا خیلی کم است کنار ارتش. جزئی است و پخش شده در ارتش و خودش هیچ محوری به طور کامل دستش نیست. این است که در دزفول زیاد عملیات موفقیت‌آمیزی انجام نمی‌گیرد. این یک نمونه‌اش. الآن در کل محورهای دیگر این است که خیلی خوب عمل می‌شود.

۱۷. تغییر آرایش دشمن بعد از عملیات امام مهدی^(عج) شناسایی و کانال‌کشی قبل از عملیات امام علی^(ع)

برادر عزیز جعفری: در حمله‌ی سی و یکم (۳۱ اردیبهشت ۱۳۶۰) باز به دنبال حمله‌ی بیست و ششم (۲۶ اسفند ۱۳۵۹)، تقریباً با همان شیوه‌ی طرح که جا افتاده بود، این دفعه با کمک ارتش، شناسایی‌ها دوباره شروع شد، ولی دشمن کلاً آرایش خودش را عوض کرد، یعنی یک آرایش نعل اسبی داشت و نیروی پیاده و تانک‌های‌شان بغل هم بود، ولی چون از این ضربه خورد، پیاده‌اش را گذاشت جلو و تانک‌هایش را برد عقب. یعنی خودش را باز کرد شد در طول. در عرض حدود دو کیلومتر و

تعداد باشد، هیچ تغییری در آن داده نمی‌شد.
راوی: آرایش نیروهای خودمان در این حمله چگونه بود؟
برادر عزیز جعفری: داخل شهر سوسنگرد و دنباله‌ی رودخانه‌ی نیسان بودیم. این آرایش اصلی نیروها بود، البته سپاه از رودخانه عبور کرده و به غرب رودخانه رفته بود و به خانه‌های آن طرف کانال‌کنی داشت. یک آرایش را سپاه داشت جلو. نیروهای خودی هم این طرف آب بودند که وقتی حمله کردند، آمدند آن طرف. بعداً جلو دشمن آرایش گرفتند. بعد در این دو عملیات، مسئله‌ی که مهم است، مخصوصاً در عملیات ۲۶ اسفند ۵۹، توجه امام زمان (عج) به این عملیات بود که فرماندهی‌شان واقعاً برای همه مسجل شد. یعنی چه بچه‌هایی که در حمله بودند و چه آن‌هایی که مسئولیت داشتند، در حمله به آن‌ها ثابت شده بود که یک نفر هست و دارد کمک‌شان می‌کند. چون عملیات به این خوبی انجام گرفت و باورنکردنی بود، بچه‌ها هم همه دیده بودند، یعنی دقیقاً لمس کرده بودند، آن طور که بعداً همه می‌گفتند.

راوی: یعنی امام را دیده بودند؟

برادر عزیز جعفری: نه امام دیده نشده بود، ولی این جریاناتی را که دیده بودند و کمک‌هایی که شده بود، هر کسی درک کرده بود دیگر این مسئله را، یعنی می‌دانست که دست غیبی برای کمک به این مسئله در کار هست و واقعاً در همه‌ی حمله‌ها، حالا چه [در عملیات] طراح که اخیراً این‌جا انجام دادند، چه حمله‌ی سی و یکم [۱۳۶۰/۲/۳۱] و چه بیست و ششم [۱۳۵۹/۱۲/۲۶]، فرمانده این عملیات مشخص بود. این عملیات‌ها به آن صورت فرماندهی نمی‌خواهد. چون اکثر کارهای عملیات از قبل باید انجام می‌گرفت و آن دقت و ظرافتی که نیاز بود قبلش باید انجام می‌گرفت و حمله که شروع می‌شد، دیگر فرماندهی در کار نبود و آن کمک امام زمان (عج) بود که همه‌ی این‌ها را موفق کرده بود.

فرمانده‌ی بعضی از این گروه‌ها با سپاه و بعضی با ارتش بود که البته ما این را نخواستیم که یک جناح را کلاً سپاه بگیرد و یک جناح را ارتش، چون ناهماهنگی زیاد پیش می‌آمد، عمداً این‌ها را در هم ادغام کردیم که هم‌دیگر را ترغیب کنند و آن جریان ۳۱ اردیبهشت ۱۳۶۰ پیش آمد که خیلی هم موفق بود. یعنی با وجود آن گستردگی جبهه، باز تلفات کم بود. بیش‌تر از حمله‌ی ۲۶ اسفند ۱۳۵۹ بود، ولی باز هم تعداد تلفات کم بود، این دفعه هم تانک‌ها آمده بودند. بعد از حمله‌ی پیاده، بعد از پاک‌سازی دشمن، تانک‌ها سریع آمدند، در مواضع ایستادند، پدافند کردند که این حمله هم‌زمان بود با [عملیات در تپه‌های] الله‌اکبر که چهار کیلومتر آن طرف‌تر از این جبهه بود و آن‌جا هم موفق بود و همچنین [عملیات] شوش.

راوی: طرح این عملیات از طرف سپاه بود یا این‌که به طور

عزیز جعفری:

به قول امام این جنگ نعمت بود - یکی از جنبه‌هایش این است که امریکا اگر حتی دخالت نظامی مستقیم هم بکند، با پیوند ارتش و سپاه و تجربه‌ی که هر دو به دست آورده‌اند، اگر از تمام جناح ایران، حمله شود به ایران، قابل دفاع است، یعنی می‌توانیم دفاع کنیم از خودمان

مشترک داده بودند؟

برادر عزیز جعفری: نه، طرح این عملیات و شناسایی کلاً از سپاه بود و اسم این طرح همان چیزی که خودمان نوشته بودیم، یعنی طرح امام علی (ع) بود که هم‌زمان با تولد حضرت علی (ع) شد، ولی وقتی که این طرح را ما دادیم به ارتش، یعنی دست ارتش رسیده بود، خودش آن را یک تغییراتی داده بود. به شیوه‌ی خودش نوشته بود طرح را و اسم آن را گذاشته بود طرح ساسان! ولی در واقع همان طرح بود، یعنی هیچ تغییری در آن داده نشده بود. نظراتی که ما می‌دادیم مثلاً نیرو از این‌جا باید برود و به این

کیلومتر پیشروی بود که دو سه روز بعد تپه‌های شحیطیه را هم گرفتند و از ۲۰ کیلومتر بیش تر شد. در شوش نمی‌دانم کم‌تر از این بوده، مثل این که سه چهار کیلومتر بوده.

راوی: علت این که حمله‌ی سی و یکم به طور هم‌زمان با الله‌اکبر و شوش شروع شد چه بود؟
برادر عزیز جعفری: عملیات در تپه‌های الله‌اکبر به دلیل این بود که ضد حمله‌های دشمن را خنثی کند. سوسنگرد و الله‌اکبر چون بغل هم بودند و شوش هم تقریباً نزدیک همین محور بود برای این که دشمن گیج شود و نداند که نیروهایش را برای پاتک در

کجا متمرکز بکند، عملیات هم‌زمان در سه محور انجام شد. اگر فقط الله‌اکبر گرفته می‌شد، دشمن همه‌ی نیروها را از محور دیگر هم می‌برد به آن‌جا حمله می‌کرد. به این دلیل، این سه محور با هم بود که نتواند ضد حمله کند.

عزیز جعفری:

با توکلی که بچه‌های مسئول داشتند همه را تحت‌الشعاع قرار داده بودند و با ایثارگری بچه‌ها، منطقه‌ی طراح به آسانی از اشغال دشمن آزاد شد و دشمن با وجود این که می‌دانست می‌خواهد به او حمله شود، اصلاً نتوانست مقاومت کند.

۲۱. عملیات شهید چمران ۵ مرداد ۱۳۶۰

راوی: در مورد عملیات در منطقه‌ی طراح بفرمایید؟
برادر عزیز جعفری: در مورد عملیات طراح هم، باز هم همان شیوه‌ی حزب‌اللهی بود و با همین شیوه عمل شد، ولی یک فرق اصلی این بود که جلو خط دشمن میدان مین خیلی محکمی بود و چون دشمن حذر داشت، زده بود که می‌خواهد به او حمله شود و می‌دانست، استحکامات خیلی زیادی جلو خط خودش درست کرده بود. میدان مین خیلی وسیعی به طول هفت هشت کیلومتر و عرض خیلی زیاد با سیم‌خاردار و

۱۹. آمار اسیران و خسارت دشمن در عملیات ۱۳۶۰/۲/۳۱

راوی: در این عملیات سی و یکم که هم‌زمان با عملیات‌های شوش و الله‌اکبر شروع شد، چه تعداد اسیر گرفته شد.

برادر عزیز جعفری: اسرا در سوسنگرد بیش از ۳۵۰ نفر بودند. فکر کنم در همین حدود هم در الله‌اکبر بود، ولی شوش زیاد نبود. ظاهراً در مجموع ۷۰۰، ۸۰۰ نفر بودند، دقیقاً نمی‌دانم.

راوی: آمار خسارات تانک و تجهیزات چه قدر بوده است؟
برادر عزیز جعفری: خودمان که تانک از دست ندادیم، ولی از دشمن هفت هشت تانک و نفربر زده شد. در ضد حمله‌ی کوچکی هم که در بعد از ظهر سی و یکم کرد، شش هفت تانکش زده شد و این آرایش قوی، نیرویی را دید در مقابلش که اصلاً نتوانست مقاومت بکند و حسن حمله‌های ما این بود که ما سعی می‌کردیم از خاکریز خود دشمن علیه خودش استفاده کنیم برای پدافند و از قبل پیش‌بینی می‌کردیم نحوه‌ی پدافند را.

ضد حمله‌های دشمن کم‌تر موفق می‌شد و یک امر مهمی بود که مثلاً یک قسمتی از جناحش باز بود که ما تعداد زیادی لودر و بلدوزر از قبل آماده کرده بودیم و این تجربه هم باز برای اولین بار بود که بلافاصله یک خاکریز زدیم و خاکریز را به هم متصل کردیم.

راوی: در حین عملیات؟

برادر عزیز جعفری: نه. بعد از عملیات. عملیات که تمام شد بلافاصله زدن خاکریز شروع شد.

۲۰. مقدار پیشروی در عملیات‌های ۱۳۶۰/۲/۳۱ و

دلیل هم‌زمانی اجرای عملیات در سه محور

راوی: کلاً در عملیات‌های سی و یکم اردیبهشت چه قدر پیشروی شد؟

برادر عزیز جعفری: در سوسنگرد ۵ کیلومتر پیشروی شد. در ارتفاعات الله‌اکبر حدود ۱۸

مین، مین خنثی می‌شود بچه‌های دیگر می‌آیند رد می‌شوند! که روز بعدش دقیقاً همین اتفاق افتاد و یک نفر از ما رفت روی مین و این یک نفر همین علی بود و اتفاقاً مین خنثی شده بود، بچه‌های دیگر آمده بودند از کنار جنازه‌اش رد شده بودند، رفته بودند داخل. بچه‌ها در عملیات بیست و ششم [امام مهدی^(عج)] از گلوله‌ی آر.پی.جی. به عنوان چماق استفاده می‌کردند و می‌زدند توی سر عراقی‌ها، یعنی درگیری‌ها دیگر این طوری بود. چون تیربارها گیر کرده بود. اکثر سلاح بچه‌ها ژ-۳ بود که گیر کرده بود، خاکی شده بود. درگیری حزب‌اللهی اصلاً به این صورت بود، سلاح نبود، فقط چند آر.پی.جی. می‌زدند. تیربارها و ژ-۳‌ها گیر کرده بود. بچه‌ها با این رعب و وحشتی که در دل دشمن افتاده بود، دشمن را شکست دادند. یکی از بچه‌ها با دست خالی، پایش هم ناقص بود، با دست خالی بدون سلاح رفته بود داخل و از داخل سنگر دشمن یک اسیر گرفته بود آمده بود بیرون گفته بود تو باید تکان نخوری دم همین سنگر بنشین، من بروم سنگر بالایی کار دارم بیایم، بعد رفته بود از سنگر بالایی هم چند تایی جمع کرده بود و آمده بود با هم برداشته بود و آورده بود. یا برادر دیگری که تعداد زیادی هم بعداً تیر خورد، عراقی‌ها را با تیر نمی‌زد. چون اکثر سلاح‌های بچه‌ها گیر کرده بود.

یک‌سری وسایل الکترونیکی و این جور چیزها بود، ولی خیلی ساده گرفته شد این‌جا. با توکلی که بچه‌های مسئول داشتند و همه را تحت‌الشعاع قرار داده بود و یا ایتارگری بچه‌ها این منطقه‌ی طراح به آسانی از اشغال دشمن آزاد شده و دشمن با وجود این که می‌دانست می‌خواهد به او حمله شود، اصلاً نتوانست مقاومتی کند و بچه‌ها از خود جانبازی نشان دادند.

نمونه‌یی از جانبازی بچه‌ها در عملیات بیست و ششم در اولین طرح، همین‌جا بود. یک برادری بود به اسم علی خانزاده. به او می‌گفتند علی شیر. ما در این جریان بیست و ششم [عملیات امام مهدی^(عج)] ۱۳۵۹/۱۲/۲۶ فقط یک کانال داشتیم که سر این کانال مین بود. این را نمی‌شد خنثی کنیم. روز قبلش فرمانده سپاه برادر صفایی، از او [علی خانزاده] سؤال می‌کند و به او می‌گوید که علی! فردا نروی روی مین. او خیلی ناراحت بود، تا یک هفته قبل که عملیات انجام بگیرد، می‌خواست برود یک محوری عملیات

انجام دهد و تانک بزند. می‌گفت که می‌خواهد برود. ناراحت بود. می‌گفت: «من می‌خواهم بروم یک جایی بیفتم دنبال تانک.» گفتم: «تو یک هفته صبر کن بعد بیفت دنبال تانک اینجا.» گفت: «یک هفته صبر می‌کنم، باز نشد می‌روم.» گفتم: «باشد.» به هر حال ماند در عملیات شرکت کرد و بعد روز قبلش برادر صفایی به او گفت که علی فردا یک‌دفعه نروی روی مین! بعد گفت: «خب برادر صفایی مسئله‌یی نیست که ما می‌رویم روی

عزیز جعفری:

طرح این عملیات و شناسایی
کلاً از سپاه بود و اسم این طرح
همان چیزی که خودمان نوشته
بودیم، یعنی طرح امام علی^(ع)
بود که هم‌زمان با تولد حضرت
علی^(ع) انجام شد

۲۲. زمان شروع و پایان عملیات طراح و چگونگی

همکاری ارتش و سپاه، تلفات و خسارات دشمن

راوی: در عملیات طراح حمله کی شروع شد؟
برادر عزیز جعفری: در منطقه‌ی طراح چون جلو خط دشمن میدان مین بود بچه‌ها نمی‌توانستند با استفاده از طرح غافل‌گیری عمل کنند. قرار بود آتش تهیه بریزند. بعد، زیر آتش تهیه بچه‌ها مین را خنثی کنند، بروند داخل. ساعت ۴:۱۵ تا ۴:۳۰، آتش تهیه ریخته شد. البته، قرار شد بچه‌ها بعد از آتش تهیه

تعریف کردیم. یکی دیگر این که در همین عملیات بیست و ششم [عملیات امام مهدی (عج)] برادر دیده‌ور فرمانده یک جناح از نیروها بود، می‌خواست برود داخل و یک ژ-۳ داشت. از خاکریز بالا رفتن و داخل شدن کار تقریباً آسانی نبود. چون اولین دفعه هم بود که این تجربه می‌شد. این برادر با جانبازی که کرد، بچه‌ها را فرستاد داخل. در صورتی که قبل از این که بروند داخل، دشمن این‌ها را دیده بود و زیر آتش گرفته بود و دو سه شهید هم داده بود. خلاصه با فشار خیلی زیادی بچه‌ها را کشید داخل و اولین نفر خودش رفت روی خاکریز ایستاد که خواست با ژ-۳ دشمن را بزند که ژ-۳ او گیر کرده بود و اول دشمن زد به گلویش و افتاد. بعد افتاده بود روی زمین بچه‌ها آمدند

عزیز جعفری: برادر دیده‌ور اولین نفر خودش رفت روی خاکریز که دشمن زد به گلویش و افتاد. بعد افتاده بود روی زمین بچه‌ها آمدند که بردارند ببرندش عقب، گفته بود نه به من دست نزنید من یک جان بیش‌تر ندارم شما بروید جلو و نمی‌گذارد بچه‌ها کاری برایش بکنند و همان‌جا شهید می‌شود و بچه‌های دیگر می‌روند جلو

که بردارند ببرندش عقب، گفته بود نه به من دست نزنید من یک جان بیش‌تر ندارم شما بروید جلو و نمی‌گذارد بچه‌ها کاری برایش بکنند و همان‌جا شهید می‌شود و بچه‌های دیگر می‌روند جلو. کلاً جریانی که اصلاً در محورها در رابطه با

سپاه هست، این که هر وقت یک عملیاتی می‌شود یا به هر حال بحث با بچه‌هایی که در عملیات نیستند، چون قبل از این که صحبت عملیات می‌شود، همه شروع می‌کنند به التماس و ناراحتی که ما می‌خواهیم برویم عملیات. حتی خیلی‌ها گریه می‌کنند یا ناراحتی می‌کنند که حتی اگر مسئولیتی دارند، استعفا دهند و حاضر هستند استعفا بدهند که مسئولیتی نداشته باشند و بعد بروند. یعنی این یک جریانی و واقعاً یک مشکلی شده در بعضی از محورها که برادرها واقعاً

بروند داخل که زیر همان آتش رفته بودند داخل و درگیری را شروع کرده بودند. درگیری ساعت ۴:۳۰ تقریباً شروع شد و ساعت ۵ هم دشمن فرار کرده تا کرخه‌کور رسیده و ۷ کیلومتر رفته بود.

راوی: دشمن از چه طریقی فرار کرده بود، یعنی قبلاً کانال را زده بود؟

برادر عزیز جعفری: نه، توی دشت فرار کرد. عراقی‌ها با خودرو و نیروی پیاده‌شان با پای پیاده فرار کردند. چون آتش تهیه بود. آتش تهیه ریخته شده بود، متوجه شده بود، قبلاً می‌دانستند می‌خواهد به آن‌ها حمله شود. خلاصه نتوانستند مقاومت بکنند. **راوی:** هم‌کاری ارتش در این عملیات چه طور بود؟ **برادر عزیز جعفری:** هم‌کاری ارتش خوب است. لشکر ۱۶ که الآن در منطقه‌ی سوسنگرد هست و با آن‌ها کار می‌کنیم، هم‌کاری آن‌ها خوب است. کم‌کاری نمی‌کنند، در صورتی که بعضی از محورهای دیگر مثل این که بعضی از لشکرهای ارتش هم‌کاری نمی‌کنند، ولی این‌جا خوب است.

راوی: تعداد تلفات و میزان خسارات عراق چه قدر است؟ چند اسیر گرفته شد؟

برادر عزیز جعفری: در حمله‌ی طراح در روز اول ۸۰ تا ۱۰۰ اسیر گرفتیم. در ضدحمله‌ی دشمن در روز بعد هم باز ۸۰ نفر اسیر گرفتیم. در خود حمله بچه‌ها بیش از ۱۵ تانک و نفربر زدند، چون بچه‌ها رسیدند از کرخه‌کور، آن‌طرف کرخه‌کور تانک‌های دشمن را زدند. در ضد حمله‌ی دشمن هم بچه‌ها دوباره بیش از ۱۰ تانک و نفربر زدند.

۲۳. خاطراتی از عملیات‌ها، آمادگی قوای نظامی برای مقابله با هر متجاوز

راوی: کلاً در این مدتی که شما در این عملیات‌ها بودید صحنه‌های جالب و خاطراتی که در این عملیات‌ها دیده شده بفرمایید؟ **برادر عزیز جعفری:** خاطرات را دو سه‌تایش را که

مصاحبه با برادر احمد غلامپور (مقاومت در سوسنگرد)

گفتگو: امیر رزاق زاده*

این مصاحبه در خصوص مقاومت در شهر سوسنگرد با سردار غلامپور انجام شده است. محور این مصاحبه بر تاریخچه‌ی نبرد و شکل‌گیری و مقاومت در محور سوسنگرد قرار دارد. ایشان در ادامه با انتقاد از اینکه همه‌ی تمرکز جنگ و همه‌ی نگاه جنگ و آنچه که امروز ما به عنوان مقاومت داریم مطرح می‌کنیم، غالباً مبتنی بر تحولات جنگ در خرمشهر و آبادان است و مناطقی چون سوسنگرد کمتر مورد توجه قرار گرفته اند.	چکیده
--	---------------------

مقدمه

جنگ وجود دارد که من به آن اشاره می‌کنم. که کم‌تر به این موضوع اشاره شده یا در موردش بحث شده است. شما خوب می‌دانید عراق زمانی که به ایران حمله کرد، طرح کلان نظامی‌اش این بود که در شمال غرب فقط اهداف فیزیکی را که عمدتاً ارتفاعات بلند بودند و مسلط به نوار مرزی بودند را اشغال بکند و خیلی تمایل به ورود به خاک ما و اشغال مناطق کردنشین نداشت، چون می‌دانست مردم کردنشین ایران تا حدودی خودشان مبارز هستند و نمی‌خواستند جمعیت کرد را در برابر خودشان قرار بدهند. چون در حرکات نظامی در هر تلاش اصلی در کنارش یک تلاش پشتیبانی وجود دارد، عراقی‌ها صرفاً با هدف تلاش پشتیبانی در منطقه‌ی میانی عمل کردند، و تلاش اصلی‌شان در جنوب بود. در جنوب عراقی‌ها در سه محور کلی بدین ترتیب به

آقای رزاق زاده: بسم الله الرحمن الرحيم. بحثی که می‌خواهیم در خدمت‌شان داشته باشیم، تاریخچه‌ی نبرد و شکل‌گیری و مقاومت در محور سوسنگرد می‌باشد. قرار است از اطلاعات ایشان استفاده بکنیم و این مباحث تداوم داشته باشد و از اطلاعات ناب افراد در تولید آثار مرکز بیش‌تر بهره ببریم. لذا، اکنون می‌خواهیم از مطالب ارزشمند ایشان استفاده بکنیم. سردار خواهش می‌کنم مطالب خود را در خصوص موضوع طرح شده بفرمایید.

سردار غلامپور: بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله الرب العالمين. و لاحول و لا قوه الا بالله... العلی العظیم. ضمن تشکر از شما، عرض شود که قبل از این که وارد جزئیات موضوع بشویم و بپردازیم به حوادث و اتفاقاتی که در محور سوسنگرد افتاده است، یک نکته‌ی مهم، یک حلقه‌ی مفقوده و به نوعی یک اجحاف در تاریخ

* محقق و پژوهشگر در حوزه دفاع مقدس



برادر احمد غلامپور، سمت چپ

خاک ایران وارد شدند. در شمال خوزستان، منطقه‌ی میانی خوزستان و جنوب خوزستان. شمال خوزستان با ۲ لشکر ۱ و ۱۰ آمدند و هدف‌شان هم عمدتاً تصرف شهرهایی مثل شوش و دزفول و بستن جاده‌ی مهم و استراتژیک اهواز - اندیمشک بود که ارتباط خودشان را از سمت اندیمشک به سمت شمال خوزستان قطع بکنند. در محور میانی خوزستان که با لشکر ۹ وارد شدند، هدف

اصلی‌شان این بود که بعد از قطع

یا اشغال شهرهایی مثل بستان و سوسنگرد و حمیدیه به سمت اهواز بیایند و اهواز را اشغال بکنند و در محور جنوبی با نیت اشغال شهرهای خرمشهر و آبادان از محور شلمچه وارد شدند.

نکته‌ی مهمی که این جا من می‌خواهم به آن اشاره بکنم و در واقع عرض کردم شاید یک نوع اجحاف در تاریخ جنگ صورت گرفته، این است که به دلیل این که شهرهای آبادان و خرمشهر (بزرگ‌ترین بندر ما بود) اهمیت بسیاری داشتند و از نظر و جایگاه و اهمیت جغرافیایی و تسهیلات اقتصادی قابل قیاس با شهرهایی مثل سوسنگرد نبودند، بنابراین، همه‌ی تمرکز جنگ و همه‌ی نگاه جنگ به آن سمت متمرکز شد و آنچه که امروز ما به عنوان مقاومت داریم مطرح می‌کنیم، همه‌اش را در خرمشهر مطرح می‌کنیم یا آنچه به عنوان سمبل فتح ما داریم مطرح می‌کنیم، صرفاً آزادی خرمشهر یا شکست حصر آبادان است.

این‌ها نکات مثبتی است که در تاریخ جنگ ما، مرتب به آن اشاره و تکیه می‌شود و همه‌ی نمادهای مقاومت، شجاعت، ایثار و بخش عمده‌یسی از تاریخ جنگ به این

بخش از جغرافیای خوزستان اختصاص دارد، در حالی که واقعیت این است که وقتی عراقی‌ها از محور بستان - سوسنگرد وارد شدند، هدف اصلی لشکر ۹ با کمک لشکر ۵ مکانیزه - که از محور کوشک وارد شد و به سمت پادگان حمیدیه آمد و به سمت اهواز می‌خواست بیاید - هدف اصلی لشکر ۹ و بالطبع لشکر ۵ - که به عنوان جناح دار لشکر ۹ عمل می‌کرد - این بود که بیایند اهواز را اشغال کنند. یعنی، ما این سؤال را می‌توانیم مطرح بکنیم که اگر اهواز در همان روزهای اول جنگ سقوط می‌کرد، آیا مقاومت در آبادان و خرمشهر معنا و مفهومی پیدا می‌کرد؟ خب، دیگر مقاومت در خرمشهر و آبادان آن ارزش و شرایط را واقعاً نمی‌داشت. بالاخره اهواز هم مرکز استان بود، هم مرکز پشتیبانی و حمایت جبهه‌هایی مثل آبادان و خرمشهر و سازمان‌دهی، حمایت، پشتیبانی و بسیاری از اقداماتی که در ارتباط با مقاومت در خرمشهر و شکست حصر آبادان صورت گرفت، مدیریتش، فرماندهیش، پشتیبانیش، همه چیزش در اهواز بود.

بنابراین، نکته‌ی مهمی که به نظر می‌رسد این است: محور میانی خوزستان یک محور بسیار مهمی بوده که عرض

نشده است و می‌توان آن را با مجموعه مقاومتی که در آن ۳۴ روز در خرمشهر صورت گرفت مقایسه کرد و در نهایت هم آن شهر سقوط کرد. چون در هر حال، مقاومت خوبی صورت گرفت، اما دشمن به هدفش رسید؛ توانست خرمشهر را بگیرد و حتی به اندازه‌ی مقاومتی که در حصر آبادان صورت گرفت، این عملیات می‌توانست ارزش داشته باشد که نهایتاً عرض کردم، دشمن را از رسیدن به هدفش بازداشت. اولین نکته و موضوعی که در کل، در خصوص این عملیات و اهمیت و نقشش در موضوع جنگ می‌توانم به آن اشاره بکنم، این است که مقاومت و حمله‌ی غافل‌گیرانه‌ی قوای خودی نگذاشت عراق به اهدافش یعنی تصرف و اشغال اهواز برسد.

عراق زمانی که به ایران حمله کرد، طرح کلان نظامی‌اش این بود که در شمال غرب فقط اهداف فیزیکی را که عمدتاً ارتفاعات بلند بودند و مسلط به نوار مرزی بودند را اشغال بکند و خیلی تمایل به ورود به خاک ما و اشغال مناطق کردنشین نداشت، چون می‌دانست مردم کردنشین ایران تا حدودی خودشان مبارز هستند

آقای رزاق‌زاده: بر این اساسی که شما می‌فرمایید دشمن عمده قوا و انرژی خود را معطوف این محور کرده بود که بیاید برسد به هدف اصلی‌اش که در واقع شهر اهواز بود؟

سردار غلامپور: اصلاً هدف و مأموریت لشکر ۹ زرهی این

بود که بیاید اهواز را اشغال بکند، با توجه به این که در سمت راست، تقریباً تا حدود زیادی تأمین می‌شد؛ هم به واسطه‌ی آن تعداد حمله‌ها و شرایط زمین، هم به واسطه‌ی وجود لشکر ۱ و ۲ که در سمت چپش بودند. در سمت راستش هم لشکر ۵ مکانیزه از کوشک وارد شد و آمد روی جاده‌ی اهواز - خرمشهر. هرچند می‌شود این را هم گفت که لشکر ۵ مأموریتش این بود که خلأ بین لشکر ۹ و لشکر ۳ را - که حد فاصل بین شلمچه و بستان بود- بپوشاند، اما با توجه به نوع جهت‌گیری و حرکت لشکر ۵ و فاصله‌ی نزدیکی که به لشکر ۹ داشت تا لشکر ۳، نشان می‌دهد که لشکر ۵ هم جناح‌دار لشکر ۹ بود.

کردم به دلیل این که اهداف واسط و اهداف بین راهی که دشمن به سمتش می‌آمده، به لحاظ ارزشی قابل قیاس با اهداف سمت جنوب خوزستان مثل آبادان و خرمشهر یا حتی با شمال خوزستان مثل دزفول و شوش نبوده، متأسفانه به محور سوسنگرد کم‌توجهی و نگاه ضعیف‌تری نسبت به خرمشهر و آبادان وجود دارد و نسبت به آن اجحافات صورت می‌گیرد و واقعیت این است که وقتی که ارتش عراق حرکت می‌کند می‌آید، روز چهارم جنگ می‌رسد به بستان، یعنی اولاً خود این نقطه‌ی جغرافیایی که مابین چزابه تا بستان قرار دارد نقطه‌ی مهمی است و چیزی حدود چهارده، پانزده کیلومتر است که در این محدوده، یگان‌های زرهی عراق با مقاومت چهار روزه مواجه شد، یعنی چهار روز طول کشید تا قوای دشمن از مرز رسیدن به بستان. پس از آن، یک مقاومت جانانه‌ی توسط مردم و نیروهای انقلابی در بستان صورت گرفت. وقتی دشمن بستان را اشغال می‌کند، روز ششم حرکت می‌کند و به سوسنگرد می‌رسد، یعنی روز ششم سوسنگرد را اشغال می‌کند. سه روز بعد از اشغال سوسنگرد، حرکت می‌کند می‌آید به سمت حمیدیه تا به سمت اهواز برود که در نزدیک حمیدیه، یعنی درست در نقطه‌ی تلاقی شهر حمیدیه با جاده‌ی سوسنگرد - حمیدیه - اهواز، در آن جا با یک عملیاتی تحت عنوان عملیات غیور اصلی - که در واقع یک شیخون شبانه است - مواجه می‌شود و این شیخون با توجه به وحشتی که در ارتش عراق ایجاد می‌کند و به دنبالش عملیات خوبی که هوانیروز انجام می‌دهد، سبب می‌شود که لشکر ۹ زرهی عراق با وحشت تمام به سرعت عقب‌نشینی کند و این عقب‌نشینی، فرار بسیار بزرگی در طول جنگ است، یعنی نیروهای عراقی می‌آیند تا نزدیک بستان و حتی از بستان هم عقب‌نشینی می‌کنند و می‌روند به سمت چزابه. حالا حرف این جا است که شب دهم، یا به تعبیری روز دهم همراه (آخر شب روز نهم که اوایل ساعت ۲ صبح روز دهم است که این شیخون صورت می‌گیرد و در واقع اهواز به نوعی نجات پیدا می‌کند این نقطه‌ی عطفی است در تاریخ جنگ که متأسفانه جایگاه و ارزش آن درک

و در جنوب خوزستان حتماً به اهدافشان راحت‌تر می‌رسیدند.

آقای رزاق‌زاده: در واقع، چون مرکز استان خوزستان سقوط می‌کرد، دیگر پشتیبانی از سایر شهرها و جبهه‌ها برای مقاومت و پایداری صورت نمی‌گرفت و دیگر مرکزی برای فرماندهی، سازمان‌دهی و هماهنگی مردم و نیروها وجود نداشت.

سردار غلامپور: بله. در صورت تحقق این هدف نیروها با این وضعیت مواجه می‌شدند که دیگر پشتیبانی نیست، عقبه‌ها بسته شده و لذا از لحاظ انگیزشی و از لحاظ روانی و جنبه‌های دیگر به نظر می‌رسید این جنگ می‌توانست نیمه‌ی مهرماه تمام بشود. واقعیت این است، منتها عرض کردم به دلیل وقوع این شبیخونی که این جا صورت گرفت، یعنی به دلیل این که دشمن یک بار عقب‌نشینی می‌کند و دوباره می‌رود تا مرز، اولاً خیال خیلی‌ها راحت می‌شود که دیگه اهواز موقتاً از خطر رها شده، کماکان شهر روی پای خودش است و سایر نقاط را فرماندهی و پشتیبانی می‌کند. به هر حال، خیلی به این مسئله توجه نمی‌شود. لذا، به اهمیت این شبیخون توجه نمی‌شود و کسی نگاهی به این مسئله نمی‌کند. نکته‌ی دوم این که چون دشمن در طول این چند روزه که در اهواز مقاومت صورت گرفته، فشار بیش‌تری آورده است و به خصوص از نوزدهم مهرماه به بعد که ماشین نظامی ارتش عراق می‌آید و با آن دُوران بزرگ از کارون عبور می‌کند، دیگر این جا هم با همه‌ی توجه و تمرکز می‌رود به آن سمت. این هم اشکال ندارد و طبیعی هم هست که باید بیاییم و الآن که اهواز موقتاً از جنگ و در واقع از اشغال رها شده، طبیعی است که آن تمرکز ایجاد شود و این هم فکر خوبی است، اما من می‌خواهم این نکته را عرض کنم که با این وضعیتی که پیش آمده، اهمیت این مسئله و این محور و این عملیات، متأسفانه تا حد زیادی از اذهان پاک می‌شود و می‌رود، چون این اتفاق روزهای اول جنگ اتفاق افتاده است. این موضوع نشان می‌دهد با توجه به روند تحولات پی در پی اوایل جنگ - و

در واقع، جناح راست لشکر ۹ را می‌پوشانده، ضمن این که خودش هم مأموریت داشته که بیاید در اهواز و در اشغال اهواز هم کاری کند با لشکر ۹ و در واقع این دو تا لشکر با هم کاری هم‌دیگر به اهواز بیایند و با اشغال اهواز، آن جا به هم ملحق بشوند. نکته‌ی مهمی که واقعاً به عنوان یک سؤال، ما پیش روی خودمان باید داشته باشیم این است که اگر اهواز سقوط می‌کرد، در کی؟ در تاریخ دهم یا یازدهم جنگ. ببینید دهم یا یازدهم جنگ - که من عرض می‌کنم، در مهرماه زمانی است که هنوز نیروهای ما قبل از پل نو و هنوز حد فاصل شلمچه و پل نو با عراق درگیر هستند - اگر در آن تاریخ اهواز سقوط می‌کرد، (هنوز مقاومت در خرمشهر به آن معنای حماسی هنوز شکل

نگرفته و هنوز دشمن وارد شهر نشده) واقعاً اصلاً بحث مقاومت یا جلوگیری از سقوط خرمشهر یا آبادان معنا و مفهوم پیدا نمی‌کرد، یعنی اگر لشکر ۵ و ۹ موفق می‌شدند اهواز را اشغال کنند و آن شهر سقوط می‌کرد، کار آن‌ها هم کی تمام می‌شد؟ عرض کردم، تاریخ آن

هدف و مأموریت لشکر ۹ زرهی این بود که بیاید اهواز را اشغال بکند

مهم است. تاریخ دهم به اصطلاح این عملیات انجام شده [است]. فرض را ما بگذاریم از دهم اگر این عملیات انجام می‌شد، نهایتش تا دوازدهم، سیزدهم مهر، لشکر ۹ و لشکر ۵ می‌توانستند به اهواز برسند.

آقای رزاق‌زاده: بنابراین حداکثر تا نیمه‌ی مهرماه، دیگه کار اشغال اهواز تمام می‌شد؟

سردار غلامپور: آفرین و در نهایت احتمال می‌دادیم که کار اصلی خوزستان هم شاید تمام می‌شد، یعنی در واقع اگر لشکر ۹ به اهواز می‌رسید و به دنبال آن لشکر ۵، به طور قطع بدانید لشکر ۳، لشکر ۱ و لشکر ۱۰ در شمال



احمد غلامپور، سمت چپ، امین شریعتی نفر وسط

در نظر گرفتن این موضوع که وقتی حادثه‌یی بزرگ و مهم اتفاق می‌افتد، بلافاصله پشت سر آن حوادث دیگر هم اتفاق می‌افتد، خود به خود آن حادثه‌ی قبلی به سرعت از اذهان پاک و آن وقایع قبلی به سادگی فراموش می‌شوند. بنابراین، چون آن مقطع درست اوج این حوادث و اتفاقات بود، یعنی ما لحظه به لحظه از دهم مهرماه به بعد دائم اتفاقات مختلف و مهمی

را می‌شنیدیم، خرمشهر این

مواجه بشود، طبیعی است که در محور چپ و راست هم به مشکل برخورد و ما می‌بینیم عراق در محور جنوبی و در محور شمالی متوقف می‌شود و اگر شما بروید بررسی کنید تاریخ جنگ را در محور شمالی، می‌بینید اگر عراقی‌ها می‌خواستند اصراری را که در محورهای میانی و جنوبی داشتند، در شمال داشته باشند، حتماً می‌توانستند از کرخه عبور کنند؛ می‌توانستند شوش را اشغال بکنند؛ می‌توانستند بیابند به سمت دزفول. این‌ها امکان‌پذیر بود، اما چون محور میانی ناموفق بود، لذا حرکت دشمن با دادن دو تا جناح قوی هم از چپ هم از راست مواجه می‌شد. حالا چرا عراق در جنوب استان خوزستان اصرار به ادامه‌ی تهاجم داشت که آمد، با وجود این که داشت به اهواز می‌رسید؟ چون اولاً یک جناحش [که] تأمین بود، سمت خودش بود. ثانیاً می‌توانست با یک حرکت دورانی منطقه‌ی شمالیش را تأمین کند که تا حدودی هم تأمین شده بود - چون لشکر ۵ آمده بود تا ۱۵ کیلومتری اهواز. درست است لشکر ۹ نیامده بود، اما لشکر ۵ با همین پیشروی که کرده بود و آمده بود تا ۱۵ کیلومتری اهواز و در امامزاده طاهر متوقف شده بود - خود به خود می‌توانست جناح چپ لشکر ۳ را تأمین کند. بنابراین،

طوری شد؛ آبادان این طوری شد؛ دزفول این جور شد؛ شوش این جور شد؛ غرب این جور شد؛ شمال غرب این جور شد؛ فلان جا بمباران شد، این حوادث متعددی که اتفاق می‌افتاد، خود به خود باعث می‌شد که این حادثه‌ی مهم و سرنوشت‌ساز در جنگ گم بشود و از قلم بیفتد. محور دشت آزادگان یا محوری که بالطبع به عنوان محور میانی امروز از آن یاد می‌شود، مهم‌ترین محوری بود که می‌توانست در جنگ و در تحقق اهداف صدام و حزب بعث نقش داشته باشد، اما به دلیل این اتفاقاتی که افتاد خیلی به آن توجه نشد و حتی بعضی‌ها به تحلیل‌های انحرافی رسیدند، یعنی آمدند گفتند که آقا مقاومت ۳۴ روزه در خرمشهر باعث شد که در واقع شرایط صدام تغییر کند و سرنوشت جنگ تغییر کند یا مقاومت در آبادان باعث شد، در حالی که قبل از مقاومت آبادان و قبل از مقاومت خرمشهر - که ۳۴ روز طول کشید - قبلاً یک مقاومتی در یک جای دیگر صورت گرفته است که همان مینابی شد که هم در خرمشهر و آبادان و هم دزفول و شوش، موجب یک مقاومت مشترک در مقابل ارتش عراق بشود. چون شما نگاه کنید اصلاً این از لحاظ جغرافیایی هم منطق دارد که وقتی محور میانی با شکست

تأکید کرده بودند که مگر جوانان اهواز مرده‌اند که شهر اهواز اشغال شود. دیدگاه حضرت امام، اشاره‌ی حضرت امام بیش‌تر معطوف به این شده بود که یک خیزشی ایجاد کند که همه‌ی فرماندهان و نیروها نظرات‌شان به آن سمت برود که بیایند این کار شگرف، یعنی دفاع از اهواز را انجام دهند و این شهر را از ورطه سقوط نجات دهند. **سردار غلامپور:** چرا؟ چون نکته‌ی اصلی دفاع ما و هدف اصلی دشمن، اهواز، یعنی مرکز استان بود. بنابراین، می‌خواهم این را عرض بکنم که در فاز و نگاه اول، به هر حال باید این مطلب را بپذیریم که محور میانی - که محور بستان به سمت اهواز هست - به نظر من مهم‌ترین محور جنگ محسوب می‌شد و عراقی‌ها روی این محور حساب ویژه‌ی بازکرده بودند و انتظار و توقع‌شان این بود که به واسطه‌ی لشکر ۹ و لشکر ۵ بتوانند بیایند اهواز را اشغال کنند و با سقوط اهواز در واقع بقیه‌ی اهداف‌شان را هم تحقق ببخشند. این یک نکته‌ی کلی بود که می‌خواستم عرض بکنم، راجع به اهمیت این محور و در واقع این منطقه. اما با حوادث و اتفاقاتی که افتاد، بینید سوسنگرد چند مرحله را پشت سر گذاشت. مرحله‌ی اول که سوسنگرد پشت سر گذاشت، در واقع همان مرحله‌ی تهاجم اولیه‌ی ارتش عراق بود که حالا یک مقداری از آن را توضیح دادم. در واقع عراق هنگام شروع جنگ بسیار برق‌آسا آمد تهاجم کرد. یک مقاومت‌هایی هم آن‌جا صورت گرفت و این مقاومت‌ها در زمان‌بندی آن‌ها هم بی‌تأثیر نبود، چون عراقی که انتظار داشت سه روزه بیایند کل خوزستان را بگیرند، بالاخره وقتی چهار روز طول می‌کشید برسند به بستان، بعدش دو، سه روز طول می‌کشید برسند به سوسنگرد تا نزدیک اهواز، برسند این. حوادث خود به خود نشان می‌دهد که یک مقاومت‌هایی صورت می‌گرفته که فرصت نیست وارد جزئیاتش شویم، ولی اگر در بخش‌بخش این مقاومت‌ها دقت کنید، می‌فهمید که آن‌جا بچه‌ها با حداقل امکانات و نفرات مقاومت می‌کردند.

آقای رزاق‌زاده: این مقاومت‌ها عمدتاً مردمی بود.

ادامه‌ی حرکت لشکر ۳ که در سقوط آبادان و خرمشهر اصرار داشت، به این علت بود که صدام و حزب بعث روی این تفکر کار می‌کردند که اگر نتوانستند اهواز را اشغال بکنند، حداقل آبادان و خرمشهر را بگیرند؛ چون در تعبیر و تفسیری که به اصطلاح از اهداف دشمن هست، این گفته می‌شود که یک هدف حداکثری داشت و یک هدف حداقلی، حداکثرش این بود که بیاید خوزستان را اشغال کند و نگه دارد و علاوه بر فتح خوزستان، انقلاب را هم به سقوط بکشاند. حداقلش این بود که بتواند رود اروند را و بخش جنوبی استان خوزستان را تصرف کند. به دلیل این که اختلافات اصلی دو کشور هم آن‌جا بود، این را بگیرد برای خودش بتواند تأمین کند، یعنی با این نیت بود. لذا، اصراری که

در تعبیر و تفسیری که به اصطلاح از اهداف دشمن هست، این گفته می‌شود که یک هدف حداکثری داشت و یک هدف حداقلی، حداکثرش این بود که بیاید خوزستان را اشغال کند و نگه دارد و علاوه بر فتح خوزستان، انقلاب را هم به سقوط بکشاند. حداقلش این بود که بتواند رود اروند را و بخش جنوبی استان خوزستان را تصرف کند

در آن‌جا عراق ادامه داد بعد از عدم سقوط اهواز، این بود که هم جناحینش تأمین شود و هم دنبال حداقلی باشد. دیگر از حداقل که نمی‌توانست کوتاه بیاید. به این دلیل بود که با آن شرایط و آن حماسه و آن ۳۴ روز مقاومت بعدش هم اشغال خرمشهر اتفاق افتاد. واقعیت این است

که محور میانی کلیدی‌ترین محور ارتش عراق بود که دشمن به این سادگی حاضر نشد از این محور میانی دست بکشد و از اصل هدفش که هدف بزرگ‌تری هم بود، دست بردارد.

آقای رزاق‌زاده: اگر دقت بفرمایید، همان موقعی که بحث انفجار تپه‌های فولی‌آباد در شمال اهواز پیش آمده بود و تصور غالب معطوف به حضور دشمن در شمال اهواز و احتمال سقوط و اشغال آن شهر شد، حضرت امام قبل از این که وقایع حصر آبادان پیش بیاید، اتفاقاً



از راست: احمد غلامپور، مهدی باکری، محسن رضایی، حسن دانایی‌فر

سردار غلامپور: حالا عرض می‌کنم، اما کلی که بخواهم عرض بکنم، واقعیت این است که به دلیل وسعت منطقه، به دلیل شرایطی که منطقه داشت - خوب آنجا یک تیپ از لشکر ۹۲ برای دفاع از مرز، مسئولیت حفاظت منطقه را به عهده داشت - این تیپ هم به لحاظ نگاه کلاسیک خودش آمده بود یک گردان را گذاشته بود در تنگه‌ی چزابه و بقیه‌ی یگان را برده بود در فاصله‌ی چهل پنجاه کیلومتر

را می‌شود مشخص و پیدا کرد. ما در آن ایام در واقع چندین مورد درگیری‌هایی هم داشتیم با پاسگاه‌های عراقی و شواهد و قرائن فراوانی وجود دارد که نشان می‌دهند حادثه‌ی مهمی در شرف وقوع است. بنابراین، حضور بچه‌های سپاه آنجا خیلی تأثیرگذار بود.

آقای رزاق‌زاده: در آن دوران، آیا بچه‌های مستقر در حاشیه‌ی مرز و هورالهویزه تحرکات و فعالیت‌های ارتش عراق را گزارش می‌کردند؟

سردار غلامپور: بله، مرتب گزارش می‌دادند و نکته‌ی مهمی که وجود دارد این است که با توجه به میزان درگیری‌های منطقه، در محدوده‌ی که ارتش حضور داشت یا درگیری کم بود یا اصلاً درگیری وجود نداشت، خط پدافندی که ارتشی‌ها آمده بودند مستقر شده بودند، زیاد فعال نبود.

آقای رزاق‌زاده: در واقع این خطوط پدافندی غیر فعال بود.

سردار غلامپور: بله، بیش‌ترین درگیری‌ها در محدوده‌ی بود که بچه‌های ما حضور داشتند و عراقی‌ها می‌خواستند از مسیر هور (الهویزه) با توجه به پوششی که وجود

عقب‌تر در یک منطقه به نام ارتفاعات الله‌اکبر. آنجا، یگان را مستقر کرده بود و در واقع سیستم دفاعیش و ساختار دفاعیش را این گونه شکل داده بود، اما به لحاظ حساسیتی که از مدت‌ها قبل در مورد وقوع جنگ وجود داشت و شواهد و قرائینی که وجود داشت، به خصوص در این محور، چون ما چندین مورد درگیری‌های مرزی داشتیم و بچه‌ها با عراقی‌ها درگیر بودند، یک گروه از بچه‌های سپاه آمدند و در منطقه‌ی مرزی مستقر شدند، اما چون ارتش این گروه را در منطقه‌ی کلیدی و اصلی چزابه - که یک معبر محسوب می‌شد و مدخل ورودی عراقی‌ها پیش‌بینی می‌شد - راه نمی‌داد و خودش بر اساس مسئولیت دفاعیش آنجا مستقر شده بود، نیروهای ما در حاشیه‌ی هور و در پاسگاه‌های ژاندارمری مستقر شدند.

آقای رزاق‌زاده: این موضوع که می‌فرمایید از چه تاریخی بود؟

سردار غلامپور: این اتفاق تقریباً چهل روز، چهل و پنج روز قبل از آغاز جنگ بود.

آقای رزاق‌زاده: به طور تقریبی از مردادماه سال ۱۳۵۹. **سردار غلامپور:** بله. تقریباً در مردادماه حالا روز دقیقش

داشت ورود کنند تا کارهای جاسوسی و شناسایی انجام بدهند. آن‌جا بچه‌های ما درگیر شده بودند و گزارشات هم حاکی از این بود که گزارشات کاملاً جدی است و در واقع با اهداف و نیاتی که دشمن برای تهاجم به کشور ما دارد، اقداماتی صورت می‌گیرد و یک مورد هم داشتیم که به لحاظ گزارشاتی که داده می‌شد، بنی صدر قبلاً به آقای شمخانی - که آن موقع فرمانده سپاه استان خوزستان بودند- گفته بودند که عامل اصل جنگ (البته، بعد که جنگ آغاز شده بود) بچه‌های شما بودند که به پاسگاه‌های دشمن حمله می‌کردند و این‌ها را تحریک می‌کردند و در نهایت آن‌ها حمله به ما کردند، یعنی می‌خواهم بگویم اهمیت این درگیری‌ها در این منطقه آن قدر زیاد بود که بعداً بنی صدر وقتی جنگ آغاز شد، این

را به عنوان یک استناد
قرار داد به عنوان این که
اصلاً آغاز جنگ مال این
بوده که بچه‌های شما
آن‌جا قبلاً شیطنت کردند
و به پاسگاه‌های عراقی
تیراندازی و شلیک
کردند.

آقای رزاقزاده: به صورت رسمی گفته شده بود؟ آیا سوابق آن موجود است؟

سردار غلامپور: بله، بله. در این مورد اسناد و مدارکی هم هست. در یکی از جلسات آقای شمخانی به عنوان فرمانده سپاه استان مورد خطاب و عتاب آقای بنی صدر قرار می‌گیرد که شما اصلاً این کار را کردید. علت اصلی جنگ این فعالیت‌های شما بوده است. بنابراین، می‌خواهم عرض بکنم که آثار، شواهد و قراینی وجود دارد که نشان می‌دهد قبل از جنگ آن‌جا ما درگیری داریم و مرتب عراقی‌ها حتی به واسطه‌ی توپخانه شلیک می‌کنند. آتش‌باری هم شلیک می‌کند که من یادم هست آن موقع‌ها که ما وقتی یکی دو بار قبل از آغاز

واقعیت این است که محور
میانی کلیدی‌ترین محور ارتش
عراق بود که دشمن به این
سادگی حاضر نشد از این محور
میانی دست بکشد و از اصل
هدفش که هدف بزرگ‌تری هم
بود، دست بردارد

به هر حال، هدف اصلی عراقی‌ها این بود که انقلاب و نظام را از درون هم متزلزل کنند، از هم پیاشانند و به هم بریزند. خب این اتفاق هم افتاد واقعاً. شما اگر به آمار و ارقام رجوع بکنید و تک‌تک حوادث را بررسی کنید، حالا قضایا را می‌فهمید. ما حوادث بسیار زیادی داریم در استان خوزستان که واقعاً هر کدام ضربه‌ی مهلک و سهمگین بود حتی به پیکره‌ی استان. حتی به پیکره‌ی انقلاب. آنان مرتب لوله‌های نفت را منفجر می‌کردند؛ مرتب در مناطق شلوغ و پر رفت و آمد بمب‌گذاری می‌کردند، حتی قطار مسافربری تهران - خرمشهر را منفجر کردند و حوادث بسیاری ایجاد کردند و اتفاقات بسیاری ایجاد کردند که بتوانند خوزستان را یک استان متزلزل و ناامن و از دست رفته نشان بدهند، کما این‌که

اشاره‌ی حضرت امام پیش‌تر معطوف به این شده بود که یک خیزشی ایجاد کند که همه‌ی فرماندهان و نیروها نظرات‌شان به آن سمت برود که بیایند این کار شگرف، یعنی دفاع از اهواز را انجام دهند و این شهر را از ورطه سقوط نجات دهند

این هدف و تدبیر را در مناطق کردنشین هم داشتند انجام می‌دادند و این اتفاق آن‌جا هم داشت می‌افتاد، منتها آن‌جا من فکر می‌کنم هدف، عمدتاً یک نوع به‌هم‌ریختگی قومی بود و ایجاد مبارزه با انقلاب، اما این‌جا برای این بود که وضعی ایجاد بکنند که وقتی

تهاجم می‌کنند، متولیان و مسئولین و مدیران استان دیگر تمرکزی نداشته باشند برای توجه به مسئله‌ی جنگ و یا آمادگی لازم را نداشته باشند و همه‌ی تمرکزشان و ذهن‌شان و تلاش‌شان معطوف مقابله با جریان داخل باشد و این نکته‌ی مهمی بود و واقعاً می‌شود گفت که چند ماه اول انقلاب ما همه‌ی تمرکزمان به اتفاقات و بحران‌های داخلی بود و خیلی روی آن تجزیه و تحلیل عمیق و استراتژیک نداشتیم.

آقای رزاق‌زاده: آیا آمار و اطلاعاتی هم داشتید که ببینید که اقدامات خلق عرب و حزب بعث عراق در حمایت

آقای رزاق‌زاده: می‌خواهم بگویم قبل از شروع رسمی جنگ، چه زمینه‌هایی ایجاد شده بود تا زمینه را مهیا و بسترسازی بکنند برای ورود به جنگ گسترده و تمام‌عیار، آن‌هم در محدوده‌ی سرزمینی دشت آزادگان؟

سردار غلامپور: خوب در بحث زمینه‌ها اگر اشاره کنیم، عرض می‌کنم واقعیت این هست که از قبل، عراقی‌ها و شاید یک بخش زیادی از دشمنان انقلاب تفسیرشان و تعبیری که داشتند و نسبت به شرایط ایران و وضعیت اجتماعی ایران احساس‌شان این بود که خوزستان یک منطقه‌ی کاملاً عربی هست و یک منطقه‌ی است که قابلیت این را دارد که روی آن سرمایه‌گذاری کند، کما این‌که صدام و بقیه‌ی مسئولین عراقی و حتی برخی از سران کشورهای عربی به از استان خوزستان به عنوان یک کشور عربی یاد می‌کردند و حتی نام عربستان را بدان سرزمین داده بودند. عراقی‌ها خوزستان را یک کشور عربی می‌دانستند و صدام هم در یکی از اسناد و مدارک که ما داریم، قبل از جنگ رسماً اعلام و درخواست کرده بود که خوزستان را دنیا بیاورد به عنوان یک کشور عربی به رسمیت بشناسد و مثلاً با نام عربستان کوچک به جامعه‌ی جهانی معرفی بکند. خوب این زمینه‌ها وجود داشت. تقریباً می‌شود گفت در روزهای اول جنگ در مواجهه با پدیده‌ی به نام خلق عرب و وابستگی صریح و روشنش به حزب بحث عراق، معلوم بود که یک حوادث و اتفاقاتی دارد اتفاق می‌افتد. منتها شاید آن اوایل صرفاً نگاه ما این بود که به واسطه‌ی این‌که در کردستان، در گنبد و در سیستان بلوچستان انقلاب شده، یک حوادث قومی دارد اتفاق می‌افتد. در خوزستان هم دارد حوادث قومی اتفاق می‌افتد. بنابراین، ما خیلی عمق قضیه را نمی‌دیدیم که وصلش کنیم به جنگ. بعدها به واسطه‌ی حوادث بعدی که اتفاق افتاد و اظهاراتی که دشمن علنی اعلام کرد و بخشی از سران خلق عرب که دستگیر شدند، در بازجویی‌های‌شان - همه‌ی این اخبار و اطلاعات را وقتی با هم ارتباط می‌دادیم - معلوم می‌شد که این‌ها زمینه‌ساز ناامنی و تزلزل در استان خوزستان به عنوان محور اصلی تلاش دشمن برای جنگ و تهاجم بودند.

خوزستان علاوه بر درگیری در این زمینه‌ها خودش خیلی مشغله برای ما ایجاد می‌کرد. حال فقط ما بحث خلق عرب را اینجا داریم مطرح می‌کنیم، چون عراق هست، به هر حال ما جریان چپ را هم داشتیم، حزب توده را هم داشتیم، جریان کودتای نوژه را داشتیم. همه‌ی این‌ها مسائلی بود که به نوعی هم دغدغه بود هم گرفتاری ایجاد می‌کرد برای سپاه خوزستان، اما با همه‌ی این‌ها به نظرم یک اقدام هشیارانه از طرف سپاه خوزستان صورت گرفت و به نظر من این خیلی تأثیرگذار بود در بحث روند جنگ؛ به دو دلیل: یکی این‌که ما در واقع قبل از ۳۱ شهریور خود به خود در یک فضای جنگی خودمان را قرار دادیم و این خیلی تأثیرگذار بود؛ دوم این‌که ما توانستیم وقتی ۳۱ شهریور عراق تهاجم سراسری را شروع کرد، از یک نیرو یا پتانسیل خوبی با توجه به این‌که هر یک از آنان چندین ماه بود دیگر سرش به درگیری و شلیک عادت کرده بود و دیگر صدای خمپاره و توپ و این‌ها برایش آشنا بود، خوب استفاده کنیم، یعنی نیروهای ما در ۳۱ شهریور کار را صفر کیلومتر شروع نکردند. در واقع، می‌شود گفت حداقل بچه‌های ما که در مناطق مرزی مستقر بودند (بچه‌های سپاه و عمدتاً بسیج) این‌ها نیروهایی بودند که در واقع از چند ماه قبل با این حوادث آشنا شده بودند.

آقای رزاق‌زاده: در واقع، نیروها یک دوره‌ی دیده بودند و اتفاقات شروع جنگ برای‌شان جدید و غیر مترقبه نبود و غافل‌گیر نشده و فرار نکردند، بلکه جانانه و عاشقانه مقاومت پایداری کردند.

سردار غلامپور: آفرین. در یک فضایی قرار گرفته بودند که در موضوع جنگ غافل‌گیر نشدند و یکی از دلایل این‌که ما امروز می‌گوییم عراق از این نقطه (مرزی) که حرکت کرد تا این نقطه (سوسنگرد)، ۶ روز طول کشید ۱۰ روز طول کشید یا مثلاً حرکت عراق از شلمچه تا پل نو این همه زمان طول می‌کشید. آخرش هم عراق نمی‌تواند از پل نو بگذرد و ناچار می‌شود یک حرکت دورانی انجام می‌دهد تا آنجا را اشغال کند. این موضوع

از آن‌ها کجا بیش‌تر هست؟ مثلاً سمت سوسنگرد بیش‌تر هست یا خرمشهر؟

سردار غلامپور: حالا تمرکز این‌ها و اقدامات این‌ها به لحاظ سیاسی در خرمشهر بود، دلیلش هم خب روشن هم بود: خرمشهر چسبیده به مرز بود، چسبیده به عراق بود. در رفت و آمد مشکل نداشتند عراق در خرمشهر کنسول‌گری داشت و در واقع یک دفتر رایزنی و کنسول‌گری داشت. از قبل از انقلاب، عراق‌ها آنجا مدرسه داشتند، یعنی در واقع خرمشهر به عنوان مرکز سیاست‌شان و پایگاه سیاسی‌شان بود، اما حوزه‌ی فعالیت‌شان و تمرکزشان به لحاظ عملیاتی و تروریستی بیش‌تر در اهواز بود و یعنی باز در اهواز به عنوان مرکز استان اصرار داشتند که بیش‌تر در اهواز تمرکز ایجاد کنند. در آنجا هم انعکاس اخبار بیش‌تر بود، هم مدیران را متوجه و متأثر می‌کرد و هم این‌که می‌خواستند بگویند که این بحث عربی که ما مطرح می‌کنیم، محدود به خرمشهر و شادگان نیست یا حتی آبادان و خود اهواز مرکز استان، درگیر این موضوع است. در سوسنگرد موضوع مناطق عربی مطرح نبود. فعالیت هم خیلی زیاد نمی‌کردند چون می‌گفتند این‌ها عرب هستند، از خودمان هستند. ما باید برویم جایی که عجم‌ها هستند، جایی باید برویم که در واقع فعالیت عربی کم هست، آنجا خودمان را نشان بدهیم و به همین خاطر تمرکزشان عمدتاً در غرب خوزستان بود، یعنی اهواز، آبادان، خرمشهر و تا حدودی مثلاً شادگان. مثلاً شما نمی‌بینید این‌ها در دزفول عملیات خاصی انجام داده باشند یا در جایی مثل شوش، زیرا پوشش عربی شهر شوش هم بالا بود، عرب‌نشین نسبتاً زیاد داشت. به هر حال، این‌ها به لحاظ سیاسی تمرکزشان بر روی خرمشهر بود، اما حوزه‌ی عملیاتی‌شان عمدتاً در اهواز و شهرهای اطراف اهواز بود، چون عمدتاً شهرهای حوالی اهواز عرب‌نشین بودند. یک چنین وضعیتی باعث می‌شود که ما چند ماه اول خیلی زیاد تسلط و تحلیل نداشته باشیم و من فکر می‌کنم که به هر حال، این یک اقدام خلاقانه روی یک هشیاری و اقدام ذاتی و خدادادی بود که سپاه

چند گردان - این را شما اگر شمارش بکنید، شاید مثلاً سی چهل گردان از شمال تا جنوب خوزستان (در دزفول مثلاً آقای رشید و در شوش، سوسنگرد، شلمچه، آبادان و خرمشهر نیروهای دیگری) - را سازمان‌دهی و در حاشیه‌ی مرز مستقر کردیم. پس این نشان می‌دهد که سپاه پاسداران به لحاظ آن روحیات انقلابی و به دلیل تحلیل قوی حوادث و اتفاقات، خود به خود قبل از آغاز جنگ به لحاظ شکل‌گیری سازمان رزم خواسته یا ناخواسته چهل پنجاه گردان تشکیل داد و نه تنها از شهرهای مرزی، بلکه نیروهایی که از شهرهای مرزی فاصله داشتند، به کمک آن‌ها آمدند و آنها هم با گذشت چندین ماه در کوران حوادث آب‌دیده شدند.

آقای رزاق‌زاده: یعنی این حرکت باعث شد که تجزیه تحلیل اولیه‌ی ارتش عراق در خصوص توان دفاعی نظامی ایران در دشت آزادگان به ویژه محور بستان - سوسنگرد - اهواز خدشه‌دار شود.

سردار غلامپور: همین طور هست دیگر، یعنی نمی‌گذارد عراق به راحتی نقشه‌هایش را و مقدمات کارش را به گونه‌ی که می‌خواهد انجام بدهد. این نیروهای محدود

همواره به عنوان یک مانع و خار چشم عمل می‌کنند و نمی‌گذارند ارتش عراق کاری بکند و اصلاً خود به خود این نکته هم نکته‌ی جالبی است که اگر عراقی‌ها در واقع می‌خواستند به واسطه‌ی طرح و برنامه‌ی خودشان بیایند، می‌توانستند در سکوت مطلق روز ۳۱ شهریور استارت را بزنند و بیایند، یعنی در غافل‌گیری و سکوت کامل و مطلق ما را چه کار کنند؟ بیایند و جنگ را علیه ما آغاز کنند، چه بسا در سریع‌ترین زمان ممکن می‌آمدند و اهداف‌شان را می‌گرفتند، اما حضور این بچه‌ها یک حسن

بر اثر مقاومت همین بچه‌هایی است که پخته شده‌اند از شش ماه، هفت ماه، هشت ماه، ده ماه قبل از جنگ. این‌ها پخته شده‌اند؛ شهید داده‌اند؛ مجروح داده‌اند و در طول درگیری و رویارویی مستقیم با عراق، این‌ها دیگر بچه‌های جنگی شده‌اند. بچه‌هایی شده‌اند که هم جنگ را فهمیده‌اند هم تا اندازه‌ی توانستند در مقابل تهاجم سراسری که ۳۱ شهریور انجام گرفت غافل‌گیر نشوند، یعنی وقتی که ۳۱ شهریور این اتفاق می‌افتد، پاسدارهای ما در تمامی جبهه‌ها - مصداق‌های زیادی داریم - می‌ایستادند؛ آر.پی.چی می‌گرفتند و تانک می‌زدند؛ با تیربار جلو نیروهای عراقی می‌ایستادند.

آقای رزاق‌زاده: پس این ارزیابی وجود داشته برای این که تعرضات مرزی یا تحرکاتی به وسیله‌ی مخالفان نظام صورت بگیرد، بیایند سلاح‌های خلق عرب را از مرز عراق تأمین بکنند. شما این افراد سپاهی و بسیجی که آن‌جا در حاشیه و مناطق مرزی گماردید، بر این اساس بود که به اصطلاح جلو این نفوذ را بگیرید و جلو این ارتباط را بگیرید.

سردار غلامپور: بله. برای این که نیروهای مستقر هم جلو نفوذ سلاح و نفرات ضد انقلاب را بگیرند و هم در مقابل تعرضات مرزی عراق بایستند.

آقای رزاق‌زاده: بنابراین در تحلیل‌ها و ارزیابی‌ها شما چیزی به عنوان جنگ گسترده وجود نداشت.

سردار غلامپور: اصلاً بحث جنگ وجود نداشت. این نکته هم مهم هست که ما هیچ مأموریت و وظیفه‌ی در قبال دفاع از مرز و دفاع در برابر دشمن نداشتیم.

آقای رزاق‌زاده: بنا به تعبیری این یک حرکت خودجوش انقلابی و مردمی بود.

سردار غلامپور: آفرین. خودجوش و یک کار خلاقانه و همراه با مسئولیت بوده که این را حالا یا خدا در فکر فرماندهان و مسئولین آن موقع گذاشت یا به هر دلیل وقتی این اتفاق افتاد، علاوه بر این که ما آن‌جا در واقع رفتیم و از بسیاری از اقداماتی که دشمن قبل از ورودش به جنگ داشت انجام می‌داد، جلوگیری کردیم. بنابراین، خود به خود برای ما موقعیتی ایجاد شد که چندین و

اهمیت درگیری‌های هورالهوریزه آن قدر زیاد بود که بعداً بنی‌صدر وقتی جنگ آغاز شد، این را به عنوان یک استناد قرار داد، به عنوان این که اصلاً آغاز جنگ مال این بوده که بچه‌های شما آن‌جا قبلاً شیطنت کردند و به پاسگاه‌های عراقی تیراندازی و شلیک کردند

تازه پیدا شد که می گفت نه، شما دارید آنها را تحریک می کنید. آنها به شما کاری ندارند، یعنی با یک ذهنیتی این حرف ها را می زد. بنابراین، اشکال تهاجم به اصطلاح اولیه ی عراق مربوط به این خلأ بود.

آقای رزاق زاده: البته، شما احتمال می دهید حلقه ی ارتباطی و اطلاعاتی که بین سطوح تاکتیک و استراتژیک کشورمان وجود داشت در عرصه عمل اطلاعات و اخبار واقعی را یا منتقل خوب نمی کرد یا بد منتقل می کرد.

سردار غلامپور: نه، ببینید ما یک خط عملیاتی داشتیم آن وسط که این خط عملیاتی عمدتاً کارش این بود که گزارش می داد. چون اخبار را از خطوط تاکتیک می گرفت باید به سطوح راهبردی می داد دیگر. ببینید من دو سه تا نمونه را عرض بکنم شاید از بحث مان هم خارج شویم اما دو، سه تا نمونه عرض بکنم.

آقای رزاق زاده: نه، بحث خوبی هست، بفرمایید.

سردار غلامپور: اگرچه قدری از موضوع خارج می شویم، ولی نکاتی را مطرح می کنم. شما نگاه کنید، وقتی بنی صدر می رود به شمال غرب به همراه تیسمار ظهیرنژاد، آن جا وقتی یک جلسه یی می گذارند با کاظمی و بروجردی به عنوان فرماندهان شمال غرب، کاظمی و بروجردی گزارش می دهند - کاظمی که عرض می کنم ناصر کاظمی است نه احمد (کاظمی) - وقتی که آن جا گزارش می دهند که آقا این تحرکات دارد از طرف ارتش عراق صورت می گیرد، تازه آن جا شمال غرب بوده عراق زیاد تحرک نداشته، ارتفاعات بوده و شرایطش با جنوب خیلی فرق می کرد. آن جا وقتی این ها گزارش می دهند، این را مستند ما داریم، یعنی مدارکش هم موجود هست. آن جا در آن جلسه بچه های ما را توده یی خطاب می کنند که شما می خواهید عراق را تحریک کنید. شما دارید این گزارشات را می دهید که ما را تضعیف بکنید، چه بکنید. این یک نمونه اش بود. یک نمونه ی دیگرش هم گزارشاتی که آقای شمخانی مرتباً داده است. وقتی ایشان آمد مکتوب نامه نوشت و گزارش داد. خوب این ها باعث شد که این ها - نیروهای سپاه - به نوعی متهم بشوند به

بزرگ دیگری هم داشت: حضور ما و فعالیت نیروهای ما و جلوگیری از عملکرد عراق باعث شد که یک جاهایی درگیری هایی پیش بیاید، تقابل هایی پیش بیاید. خود وجود این نیروها، هشیاری ما را افزایش داد و دشمن را مجاب کرد که دایم درصدی از امور حفاظتی اش و آمادگی اش را کاهش دهد. این نکته، نکته ی مهمی هست؛ این که امروز ما بگوییم جنگ ۳۱ شهریور شروع نشده است؛ این که بگوییم شواهد و قراینی هست برای وقوع جنگ و ای کاش مسئولین زودتر متوجه می شدند و دشمن را مجاب می کردیم که حفاظت و غافل گیری اش را از بین ببرد و این نکته باز نکته ی مهمی بود.

آقای رزاق زاده: که دشمن را وادار کند آشکارا بیاید وارد عمل بشود.

سردار غلامپور: آفرین، آشکار بیاید وارد عمل بشود. زمانی که دشمن وارد شد، در حالی که ده ها گردان نیروهای مردمی و نیروی ارتش جلوش هستند، این برای این هست که غافل گیر نبودیم. ما اگر غافل گیر می شدیم، باید قاعدتاً حکم مان مرگ باشد،

چراکه صرفاً در مرز همان برادران ژاندارمری بودند و عراق به سرعت می آمد آنها را پس می زد، در کم ترین زمان ممکن به تمامی اهدافش می رسید.

آقای رزاق زاده: یعنی ما هشیار شدیم، اما ما توان مان با ساز و کار آنها هموار نمی کرد.

سردار غلامپور: نه. هشیاری ما در سطح تاکتیک بود، ولی در سطح استراتژیک و راهبردی کسی نمی خواست این هشیاری را قبول بکند و نمی خواست این را بپذیرد که آقا یک اتفاقاتی دارد می افتد و حالا کسی مثل بنی صدر هم در بالاترین سطح استراتژیک و راهبردی کشور هم

من خوب یادم هست آن جا که عرب های بومی و بچه ها می آمدند، می گفتند عراق یک چیزی شلیک می کند به اسم خمسه خمسه که پنج پنج به زمین یا هدف می خورند و اصابت می کنند

شاید تصور آن‌ها چیزی مثل مخاصمات اوایل دهه‌ی پنجاه ایران و عراق بوده است.

سردار غلامپور: اشکال ندارد. بالاخره آن‌ها هم ممکن هست - طبیعی هم هست - دچار غفلت شده باشند، ولی به هر حال، نگاه کنید من که در خوزستان نشستم - من نوعی را عرض می‌کنم - فقط گزارشات منطقه‌ی خوزستان به من می‌رسد، اما کسی که در سطح راهبردی نشسته، گزارش‌های خوزستان به او می‌رسد؛ منطقه‌ی میانی می‌رسد؛ شمال غرب می‌رسد؛ اخبار برون مرزی و خارج از چارچوب جغرافیایی ایران به او می‌رسد. یک وزارت اطلاعاتی هست که گزارش می‌دهد. حتی بعضی از

سران آمدند اشاره کردند. بعضی از سران آمدند مستقیم و غیر مستقیم گفتند: آقا ممکن هست به شما یک تهاجمی بشود. قرار هست به شما یک حمله‌ی بشود. هر چند این‌ها بخشی هم دیر گفته شد، دیگر آن روزهای آخر هست که عراق می‌خواهد حمله بکند، به اطلاع مسئولان کشور ما رسید، ولی

عرض من این است به هر حال نمی‌شود سطح غفلت سطح میانی را با غفلت سطح راهبردی یکی دانست. این اصلاً قابل قیاس نیست. عرض کردم سطح میانی اولاً سطحی بود که کارش نظامی نیست؛ کارش دفاع نیست؛ کارش تمرکز برای ورود به یک جنگ نیست، اما سطوح بالا مثلاً کارشناسان نظامی و آدم‌های خبره‌ی نظامی مثل تیمسار فلاحی؛ مثل تیمسار ظهیرنژاد و... فرماندهان ارشد نظامی کشور و ارتش هستند، حتی آن‌ها چندین و چند بار تا مرز تنش و درگیری با عراق جلو رفتند. آن‌ها این مسایل را می‌فهمند آن‌ها را نباید با ما مقایسه

این که می‌خواهند جو عمومی را به هم بزنند؛ می‌خواهند افکار عمومی را مثلاً فلان کنند؛ این‌ها می‌خواهند مسئولین را تضعیف کنند؛ این‌ها می‌خواهند خودشان را بزرگ کنند. انواع و اقسام تهمت‌ها به این بچه‌های سطوح میانی که عرض کردم، زده شد. نمونه‌اش آقای شمخانی فرمانده سپاه خوزستان، این‌ها ناصر کاظمی و محمد بروجردی در شمال غرب هستند. در غرب هم ما موارد زیادی داریم که فرماندهان واسط سپاه، استاندارها و مسئولین و متولیان میانی که یک ارتباط با تاکتیک، خط و خطوط مقدم دارند و نمایندگان مستقیم سطوح راهبردی بودند. این‌جا این خلأ نیست این خلأ به دلیل این‌که این‌ها دائم داشتند گزارش می‌دادند، اما کسی حرف‌شان را گوش نکرد. برعکس، افراد هشداردهنده مواجه با تهمت‌ها و حرف‌هایی شدند که نه، شما می‌خواهید صرفاً حرف خودتان را اثبات کنید. بنابراین سطح میانی این‌جا غیر از این‌که بتواند اخبار و حوادث و اطلاعات را از خط مقدم به بالا انتقال بدهد، کاری از دست‌شان برنیامد و چون می‌دانستند آن‌ها هم گوش نمی‌کنند، خودشان این قابلیت را داشتند که هر کاری از دست‌شان بر می‌آید انجام دهند، ولی آن‌ها نمی‌آمدند و کاری انجام نمی‌دادند که به نظر من این وسط این سطح میانی - عملیاتی حالا هر چه که اسمش را می‌خواهیم بگذاریم، به نظر من به بهترین شکل ممکن عمل کرد.

آقای رزاق‌زاده: ببینید همان تصویری که قبل از هجوم سراسری عراق و منازعه‌ی همه جانبه‌ی دو کشور در ذهن شما وجود داشت که امکان بروز ایجاد و خلق یک همچنین جنگ گسترده‌ی را نمی‌دادید، به صورت طبیعی شاید این تصورات نیز در ذهن مسئولین رده بالا هم بوده است.

سردار غلامپور: منتها این تفاوت هم وجود داشت که من یا حتی مثلاً آقای شمخانی و امثال ما در سطح میانی - که از جنگ سر رشته نداشتیم، همواره احتمال حمله‌ی عراق به ایران را می‌دادیم اما آن‌ها نه.

آقای رزاق‌زاده: نه. آن ملاحظه‌ی شما را می‌دانم، اما

حتی دوستان ارتش هم فکر چنین جنگی را با چنین وسعت و طرح و برنامه‌ی نمی‌کردند، چون اگر می‌دانستند حتماً یک تدابیر دیگری می‌اندیشیدند

جبهه‌ها بود در محور سوسنگرد هم همین مسئله بود. ما یک واحدی داشتیم در منطقه‌ی هور. وقتی که عراقی‌ها حمله می‌کردند، آن‌جا مقاومت‌هایی صورت می‌گرفت که عمده‌ی این مقاومت مال این بچه‌ها بود و نیروهای مردمی که به شکلی پراکنده وارد شدند یک مقاومت‌هایی آن‌جا صورت گرفت و این مقاومت‌ها کفایت نکرد، چرا که عراق به شدت حمایت و پشتیبانی می‌شد. به هر حال، یک لشکر ۹ زرهی بود، شوخی نبود که ۴۰۰، ۵۰۰ تا تانک و نفربر و امکانات و توپ‌خانه داشتند. بچه‌های ما چیزی نداشتند، غیر از این‌که مثلاً در کل این محور، روزهای اول یکی دو تا آر.پی.جی بیشتر نبود. حالا یک جاهایی هم ممکن هست ارتش یک مقاومت‌هایی صورت داده؛ یک تانک چیفتنی شلیکی کرده؛ یک کاری کرده باشد، ولی خوب این‌ها افافه نمی‌کند و باعث می‌شود که دشمن بتواند فشار بیارود و شاید تنها تأثیر این مقاومت که تأثیر مهمی هم بوده و کم هم نبوده، این است که چند روز عراق را درگیر کرد تا برسد به هدف اولیه‌اش که بستان بود، یعنی بعد از ۴ روز تازه عراق تلاش کرد که از جزایه به بستان برسد که شاید برآورد خودشان این بود که دو سه هفته به بستان برسند و چند ساعت بعدش سوسنگرد و مثلاً حالا چند ساعت بعدش حمیدیه و نهایتش این‌که دو سه روزه کار را تمام کنند.

آقای رزاق‌زاده: در واقع یک مقطع می‌شود همان مقطع از پیروزی انقلاب به بعد.

سردار غلامپور: قبل از جنگ و آن دوره‌ی بحرانی که عرض کردم.

آقای رزاق‌زاده: بنابراین در مرحله دوم دوره‌ی فعالیت‌های خلق عرب شروع می‌شود.

سردار غلامپور: خلق عرب و آن آماده‌سازی دشمن و آن ویژگی‌هایی که برای ما ایجاد می‌شود. مرحله‌ی دوم آن مقاومت اولیه هست.

آقای رزاق‌زاده: که شما یک لایه‌ی مقاومتی در نقاط مرزی به صورت پراکنده و ضعیف برپا کردید.

سردار غلامپور: بله، مقاومت مرزی داریم و می‌خواهم

کنند و باید تحلیل‌شان را و برداشت‌شان را ارائه بدهند. حال باید واقعیت را پذیرفت که اگر آن‌ها دقت بیشتری می‌کردند روی این اخبار و اطلاعات، قاعدتاً کشور ما نباید آسیب می‌دید.

آقای رزاق‌زاده: البته نگاه تیمسار فلاحی با ظهیرنژاد یکسان نبود و این‌ها با هم راجع به مسائل نظامی اختلاف نظر عمیق و صریح داشتند.

سردار غلامپور: بله. نگاه‌شان متفاوت بود دیگر. حالا ما کاری به این نداریم فقط من می‌خواهم بگویم که میزان مسئولیت و نگاه خط میانی با راهبردی خیلی متفاوت هست.

آقای رزاق‌زاده: به هر حال، وجود آن افراد و تفکرات‌شان مؤثر بود، ولی به اعتقاد من هیچ‌کدام احتمال بروز جنگ بین دو کشور را نمی‌دادند و گرنه آن‌ها هم به گونه‌ی دیگری عمل می‌کردند.

سردار غلامپور: خیلی تأثیرگذار بود، یعنی همان که شما اشاره کردید. پس ببینید در مرحله‌ی اول و در بخش اول، اگر ما بخواهیم نگاه بکنیم در بخش درگیری‌های پراکنده و حضور نیروها به شکل پراکنده، که یک دوره‌ی دست کم به تشنج و درگیری‌های پراکنده و در واقع ایجاد یک نوع هشیاری و احساس خطر است، نسبت به اتفاقاتی که قرار هست بیفتد. عرض کردم خود این به اصطلاح حوادث و اتفاقات هفت، هشت ماه، نه ماه شایدم حتی ده ماه قبل از جنگ باعث شد که ما یک وضعیتی پیدا بکنیم که خوش‌بختانه حداقل چهل پنجاه گردان نیروی آماده (حالا، آن موقع ما گردان نداشتیم، نیرو به لحاظ استعداد عرض می‌کنم چون ما مثلاً ۱۰۰ نفر گذاشتیم این‌جا ۱۰۰ نفر آنجا) گذاشتیم آن‌جا، این‌ها را شاید از لحاظ استعدادی بشود گفت گروهان، اما واقعیت این است که این نیروهایی که ما اعزام کرده بودیم به مناطق مرزی و این‌ها مستقر شده بودند و در درگیری‌های چند ماهه با عراق حسابی سینه به سینه شده بودند، این‌ها بسیار پخته شده بودند؛ بسیار ورزیده و وارد و کارآزموده شده بودند که به هر حال، همین طوری که در تمامی

فعال شدند.

سردار غلامپور: بله، فعال شدند. حالا این را می‌خواهم عرض کنم: در عین حالی که هر یک از نیروها فعال و از روحیه‌ی خوبی هم برخوردار شدند، آموزش‌های خوبی هم دیدند. عرض کردم در چند ماه این دشمن مجابش می‌کرد که جنگ و گریز کند؛ دائم یک تیری بزند؛ بیاید عقب؛ برود موضع عوض کند؛ بیاید همین جور در حالت جنگیدن. دائم تلفات هم می‌داد، اما این نیروهای خودی جنگ و گریز خودشان را ادامه می‌دادند، یعنی متوقف نمی‌شدند یا ول نمی‌کردند تا نیروی دشمن همین جوری سرش را بندازد پایین بیاید.

آقای رزاق‌زاده: ببینید سپاه در حد فاصل پیروزی انقلاب تا آغاز جنگ به صورت غیر رسمی یک سازمان مرزبانی جدیدی را تزریق کرد در نقاط مرزی و جاهای حساس

که این‌ها هم توانستند چشم و گوش خوبی باشند، هم شناسایی بکنند، هم آموزش خوبی ببینند، هم توانستند در حین هجوم عراق مقاومت‌ها و جنگ و گریزهایی را از خودشان نشان بدهند.

سردار غلامپور: آره دیگر، حقیقتش این هست که در واقع

اجازه ندادند ما با غافل‌گیری مطلق در برابر دشمن قرار بگیریم و در واقع می‌شود گفت که حداقل خاصیتی که می‌توانست برای ما داشته باشد این است که زمان‌بندی و طرح دشمن به هم ریخته شد. این خیلی نکته‌ی مهمی است. دیگر به هر حال عرض کردم وقتی یک طرح‌ریزی صورت می‌گیرد که ما ساعت سین روز فلان از این‌جا حرکت کنیم؛ فلان ساعت یا فلان روز این‌جا برسیم؛ این

این را عرض بکنم که این نیروها به این دلیل هفت، هشت ماه روی مرز سینه به سینه با عراق درگیر هستند که این درگیری به شکل یک درگیری ایستا هست، یعنی ما سر جای مان هستیم، عراق سر جایش هست؛ ما شلیک می‌کنیم، آن‌ها شلیک می‌کنند؛ یک گروه از ما می‌رود، یک گروه از آن‌ها می‌روند. درگیری‌ها به این شکل این گونه ضعیف هستند و در یک چنین درگیری ایستادگی ما معنا و مفهوم پیدا می‌کند. ما روی خط مرزی می‌ایستادیم تا آن‌ها- که نیروهای دشمن بودند - حرکتی نداشته باشند، اما وقتی بنا به حرکت می‌شود، لشکر ۹ زرهی حرکت می‌کند. مگر ما نیروهای مان چند نفر بودند؟ شاید ۴۰ نفر، ۵۰ نفر، ۱۰۰ نفر بعد بسیاری از این‌ها هم به واسطه‌ی حمایت و پشتیبانی وسیعی آتشباری که از دشمن صورت می‌گیرد شهید می‌شوند؛ زخمی می‌شوند؛ حتی اسیر می‌شوند. این را به عنوان یک واقعیت می‌توان گفت که بخشی از بچه‌های ما اصلاً شرایط را به عنوان یک شرایطی که مقابل دشمن بایستند و مقاومت کنند، نمی‌دیدند که عقب‌نشینی تاکتیکی کنند. آن شرایط، شرایط ایستا بود عقب‌نشینی معنا و مفهومی نداشت، اما این جنگ، جنگ جلدی است و آن جنگ به معنا و مفهوم واقعیش اتفاق افتاده است، یعنی این که تا قبل از آن مثلاً نفر ما روی مرز نگاه می‌کرد و دوربین می‌انداخت و نهایتش یک چند تا تانکی می‌دید پشت یک خاکریزی؛ یک تیرباری شلیک می‌کرد؛ یک خمپاره‌یی شلیک می‌شد در بدو جنگ، یک دفعه نگاه می‌کرد و می‌دید مثلاً ۶۰ تا ۷۰ تا ۱۰۰ تا تانک و نفربر دارند و به جلو حرکت می‌کنند. یک دفعه نگاه می‌کرد و می‌دید ۲، ۳ هزار نیروی پیاده در یک حد وسیعی لا به لای این تانک و نفربرها دارند حرکت می‌کنند رو به جلو، ناگهان حجم وسیع آتشباری دشمن را می‌دیدند این فرق می‌کرد با دفعات قبل. این‌جا این نیروی ما در وضعیت جدیدی قرار گرفت.

آقای رزاق‌زاده: آن موقع، یعنی قبل از شروع جنگ نیروهای خودی مستقر در مرز یک حالت غیر فعال یا نیمه فعال داشتند، اما پس از شروع جنگ جای دیگر

از قبل، عراقی‌ها و شاید یک بخش زیادی از دشمنان انقلاب تفسیرشان و تعبیری که داشتند و نسبت به شرایط ایران و وضعیت اجتماعی ایران احساس‌شان این بود که خوزستان یک منطقه‌ی کاملاً عربی هست و یک منطقه‌ی است که قابلیت این را دارد که روی آن سرمایه‌گذاری کند

راحت باشد؛ شما می‌روید نهایتش دو سه روزه به اهواز می‌رسید و همه‌ی مقاومتی که دشمن از آن تصویری داشته است و از آن فرار می‌کرده است، مقاومتی بوده که شاید ارتش بکند، یعنی اصلاً دشمن هیچ حساب ویژه‌ی روی مقاومت‌های مردمی و نیروهای سپاه و بسیج نداشته است. اصلاً این نیروها را در محاسبات خودش نمی‌دیده است و این یکی از بزرگ‌ترین خطاهای دشمن بوده است و حالا شاید خودمان هم روزهای اول که این نیروها را

عراقی‌ها خوزستان را یک کشور
عربی می‌دانستند و صدام هم در
یکی از اسناد و مدارک که ما
داریم، قبل از جنگ رسماً اعلام و
درخواست کرده بود که خوزستان
را دنیا بیاید به عنوان یک کشور
عربی به رسمیت بشناسد و مثلاً با
نام عربستان کوچک به جامعه‌ی
جهانی معرفی بکند

سردار غلامپور: بله. یکی دو دستگاه تانک را مجبور شدند که بیاورند که البته بعداً خود آن تانک و افراد داخلش مورد اصابت قرار گرفتند و شهید شدند. به هر حال، می‌خواهم بگویم این‌ها خیلی تأثیرگذار بودند. این بچه‌های ما آن‌جا علاوه بر این که خودشان مقاومت می‌کردند، تلاش هم کردند که بخشی از ارتش و نیروهای ژاندارمری که بالاخره یک عرقی داشتند، یک قابلیت‌هایی داشتند که می‌خواستند بمانند، وقتی این بچه‌ها را می‌دیدند، آن‌ها هم می‌ماندند و مقاومت نیروهای سپاهی و بسیجی و مردمی از این جهت هم تأثیرگذار بود، ولی خوب عرض کردم با توجه به وضعیت کلی و توان نظامی که عراق داشت، به تدریج این مقاومت‌ها را درهم شکست و به

سمت اهدافش آمد، یعنی عراق در اشغال هدفش (بستان) موفق شد، اما نه روز اول، روز چهارم؛ مثلاً می‌آید در اشغال سوسنگرد موفق می‌شود، اما نه روز مثلاً سوم، دوم، روز مثلاً ششم می‌آید سوسنگرد را اشغال می‌کند و بعد از این که دشمن در سوسنگرد یک سازمان‌دهی جدیدی ایجاد می‌کند، بخشی از

حوادث بسیار زیادی داریم
در استان خوزستان که
واقعاً هر کدامش ضربه‌ی
مهلک و سهمگین بود حتی
به پیکره‌ی استان. حتی به
پیکره‌ی انقلاب

نیروهای خلق عرب را به شهر می‌آورد و در آن‌جا مستقر می‌کند. این‌ها از سوسنگرد حرکت می‌کنند، می‌آیند سمت حمیدیه و اهواز که حوالی پیچ حمیدیه آن‌جا یک عملیات شبیخون انجام می‌شود. این شبیخون هم یک زمینه‌ی دارد، یعنی همین جوری نیست. برادر عزیزمان غیور اصلی ماهیتاً یک تکاور ارتشی بودند و به واسطه‌ی این که ایشان در منطقه‌ی کردستان مدت‌ها با ضد انقلاب درگیر بودند. وقتی که چند نفر از اعضای ضد انقلاب کرد دستگیر و در دادگاه انقلاب محاکمه شدند، یکی

می‌گیریم، این حرف‌ها به نظرم حساب‌شده نیست. بنابراین، مقاومتی که به صورت خودجوش در برابر آن زمینه‌هایی که عرض کردم به وجود آمد، سبب شد در محور سوسنگرد - بستان به سمت سوسنگرد این خود به خود اتفاق بیفتد. این را هم بگویم مثلاً شما می‌دیدید در محور شهر بستان به سمت سوسنگرد، یک گروه از بچه‌های ماهشهر آن‌جا داشتند دفاع می‌کردند، یعنی این دفاع منحصر به بچه‌های بومی منطقه نبود یا مثلاً شما در محور خرمشهر وقتی نگاه می‌کردید، بچه‌های آغاچاری و اهواز را می‌دیدید؛ بچه‌های دزفول را می‌دیدید، یعنی خود این نشان می‌دهد که از قبل اعلام‌هایی صورت می‌گرفت و این نیروهایی که می‌فرستادیم، براساس یک برنامه‌ی بوده که ما هر چه مدت که در وسع‌مان و توان‌مان بود از شهرهایی که عقب‌تر قرار داشتند و در منطقه‌ی درگیری نبودند، نیروهایی سازمان‌دهی می‌کردیم تا اعزام بشوند به شهرهای خودی که کمک بکنند نیروهای بومی خود آن شهر؛ به بچه‌های خرمشهر؛ به بچه‌های آبادان؛ به بچه‌های سوسنگرد؛ به بچه‌های دزفول و شوش و لذا خود این هم یک نکته‌ی است که وجود دارد. بنابراین، شما وقتی روز اول می‌آیید می‌بینید آن‌جا یک برادری به نام اسحاق عساکره - که مسئول امنیت سپاه ماهشهر می‌باشد - در لحظه‌ی نخست و لحظه‌ی اول درگیری خودش و بخشی از نیروهایش جلو عراقی‌ها هستند و درگیر شده‌اند و این درگیری و مقاومت همین جور مرحله به مرحله صورت گرفت تا نیروهای دشمن به بستان رسیدند و بستان را اشغال کردند.

آقای رزاق‌زاده: یعنی نیروهای دشمن از مرز درگیر شدند؟

سردار غلامپور: بله دیگر از خود نقطه صفر مرزی درگیر شدند و با وجودی که بخشی از نیروهای ارتش هم به سرعت عقب‌نشینی کردند و به مشکل برخوردند، این بچه‌ها تلاش کردند که بخشی از نیروهای ارتش را بیاورند و مجاب کنند که بایستند و یک جایی دفاع کنند.
آقای رزاق‌زاده: موفق هم می‌شوند؟

یک تیم خیلی خوب و توانمند از بچه‌های سپاه هم جدا کردند مثل غلامی و کسانی که بعدها شدند فرمانده تیپ و عده‌بی هم شهید شدند. بعضی‌ها هم الآن زنده هستند. غیور اصلی از اینها یک تیم آموزشی خوب درست کرد با هدایت و سرپرستی خودش. این‌ها آمدند در منطقه‌ی پورکان دیلم شروع کردند به آموزش دادن. این آموزش دادن‌ها خیلی برای ما مؤثر بود؛ اولاً نیروهایی که ما اعزام می‌کردیم به این طرف و آن طرف در محورها از آموزش لازم و کافی برخوردار بودند؛ بچه‌هایی که حتی نمی‌دانستند اسلحه چی هست؛ کلت چی هست؛ ژ-۳ چی هست- این‌ها را آموزش می‌دادند. حتی آموزش خمپاره و آر.پی. جی می‌دادند؛ آموزش‌های سنگین و غیر سنگین هم می‌دادند. خود این آموزش‌ها باعث شد که ما بتوانیم بر اساس این آموزش‌ها یک نیرویی را سازمان‌دهی بکنیم که نیروی بسیار آموزش‌دیده و ورزیده‌بی بود که آن موقع به فرماندهی برادرمان بلالی یک گروه درست کردیم فرستادیم کردستان، چون کردستان آن موقع نیرو میخواستند و این نیرو بسیار ورزیده شد در کردستان، یعنی هم آموزشش را در کردستان دید، هم ورزیده شد و لذا وقتی استارت جنگ زده شد، این نیروها به عنوان گردان بلالی برگشتند جنوب خیلی کمک کردند به ما و در واقع عصای دست ما بودند در شبیخون‌هایی که می‌زدند و اقداماتی که علیه دشمن انجام می‌دادند که این‌ها البته بیش‌تر زمانی بود که دشمن تا حدودی یک جاهایی متوقف شده بود، اما بالاخره این شبیخون‌ها در مقابل دشمن خیلی تأثیرگذار بود. این برادرمان غیور اصلی وقتی آمدند، خدمات بزرگی را واقعاً در استان و به خصوص دفاع خوزستان انجام دادند، از جمله‌ی آن‌ها فعال کردن این آموزش و آموزش نیروهای بسیار زیادی بود. من خودم یادم هست آن موقع اجازه گرفتم از آقای شمخانی که از کادر جدا بشوم. پانزده روز رفتم آموزش ویژه دیدم و این خیلی در شروع جنگ به ما کمک کرد و من موقعی که دیگر جنگ شروع شد، یک آدم ساده‌بی که هیچ چیز بلد نبود و چیزی نمی‌دانست نبود واقعاً

از کسانی که از نزدیک شاهد جنایت این‌ها بوده است و علیه‌شان شهادت داد، همین غیور اصلی بود که آن وقت وی یک افسر جوانی بود و در نهایت این‌ها محکوم به اعدام شدند و لذا دیگر مسئولان و فرماندهان صلاح ندیدند که ایشان آن‌جا بماند و به ایشان گفتند شما دیگر برو جنوب و با توجه به این‌که این محاکمه از تلویزیون هم پخش شد و آن‌ها شناسایی شدند، دیگر ماندنش در کردستان جایز نبود. وقتی که وی به جنوب آمد، با توجه به این‌که وی یک بچه مسلمان انقلابی بود، خیلی تمایل نداشت و زمینه را در ارتش برای خدمت مناسب نمی‌دید، لذا به سمت سپاه آمد و سپاه ایشان را به کار گرفت و با پیشنهاد خودش یک مرکز آموزش را قبل از جنگ راه‌اندازی کرد.

این اعدادی که عرض می‌کنم شاید مربوط به یک سال نه یک خورده کمتر شاید مثلاً مربوط به زمان قبل از جنگ است بعد ایشان می‌آید و یک مرکز آموزش در منطقه‌ی پورکان دیلم راه اندازی و شروع می‌کند به آموزش دادن بچه‌های سپاه که این آموزش در بحث جنگ خیلی به ما کمک کرد.

آقای رزاق‌زاده: این وقایع که می‌فرمائید دقیقاً چه تاریخی بود؟

سردار غلامپور: شاید ۸، ۹، ۱۰ قبل از جنگ. حالا تاریخ دقیقش را می‌شود پیدا کرد. بله، ایشان آمد یک مرکز آموزش راه‌اندازی کرد. بیش‌تر پاسداران خوزستان و بخشی از نیروهای بسیج را به شکل سازمان‌دهی شده می‌بردند آن‌جا، آموزش‌های فشرده‌ی پانزده روزه می‌دادند آموزش‌های بسیار خوبی می‌دادند. علاوه بر خودشان

نیروهای ما در ۳۱ شهریور کار را
صفر کیلومتر شروع نکردند. در
واقع، می‌شود گفت حداقل بچه‌های
ما که در مناطق مرزی مستقر بودند
(بچه‌های سپاه و عمدتاً بسیج) این‌ها
نیروهایی بودند که در واقع از چند
ماه قبل با این حوادث آشنا شده
بودند

می کردند می بردند روی مرز، یعنی خودشان می رفتند روی مرز، مثلاً غلامی که یکی از کادرهای اصلی آموزش ما بود، یک ماه قبل از جنگ رفت آن طرف مستقر شد، با خودش یک تیم برد و در واقع یک پاسگاهی درست کرد و در نزدیکی مرز ماندند. آن‌ها علاوه بر این که آموزش می دادند و تربیت می کردند، خودشان هم در مرحله ی حساس و سخت به کمک ما می آمدند و در این جریانات وارد می شدند. بنابراین، وقتی که عراقی ها آمدند و نزدیک حمیدیه رسیدند، غیور اصلی آمد - خیلی جالب است که یک ارتشی آمد - و بچه های سپاه را جمع کرد.

آقای رزاق زاده: مگر ایشان آن موقع هویت ارتشی داشت؟

سردار غلامپور: بله ارتشی بود دیگر.

آقای رزاق زاده: یعنی مثل یوسف کلاهدوز و دیگران به عضویت رسمی سپاه در نیامده بود؟

سردار غلامپور: نه. نیروی تکاور ویژه ی ارتش بود. بله، آمده بود به سپاه و در واقع آن اوایل انقلاب وارد شده بود به نیروهای انقلابی و نظام می خواست به آن‌ها کمک کند.

آقای رزاق زاده: یعنی به عنوان ارتشی آمده بود به سپاه مامور شده بود.

سردار غلامپور: نیروی مأموری نبود.

آقای رزاق زاده: پس همین طور شخصی آمده بود.

سردار غلامپور: بله، چون ما چند نفر ارتشی داشتیم. یکی ایشان بود، یکی آقای ظهوری لشکر ۹۲. چون اول انقلاب این جوری نبود؛ دیگر ارتشی ها می توانستند از خدمت شان خارج شوند و می آمدند به سپاه. آن موقع هم کسی نمی گفت آقا تو کجایی چرا نمی آیی. ایشان به عنوان یک فرد ارتشی و یک نیروی ویژه ی تکاوری وقتی که نیروهای عراقی ها آمدند و نزدیک حمیدیه شدند، آمد بچه را جمع و یک سخنرانی قرائی برای شان کرد و گفت حیثیت ما، ناموس ما، نمی دانم زندگی ما، انقلاب ما، دین ما در خطر است و بچه ها را هر کسی از هر جا بود- این جور نبود که بچه ها همه بچه های رزمی باشند، فرض کنید برادری به نام آقای آهنگران کار فرهنگی

آموزش ویژه ی خیلی خوبی دیده بودیم و بسیاری از بچه های سپاه خوزستان تحت تأثیر همین آموزش وقتی جنگ شروع شد توانستند قابلیت های خودشان را نشان بدهند.

آقای رزاق زاده: انگیزه ی اصلی این آموزش چی بود؟

سردار غلامپور: شاید انگیزه ی اصلی آموزش، درگیری ما با اتفاقاتی بود که در استان داشت می افتاد، یعنی ما با چند تا طیف درگیر بودیم: نخست جریان خلق عرب بود؛ دوم دست گیری شیوخ و خوانین در استان؛ سوم مقابله با گروه های چپ و همچنین گروه های معارض و معاند با نظام بود.

آقای رزاق زاده: پس آموزش بیش تر کاربرد داخلی داشت؟

سردار غلامپور: آفرین. حجم درگیرهای ما در داخل زیاد بود. می خواستیم آموزش بدهیم بچه های مان وقتی وارد می شوند به یک جایی یا خانه ی یتیمی را پاک سازی می کنند یا منطقه یی را می خواهند بگیرند، این ها یک چیزهایی بلد باشند و خوبی اش هم این بود که این آموزش یک آموزش کاملاً واقعی و جدی بود. در اهواز جایی به نام جنگل گنوه بود که آن را به عنوان اردوگاه انتخاب کرده بودند. یک روز ما باید می رفتیم اردوی صحرائی و آن جا مستقر می شدیم. این اردو یک اردوی کاملاً جدی بود و بچه های آموزشی هم کاملاً بچه های آموزش دیده بودند. من یادم هست که یک سنگری داشتیم، چند نفر داخل یک سنگر بودیم. در آن سنگر، شب نوبت نگهبانی من بود. فکر کنم ساعت ۲ نصف شب بود یک دفعه با انفجاری زیر سنگرمان من چند متر هوا پرت شدم؛ زخمی و مجروح هم شدم، یعنی آموزش این قدر جدی بود، لذا وقتی جنگ شروع شد ما با صدای انفجار و آموزش ها و خیلی چیزها آشنا بودیم و این آموزش در قبال شدن ما خیلی تأثیرگذار بود. غیور اصلی واقعاً بانی خیر این آموزش شده بود و بسیاری از پاسداران و بسیجی ها را آموزش داد و تربیت کرد و زمانی که شرایط در مرز، یک خورده حاد شد، خود این تیم آموزشی، بسیاری از بچه های دیگر را سازمان دهی

سردار غلامپور: نه دیگر، ما از حمیدیه راه افتادیم. **آقای رزاقزاده:** یعنی شما از حمیدیه آمده بودید، اما هوانیروز از ابوحمیزه عملیاتش را آغاز کرد.

سردار غلامپور: نه. هوانیروز هم من یادم هست از بالا سر خودمان رد شد. من دیدم‌شان، صبح زود از سمت اهواز آمدند، انداختند روی جاده اهواز - حمیدیه، همین جور رفتند جلو و شروع کردند به شلیک کردن و انجام عملیات. من یادم هست آن روز صبح زود حرکت کردیم و رفتیم به سمت عراقی‌ها و همین جور داشتیم عراقی‌ها را تعقیب می‌کردیم. در طول مسیر عبوری هم یک دو سه مورد درگیری برایمان پیش آمد و یک جا هم با یکی از گروه‌های خودی نزدیک بود درگیر بشویم که بعد هم دیگر را شناسایی کردیم و به خیر گذشت و ادامه دادیم و رفتیم. فکر می‌کنم حول و حوش ساعت ۲ بعد از ظهر بود یا یک خورده کم‌تر رسیدیم سوسنگرد که شهر هم آزاد شده بود، چون عراق عقب‌نشینی کرده بود، آن‌جا ما مواجه شدیم با یک درگیری داخلی. در شهر، بچه‌های بومی مسلمان شهر سوسنگرد با بچه‌های خلق عرب و کسانی که به نوعی با عراق هم‌کاری کرده بودند، به شدت درگیر شده بودند و خود این اوضاع شهر را به هم ریخته بود. واقعاً که ما دغدغه‌مان چیز دیگری بود. عراق داخل شهر بود؛ درگیری اتفاق افتاده بود؛ بخشی از بچه‌هایمان مجروح شده بودند. این‌ها را آوردیم داخل مسجد جمع کرده، یعنی واقعاً اوضاع شهر آشفته و به هم ریخته بود و به نظر می‌رسید که ما اولین کارمان باید این باشد که شهر را سازمان‌دهی بکنیم، یعنی یک سر و سامانی بدهیم به این شهر که در آن موقع نمی‌دانم آقای خلخال‌ی بود، کی بود رسید آن موقع یک چند تا حکم اعدام هم روی کاغذ پاکت سیگار داد که تعدادی که وضع‌شان معلوم بود را همان‌جا اعدام انقلابی کردند و به هر حال سر و سامان دادن به شهر یک خورده طول کشید، یعنی فکر می‌کنم دیگر مثلاً ۵، ۶ بعد از ظهر بود - در مهرماه (فصل پاییز) که هوا هم زود تاریک می‌شد - و هوا در شرف تاریک شدن بود که یک سر و

می‌کرد هم آمد داخل این جلسه نشست - همه را در یک سخن‌رانی قرایی تهییج، انگیزه‌های‌شان را چند برابر و آماده‌شان و سازمان‌دهی‌شان کرد که باید برویم جلو عراق بایستیم و نباید بگذاریم عراق بیاید به سمت اهواز و اهواز در خطر سقوط است، باید برویم. لذا، یک عده‌ی را (حدود ۶۰ نفر) را جمع و سازمان‌دهی کرد و آمد در پیچ حمیدیه مواجه شد با نیروهای ارتش عراق، یعنی در آن جاده‌ی که رو به روی شهر حمیدیه بود، آن‌جا مواجه شد با عراق و در واقع آن‌جا یک شبیخونی را علیه دشمن انجام می‌داد که شاید خودشان هم تصورشان این نبوده است که حالا این شبیخون این تأثیر را داشته باشد و این موفقیت را ایجاد بکند و من خودم چون همان شب و فردا صبح‌تس هم در تعقیب عراق مشارکت داشتم، فکر می‌کنم که واقعاً این شبیخون آن‌قدر می‌توانست مؤثر باشد که عراق بیش از ۱۰۰ کیلومتر وادار به عقب‌نشینی بکند! من یادم هست صبح زود بعد از این‌که این شبیخون را انجام دادیم، قرار را بر این گذاشتیم که برویم دنبال عراق و حرکت

سپاه پاسداران به لحاظ آن روحیات انقلابی و به دلیل تحلیل قوی حوادث و اتفاقات، خود به خود قبل از آغاز جنگ به لحاظ شکل‌گیری سازمان رزم خواسته یا ناخواسته چهل پنجاه گردان تشکیل داد

کردیم. ما هرچه از سمت حمیدیه به سمت سوسنگرد در جاده جلو می‌رفتیم اثری از نیروی عملده‌ی عراق نمی‌دیدیم. معلوم بود که آن‌ها با دستپاچگی پراکنده شده‌اند. البته، یک اقدام خوبی هم صورت گرفت: صبح زود، هوانیروز آمد یک عملیات بسیار خوب انجام داد و تانک‌ها و نفربرهای زیادی از عراقی‌ها را زد. عراقی‌ها وحشت کرده بودند و به سرعت داشتند عقب‌نشینی می‌کردند.

آقای رزاقزاده: منظورتان عملیات هوانیروز قبل از روستای ابوحمیزه است؟

تازه خوب شده بودم، آمده بودم در سپاه. چون آن موقع مسئول سپاه خوزستان هم بودم. سپاه خوزستان تازه تشکیل شده بود. آقای شمخانی اجازه نمی داد به من که بیایم چون در آن ایام هم حوادث تلخی اتفاق افتاد و بسیاری از بچه های ما در همین محور سوسنگرد شهید شدند مثلاً حادثه ای ابوحمیزه حادثه ای تلخی بود و بسیاری از بچه های مان آنجا در حمله ای ناجوانمردانه ای عراق شهید شدند و اتفاقاتی در سوسنگرد افتاد که ماجراهایی دارد. در واقع می شود گفت که در مرحله دوم حمله به سوسنگرد است که عراقی ها مجدداً تلاش می کنند بیایند که آنجا دیگر اوضاع کاملاً دگرگون شد و سوسنگرد، سوسنگرد قبلی نبود. با توجه به این که حدود یک ماهی از جنگ می گذشت.

آقای رزاق زاده: دیگر نیروها آمادگی لازم را پیدا کردند؟

سردار غلامپور: بله نزدیک یک ماه گذشت. بعد نیروهایی هم از سایر استان های دیگر می آمدند. این نکته جالب هست که تمرکز هجوم این نیروها به سمت خرمشهر بود و خود سوسنگرد هم به عنوان جبهه ای که

داخل آن حوادث و اتفاقاتی افتاده بود، آنجا قرار داشت که دیگر انبوهی از نیروها به خصوص بچه های تبریز، بچه های اهواز و برخی استان های دیگر آنجا نقش آفرینی کردند و با توجه به نزدیک شدن به وقت اذن امروز، بقیه مطالب بماند برای بعد.

آقای رزاق زاده: آن موقع که دکتر چمران وارد این محور شد دیگر شما نبودید؟

سردار غلامپور: می گویم من اهواز بودم.

آقای رزاق زاده: یعنی مقارن با دوران نقاقت مجروح

سامانی به شهر داده شد و شهر یک مقدار وضعیتش بهتر شد. هوا تقریباً تاریک شده بود. من به غیور اصلی گفتم که بیا برویم بینم عراق تا کجا عقب نشینی کرده است. من یک جیب استیشن داشتم که از شرکت نفت گرفته بودم. یک راننده بی هم داشتم؛ پسر جوانی بود به اسم رئیس و به غیور اصلی گفتم: "بیاید سوار شوید با ماشین برویم بینم عراقی ها تا کجا عقب رفتند، برویم شناسایی کنیم وضعیت را بررسی بکنیم بیایم دیگر. غیور اصلی به اتفاق یکی از بچه هایی که با ایشان بود به نام آقای نظیری، آمدند سوار شدند. ترتیب نشستن چهار نفرمان این جور بود؛ من بغل راننده جلو نشسته بودم. غیور اصلی پشت راننده نشست و آقای نظیری هم پشت سر من نشست، یعنی از سوسنگرد که راه افتادیم رفتیم به سمت بستان؛ تقریباً هوا تاریک شده بود. هفت هشت ده دقیقه بی با ماشین داشتیم می رفتیم. یک تکه نان هم روی همین صندلی جلو بود. چون ناهار هم نخورده بودیم، داشتیم نان خالی می خوردیم و به راننده هم گفتم چراغ خاموش برویم، چون ما که نمی دانستیم عراقی ها کجا هستند. باید می رفتیم پیدای شان می کردیم. چراغ روشن رفتن یک ریسک بزرگ بود که فکر می کنم روی پیچ دهلاویه بود یا داخل دهلاویه، چون جاده ۲ تا پیچ دارد. آنجا یکی از این پیچ ها بود که در آنجا ما دچار یک تصادف شدید شدیم با یک کمپرسی که این تصادف باعث شد که غیور اصلی شهید بشوند و من و آن برادری که پشت سر من نشسته بود زخمی شدیم. راننده ای ما هم شهید شد، یعنی این حادثه باعث شد که دیگر آنجا ارتباط مان با جبهه و با حوادث و با اتفاقات جنگ قطع بشود.

آقای رزاق زاده: به چه مدت؟

سردار غلامپور: فکر کنم احتمالاً حول و حوش ۲۵ روز تا یک ماه طول کشید.

آقای رزاق زاده: دیگر شما در جریان محاصره دوم سوسنگرد نبودید؟

سردار غلامپور: نه دیگر. در محاصره دوم من نبودم که

این نکته، نکته ای مهمی هست؛ این که امروز ما بگوییم جنگ ۳۱ شهریور شروع نشده است؛ این که بگوییم شواهد و قرائنی هست برای وقوع جنگ و ای کاش مسئولین زودتر متوجه می شدند و دشمن را مجاب می کردیم که حفاظت و غافل گیری اش را از بین ببرد

شدن شما بود؟

سردار غلامپور: بله، در اهواز بودم. عرض کردم در محاصره نبودم. بلافاصله بعد از شکست محاصره که شهر آزاد شد من به آنجا رفتم.

آقای رزاقزاده: یعنی در محاصره‌ی دوم؟

سردار غلامپور: محاصره‌ی اول که محاصره نبود؛ یک بار اشغال بود، بار دوم محاصره. چون بعضی‌ها دائم اشتباه می‌کنند و می‌گویند محاصره‌ی بار اول اما، در واقع بار اول اشغال بود که ۳ روز سوسنگرد اشغال شد. بعد که آزاد شد، بار دوم محاصره شد که این ۴۸ ساعت طول کشید. محاصره‌ی که با فشاری که از بیرون گذاشته شد و مقاومتی که در داخل صورت گرفت شهر حفظ شد و بعد آزاد شد، یعنی عملاً محاصره شکسته شد بعد از این که محاصره شکسته شد و شهر آزاد شد، عراقی‌ها عقب‌نشینی کردند و عمده‌ی کمی از آنان در بخش غربی شهر ماندند. به لحاظ جغرافیایی یک رودخانه در سوسنگرد هست که دقیقاً عکس رودخانه خرمشهر است. بخش شرقی خرمشهر که بخش کوچکتری است شرق رودخانه است. بخش اصلی‌اش آن طرف (غرب) رودخانه است. سوسنگرد عکس این است. بخش کوچک آن در غرب رودخانه است بخش عمده‌اش در شرق رودخانه است که ما بخش عمده را نگه داشتیم، بخش غربی و کوچک‌تر شهر را عراق توانست نگه دارد و در آنجا بماند. من بلافاصله آنجا به آقای شمشانی اصرار کردم و فشار آوردم تا به سوسنگرد بروم، زیرا برایم خیلی قابل تحمل نبود. اکثر دوستان مان شهید شده بودند و ایشان می‌خواست من را آنجا (اهواز) نگه دارد که دیگر من به ایشان اصرار کردم و او گفت: "خیلی خوب حالا که می‌خواهی بروی، بیا برو به عنوان مسئول عملیات سوسنگرد آنجا مستقر بشو که دیگر آنجا من حکم را گرفتم و پس از محاصره آمدم و مستقر شدم در سوسنگرد و آنجا یک سازمان‌دهی جدیدی تشکیل شد.

آقای رزاقزاده: شما از چه تاریخی دقیق آمدید؟

سردار غلامپور: از بیست و شش آبان که محاصره

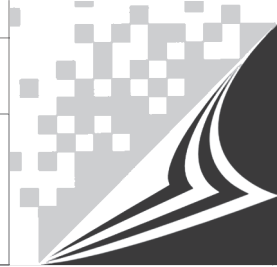
شکسته شد، فکر کنم یا آخر آبان بود یا اوایل آذر که دیگر من آمدم سوسنگرد.

آقای رزاقزاده: یعنی در آخرین فصل سال ۱۳۵۹ شما آمدید به عنوان مسئول عملیات سپاه سوسنگرد و در شهر مستقر شدید؟

سردار غلامپور: بله. زمانی که با حکم آقای شمشانی به عنوان مسئول عملیات آمدم تغییر و تحولات کلی در سوسنگرد انجام گرفت. فرمانده سپاه سوسنگرد قبل از محاصره برادری به اسم آقای صفایی مقدم شد بود. وقتی من وارد شدم آقای صفایی مقدم شد فرمانده. در واقع شورایی تشکیل دادیم که آقای صفایی مقدم فرماندهی سپاه بودند؛ من مسئول عملیات بودم؛ آقای عزیز جعفری جانشین من در معاونت عملیات شد و آقای عندلیب شد مسئول آموزش اگر اشتباه نکنم یا نه، شد جانشین آقای صفایی مقدم. آقای بشر دوست شدند مسئول آموزش؛ آقای تقوی‌فر شدند مسئول اطلاعات ما. در واقع، اولین شکل‌گیری یک شورا به شکل رسمی و عملیاتی که بتواند یک جبهه‌ی را اداره بکند از آن موقع شروع شد که حوادث بعدی نیز اتفاق افتاد و ما کارهایی در شهر کردیم از عملیات امام مهدی گرفته تا عملیاتی که در اردیبهشت‌ماه انجام دادیم تحت عنوان عملیات دهلاویه که خود این عملیات بسیار تأثیرگذار بود در عملیات طریق القدس و جریان هویزه طرف که می‌خواست آنجا عملیات انجام بدهد و اتفاقات فراوان دیگر محور بستان - سوسنگرد - اهواز که این حوادث بعدی است.

آقای رزاقزاده: که ان شاء... شرح و بحث آن وقایع باشد برای جلسه‌های آینده و در آنجا مباحث جامعی مطرح گردد. **سردار غلامپور:** ان شاء...

آقای رزاقزاده: با تشکر از شما و وقتی که در اختیار فصل‌نامه‌ی نگین گذاشتید. به امید دیدار.



علل وقوع جنگ ایران و عراق*

نویسندگان: جک اس. لوی و مایک فروئلیچ

مترجم: یعقوب نعمتی وروجنی**

این مقاله با بررسی وضعیت موجود دو کشور ایران و عراق، به تحلیل و واکاوی علل وقوع جنگ بین این دو کشور پرداخته است. نویسنده در این راستا ابتدا به تاریخچه منازعات و درگیری های دو کشور اشاره کرده است. سپس به عواملی چون برتری طلبی صدام، تهدید انقلاب ایران برای عراق و کشورهای حاشیه خلیج فارس در بروز جنگ اشاره می کند

چکیده

مقدمه

است و در حالی که اخبار مربوط به آن به طور مستمر در رسانه های این کشور منعکس می شود، تلاشی برای تجزیه و تحلیل این جنگ و به ویژه علل وقوع آن انجام نشده است. بررسی علل آغاز این جنگ هم برای شناخت راه های حل و فصل آن و هم برای پیش بینی چگونگی بروز جنگ های مشابه احتمالی در آینده و راه های پیش گیری از آن ها، بسیار مهم است. در این نوشتار می کوشیم از وقایع نگاری ساده ی رویدادهای جنگ ایران و عراق فراتر رویم و برخی

جنگ ایران و عراق یکی از شدیدترین منازعات پس از جنگ جهانی دوم به شمار می آید که تأثیرات عمده یی بر ثبات منطقه، منازعه ی اعراب - اسرائیل، شاهراه نفتی غرب و دیگر منافع ابرقدرت ها گذاشته است. این جنگ همچنین در عصر افول ابرقدرت ها، ظهور قدرت های منطقه یی و تحولات انقلابی به مثابه یک الگوی منازعه محسوب می شود و اهمیت نظری بسیاری داشته است. با وجود این، جای تعجب است که در ایالات متحده توجه چندانی به این جنگ نشده

* این مقاله ترجمه یی است از:

Causes of the Iran-Iraq War, By: Jack S. Levy and Mike Froelich, In James Brown and William P. Snyder, eds., The Regionalization of War. New Brunswick, NJ: Transaction Books, 1985. Pp. 127-143.

** کارشناس ارشد علوم سیاسی و پژوهش گر مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

در آبراه شطالعرب [اروندروود] بر اساس اصل تالوگ موافقت کرد، به این شرط که شاه از حمایت شورشیان کُرد عراقی که در بغداد آشوبی طولانی و پرهزینه به راه انداخته بودند، دست بردارد.

در آن زمان، حکومت پادشاهی محافظه‌کار عربی از نقش ژاندارمی توسعه‌طلبانه‌ی شاه در خلیج فارس خشمگین بودند، اما به دلیل دخالت نکردن شاه در امور داخلی‌شان، نه‌تنها در مقابل اقدامات ایران سکوت می‌کردند، بلکه همگی در برابر مخالفت‌های داخلی شدید، به ویژه مخالفت گروه‌های مذهبی با شاه، از او حمایت نیز می‌کردند، طوری که حکومت عراق در پاییز ۱۹۷۸ بنا به درخواست شاه، آیت‌الله خمینی را پس از ۱۳ سال تبعید از شهر مقدس نجف اخراج کرد.

پس از سقوط شاه، سران کشورهای عربی از انقلاب ایران احساس نگرانی می‌کردند، اما به دنبال نخست‌وزیری مهدی بازرگان که از شخصیت‌های میانه‌رو ایران بود، - و تأکید نظام جدید این کشور بر برادری اسلامی، دخالت نکردن در امور داخلی همسایگان، احترام متقابل به یک‌پارچگی ارضی کشورهای منطقه، به رسمیت نشناختن حکومت اشغال‌گر اسرائیل و تمایل نداشتن به ایفای نقش ژاندارمی منطقه‌ی خلیج فارس، تا حدودی از هراس اعراب کاسته شد. با این حال، ادعاهای ارضی برخی مقامات ایرانی در مورد بحرین و جزایر سه‌گانه‌ی اشغال شده در سال ۱۹۷۱ تا حدی به بدگمانی اعراب درباره‌ی مقاصد افراد بنیادگراتر نظام جدید ایران، دامن می‌زد. در بهار ۱۹۷۹ به دنبال تحرکات قومی در ایران و عراق و حمایت متقابل از تحرکات مخالفان یک‌دیگر، روابط دو کشور رو به وخامت نهاد. همچنین حمایت ایران از برخی گروه‌های شیعه‌ی عراقی که مخالف حکومت بعثی تحت سلطه‌ی [اقلیت] سنی بودند، این حکومت را بر آن

علل اساسی آن را بررسی کنیم تا از طریق تحلیل این علل و روابط متقابل آن‌ها به شناخت نظری بیش‌تری از این جنگ دست یابیم.

زمینه‌ی تاریخی

از دهه‌ی ۱۹۶۰ به بعد، ایران و عراق در برخی زمینه‌ها از جمله حمایت متقابل از حرکت‌های براندازانه‌ی مخالفان یک‌دیگر و کشمکش‌های منطقه‌یی مشکلاتی جدی با هم داشته‌اند. منازعه در مورد حق استفاده از آبراه حیاتی شطالعرب [اروندروود] یکی از این کشمکش‌ها بود که از دوره‌ی امپراتوری عثمانی همواره

منشأ اختلاف و مناقشه بین دو کشور بوده است. ایران در زمان شاه [سابق] به دلیل حمایت سیاسی و نظامی امریکا، قدرت برتر و بلامنازع منطقه‌ی خلیج فارس بود. شاه می‌کوشید نفوذ ایران را در

از دهه‌ی ۱۹۶۰ به بعد، ایران و عراق در برخی زمینه‌ها کشمکش‌های منطقه‌ای و مشکلاتی جدی با هم داشته‌اند. منازعه در مورد حق استفاده از آبراه حیاتی شطالعرب [اروندروود] یکی از این کشمکش‌ها بود که از دوره‌ی امپراتوری عثمانی همواره منشأ اختلاف و مناقشه بین دو کشور بوده است

سر تا سر منطقه گسترش دهد و به مناطق مورد ادعای برخی کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس حمله کند. بر این اساس، در سال ۱۹۶۹، معاهده‌ی سال ۱۹۳۷ را که در آن بر کنترل تقریباً کامل عراق بر شطالعرب [اروندروود] تصریح شده بود، باطل اعلام کرد و دو سال بعد نیز سه جزیره‌ی کوچک (ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک) در نزدیکی تنگه‌ی هرمز را به تصرف درآورد. بعدها عراق در قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، با بازتعریف مرز آبی دو کشور

عزیز معاون نخست‌وزیر عراق در آوریل ۱۹۸۰ همراه شد. این ناآرامی‌ها بیش‌تر از جانب حزب‌الدعوهی عراق انجام می‌گرفت که یک گروه معارض شیعی مورد حمایت ایران بود. عراق نیز با تمرکز تبلیغاتش بر جوامع عرب ایرانی، در برابر تحرکات شیعیان واکنش نشان داد و با تبعید دسته‌جمعی، بازداشت و اعدام مستمر آن‌ها از جمله آیت‌الله محمدباقر صدر، حرکت‌شان را سرکوب کرد. ایران هم متقابلاً عراق را به اشغال سفارت‌خانه‌اش در لندن و سوء قصد به قطب‌زاده نخست‌وزیر وقت ایران* متهم کرد.

در تابستان ۱۹۸۰، با بروز درگیری‌های مرزی، دامنه‌ی تخاصم بین دو کشور گسترش یافت. پس

از حمله‌ی ایران به دو روستای عراقی در اوایل سپتامبر، بغداد خواستار این شد که ایران حقوق عراق و ادعاهای ارضی‌اش را به رسمیت بشناسد. عقب‌نشینی ایران از منطقه‌ی در استان کرمانشاه که بر سر آن با عراق اختلاف داشتند، مذاکره‌ی مجدد درباره‌ی مفاد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و قطع حمایت

داشت تا حرکت‌های شیعی در شهرهای مقدس این کشور را سرکوب کند. صدام آشکارا انگشت اتهام خود را علیه بنیادگرایان ایرانی نشانه گرفت و دستور تخریب آخرین اقامتگاه [امام] خمینی و اخراج نمایندگان او از عراق و نیز دست‌گیری [آیت‌الله سید] محمدباقر صدر - برجسته‌ترین روحانی مخالف حکومت عراق را- صادر کرد.

با وجود اقدامات متقابل دولت موقت مهندس بازرگان و بغداد برای حل و فصل امور فیما بین در تابستان ۱۹۷۹، در پاییز همان سال ناآرامی شیعیان عراقی در سر تا سر بخش شمالی خلیج فارس موجب شد تا بغداد بار دیگر ادعاهای خود مبنی بر اقدام ایران به تحریک شیعیان عرب را تکرار کند. صدام با به‌کارگیری لحنی تهدیدآمیز علیه حکومت [امام] خمینی، خواستار خاتمه‌ی [به اصطلاح] سلطه‌ی ایران بر جزایر خلیج فارس و مدارا با اقلیت‌های قومی ایران شد، اما با حملات مکرر پاسداران انقلاب به کنسول‌گری‌ها و سفارت عراق، گفت و گوهای رسمی بین دو کشور به زودی خاتمه یافت. در ماه نوامبر، قدرت از دولت بازرگان به شورای انقلاب - که بیش‌تر شامل شخصیت‌های روحانی بودند - منتقل گردید و کنترل حزب جمهوری اسلامی بر ایران بیش‌تر شد. ابوالحسن بنی‌صدر رئیس‌جمهور جدید ایران و صادق قطب‌زاده وزیر خارجه‌ی او نیز به شدت به روحانیون مقتدر این حزب وابسته بودند. تهران با مخاطب قرار دادن شیعیان کشورهای عربی حوزه‌ی خلیج فارس، تبلیغات رادیویی خود را در این زمینه تشدید کرد و با تقبیح حکومت‌های "فاسد" و "صهیونیستی" کشورهای عربی خواستار سرنگونی آن‌ها و روی کار آمدن نظام‌هایی شبیه جمهوری اسلامی شد. این اقدام ایران، با تظاهرات مردمی جوامع شیعی و خشونت‌های سیاسی مکرر در عراق از جمله بمب‌گذاری و سوء قصد به جان مقامات عراقی و به ویژه تلاش برای ترور طارق

تلاش برای دستیابی به قدرت
و وجهه‌ی بیش‌تر، چشم امید
به حمایت قدرت‌های ثالث،
محاسبات غلط یک طرف، ظهور
یک ایدئولوژی انقلابی توسعه‌گرا
و تأثیر آن بر ثبات سیاسی داخلی
و خلأ قدرت ناشی از بی‌ثباتی
سیاسی داخلی طرف دیگر از جمله
علل اصلی بروز جنگ هستند

ایران از شورش‌ها و تحرکات مرزی معارضان عراقی از جمله‌ی این ادعاها بود. در ۱۷ سپتامبر، صدام اعلام کرد که ایران قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را نقض کرده است و عراق دیگر این معاهده را معتبر نمی‌داند، اما ایران بی‌درنگ این اقدام را محکوم کرد. با این حال، عراقی‌ها در ۲۲ سپتامبر با آغاز حملات هوایی به پایگاه‌های هوایی ایران، از جمله پایگاه هوایی تهران، تهاجم زمینی گسترده‌ی را به استان نفت‌خیز خوزستان آغاز کردند.

* صادق قطب‌زاده وزیر امور خارجه وقت ایران بود که نویسنده وی را به اشتباه نخست‌وزیر ایران معرفی کرده است. (مترجم)

چارچوب نظری

پس از تشریح اجمالی رویدادهای عمده‌یی که به جنگ انجامید، اکنون باید با استفاده از پیچیدگی این تسلسل تاریخی، برخی علل وقوع جنگ را برشماریم. تلاش برای دستیابی به قدرت و وجهه‌ی بیش‌تر، چشم‌امید به حمایت قدرت‌های ثالث، محاسبات غلط یک طرف، ظهور یک ایدئولوژی انقلابی توسعه‌گرا و تأثیر آن بر ثبات سیاسی داخلی و خلأ قدرت ناشی از بی‌ثباتی سیاسی داخلی طرف دیگر از جمله علل اصلی بروز جنگ هستند که بدان می‌پردازیم و ترس و نگرانی از احتمال بر هم خوردن توازن قوا در منطقه را به عنوان متغیر ثانویه‌ی این تحقیق بررسی می‌کنیم، متغیری که ارتباط نزدیکی با عوامل مذکور دارد و آن‌ها را هرچه بیش‌تر تقویت می‌کند. عوامل مورد نظر همگی از جمله علل مهم بروز جنگ در طول قرون متمادی بوده و در ادبیات نظری منازعه‌های بین‌المللی نیز به طور گسترده‌یی مورد توجه قرار گرفته‌اند. قبل از بررسی نقش این عوامل در ایجاد جنگ ایران و عراق، لازم است به برخی پیوندهای نظری که این عوامل به واسطه‌ی آن‌ها سبب جنگ می‌شوند نیز به اجمال اشاره کنیم.^(۲)

قدرت از زمان توسیدید همواره حلقه‌ی مرکزی نظریه‌های سیاست بین‌المللی واقع‌گرای غربی‌ها بوده است و در نظریه‌های توازن قوا و سایر نظریه‌های مرتبط نیز بر انگیزه‌های برتری‌طلبی منطقه‌یی یا قاره‌یی به عنوان یکی از علل اصلی جنگ تأکید شده است.^(۳) در این میان، کسب وجهه و اعتبار نیز نزد صاحبان قدرت پیوند نزدیکی با عامل قدرت و ارتباطی ناگسستنی با مشروعیت، عزم و اراده و احساس اقتدار داشته است.^(۴) حتی برخی معتقدند که «در امور روزمره‌ی روابط بین‌الملل، داشتن وجهه از داشتن قدرت مهم‌تر است.»^(۵) همچنین فرض بر این است دولت‌هایی که نوعی ناهمخوانی بین وجهه و قدرت نظامی واقعی‌شان وجود دارد، بیشتر به جنگ

عراق مدعی بود که با این حمله‌ی نظامی در صدد ایجاد موقعیت مناسب برای پایان دادن به مخاصمات ایران و واداشتن این کشور به رسمیت شناختن حقوق و حاکمیت ارضی عراق، حُسن هم‌جواری با کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس و عدم مداخله در امور داخلی آن‌ها و نیز پایان دادن به همه‌ی اقدامات [به اصطلاح] تجاوزکارانه‌ی ایرانی‌ها است.^(۱) عراق خواهان کنترل کامل بر شط‌العرب [اروندرو] بود، ولی در مورد جزایر خلیج فارس هیچ‌گونه ادعای ارضی نداشت. در

ماه اکتبر، با ادامه‌ی پیشروی نیروهای عراقی به داخل خاک ایران، صدام حسین ادعا کرد که از نظر نظامی به اهداف خود دست یافته و خواستار آتش‌بس و شروع مذاکرات است. اما ایرانی‌ها هرگونه مذاکره قبل از عقب‌نشینی کامل

نیروهای عراقی از خاک کشورشان را رد کردند. با تداوم جنگ در نیمه‌ی نخست سال ۱۹۸۱، دو طرف عملاً به نوعی بن‌بست در جنگ رسیدند، ولی ایران در پاییز همان سال با اجرای پاتک‌های گسترده، عراق را به عقب‌نشینی واداشت و در مارس ۱۹۸۲ به برتری آشکاری در جنگ دست یافت، به گونه‌یی که عراقی‌ها در ماه ژوئن به مرزهای خود عقب‌نشینی کردند. همچنین اما ایران در ماه جولای دامنه‌ی جنگ را به مرزهای جنوبی عراق کشاند.

یکی از اهداف مهم صدام کسب جایگاه برتر در خلیج فارس و جوامع عربی بود که سال‌های متمادی آن را دنبال می‌کرد

با به خطر انداختن حیات حکومت کشورهای مورد نظر و ایجاد صفبندی‌های سیاسی جدید و تأثیرات این صفبندی‌ها بر توازن قوای موجود، می‌تواند موجبات نگرانی و ترس این کشورها را فراهم کند.^(۹) در چارچوب منافع ملی مبتنی بر قدرت، وجهه و ثبات سیاسی داخلی و نیز منافع سیاسی فردی صاحبان قدرت، فرصت‌های خاصی پدید می‌آید که احتمال وقوع جنگ را افزایش می‌دهد. در این میان، افزایش ناگهانی شکاف قدرت میان دو کشور در ایجاد جنگ بین آن‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد، این شکاف ممکن است از شکست نظامی

یا ضعف داخلی ناشی از بی‌ثباتی سیاسی یا افول اقتصادی یک طرف حاصل شود.^(۱۰)

انتظار حمایت سیاسی، اقتصادی یا نظامی کشورهای دیگر از یک طرف یا دست‌کم بی‌طرفی آن‌ها نیز یکی دیگر از علل اساسی وقوع جنگ به شمار می‌آید. در صورت وجود منافع امنیتی مشترک یا

پیوندهای عقیدتی، دینی یا فرهنگی بین کشورها، این نوع رفتارها اهمیت خاصی می‌یابند.^(۱۱)

برداشت‌ها و محاسبات غلط نیز در وقوع جنگ اهمیت بسیاری دارند.^(۱۲) برخی صاحبان قدرت با برداشت نادرست از قابلیت‌های نظامی و عزم و اراده‌ی دشمن برای ادامه‌ی جنگ، دچار محاسبات غلط می‌شوند. برخی نیز ممکن است درباره‌ی تأثیر جنگ بر یک‌پارچگی جمعیتی دشمن یا روحیه و کارآمدی نیروهای نظامی خودی دچار اشتباه شوند. شاید بتوان گفت در اغلب جنگ‌ها اعتماد به نفس نظامی بیش از حد طرف آغاز کننده‌ی جنگ نقشی

مبادرت می‌ورزند، زیرا می‌خواهند برتری اقتصادی و سیاسی جایگاه مفروض خود را متناسب با سطح قدرت نظامی‌شان ارتقا دهند.^(۱۳) این دولت‌ها به ویژه زمانی که فکر کنند از جانب دشمنان‌شان تحقیر شده‌اند، بیش‌تر دچار دغدغه‌ی ناشی از خلأ اعتبار و وجهه می‌شوند.^(۱۴) از آن‌جا که عامل غرور و وجهه‌ی ملی، تأثیر عمده‌ی بر سیاست داخلی حکومت‌ها و وجهه‌ی فردی صاحبان قدرت دارد، دولت‌مردان هر کشور معمولاً به دنبال کسب پیروزی‌های سیاسی و نظامی در عرصه‌های خارجی هستند تا از این طریق هم اهداف مورد نظر را محقق کنند و هم میزان حمایت سیاسی داخلی از اقدامات خود را افزایش دهند.^(۱۵)

کشورها از یک سو تحت تأثیر جاه‌طلبی‌های مبتنی بر قدرت و وجهه و از سوی دیگر برای برون‌رفت از نگرانی‌های ناشی از تهدیدات بیرونی، اقدام به جنگ‌افروزی می‌کنند. این تهدیدات ممکن است تهدیداتی نظامی باشد و یک‌پارچگی ارضی یا جایگاه قدرت یک کشور را با خطر مواجه کند، یا ماهیت سیاسی داشته باشد و ثبات داخلی آن کشور را تحت تأثیر قرار دهد. تهدید سیاسی به شکل‌های گوناگونی نمود پیدا می‌کند؛ به شکل یک ایدئولوژی سیاسی توسعه‌طلب که در صدد است ارزش‌های خود را بر جوامع دیگر تحمیل کند، در قالب حمایت یک طرف درگیر از اقلیت‌های قومی طرف دیگر، به شکل گروه‌های قومی یک طرف در مجاورت مرزهای سرزمینی طرف مقابل و سرانجام به شکل اقدامات مستقیم خارجی یک طرف برای بی‌ثبات کردن طرف دیگر. شکست نظامی یک کشور می‌تواند تغییر حکومت یا وقوع انقلاب در آن کشور را در پی داشته باشد، در حالی که بی‌ثباتی سیاسی داخلی یک کشور ممکن است توان نظامی دولت حاکم بر آن کشور را به شدت تضعیف کند و، توازن قوای منطقه‌ی یا قاره‌ی را تغییر دهد. اگر کشوری بخواهد ایدئولوژی انقلابی‌اش را به دیگر کشورها صادر کند،

دوری عراق از اتحاد جماهیر شوروی، فاصله گرفتن از دوستان تروریست سابق و مشارکت در اعطای کمک‌های خارجی به ویژه به اردن، بغداد را از حالت انزوا میان اعراب میانه‌رو و بیرون آورد. سیاست میانه‌روی صدام به حوزه‌ی اقتصادی و به اموری نظیر میزان تولید و بهای نفت نیز کشیده شد و عراق خود را هر چه بیش‌تر با سیاست‌های عربستان سعودی هماهنگ کرد

از سوی دیگر، صدام جایگاه خود را در کشور تثبیت کرده بود، کنترل شدیدی بر ارتش داشت و سیاست‌های داخلی حکومت سوسیالیست بعثی نیز در جهت حفظ قدرت او اجرا می‌شد. با وجود افزایش عمده‌ی درآمدهای عراق، نرخ تورم روی ۱۲ درصد ثابت مانده بود. برخلاف دیگر کشورهای عربی صادر کننده‌ی نفت در منطقه، سیاست‌های توزیع در عراق مانع شکل‌گیری طبقه‌ی فرادست ثروتمند شده بود. توسعه‌ی اقتصادی نیز سبب تسریع اجرای طرح‌های ساخت و ساز، نوسازی کشاورزی و ایجاد صنایع پتروشیمی و فولاد گردیده بود. صدام همچنین در صدد بود با تأسیس یک نهاد پارلمانی یعنی مجلس ملی، بر نفوذ سیاسی خود بیفزاید. این ملاحظات روی هم رفته، او و حامیانش را به این نتیجه رساند که قدرت عراق به شدت افزایش یافته است. بر این اساس، کلودیا رایت در سال ۱۹۷۹ عراق را یک "قدرت جدید" در منطقه خواند و ویلیام کوآندت در اوایل سال ۱۹۸۰ چنین نتیجه گرفت که «عراق در دهه‌ی ۱۹۸۰ قطعاً قدرت برتر منطقه‌ی خلیج [فارس] خواهد بود.»^(۱۴)

صدام آشکارا سیاست‌های ارتقای جایگاه عراق در خاور میانه و تقویت قدرت نظامی این کشور، از جمله تدوین یک برنامه‌ی هسته‌یی را دنبال می‌کرد تا عراق را به تنها دولت عربی توان هسته‌یی برای مقابله با حکومت اشغال‌گر قدس تبدیل کند. او با برگزاری دو کنفرانس پان‌عربیستی، اعراب را علیه پیمان کمپ دیوید بسیج کرد. نشست بغداد در نوامبر ۱۹۷۸ مانع خروج کشورهای میانه‌رو عرب از صف مقاومت متحد عربی شد و همین امر وجهه‌ی سیاسی عراق را تقویت کرد. صدام با حمایت از سازمان آزادی‌بخش فلسطین و جبهه‌ی آزادی‌بخش عرب و نیز با حمله به کیبوتز میسگاوام در شمال فلسطین اشغالی در آوریل ۱۹۸۰ کوشید در منازعه‌ی اعراب و اسرائیل نقش مهمی ایفا کند. مهم‌تر از آن،

اساسی در وقوع جنگ داشته و آغازگر جنگ صرف نظر از موارد استثنا، در نهایت بازنده‌ی آن بوده است. با ذکر این چارچوب نظری و پیشینه‌ی تاریخی، کوشیده‌ایم زمینه را برای تحلیل علل بروز جنگ ایران و عراق و بررسی زوایای گوناگون آن فراهم کنیم.

علل وقوع جنگ ایران و عراق بر تری طلبی صدام

یکی از اهداف مهم صدام کسب جایگاه برتر در خلیج فارس و جوامع عربی بود که سال‌های متمادی آن را دنبال می‌کرد.^(۱۵) عراق از ابعاد گوناگون جمعیتی، اقتصادی و نظامی توان بالقوه‌ی لازم را برای تبدیل شدن به قدرت برتر در منطقه و جانشینی مصر - که یک کشور عربی پیشرو به شمار می‌رفت - برخوردار بود. جمعیت حدود ۱۴ میلیونی عراق در آن زمان به جز مصر از همه‌ی کشورهای عربی صادر کننده‌ی نفت بیش‌تر بود و بیش‌تر جمعیت آن را افراد باسواد و طبقه‌ی متوسط تحصیل کرده و فن‌سالار تشکیل می‌داد. عراق قبل از آغاز جنگ با صادرات ۳/۵ میلیون بشکه نفت در روز، دومین تولید کننده‌ی مهم اوپک بود و سالانه ۲۳ میلیارد دلار از این طریق کسب می‌کرد. همچنین، با وجود محدودیت اکتشافات نفتی در عراق، این کشور از نظر ذخایر نفتی پس از عربستان سعودی، دومین جایگاه را در منطقه داشت نیروی نظامی عراق نیز از همه‌ی کشورهای عربی منطقه بیش‌تر بود و کمابیش با ایران برابری می‌کرد.

نفوذ در ایران، بخشی از دغدغه‌ی صدام برای کسب وجهه در میان اعراب و مهم‌ترین عامل در تبدیل عراق به قدرت نظامی برتر خلیج فارس به شمار می‌آمد. در واقع، جنگ لفظی بغداد در خصوص مسائل ارضی مندرج در قرارداد الجزایر، ابتدا شماری از ناظران را بر آن داشت که اصلاح مفاد ارضی این قرارداد را انگیزه‌ی اصلی عراق برای آغاز جنگ بدانند

اعراب از حکومت اشغال‌گر قدس، هرچه بیش‌تر به این احساس حقارت دامن می‌زد. تجلیل اعراب از موفقیت‌های اولیه‌ی عراق در جنگ با ایران که بزرگ‌ترین پیروزی نظامی بر ایرانی‌ها پس از نبرد قادسیه در سال ۶۳۷ میلادی به شمار می‌رفت نیز نشان‌دهنده‌ی اهمیت غرور عربی به مثابه یکی از نیروهای محرک این منازعه بود.

پیروزی عراق می‌توانست از بازگشت هژمونی ایران به منطقه جلوگیری و عراق را به جایگاه برتر در منطقه و جهان عرب برساند، اما این موضوع به تنهایی توجیه‌کننده‌ی تصمیم صدام برای آغاز

جنگ نبود. موضع اولیه‌ی بغداد در برابر دولت بازرگان ظاهراً دوستانه بود. در واقع پس از این‌که سیاست کلی حکومت [امام] خمینی بر صدور بنیادگرایی اسلامی به دیگر کشورهای منطقه و به ویژه حمایت از تحرکات شیعیان عراقی تمرکز یافت، درخواست

الزام عراق به چشم‌پوشی از کنترل کامل بر آب‌راه شط‌العرب [اروندرو] در قرارداد الجزایر، تحقیر بزرگی برای حکومت بغداد و دیگر کشورهای عربی محسوب می‌شد و نماد تسلیم اعراب در برابر یک همسایه‌ی قوی‌تر یعنی ایران بود. علاوه بر این، شکست‌های پیاپی اعراب از حکومت اشغال‌گر قدس، هرچه بیش‌تر به این احساس حقارت دامن می‌زد

عراق برای حل و فصل اختلافات مرزی نیز آغاز شد. حکومت بغداد اعلام کرد که دلیل اصلی الغای قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، بیش‌تر مداخله‌ی تهران در امور داخلی عراق است نه مسائل ارضی مورد مناقشه. اما صدام با وجود تأکید بر مسئله‌ی عدم مداخله‌ی ایران در امور داخلی کشورش، ادعا می‌کرد که مطالبات ارضی عراق زمینه‌ی پایان مخاصمات را فراهم می‌کند و این در حالی بود که نیروهایش در عمق خاک ایران در استان خوزستان مستقر شده بودند. به این ترتیب، مناقشات ارضی، از جمله موضوع کنترل بر شط‌العرب

صدام موضع افراطی حکومت سوسیالیستی بعث در جهان عرب را تعدیل و جنگ لفظی انقلابی خود علیه سلاطین عرب را متوقف کرد. البته صدام که با اتخاذ این موضع جدید به دنبال دست‌یابی به جایگاه رهبری اعراب نیز بود، در فوریه‌ی ۱۹۸۰ منشور ملی عربی را اعلام کرد. این منشور از همه‌ی اعراب می‌خواست برای حل و فصل منازعات خود از اعمال زور اجتناب کنند و همین امر خود به خود تغییر عمده‌ی لحن شدید‌پیشین بغداد را در پی داشت. دوری عراق از اتحاد جماهیر شوروی، فاصله گرفتن از دوستان تروریست سابق و مشارکت در اعطای کمک‌های خارجی به ویژه به اردن، بغداد را از حالت انزوا میان اعراب میانه‌رو بیرون آورد. سیاست میانه‌روی صدام به حوزه‌ی اقتصادی و به اموری نظیر میزان تولید و بهای نفت نیز کشیده شد و عراق خود را هرچه بیش‌تر با سیاست‌های عربستان سعودی هماهنگ کرد. صدام همچنین کوشید به مثابه یک پل ایدئولوژیک میان اعراب میانه‌رو و تندرو قرار گیرد و نقش رهبری آن‌ها را در بین کشورهای غیر متعهد ایفا کند ولی در این امر موفق نشد.

نفوذ در ایران، بخشی از دغدغه‌ی صدام برای کسب وجهه در میان اعراب و مهم‌ترین عامل در تبدیل عراق به قدرت نظامی برتر خلیج فارس به شمار می‌آمد. در واقع، جنگ لفظی بغداد در خصوص مسائل ارضی مندرج در قرارداد الجزایر، ابتدا شماری از ناظران را بر آن داشت که اصلاح مفاد ارضی این قرارداد را انگیزه‌ی اصلی عراق برای آغاز جنگ بدانند. الزام عراق به چشم‌پوشی از کنترل کامل بر آب‌راه شط‌العرب [اروندرو] در قرارداد الجزایر، تحقیر بزرگی برای حکومت بغداد و دیگر کشورهای عربی محسوب می‌شد.^(۱۵) و نماد تسلیم اعراب در برابر یک همسایه‌ی قوی‌تر یعنی ایران بود. علاوه بر این، شکست‌های پیاپی

که بیش‌تر سنی بودند - اظهار نارضایتی می‌کردند و همانند مخالفان شاه ایران گروه‌های ایدئولوژیک و فرقه‌یی - تشکیل داده بودند.^(۱۷) ده‌ها هزار نفر از شیعیان عراق در دهه‌ی ۱۹۷۰ از این کشور تبعید شده بودند. نظر بغداد در مورد ماهیت انقلاب ایران و مفهوم آن برای شیعیان عراق، بر همگان روشن بود، چنان‌که ای. اچ. اچ. عبیدی در این مورد می‌گوید: «حکومت عراق به رغم ژست سکولارش، جنبش ملی ضد شاهنشاهی ایران را به مثابه یک خیزش شیعی می‌دانست که می‌تواند تأثیر عظیمی بر عراق داشته باشد».^(۱۸) در واقع، پیروزی انقلاب ایران به نوعی یک عامل شتاب دهنده به جنبش‌های معارض و فعالان حامی [امام] خمینی نه‌تنها در عراق بلکه در کویت، بحرین و عربستان سعودی قلمداد می‌شد. پس از شکل‌گیری حکومت [امام] خمینی، هم‌دلی داخلی در ایران ابتدا مانع انتقاد علنی سران کشورهای مذکور از انقلاب ایران می‌شد، گرچه آن‌ها در خفا هراس خود را ابراز می‌کردند.^(۱۹) پس از شروع جنگ هم ترس از گسترش آن و به ویژه هراس حکومت‌های عرب میانه‌رو از حملات ایران به تأسیسات نفتی آن‌ها در خلیج فارس، مانع ابراز حمایت آشکار این کشورها از عراق می‌شد. اما ملک حسین شاه اردن که از جانب نیروی هوایی ایران احساس تهدید چندانی نمی‌کرد، با آزادی عمل بیش‌تری وارد میدان شد و اعلام کرد که این جنگ را منازعه‌یی بین حکومت تهران و همه‌ی کشورهای عرب خلیج فارس می‌داند که عراقی‌ها در خط مقدم آن قرار دارند.^(۲۰)

ماهیت [به اصطلاح] توسعه‌طلبانه‌ی حکومت ایران انقلابی، هراس اعراب را بیش‌تر کرد. طولی نکشید که از موضوع صدور انقلاب و تأسیس جمهوری‌های اسلامی جدید، به ویژه در عراق با عنوان طرح‌های ایجاد آشوب تعبیر شد. پخش برنامه‌های رادیویی از اهواز و تهران از پاییز ۱۹۷۹

[اروندرو] بیش‌تر بهانه‌ی جنگ بود تا دلیل آغاز آن. بنابراین، برای درک کامل انگیزه‌های صدام از آغاز جنگ باید وجود یک تهدید فرضی برای ثبات سیاسی داخلی عراق و حکومت‌های میانه‌رو منطقه از جانب ایران انقلابی را نیز مدنظر قرار دهیم.

تهدید انقلابی برای عراق و خلیج فارس

انقلاب ایران برای سران عرب کشورهای خلیج فارس یک زنگ خطر بود، زیرا ماهیت مردمی و شیعی این انقلاب، حکومت‌های سنی حاکم بر این کشورها را تهدید می‌کرد. از نظر سران عرب، به ویژه سلاطین محافظه‌کاری که حکومت‌های خودکامه‌شان از بسیاری جهات شبیه حکومت شاه بود، انقلاب ایران به آسیب‌پذیری بالقوه‌ی حاکمیت آنان در برابر بنیادگرایی اسلامی و نارضایتی اجتماعی دامن می‌زد. اسلام بنیادگرا در پیوند با تشیع مبارز، برای رهبران و سلاطین اهل تسنن و همچنین حکومت سکولار

صدام با وجود تأکید بر مسئله‌ی عدم مداخله‌ی ایران در امور داخلی کشورش، ادعا می‌کرد که مطالبات ارضی عراق زمینه‌ی پایان مخاصمات را فراهم می‌کند و این در حالی بود که نیروهایش در عمق خاک ایران در استان خوزستان مستقر شده بودند

بعث در بغداد یک تهدید محسوب می‌شد. وفاداری شیعیان به نظام حاکم در کشورهای عرب حوزه‌ی خلیج فارس به خودی خود یک نگرانی به شمار می‌آمد. با توجه به حضور اکثریت شیعه در عراق و بحرین و اقلیت آن‌ها در قطر، ابوظبی، عمان و عربستان سعودی (در استان شرقی)^(۲۱) عراق بیش‌ترین هراس را از انقلاب ایران داشت. شیعیان عراق مدت‌ها بود که از جایگاه فرودست سیاسی و اقتصادی خود در هیئت حاکمه‌ی عراق

«گرچه این گروه‌ها در حال حاضر تهدیدی برای صدام نیستند، ولی تشنج فزاینده در میان شیعیان به دنبال انقلاب [امام] خمینی، مشکل تهدید کننده‌ی درازمدتی را ایجاد خواهد کرد»^(۳۱)

افزایش ناآرامی‌ها و تحرکات در عراق که شبیه حرکت‌های عمومی مردم ایران علیه حکومت شاه بود، نظر عراقی‌ها در مورد خطرهای ناشی از انقلاب ایران را بیش‌تر تأیید می‌کرد. سخنان آیت‌الله روحانی در مورد الحاق بحرین و صدور انقلاب به سر تا سر کشورهای خلیج فارس، وزیر دفاع عراق را بر آن داشت که بلافاصله به این کشورها سفر کند و در مورد حمایت عراق به آنان اطمینان دهد. در ماه اکتبر

و پس از تظاهرات شیعیان در عربستان سعودی، کویت و بحرین، صدام برای اولین بار در هشدار جدی خطاب به تهران گفت: «عراق از همه‌ی توان خود علیه کسانی که بخواهند حاکمیت کویت یا بحرین را نقض کرده و یا به مردم یا سرزمین این کشورها ضربه بزنند،

استفاده خواهد کرد. این مسئله کل خلیج [فارس] را در بر می‌گیرد»^(۳۲) پس از حمله به کنسول‌گری‌ها و سفارت‌خانه‌ی عراق، صدام روابط دیپلماتیک خود را با تهران قطع و صدور انقلاب را دلیل این امر معرفی کرد و سرانجام پس از درگیری‌های متعدد مرزی، خوزستان را هدف تهاجم قرار داد.

بنابراین، عراق از حمله‌ی نظامی خود به ایران دو هدف عمده داشت: اول، کنترل کامل بر شط‌العرب [اروند رود] و دستیابی به موقعیت برتر در خلیج

آغاز شد و از بهار ۱۹۸۰ حکومت ایران آشکارا به صدور انقلاب پرداخت. همچنین اقدامات تروریستی از جمله سوء قصد به طارق عزیز معاون نخست‌وزیر عراق، حمله به مراکز پلیس، دفاتر احزاب و یگان‌های ارتش [عراق] بیش‌تر از جانب حزب‌الدعوه انجام می‌شد که مورد حمایت ایران بود. حمادی وزیر خارجه‌ی وقت عراق در تلاش برای توجیه حمله‌ی عراق، در شورای امنیت سازمان ملل در ۵ اکتبر ۱۹۸۰، با تأکید بر نقش جمهوری اسلامی در دامن زدن به آشوب‌های شیعی و اشاره به نگرانی فراوان بغداد از این اقدامات اظهار کرد:

بازرگان از نخست‌وزیری استعفا داد و یزدی نیز همراه وی از وزارت خارجه رفت و این امر میدان را برای [امام] خمینی و هوادارانش خالی کرد. در آن زمان، [امام] خمینی با تصمیم به صدور انقلاب به عراق و منطقه‌ی خلیج عربی [فارس] از اهداف واقعی انقلاب اسلامی پرده برداشت. این تصمیم با اقدامات براندازی، خراب‌کاری و تروریسم توسط به اصطلاح جنرالامام (سربازان امام) و مبارزان حزب الدعوه حتی به مرحله‌ی ساقط کردن حکومت ما نیز کشیده شد. ما در سر تا سر کشور خود به ویژه در مناطق مرکزی و جنوبی شاهد افزایش اقدامات خراب‌کارانه و تروریستی بودیم.

با توجه به سخنان دکتر حمادی انگیزه‌ی اولیه‌ی بغداد برای شروع جنگ، قطع حمایت‌های ایران از شیعیان ناراضی عراقی بود. اگرچه هیچ تحرک شیعی یا بنیادگرایانه‌ی نمی‌توانست به سرعت سبب سقوط حکومت بعثی شود، نگرانی عراق در این باره، در بلندمدت درست بود، به ویژه پس از ناکامی اقدامات آشتی‌جویانه در تابستان ۱۹۷۹ و سلطه‌ی حزب جمهوری اسلامی بر ایران که، هیچ دلیلی مبنی بر کاهش تهدید براندازی از جانب این کشور وجود نداشت. عدید دویشه در این مورد می‌گوید:

انقلاب ایران برای سران عرب کشورهای خلیج فارس یک زنگ خطر بود، زیرا ماهیت مردمی و شیعی این انقلاب، حکومت‌های سنی حاکم بر این کشورها را تهدید می‌کرد

و پیش‌برد اهدافش مبنی بر دستیابی به رهبری منطقه، به حمایت دیپلماتیک و اقتصادی اعراب نیاز داشت. بنابراین، صدام از همان ابتدا به دفاع از مواضع اعراب پرداخت و همراه با سعودی‌ها در جهت مقابله با تهدیدهای بنیادگرایانه‌ی حکومت انقلابی تهران، نقش برجسته‌یی در سازمان‌دهی حکام کشورهای خلیج فارس و فراهم کردن مقدمات امنیت جمعی برای آن‌ها ایفا کرد. در حالی که نظام‌های پادشاهی کشورهای عرب خلیج فارس در تابستان ۱۹۷۹ مشغول تدوین توافقات امنیتی متقابلی بودند، تشریک مساعی عراق با عربستان سعودی، راه را برای ایجاد روابط امنیتی عراق با دیگر کشورهای خلیج فارس هموار کرد. عراق و عربستان به سرعت منازعه‌ی مرزی خود را که مانع روابط نزدیک‌تر آن‌ها می‌شد، حل و فصل کردند و به دنبال آن، عراقی‌ها موافقت‌نامه‌یی برای پیگرد تروریست‌ها در خلیج فارس تهیه کردند و مقامات ارتش این کشور در تابستان و پاییز ۱۹۷۹ برای تدوین توافقات امنیتی تفصیلی دو جانبه وارد عربستان شدند.^(۲۴)

عراق در بهار ۱۹۸۰ به دنبال وخیم‌تر شدن روابطش با ایران، روابط امنیتی خود را با دیگر کشورهای عربی مستحکم‌تر کرد. در ماه می، شاهزاده الصباح از کویت و حسین شاه اردن به بغداد سفر کردند و به دنبال آنان، امیر رأس‌الخیمه و فرستاده‌ی ویژه‌ی امارات متحده‌ی عربی وارد عراق شدند. فرستاده‌های ویژه‌ی بغداد نیز توافقات امنیتی عراق با کشورهای عربی منطقه را تثبیت کردند. در ماه اوت صدام در سمت رئیس‌جمهور عراق برای اولین بار به عربستان رفت و در بیانیه‌ی رسمی این سفر بر "وضعیت حاکم بر جهان اسلام" تأکید کرد. آشکارا ایران را یک خطر معرفی می‌کرد.

در ادامه، اقدامات سیاسی گسترش یافت. با وجود سکوت ظاهری برخی کشورهای عربی خلیج فارس، شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد این کشورها پیشاپیش از طرح‌های نظامی عراق باخبر شده و

فارس و جوامع عربی. دوم، پایان دادن به اقدامات تحریک آمیز ایران درباره‌ی جنبش‌های شیعی در عراق و دیگر کشورهای عربی منطقه. این دو هدف در یک جهت بودند. در صورتی که ایران به تهدید حکومت حزب بعث در عراق و ثبات داخلی آن ادامه می‌داد، حکومت عراق نمی‌توانست بر قدرت و وجهه‌ی خود بیفزاید. در عین حال، موفقیت عراق در جلوگیری از صدور انقلاب ایران و شاید حتی سرنگون کردن حکومت [امام] خمینی، بی‌تردید عراق را به جایگاه برتر جهان عرب و شاید هم به قدرت مسلط خلیج فارس تبدیل می‌کرد.

با وجود سختیت کامل هر دو هدف، این تحلیل ما را به این نتیجه رهنمون می‌کند که پایان دادن به آشوب شیعیان و تثبیت حکومت بعث، اولویت اصلی بغداد بود، چنان‌که عدید دویشه معتقد است که «خشم سردمداران عراق از اقدامات مستمر ایران برای برانگیختن شیعیان عراق علیه حکومت بعثی، علت اولیه‌ی جنگ بود.»^(۲۳)

با توجه به حضور اکثریت شیعه در عراق و بحرین و اقلیت آن‌ها در قطر، ابوظبی، عمان و عربستان سعودی (در استان شرقی) عراق بیش‌ترین هراس را از انقلاب ایران داشت

اوضاع سیاسی، دیپلماتیک و نظامی منطقه‌ی خلیج فارس، به گونه‌یی بود که راه را برای رسیدن صدام به اهدافش تسهیل می‌کرد. دیگر کشورهای عربی منطقه نیز از انقلاب ایران می‌ترسیدند و لسی ابزارهای لازم برای مقابله با آن را نداشتند. اما عراق این توانایی را داشت و با تعدیل افراطی‌گری خود، از انزوای سیاسی خارج شده بود. اعراب نیز برای مهار انقلاب اسلامی و گسترش میانه‌روی در منطقه به عراق نیاز داشتند. عراق نیز متقابلاً برای اجرای اقدامات خود علیه ایران

خوزستان نمی‌تواند در برابر یک اقدام نظامی مقاومت کند. ایران که پس از پیروزی انقلاب با کاهش عمده‌ی درآمدهای نفتی‌اش مواجه و وادار شده بود بیش از نیمی از بودجه‌ی ملی ۴۰ میلیارد دلاری خود را از طریق کسری بودجه تأمین کند، در سپتامبر ۱۹۸۰ تنها ۱۲ میلیارد دلار ذخیره‌ی ارزی داشت، در حالی که عراق در آغاز جنگ به ذخایر مالی ۳۵ میلیارد دلاری خود می‌نازید؛ ذخایری که برای تأمین مالی چندین ساله‌ی برنامه‌های اجتماعی و اقتصادی این کشور حتی در صورت نداشتن درآمدهای نفتی هم کافی بود. همان‌طور که پیش از این اشاره شد، صدام به کمک‌های مالی و لجستیکی همسایه‌های محافظه‌کارش در قالب

آن‌ها را تأیید کرده بودند. کلودیا رایت در این مورد می‌گوید: «دیپلماسی عراق در سال ۱۹۸۰ نوعی توافق عربی را ایجاد کرد که حمایت عربستان سعودی، اردن و کشورهای کوچک‌تر عربی منطقه از اقدام نظامی عراق علیه ایران را به دنبال داشت.»^(۲۵) پس از شروع جنگ، سایر کشورهای عربی نیز آمادگی خود را برای ارائه‌ی کمک‌های سیاسی، اقتصادی و لجستیک به عراق اعلام کردند.

وعده‌های این کشورها یا دست‌کم انتظارات صدام از حمایت سیاسی و اقتصادی ائتلاف عربی، نقش مهمی در تصمیم عراق برای آغاز جنگ داشت. اگر این حمایت‌ها نبود، دورنمای پیروزی عراق و اعمال فشار بر ایران، تا حد بسیاری کم‌رنگ و آرزوی برتری صدام در جهان عرب نیز صرفاً به یک توهم تبدیل می‌شد و دقیقاً به همین دلیل بود که صدام برای تشکیل یک ائتلاف سیاسی بسیار کوشید. بنابراین، چشم‌امید عراق به حمایت کشورهای ثالث شاید یکی از دلایل مهم آغاز جنگ بود.

ضعف و فرصت

دو عامل دیگر وجود داشت که دست به دست هم داده بود و زمینه‌ی بروز جنگ را بیش‌تر فراهم می‌کرد و هزینه‌های احتمالی شکست عراق در توسل به زور را افزایش می‌داد. اولین عامل، تصور ضعف نظامی ایران و خلأ قدرت ناشی از این ضعف در منطقه‌ی خلیج فارس بود. ارتش ایران که در حکومت انقلابی این کشور ماهیتی سیاسی یافته بود، تحت تأثیر پاک‌سازی‌ها، سازمان‌دهی مجدد، ترک خدمت تعدادی از پرسنل و قطع کمک‌های تسلیحاتی امریکا، تا حد بسیاری ضعیف شده بود. در مقابل، مخارج ارتش عراق در سال ۱۹۷۹ به ۲ میلیارد دلار (معادل ۱۳ درصد از تولید ناخالص ملی آن کشور) افزایش یافته بود و حاکمان عراق از یک سو، می‌پنداشتند قوی‌ترین نیروی نظامی منطقه را در اختیار دارند و از سوی دیگر، فکر می‌کردند ایران بدون درآمدهای نفتی

پیروزی انقلاب ایران به نوعی یک عامل شتاب دهنده به جنبش‌های معارض و فعالان حامی [امام] خمینی نه‌تنها در عراق بلکه در کویت، بحرین و عربستان سعودی قلمداد می‌شد

۲۰ تا ۳۰ میلیارد کمک بلاعوض و وام بدون بهره، و به دنبال آن به قابلیت‌های نظامی و مالی خود برای دستیابی به اهدافش اطمینان خاطر داشت. طرح عراق عبارت بود از اشغال تأسیسات نفتی خوزستان، محروم کردن حکومت تهران از منابع حیاتی‌اش و

واداشتن این حکومت به مذاکره یا در صورت امکان سرنگون کردن آن. کلودیا رایت در مورد اهداف بغداد نوشته است:

عراق هم‌زمان با پیشنهاد مذاکره، اقدامات نظامی خود را محدود کرد و هرگز یک تهاجم همه‌جانبه به ایران را مدنظر نداشت. طرح اشغال خوزستان که کشورهای عربی نیز با آن موافق بودند، به عنوان آخرین مرحله‌ی تصاعد جنگ مطرح شده بود. مقامات ارشد نظامی عراق در مصاحبه‌های‌شان با اشاره به نظرات کلاوزویتس اظهار می‌کردند که [...]

بی‌ثباتی بیش‌تر منطقه در طول سال‌های بعدی را به دنبال داشت.

برداشت‌های نادرست

عراق از قدرت نظامی ایران و توان بالقوه‌ی نظامی خود در مقایسه با آن، تصمیم حکومت [امام] خمینی برای ادامه‌ی جنگ با وجود شکست‌های اولیه و تأثیر جنگ بر جامعه و سیاست ایران، برداشت نادرستی داشت. این برداشت نادرست نقش بسیار مهمی در تصمیم‌گیری صدام داشت و اگر برآوردها دقیق و درست انجام می‌شد، احتمال بسیار اندکی وجود داشت که صدام جنگ را آغاز کند.

عراق از همان اعتماد به نفس نظامی بیش از حدی رنج می‌برد که بسیاری از کشورهای در آستانه‌ی جنگ در طول تاریخ به آن دچار بودند. عراقی‌ها قابلیت نیروی هوایی ایران و توان آن برای حمله به اهداف مهم عراق را بسیار محدود می‌دانستند. علاوه بر این، صدام ارتش ایران، روحیه، تجهیزات و ذخایر آن برای یک جنگ طولانی مدت را نیز دست کم گرفته بود. (۲۷) محاسبات اشتباه سیاسی عراق نیز بسیار مهم بود. عراقی‌ها پیش‌بینی می‌کردند با آغاز جنگ، جامعه‌ی متفرق ایران از هم بگسلد، روحیه‌ی ارتش آن تضعیف شود و احتمالاً حکومت [امام] خمینی نیز سرنگون گردد، اما جنگ عملاً تأثیر معکوسی بر جای گذاشت و ضمن یک‌پارچه کردن جامعه‌ی ایران، روحیه‌ی انقلابی مردمی را که [امام] خمینی را به قدرت رسانده بودند، دوباره تقویت کرد. عراق نیز همانند دیگر مهاجمان خارجی در طول تاریخ، با ارتش بیداری رو به رو شد که برای دفاع از سرزمین و انقلاب خود تا سرحد جان‌آماده‌ی نبرد بود. علاوه بر این، اعراب خوزستان نیز برخلاف انتظار عراقی‌ها هیچ استقبالی از آن‌ها نکردند و دست‌یاری به آن‌ها ندادند. همچنین فشارهای سیاسی که عراق پیش‌بینی می‌کرد ایرانی‌ها را به تسلیم و امتیازدهی وادارد، اراده و عزم ملی آنان

این جنگ، ادامه‌ی سیاست مذاکرات مرزی با استفاده از ابزار اشغال نظامی می‌باشد. (۲۶)

ضعف نظامی ایران و در پی آن خلأ قدرت در خلیج فارس، این فرصت را در اختیار عراق می‌گذاشت تا با حل و فصل کشمکش‌های ارضی و توقف تحرکات شیعیان، جایگاه برتر را در منطقه به دست آورد. وسوسه‌ی جنگ نیز هر لحظه بیش‌تر می‌شد، زیرا صدام مطمئن نبود که این فرصت همیشه برایش فراهم باشد. با به قدرت رسیدن روحانیون در حزب جمهوری اسلامی و تحکیم قدرت آن‌ها در تهران، صدام و دیگر سران عرب خلیج فارس چندان امیدوار نبودند که با روی کار آمدن افراد میانه‌روتر

در ایران، تحریک شیعیان خاتمه یابد. در جولای ۱۹۸۰ به دنبال ناکامی یک کودتای نظامی در ایران، مشکل جدی چندماهه‌ی حکومت انقلابی این کشور پایان یافت. این امر عراق و دیگر سران عربی خلیج فارس را مجاب کرد

موفقیت عراق در جلوگیری از صدور انقلاب ایران و شاید حتی سرنگون کردن حکومت [امام] خمینی، بی‌تردید عراق را به جایگاه برتر جهان عرب و شاید هم به قدرت مسلط خلیج فارس تبدیل می‌کرد

که مخالفان داخلی بدون مداخله‌ی خارجی، توان سرنگونی حکومت [امام] خمینی را ندارند. از طرفی، روند فرسایش بنیان‌های ملی و نظامی ایران که از کشمکش‌های داخلی این کشور ناشی می‌شد نیز در حال فروکش بود. بنابراین، هر نوع تأخیر در اقدام نظامی علیه ایران تنها می‌توانست هزینه و خطر آن را افزایش دهد. اما از بدشانسی صدام و حکومت عراق همه‌ی این محاسبات به ظاهر منطقی تحت تأثیر برخی برداشت‌های نادرست، نتیجه معکوس داد و به آغاز یک جنگ ویران‌گر انجامید که فقط

اقتصادی ایران بود، توجه صدام را به شدت برای جنگ با ایران به خود جلب کرد.

جنگ ایران و عراق همچنین می‌توانست زمینه‌ی تأمین برخی منافع ملی و فردی دیگر را نیز فراهم کند که کسب وجهه از مهم‌ترین آن‌ها محسوب می‌شد. [از نظر عراق] این جنگ می‌توانست مفاد قرارداد تحقیرآمیز الجزایر را تغییر دهد و از این رهگذر جایگاه تاریخی عراق به منزله‌ی قدرت برتر خلیج فارس اصلاح شود. افزون بر این، عراق [به زعم خود] با شکست دشمن سنتی‌اش یعنی ایران و با از بین بردن یک منبع تهدید مهم و انقلابی برای همه حکومت‌های عربی، می‌توانست منافع پان‌عربیستی خود را تأمین کند.

بنابراین، صدام امیدوار بود که عراق به موقعیت برتری در جهان عرب دست یابد و بر وجهه‌ی فردی و قدرتش در عراق و کشورهای غیرمتعهد و در میان اعراب به شدت افزوده شود. این اهداف در یک جهت بودند. در حالی که حکومت

اوضاع سیاسی، دیپلماتیک و نظامی منطقه‌ی خلیج فارس، به گونه‌یی بود که راه را برای رسیدن صدام به اهدافش تسهیل می‌کرد. دیگر کشورهای عربی منطقه نیز از انقلاب ایران می‌ترسیدند ولی ابزارهای لازم برای مقابله با آن را نداشتند

بغداد و دیگر حکومت‌های عربی از درون تضعیف می‌شدند، عراق به منزله‌ی یک قدرت نظامی در خلیج فارس نمی‌توانست به جایگاه برتر دست یابد یا به منزله‌ی یک قدرت عربی برجسته مطرح شود. سازگاری حکام عربی با حکومت انقلابی ایران یا سرنگونی و جایگزین شدن حکومت‌های بنیادگرا به جای آنان، می‌توانست آرایش سیاسی و توازن قوای منطقه‌یی را به شدت تغییر دهد. این امر به نوبه‌ی خود می‌توانست یک تهدید نظامی - سیاسی نیز برای حکومت بغداد در پی داشته باشد. از سوی

را نه تنها برای بیرون راندن مهاجمان، بلکه تا حد سرنگون کردن حکومت عراق تقویت کرد.

برآورد بیش از حد عراق از توان نظامی‌اش نیز عامل مهمی در وقوع جنگ به شمار می‌رفت و این در حالی بود که نیروهای عراقی عملاً تجربه‌ی نظامی محدودی داشتند و آموزش‌های ضعیفی دیده بودند.^(۲۸) فرمان‌بری نیروهای شیعه‌ی از فرماندهان و افسران سنی برای نبرد در خاک یک کشور شیعی و علیه یک انقلاب شیعی نیز جای تردید داشت. تاکتیک‌هایی که عراق برای مقابله با کردها در نظر گرفته شده بود، در برابر یک ارتش ملی همانند ارتش ایران کارایی بسیار نداشت و دولت و ارتش سیاست‌زده و به شدت تمرکزگرای عراق این نقایص و محدودیت‌ها را نادیده گرفته بود. آنتونی کردزمن در این باره می‌گوید: «عراق با حریفی وارد جنگ شد که به واسطه‌ی ضعف سیاسی فلج‌کننده‌ی خود، آن را زمین‌گیر می‌پنداشت.»^(۲۹)

نتیجه‌گیری

عراق جنگ علیه ایران را فرصت مناسبی برای از بین بردن یک تهدید جدی و در عین حال پیشبرد اهداف بلندمدت خود می‌دانست. این تهدید [به زعم صدام] از انقلاب اسلامی ایران و تلاش‌های مستمر حکومت [امام] خمینی برای صدور آن ناشی می‌شد. صدام اقدامات ایران برای به راه انداختن، [به اصطلاح] منازعات انقلابی و قومی را تهدید مهمی برای حکومت سکولار و رهبری خود می‌دانست. این اقدامات ثبات سیاسی داخلی دیگر کشورهای خلیج فارس و ثبات کل منطقه را نیز تهدید می‌کرد. از سوی دیگر، با تحکیم قدرت روحانیون در ایران و به دنبال کاهش مخالفت‌های داخلی و احیای ارتش ایران پس از تحمل ضربات شدید اولیه، شدت این تهدیدها می‌توانست بیش‌تر شود و با تقویت ارتش این کشور دامنه‌ی آن گسترش یابد. بنابراین، فرصت ایجاد شده‌ی که ناشی از ضعف موقت نظامی، سیاسی و

علل وقوع جنگ ایران و عراق

بدیهی است که برخی عوامل زمینه‌ساز جنگ ایران و عراق برای دانش‌پژوهان تاریخ جنگ به طور کامل روشن است، عواملی نظیر ظهور یک ایدئولوژی انقلابی توسعه‌گرا و خطر آن برای ثبات سیاسی داخلی برخی حکومت‌ها و توازن قوای منطقه‌ای، وجود یک ائتلاف محافظه‌کار برای حفظ

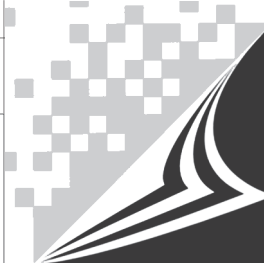
وضع موجود، قدرت طلبی و عطش کسب آبرو و اعتبار بیش تر، و اعتماد به نفس نظامی بیش از حد. بسیاری از متغیرهای مذکور در این مورد خاص ارتباط تنگاتنگی با هم دارند، اما جالب توجه است که تهدید اولیه، بیش تر سیاسی بود تا نظامی و کسب اعتبار نیز آشکارا بیش از اهداف راهبردی و اقتصادی اهمیت داشت. البته احساس ترس و نگرانی، زیاده خواهی و جاه طلبی و برداشت ها و محاسبات غلط هم در این خصوص بسیار مهم بودند. این الگوها با این که قاعده بی کلی محسوب نمی شوند، با این حال نمی توان آن ها را صرفاً یک استثنای تاریخی برشمرد. جنگ ایران و عراق نشان داد که تحولات انقلابی در نظام بین الملل و توسعه ی فناوری های نظامی نوین هیچ کدام نمی تواند به طور اساسی تمایل کشورها به جنگ افروزی را تغییر دهد. بنابراین، شاید بتوان نظریه هایی را که در گذشته برای توضیح جنگ قدرت های بزرگ تبیین شده اند، به جنگ میان قدرت های کوچک در عصر حاضر نیز تعمیم داد.

پی‌نوشت‌ها

- in the domestic affairs of others is widely recognized in the theoretical literature as a means of maintaining the balance of power or of enhancing one's own power (Gulick. ch. 3). The destabilizing effect of revolutionary states on the balance of power is emphasized by Stanley Hoffmann, *The State of War* (New York: Praeger, 1965), ch. 4; Henry A. Kissinger, *A World Restored* (New York: Grosset & Dunlap, 1964); Morgenthau, ch. 14.
10. The tendency for revolutionary or dynastic change and its associated political uncertainty or instability to increase the likelihood of aggression from abroad is treated by Blainey, ch. 5.
 11. Blainey, ch. 4; Bruce Bueno de Mesquita, *The War Trap* (New Haven: Yale University Press, 1981); Richard Smoke, *War: Controlling Escalation* (Cambridge, Mass.: Harvard University Press, 1977).
 12. Theoretical and empirical analyses of misperceptions in crisis decision making include Robert Jervis, *Perception and Misperception in International Politics* (Princeton: Princeton University Press, 1976); Ole R. Holsti, *Crisis, Escalation, War* (Montreal: McGill-Queen's University Press, 1972); Michael Brecher, *Decisions in Crisis* (Berkeley: University of California Press, 1980). Specific analysis of misperception and the causes of war include Richard Ned Lebow, *Between Peace and War* (Baltimore: Johns Hopkins University Press, 1981); Ralph K. White, *Nobody Wanted War* (New York: Anchor, 1968); John G. Stoessinger, *Why Nations Go to War*, 2nd ed. (New York: St. Martin's Press); Arthur A. Stein, "When Misperception Matters," *World Politics* 34 (July 1982): 505-26; Jack S. Levy, "Misperception and the Causes of War," *World Politics* 35 (October 1983). Historians emphasizing the importance of misperceptions in the outbreak of major wars include Donald Kagan, *The Outbreak of the Peloponnesian War* (Ithaca, N.Y.: Cornell University Press, 1969) and Barbara Tuchman, *The Guns of August* (New York: Dell, 1962).
 13. Richard W. Cottam argues that this was the primary cause of the war. See "Revolutionary Iran and the War with Iraq," *Current History* 80 (January 1981): 41.
 14. Claudia Wright, "Iraq: New Power in the Middle East," *Current History* 80 (January 1981): 41.
 1. Statement by Deputy Prime Minister Tareq Aziz, *Christian Science Monitor* (September 26, 1980).
 2. There are other theoretical causes of war, of course, but only those important in the Iran-Iraq War are treated here.
 3. For leading exponents of the realist perspective see Thucydides, *The Peloponnesian War* (New York: Penguin, 1954); Hans J. Morgenthau, *Politics among Nations*, 4th ed. (New York: Knopf, 1967); Arnold Wolfers, *Discord and Collaboration* (Baltimore: Johns Hopkins University Press, 1962); Raymond Aron, *Peace and War*, trans. Richard Howard and Annette Baker Fox (Garden City, N.Y.: Doubleday, 1966); Edward Vose Gulick, *Europe's Classical Balance of Power* (New York: Norton, 1955); Iris L. Claude, Jr., *Power and International Politics* (New York: Wiley, 1957).
 4. The concept of prestige has received inadequate attention in the theoretical literature. Some discussion can be found in Morgenthau, ch. 6; Robert Gilpin, *War and Change in World Politics* (New York: Cambridge University Press, 1981), pp. 30-34; Klaus Knorr, *Military Power and Potential* (Lexington, Mass.: D.C. Heath, 1970). On the importance of credibility and resolve see Thomas C. Schelling, *Arms and Influence* (New Haven: Yale University Press, 1966).
 5. Gilpin, p. 31.
 6. Johan Galtung, "A Structural Theory of Aggression," *Journal of Peace Research* 1 (1964): 95-119; Geoffrey Blainey, *The Causes of War* (New York: Free Press, 1973), ch. 8; Michael Wallace, *War and Rank among Nations* (Lexington, Mass.: D.C. Heath, 1973). This theory is applied to domestic conflict by Ted Robert Gurr, *Why Men Rebel* (Princeton: Princeton University Press, 1970).
 7. The importance of humiliation is not generally recognized in the theoretical literature, though the role of face-saving devices in conflict resolution is emphasized in Glenn H. Snyder and Paul Diesing, *Conflict among Nations* (Princeton: Princeton University Press, 1977).
 8. This well-known "scapegoat theory" is treated extensively by Blainey, ch. 5. In the Iran-Iraq case it applies more to the conduct of the war by both sides than to its causes.
 9. Destabilization and other forms of intervention

[illegible]

- Iran War," Foreign Affairs: 59 (Winter 1980-81):278.
23. Dawisha, p. 146.
24. Wright, "Iraq-New Power," p. 259.
25. Claudia Wright, "Implications of the Iraq-Iran War," p. 285. An explicit admission by a senior Jordanian official of prior notification by Iraq is given in the Christian Science Monitor (October 17, 1980). Further evidence of cooperation and encouragement by certain Arab states has been suggested by James A. Bill (private conversations). More complete evidence regarding the precise degree of collaboration among Arab states in the decision for war is not yet available. Nevertheless, the parallel with the rise of the First Coalition in a counterrevolutionary war against France in 1792 is, quite striking. For further parallels between the Iranian and French revolutions see James A. Bill, "The Unfinished Revolution in Iran," International Insight 2 (November/December 1981):6-9.
26. Wright. "Implications of the Iraq-Iran War," pp 282-87
27. For an excellent analysis of Iraqi misperceptions of relative military capabilities see Anthony H. Cordesman, "Lessons of the Iran-Iraq War: The First Round," Armed Forces Journal International 119 (April 1982):32-47.
28. Ibid.
29. Ibid, p. 42.
- East," Foreign Affairs 58 (Winter 1979-80):257-77; William B. Quandt, Setting National Priorities: Agenda for the 1980s (Washington, D.C.: Brookings, 1980), p. 319.
15. This point is also made by Stephen R. Grummon, The Iran-Iraq War. The Washington Papers 92 (New York: Praeger, 1982), p. 10.
16. For a recent assessment of the Shi'ite populations' potentially destabilizing effects see Middle East Economic Digest (June 11, 1982):30-32.
17. For an analysis of Iraqi Shi'ite organizations see Hanna Batatu, "Iraq's Under-ground Shia Movements: Characteristics, Causes, and Prospects," Middle East Journal 35 (Autumn 1981):578-94.
18. A.H.H Abidi, "Gulf States and Revolutionary Iran: A Study in Mutual Perceptions," Foreign Affairs Reports (March 1980): 51.
19. Ibid., pp. 70, 145.
20. Interview with David Brinkley on "This Week" (ABC), February 28, 1982.
21. Adeed 1. Dawisha, "Iraq: The West's Opportunity," Foreign Policy 41 (Winter 1980-81): 142. Further evidence that Saddam Hussein feared continuing efforts by the Khomeini regime to topple his own was suggested by Raymond Habiby at the conference on The Three Wars of 1982: Lessons to be Learned (Southern Methodist University, Dallas, Texas, April 15-16, 1983).
22. Quoted in Claudia Wright, "Implications of the Iraq



مرتضی قاضی*

[illegible]

گزارش جلسات

جامعه‌محور توضیحات مختصری در مورد تاریخچه
تشکیل و توسعه مرکز اسناد و تحقیقات و همچنین
سابقه گروه بررسی‌های جامعه‌محور و فعالتهای آن

۱۲ خرداد ۱۳۸۹ اولین جلسه «بررسی راههای تعامل مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس با وزارت آموزش و پرورش» در سالن اجتماعات مرکز برگزار

* پژوهشگر مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس



را ارائه کردند. سپس علت ورود گروه بررسی‌های جامعه‌محور به حوزه کودکان و نوجوانان به عنوان یکی از مخاطبین عام جامعه نیز مطرح شد. علاوه بر این، مدیر گروه به دلایل انتخاب کتب ادبیات فارسی در مرحله اول اشاره کرد. مهمترین هدفی که ایشان برای انتخاب کتب ادبیات فارسی به عنوان محمل ورود به حوزه آموزش و پرورش بیان کرد این بود که گروه جامعه‌محور

توانمندی‌های مرکز اسناد و تحقیقات برای ورود به حوزه‌ی آموزش و پرورش

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس به مدد بهره‌گیری از دانش و تجربیات کارشناسان، محققین و نویسندگان خبره و باسابقه در حوزه دفاع مقدس واجد توانمندی و صلاحیت لازم برای ورود به حوزه‌ی آموزش و پرورش است.

ویژگی دیگر مرکز اسناد و تحقیقات، در اختیار داشتن منابعی غنی از اسناد دست اول به شکل اسناد خطی، صوتی و تصویری از دفاع مقدس است. از این رو مرکز بواسطه این اسناد توانایی مستندسازی ابعاد اجتماعی جنگ و جبهه و تزریق آنها به کتب آموزش و پرورش را دارد. برای مثال می‌توان از این منابع برای بیان تفاوت جنگ تحمیلی با دیگر جنگهای جهان استفاده کرد. مرکز اسناد بر مبنای تجربیات و توانمندی‌های چندین ساله خود در دو موضوع تاریخ و جغرافیای جنگ مرجع، صاحب نظر و دارای توانمندی است. از این رو پیشنهاد می‌گردد مرکز تمرکز فکری و عملی خود را بر

ناگزیر است برای فعالیت خود هدف‌گذاری کند و به سمت این هدف حرکت کند. این انتخاب به این معنا نیست که اهداف دیگر نمی‌توانند مدنظر قرار گیرند. بلکه این یک هدف اولیه است و امکان تغییر هدف و همچنین اصلاح و پختگی طرح در طول مسیر وجود دارد.

پس از توضیحات مدیر گروه، حاضرین در جلسه به ارائه نظریات خود پرداختند. به منظور اینکه کارشناسان بتوانند موضوع تعامل با آموزش و پرورش را از ابعاد مختلفی مورد بررسی قرار دهند، مدیر گروه موضوع را به شکل کلی مطرح کرد و با استفاده از شیوه طوفان فکری از کارشناسان خواست که بدون در نظر گرفتن هدف اولیه کارگروه، یعنی انتخاب کتاب ادبیات فارسی، نظرات خود را بیان کنند. همین مسئله باعث شد که طیف نظرات مطرح شده در جلسه اول متنوع باشد.

به منظور استفاده بیشتر و مناسب‌تر از مطالب مطرح‌شده در جلسه، این مطالب در چند سرفصل اصلی ارائه می‌شوند.



است. این مشکل ناشی از عدم شناخت صحیح بسیاری از متولیان دفاع مقدس از جنگ و ارزشهای قابل انتقال دفاع مقدس به مخاطبین جامعه ناشی می‌شود. به عنوان مثال، آنچه که در برخی از موارد بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد، جغرافیای جنگ است، در حالی که مفهوم گذشتن از جان به خاطر دیگران و برای وطن اهمیت بیشتری دارد که به آن پرداخته شود. بنابراین آن چه که کارگروه باید مدنظر خود قرار دهد، تغییر نوع نگاه خود به جنگ، نوآوری در این حوزه و همچنین یافتن زوایای جدید و تازه از مقوله جنگ و دفاع مقدس است.

یکی از کارشناسان پیشنهاد کرد که اعضای گروه لیستی از ارزشهای غیرقابل جابجایی جنگ مانند حماسه، ایثار، سازگاری و نظایر آن تهیه کنند و در جلسه بعدی کارگروه ارائه نمایند. یکی از مشکلاتی که کارگروه با آن مواجه است، عدم شناخت و اشراف به نیازها و علائق دانش‌آموزان است. البته کارگروه برای حل این معضل می‌تواند از مشاوران و کارشناسان کودک و نوجوان استفاده کند. البته با شناخت نسبی که اعضای کارگروه نسبت به نیازهای دانش‌آموزان دارند می‌توان فعالیت را آغاز کرد. بنابراین، نباید کار را متوقف نمود تا به عنوان مثال در یک پژوهش دوساله، تمامی نیازهای نسل جوان شناسایی شوند.

ترسیم فضای کنونی حاکم بر دانش‌آموزان و مربیان مدارس

برخی از کارشناسان کارگروه که خود از دبیران و مربیان آموزش و پرورش بوده‌اند به بیان فضای کنونی آموزش و پرورش پرداختند. مسئله‌ای که همه این کارشناسان به آن اذعان داشتند این بود که فضای مدارس با سالهای پس از پایان دفاع مقدس، خصوصاً سالهای دهه ۷۰ تفاوت کرده است و بسیاری از دانش‌آموزان و حتی مربیان فرهنگی و

این موضوعات قرار دهد. علاوه بر این توانمندی یاد شده، به مرکز اسناد این امکان را می‌دهد که در کتابهای دیگر درسی نیز وارد شود. به عنوان مثال می‌توان ابعاد اجتماعی و ارزشی دفاع مقدس را در کتاب‌های اجتماعی و دینی ارائه داد.

بنابراین، مرکز اسناد و تحقیقات در این وادی یک مرجع است که گروه جامعه محور باید از منابع مرکز برای تولید متون درسی استفاده کند.

هدف از انتخاب کتب ادبیات فارسی برای ورود به حوزه آموزش و پرورش

هدف اصلی از وارد کردن مفاهیم دفاع مقدس به کتب ادبیات فارسی، نخست ایجاد سؤال در ذهن دانش‌آموزان نسبت به دفاع مقدس است تا این سؤال‌ها دانش‌آموز را به حرکت وادارد و او را ترغیب کند که به دنبال پاسخ سؤال‌های ذهنی خود برود. در این صورت، گروه توانسته است به هدف خود دست یابد و دغدغه دانستن در مورد جنگ و دفاع مقدس را در ذهن و روح دانش‌آموزان نسل جدید نهادینه نماید.

پیشنهادهای در مورد محتوای بسته ارائه شده به وزارت آموزش و پرورش

برای ورود مفاهیم دفاع مقدس در سیستم آموزش و پرورش، دروس ادبیات، تاریخ، جغرافیا، اجتماعی و زبان مناسب هستند. به عنوان مثال، می‌توان از فضای جبهه جنگ به مثابه یک جامعه در درس اجتماعی استفاده کرد، جامعه‌ای که ویژگیها و کارکردهایی نظیر تعاون، ایثار، روحیه بسیجی و نظایر آن در آن قابل مشاهده هستند.

یکی از مسائلی که حوزه مفهومی دفاع مقدس در رابطه با پیوند آموزشی با کتب درسی از آن رنج می‌برد، نوع نگاه کلیشه‌ای، محدود و سطحی برخی از مجریان امر به مقوله جنگ و حوزه دفاع مقدس

پیشنهادهای و ملاحظات اجرایی

یکی از پیشنهادهای که در جلسه اول مطرح شد و مورد توافق همه کارشناسان کارگروه قرار گرفت، این بود که با توجه به ساختار وزارت آموزش و پرورش، لازم است مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس با پیشنهادهای مشخص با وزارت آموزش و پرورش تعامل نماید و مجموعه ای مشخص از متون درسی را از پیش آماده کند و آن را به مسئولین وزارتخانه ارائه دهد. زیرا در غیر این صورت، تنوع نظرات مختلف کارشناسان آموزش و پرورش می تواند از نظر اجرایی و عملیاتی، حرکت کارگروه را دچار وقفه نماید. بنابراین، باید در نحوه تعامل با آموزش و پرورش میزان خطا را کاهش داد.

از این رو برای سرعت بخشیدن به کار، لازم است کارگروه در ابتدا، از امکانات موجود برای شروع فعالیت خود استفاده کند. یکی از تکنیکهای برنامه ریزی استراتژیک تکنیک «میوه های در دسترس» است. به عبارت دیگر، در تعامل با آموزش و پرورش می توان از ظرفیتهای در دسترس که نیاز به کار چندانی ندارند استفاده کرد.

بنابراین پیشنهاد اجرایی که در انتهای جلسه اول مورد موافقت کارشناسان قرار گرفت این بود که محور جلسات بعدی گروه، ورود مرکز به حوزه آموزش و پرورش از طریق تهیه متون برای کتب ادبیات فارسی در تمامی مقاطع دبستان، راهنمایی و دبیرستان باشد.

جلسه دوم

در ابتدای جلسه دوم بیان شد که مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس تصمیم گرفته است برای ورود به حوزه آموزش و پرورش، با استفاده از نظرات کارشناسان کارگروه در مورد موضوعات دفاع مقدس، پیش تولید یک بسته نمونه شامل متون درسی و دروس پشتیبان را آغاز کند و پس از تهیه

تربیتی از فضای دفاع مقدس و ارزشهای آن دور هستند و همین مسئله، باعث می شود کارگروه در فعالیت خود با مشکل مواجه باشد.

ترسیم فضای وزارت آموزش و پرورش و نحوه تعامل با آن

مدیران آموزش و پرورش در مرکز تألیف کتب درسی به ورود مفاهیم دفاع مقدس در کتابهای درسی نیاز دارند و از این موضوع به شدت استقبال می کنند. ولی باید این نکته را مدنظر داشت که ایجاد تغییر در حوزه آموزش و پرورش سخت و مشکل است و لذا باید جسارت ایجاد تغییر را داشت. بخشی از این سختی کار، در ارتباط با مربیان و دانش آموزان است.

پیشنهادهای اعضای کارگروه در مورد فعالیتهای جنبی و مکمل بسته پیشنهادی

کارگروه به موازات آماده سازی بسته متون آموزشی باید تمهیدات و

فعالیت های مکمل دیگری نیز انجام دهد تا راهبرد مورد نظر کارگروه منسجم و تکمیل شود. برای مثال آموزش مربیان پرورشی و تربیتی در نحوه انتقال مفاهیم ارزشی به کودکان و نوجوانان، تغییر در شیوه های تدریس، استفاده از ابزارهای کمک آموزشی در شیوه تدریس از جمله این راهکارها هستند. به عبارت دیگر، آماده سازی و ارائه بسته متون درسی بدون توجه به این راهکارها فاقد تأثیر لازم خواهد بود و کارگروه نمی تواند به اهداف خود دست پیدا کند.

مهمترین هدفی که ایشان برای انتخاب کتب ادبیات فارسی به عنوان محمل ورود به حوزه آموزش و پرورش بیان کرد این بود که گروه جامعه محور ناگزیر است برای فعالیت خود هدف گذاری کند و به سمت این هدف حرکت کند

در خارج از حوزه دفاع مقدس نیز پوشش دهد. می‌توان این کتابها را به معلمان و اولیا جهت استفاده برای دانش‌آموزان پیشنهاد کرد.

پس از طرح موضوع، کارشناسان به نقد و بررسی آن و ارائه نظرات خود پرداختند. به منظور استفاده مناسب‌تر از موضوعات مطرح شده در جلسه، مطالب در چند سرفصل اصلی ارائه می‌شوند:

مفاهیم و ارزشهای غیرقابل جابجایی در حوزه دفاع مقدس

مسئله ای که غیرقابل انکار است آن است که دفاع مقدس تنها محل ظهور و بروز یک سبک زندگی اسلامی نمونه در طول عمر ۳۳ ساله جمهوری اسلامی است و لذا این مقطع قابلیت و ابعاد فراوانی دارد که حتی می‌توان به هرکدام از ابعاد آن در یکی از کتابهای درسی پرداخت. موضوعات کلانی که در حوزه دفاع مقدس باید به آنها پرداخت عبارتند از:

- چستی موضوعات دفاع مقدس
- چگونگی شیوه‌های ورود به دفاع مقدس
- رویکردهای اصلی در ورود به حوزه دفاع مقدس (رویکرد علمی، فلسفی و معرفتی). شایان ذکر است، به نسبت میزان فعالیت مرکز اسناد در حوزه‌های مختلف، گسترش اطلاعات نیز انجام می‌گیرد. علاوه بر این، باید از نگاه تک بعدی به حقیقت عظیم جنگ پرهیز کرد و نباید تنها به مفاهیم ارزشی و دینی معمول و عرفی جنگ که ورودی‌های غالب

این بسته، آن را به دفتر تألیف کتب درسی وزارت آموزش و پرورش ارائه دهد. ویژگی‌های این بسته به شرح زیر است:

- انتخاب ۲۴ یا ۳۶ مفهوم و سرفصل موضوعی از دفاع مقدس مبتنی بر ۱۲ سال تحصیلی
- تولید چند درس از نقطه صفر تا نقطه صد شامل:

□ عنوان درس

□ محتوای درسی

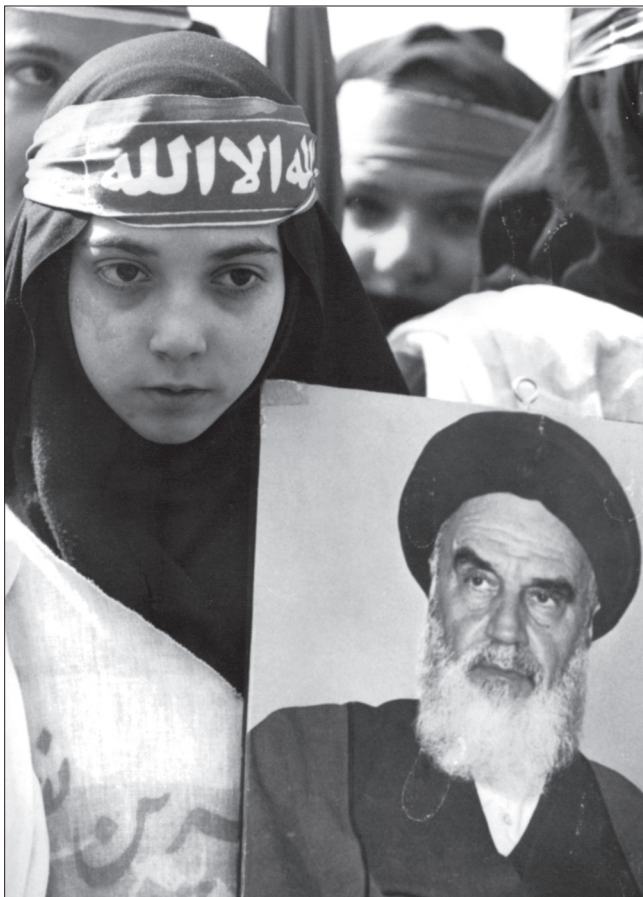
□ روش تدریس

□ ابزار کمک آموزشی

پس از اینکه دروس پیشنهادی یاد شده با تشخیص مشاور روانشناس گروه مبتنی بر نوع و میزان مفاهیم قابل انتقال به کتب دانش‌آموزان در هر مقطع تحصیلی تهیه شد، ۳ بسته درسی کامل به سازمان تألیف کتب درسی ارائه خواهد شد. نتیجه این فعالیت آن است که امکان نقد و بررسی بسته‌های پیشنهادی توسط کارگروه‌های دفتر تألیف کتب درسی فراهم می‌شود. در این صورت دفتر تألیف می‌تواند یکی از ۳ بسته پیشنهادی را بپذیرد یا اینکه هیچ کدام از آنها را مناسب تشخیص نداده، خود اقدام به تولید یک بسته مشابه بسته‌های پیشنهادی کارگروه نماید. به عبارت دیگر این فعالیت زمینه ساز ورود مفاهیم و ارزشهای دفاع مقدس در حوزه آموزش و پرورش است.

علاوه بر این می‌توان از فعالیتهای جنبی برای ایجاد جذابیت در درسها استفاده کرد. به عنوان مثال، جلسات نقد کتب دفاع مقدس را با حضور نویسندگان آن در مدارس برگزار کرد. همچنین کتب ادبیات فارسی دارای بخشهایی تحت عنوان «بحث آزاد» و «نقد» هستند که می‌توان از این بخشها برای وارد کردن ادبیات شاخص دفاع مقدس استفاده کرد. باید توجه داشت که تنها ورود متون دفاع مقدس در دروس کتب فارسی کافی نیست. بلکه نیاز به وجود دروس و کتب حامی ضروری است که موضوع را

هدف اصلی از وارد کردن مفاهیم دفاع مقدس به کتب ادبیات فارسی، نخست ایجاد سؤال در ذهن دانش‌آموزان نسبت به دفاع مقدس است



و شنیده‌های همیشگی دانش‌آموزان هستند اکتفا کرد. بلکه باید با وسعت دید و نوآوری در انتقال مفاهیم به پدیده جنگ نگریست. در این صورت نتایج زیر حاصل خواهد شد:

□ اعضای کارگروه گزینه‌های بیشتری برای انتخاب مواد خام در اختیار دارند.
□ دانش جدیدتری به دانش‌آموزان انتقال می‌یابد.

□ تصور القای صرف مفاهیم اعتقادی از طریق مباحث جنگ اصلاح می‌شود.

□ در دانش‌آموزان اعتماد بیشتری ایجاد می‌شود.

□ تأثیر غیرمستقیم تربیتی اتفاق می‌افتد. به عنوان مثال، می‌توان یک فصل مستقل در درس شیمی دوره دبیرستان درباره سلاحهای شیمیایی و کیفیت ساخت این سلاحها در کشورهای توسعه‌یافته در نظر گرفت. در این فعالیت نیاز به ارزشگذاری نیست و هدف آن می‌تواند دستیابی غیرمستقیم دانش‌آموز به نقش

علم در معادلات سیاسی جهان امروز باشد. به عنوان مثالی دیگر، می‌توان بخشی از معاهده ژنو درباره رفتار با اسراء و موارد نقض این معاهده در سالهای جنگ را در درس زبان وارد نمود.

علاوه بر این، دفاع مقدس باید به عنوان یک نمونه موفق در نظام اسلامی مدنظر قرار گیرد. نمونه ای که بسیاری از ویژگی‌ها و مشخصه‌های آن قابل الگوبرداری است. برخی از این ویژگی‌ها عبارتند از: کار تیمی و گروهی، احترام به نظرات همه افراد حتی نیروهای جزء، شایسته سالاری، تعاون و همکاری، مسئولیت پذیری و تقسیم کار، توکل در عین تلاش، برنامه ریزی بلندمدت، اطاعت پذیری از فرد باتجربه تر و عالم‌تر، حاکمیت علم و تجربه در

روابط میان افراد، اعتماد به نفس، مقاومت در مقابل سختیها برای دستیابی به پیروزی، مهارتهای زندگی، نشاط و شادابی، جمع پذیری، مدیریت منابع انسانی، فداکاری و ایثار، ابداع در مدیریت، روشهای رزم و نظایر آن، سربلندی و افتخار، استقلال و ایستادگی در برابر دشمن از بعد ملی، ایستادگی مقابل حرف فرمانده از بعد فردی، آمادگی، مقاومت، ظلم ستیزی، حذف سلسله مراتب اضافی، مهرورزی با طرف مقابل، رعایت عهدنامه ژنو، حماسه، وحدت و نظایر آن.

برخی دیگر از موضوعات و سؤالات مرتبط با دفاع مقدس که می‌توان به آنها پرداخت عبارتند از: چرا جنگ کردیم؟ چگونه جنگ کردیم؟ تفاوت جنگ و مقاومت چیست؟ بیان تاریخی وقایع مهم



تأثیرگذار در جنگ، تاریخچه تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، افراد مؤثر در جنگ، درسهای اخلاقی جنگ، بچه‌ها در جنگ، فرزندان شهدا، شهدای شیمیایی، پیشرفتهای فیزیکی در جنگ، اسارت، جانبازی، شعرا و نویسندگان دفاع مقدس، بزرگان جنگ و موضوعاتی نظیر آن.

پیش نیازهای لازم برای ورود مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس به حوزه‌ی آموزش و پرورش

ورود به حوزه آموزش و پرورش نیازمند رعایت پیش نیازهایی است. عدم رعایت این پیش نیازها تأثیرگذاری فعالیت را دچار مشکل خواهد کرد. طبیعی است تحقق همه این پیش نیازها نیازمند کار کارشناسی و بلندمدت است. این پیش نیازها عبارتند از:

۱- شناخت فضای ذهنی دانش آموزان و نوع نگاه آنها به دفاع مقدس: لازم است پیش از برنامه‌ریزی در مورد نحوه ورود به حوزه‌ی آموزش و پرورش یا همزمان با آن، فعالیتی پژوهشی با هدف شناخت فضای فکری نسل حاضر در گروه جامعه‌محور تعریف شود.

۲- شناخت رویکردهای ورود به حوزه آموزش و پرورش: برای ورود به هر مقطع تحصیلی لازم است از یک رویکرد خاص بهره‌گرفت و موضوعات مناسب برای آن مقطع را متناسب با رویکرد آن مقطع انتخاب کرد. برای نمونه کتاب ادبیات فارسی مناسبترین مدخل برای ورود در همه مقاطع تحصیلی نیست. چون اگر چه کتاب فارسی در مقطع دبستان جایگاه محوری دارد اما با ورود دانش آموزان به مقاطع تحصیلی بالاتر اهمیت و جایگاه این درس به تدریج کاهش می‌یابد، به صورتی که این درس در سالهای پایانی دبیرستان تبدیل به یک درس تخصصی می‌شود. بنابراین باید در هر مقطع، درس محوری و مناسبی را که می‌تواند محمل انتقال مفاهیم ارزشی به دانش آموزان باشد، شناخت. برخی از رویکردهایی

که می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند عبارتند از:

□ آسیب شناسی دانش آموزان: می‌توان آسیبهای روحی، روانی و اعتقادی دانش آموزان را مدنظر قرار داد و تلاش نمود با ظرفیتهای موجود در دفاع مقدس آنها را ترمیم نمود. آسیبهایی مانند تنبلی، ترسویی، بی‌مسئولیتی، راحت طلبی، ثروت طلبی، سطحی نگری، اعتماد به نفس پایین، تمایل افراطی به جنس مخالف، نگاه آرمانی به عشق و روابط عاشقانه، خودخواهی، پذیرش شایعه و دهن بین بودن، نگاه حداقلی به دین، موضع گیری نسبت به جنگ و جنگ طلب، خشن و تندرو دانستن انسانهای انقلابی □ نیازسنجی از دانش آموزان: باید نیازهای نسل جوان را شناخت و مبنای برنامه‌ریزی در کارگروه قرار داد. حقیقت آن است که دانش آموزان سالهای راهنمایی و دبیرستان نیازهای مختلفی دارند و کتابهای درسی نمی‌توانند به شکل صحیح این نیازها را پوشش دهند. علاوه بر این، دانش آموزان علاقه مند هستند هرکدام از این نیازهایشان که مغفول مانده است، با رویکردهای خاص پوشش داده شوند. به عنوان مثال، تجربه نشان داده است که دانش آموزان نسبت به قسمتهای عملی کتاب آمادگی دفاعی علاقه‌مند هستند و به قسمتهای تعریفی آن مانند توضیح بسیج یا ش.م.ر علاقه‌ای نشان نمی‌دهند.

□ نگاه یکپارچه به موضوع: در کنار نگاه خرد به هر مقطع سنی و نیازها و آسیبهای آن در تولید محتوا، باید نگاه کلان به کل مطالب تولید شده نیز داشت و پیوستگی مطالب را در طی سالهای مختلف مدنظر قرار داد. بدون تردید تکرار یک مطلب واحد در چند سال متوالی در کتابهای درسی برای دانش آموزان ایجاد دل زدگی می‌کند.

۳- شناخت مشکلات و موانع فعالیت: مرکز اسناد باید مشکلات فراروی خود را در ورود به حوزه آموزش و پرورش شناسایی نماید.

۴- ورود به حوزه کودکان و نوجوانان: گروه

از قالبهای متفاوت مانند قالب گزارش، داستان، کمیک استریپ و نظایر آن استفاده کرد.

رسانه بسته فرهنگی: باید مداخل ورود به فضای ذهنی دانش آموزان را شناسایی نمود از مداخلی برای انتقال مفهوم به دانش آموزان استفاده کرد که بتوان میزان تأثیرگذاری روی دانش آموزان را به حداکثر رساند. به عنوان مثال، شاید کتاب جغرافیا برای برخی از مقاطع تحصیلی مداخل ورودی مناسبتری از کتاب ادبیات فارسی باشد. علاوه بر این، باید از روشهای غیرمستقیم برای تأثیرگذاری روی دانش آموزان استفاده کرد و در حقیقت ذهن ناخودآگاه دانش آموزان را بکار گرفت.

۸- شاخصهای تأثیرگذاری فعالیت: لازم است شاخصهای تأثیرگذار یک فعالیت روی مخاطب استخراج شوند و فعالیت، مبتنی بر این شاخصها مورد سنجش قرار گیرند. به عبارت دیگر، باید مشخص نمود که از ورود به حوزه آموزش و پرورش دقیقاً چه نتایجی موردانتظار است. برخی از این شاخصها عبارتند از:

ایجاد شناخت در دانش آموزان

ایجاد باور در دانش آموزان

ایجاد رفتارها و نگاه پرسشگر در دانش آموزان

ایجاد تحرک در دانش آموز برای پاسخگویی

جلسه سوم

مبتنی بر نظرات ارائه شده در مورد پیش نیازهای ورود مرکز به حوزه آموزش و پرورش، اعضای کارگروه تصمیم گرفتند که برای شناخت بیشتر در مورد نظر وزارت آموزش و پرورش نسبت به طرح ورود مفاهیم دفاع مقدس، با مسئولین دفتر تألیف کتب درسی جلسات مشورتی برگزار نمایند. جلسه سوم پس از این فعالیتهای به منظور بررسی های بیشتر موضوعات بحث شده برگزار شد. در ابتدای جلسه، اعضای کارگروه به ارائه گزارش مذاکرات خود با

جامعه محور می تواند پیش از ورود به حوزه آموزش و پرورش، به حوزه کودکان و نوجوانان وارد شود و برای این گروه مخاطب، تولید محصول نماید. سپس با بررسی بازخوردهای این فعالیت، برای ورود به حوزه آموزش و پرورش برنامه ریزی دقیقتری انجام دهد.

۵- بررسی مفاهیم دفاع مقدس در کتب درسی: لازم است مواد درسی مرتبط با دفاع مقدس در تمامی کتب درسی از سال اول دبستان تا پیش دانشگاهی اعم از ادبیات فارسی، تعلیمات دینی و نظایر آن احصا شوند. در این بررسی مطالب مرتبط با دفاع مقدس به هر میزان که در کتب درسی وجود دارند احصا می شوند، یک بیت شعر، یک فراز از روایت، یک درس یا کتاب کامل مانند کتاب آمادگی دفاعی. این بررسی با این هدف انجام می گیرد که الگوهای قابل اجرای آموزشی با همه کاستی های موجود شناخته شوند. با انجام این بررسی اعضای کارگروه به آنچه تاکنون در این حوزه انجام گرفته است شناخت و آگاهی می یابند و نگاه وسیعتری نسبت به موضوع می یابند. علاوه بر این، نگاه مؤلفین کتب درسی نسبت به ورود مفاهیم دفاع مقدس به کتب درسی کشف شود.

۶- استفاده از مشاور: لازم است برای ورود به حوزه های مختلف آموزش و پرورش، از مشاوره های روانشناسان رشد و آموزش و پرورش بهره گرفت.

۷- بررسی دقیق و کارشناسی مؤلفه های اصلی بسته پیشنهادی: در هر بسته فرهنگی سه مؤلفه باید مورد توجه قرار گیرند، این مؤلفه ها عبارتند از: محتوای بسته فرهنگی: برای تولید محتوا، سه مؤلفه را می توان در نظر گرفت:

الف. نیازهایی که هر رده سنی دارند

ب. معضلاتی که هر رده سنی با آن مواجه است

ج. توانمندیهای که هر رده سنی باید آنها را دارا باشند

قالب بسته فرهنگی: برای انتقال محتوا می توان

نقشه راه حرکت کارگروه در آینده، شیوه های مواجهه با نسل جوان و پیچیدگی های آن و همچنین تدقیق برخی از پیش نیازهای ورود به حوزه آموزش و پرورش بود. برای استفاده بهتر و مناسب تر، مطالب مطرح شده در جلسه در سرفصلهای کلی زیر ارائه می شوند.

شیوه های مواجهه با دانش آموزان و نسل حاضر

بسته متون درسی که کارگروه قصد دارد آن را به دفتر تألیف کتب درسی ارائه دهد، یک خوراک فکری است که در اختیار دانش آموزان قرار می گیرد. برای اینکه دانش آموزان این خوراک را بپذیرند و آن را پس زنند باید در تجویز این خوراک با هوشمندی و فکر عمل شود. لازم است از شیوه هایی استفاده شود و از چاشنی هایی در کنار این خوراک بهره گرفت که پذیرش خوراک اصلی را برای دانش آموزان ممکن و آسان نماید. بنابراین، مطالعه شیوه های ارائه مطلب به دانش آموزان حتی از تهیه سرفصلهای موضوعی مهمتر است و اولویت بیشتری دارد. همین مسئله پیچیدگی فعالیت را دوچندان می کند. سه علت اصلی این پیچیدگی عبارتند از:

- حجم مطالب مرتبط با دفاع مقدس که هنوز نسل جدید از آنها بی اطلاع است، بسیار فراوان است و همین مسئله مواجهه با این موضوع را اضطراب آور می کند.
- نسل جدید با نسل قدیم بسیار متفاوت است و ذهن بسیار پیچیده ای دارد. لذا برقراری ارتباط با نسل جدید بسیار مشکل است.
- پیچیدگی همراه با گذر زمان افزایش می یابد. علاوه بر این، نیازهای نسل جدید نیز همراه با گذر زمان تغییر پیدا می کنند.

مواجهه با این پیچیدگی به دو طریق امکان پذیر است: ۱- می توان یک فعالیت بلندمدت تعریف نمود و با برگزاری جلسات مشورتی متعدد با روانشناسان، جامعه شناسان و صاحب نظران حوزه ی آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت، از تجربیات آنها برای یافتن

مسئولین آموزش و پرورش پرداختند که مضامین اصلی آن عبارتند از:

- آموزش و پرورش از موضوع فعالیت مرکز بسیار استقبال نمود.

- ۱۱۰ سازمان و نهاد تقاضای ورود به حوزه ی آموزش و پرورش و به ویژه کتب درسی دارند.

- نهادهای دیگری به موازات مرکز اسناد وجود دارند که تقاضای ورود حوزه دفاع مقدس به کتب درسی دارند که البته رایزنی های آموزش و پرورش با برخی از مراکز برای همکاری کامل نشده است و متوقف مانده است. این نهادها عبارتند از:

□ نیروی مقاومت بسیج

□ ستاد کل نیروهای مسلح

□ بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس

- مسئولین دفتر تألیف کتب درسی بر لزوم بررسی وضع موجود کتب درسی از نظر مفاهیم و ارزشهای دفاع مقدس توسط اعضای کارگروه و ارائه نظرات و انتقادات و انتقال نقاط ضعف تأکید داشتند.
- مسئولین دفتر تألیف کتب درسی از اعضای کارگروه برای حضور در جلسه بررسی کتاب آمادگی دفاعی و بیان نقطه نظرات در مورد متن کتاب آمادگی دفاعی دعوت به عمل آوردند.

- دفتر تألیف علاوه بر کتب درسی بر موضوعات جنبی و مکمل نیز تأکید داشتند و بیان کردند که کارگروه می تواند از روشهای دیگر برای ورود محتواهای تولیدی در حوزه ی آموزش و پرورش استفاده کند. برخی از این روشها عبارتند از

□ تولید محتوا در کتاب راهنمای معلم

□ ارائه موضوع به معلمین برای ارائه به دانش آموزان در مناسبتهای مختلف

□ تولید سی دی های مستقل در کنار کتاب به عنوان راهنمای کمک آموزشی

پس از ارائه گزارش، کارشناسان کارگروه نظرات خود را ارائه کردند. موضوعات محوری جلسه سوم،

روشهای انتقال مطالب به دانش‌آموزان استفاده کرد. ۲- می‌توان نگاه واقع بینانه و ساده به فعالیت داشت و با پیچیدگی‌ها مواجه نشد.

آنچه که اصولی به نظر می‌رسد، راه اول است. البته فعالیت بلندمدت نباید مانع از ورود کارگروه به حوزه آموزش و پرورش بشود. بلکه کارگروه در کنار برنامه ریزی بلندمدت، باید به فکر ارائه خروجی و محصول نیز باشد. وجود خروجی و حداقل تهیه پیش نویس متون برای کتب درسی، زمینه را فراهم می‌کند که از کارشناسان و صاحب‌نظران برای ارائه نظرات در مورد پیش نویس و نقد و اصلاح آن بهره گرفت. علاوه بر این، خروجی‌های کارگروه در صورت عدم استقبال آموزش و پرورش می‌تواند به شکل مستقل منتشر شود و مورد استفاده عموم قرار گیرد.

در مورد پیچیدگی مواجهه با نسل جوان رعایت چند نکته لازم و ضروری است. این نکات عبارتند از:

- یکی از ویژگی‌های مطالب ارائه شده به نسل جدید، درهم تنیدگی مطالب است. نباید مطالب را به شکل ساده و بدون ملاحظه پیچیدگی به نسل جدید ارائه کرد.
- نویسندگان متون باید با موضوع ارتباط تنگاتنگ داشته باشند تا بتوانند شیوه‌های مناسب انتقال مطلب به دانش‌آموزان را بیابند. به عنوان مثال یک نویسنده برای نوشتن یک متن نباید تنها به مطالعات کتابخانه‌ای اکتفا کند، بلکه باید موضوع را از نزدیک ببیند و سپس آن را برای کودکان و نوجوانان ترسیم کند.

- باید ملاحظات محیطی و فرهنگی دانش‌آموزان را مدنظر قرار داد و از شیوه‌های مناسب برای مواجهه با دانش‌آموزان مناطق مختلف کشور استفاده کرد. به عبارت دیگر، می‌توان با استفاده از بضاعت هر استان، موضوعات مناسب برای کتب درسی همان استان را انتخاب کرد. به عنوان مثال، می‌توان شهید زنگ آبادی را در کتابهای درسی استان

کرمان انتخاب نمود تا دانش‌آموزان بتوانند با موضوع به شکل مناسبتری ارتباط برقرار کنند.

نقشه راه حرکت کارگروه

کارگروه آموزش و پرورش در ابتدای راه است و برای ادامه حرکت خود علاوه بر تعیین اولویتهای، پیش‌نیازها و فعالیت‌های مکمل، نیاز به نقشه راه دارد تا بتواند با دقت بیشتری طی مسیر کند و به سمت اهداف خود حرکت کند. به عنوان یک پیشنهاد، می‌توان موضوعات جلسات آینده را مبتنی بر سه مؤلفه اصلی بسته در حال تهیه برای ارائه به آموزش و پرورش، یعنی محتوا، قالب و رسانه تعیین کرد و در هر جلسه با دعوت از کارشناسان و متخصصین در حوزه‌های مختلف مانند جامعه‌شناسی، علوم تربیتی، روانشناسی رشد، مدیریت آموزشی و نظایر آن به بررسی کارشناسی هر کدام از مؤلفه‌ها و ارائه راهکارهای اجرایی پرداخت.

نظرسنجی از دانش‌آموزان؛ یکی از مهمترین پیش‌نیازها

با توجه به پیچیدگی‌های مطرح شده، لازم است فعالیت کارگروه یک فعالیت پویا باشد و در تمام طول مسیر از فعالیتهای خود بازخورد بگیرد تا بتواند مسیر حرکت خود را اصلاح نماید. بنابراین، می‌توان پیش از ارائه متون درسی به آموزش و پرورش، پیش نویس اولیه آنها را تنظیم نمود و به دانش‌آموزان مختلف ارائه کرد و از آنها در مورد متون نظرسنجی کرد. این نظرسنجی باید ویژگی‌های زیر را دارا باشد:

- دانش‌آموزان با چند متن مختلف از ساده، نیمه پیچیده و پیچیده مواجه شوند و تیم تحقیق بررسی کند که هر کدام از متون به چه میزان دانش‌آموزان را درگیر می‌کنند.
- تهیه متون پیچیده زمان بر است و لذا اعضای کارگروه باید در تهیه متون صبر و شکیبایی داشته باشند.
- باید نسبت به نوع تفکر و نگاه نسل جدید به جنگ و متون تهیه شده در مورد آن آگاهی و اشراف داشت.

دانش آموز نسبت به داستان آرش ابهام ایجاد می شود. زیرا خود آرش را نمی شناسد تا آرش دیگری برای او معنا داشته باشد.

• کتب درسی که یک مفهوم را بیان می کنند، اطلاعات اولیه و پیش نیاز و مطالب مرتبط با آن مفهوم را به دانش آموزان ارائه نمی دهند. به عنوان مثال وقتی داستانی در مورد حوادث انقلاب بیان می شود، مفاهیمی مانند انقلاب اسلامی یا بسیج و نظایر آن تعریف نمی شوند.

• متون دفاع مقدس بر مبنای خاطرات انتخاب شده اند و از اسناد مستند استفاده نشده است. نتیجه این مسئله آن است که:

□ موضوعات از زاویه دید فردی بیان شده اند و موضوع به صورت همه جانبه پوشش داده نشده است.

□ امکان بروز تحریف در خاطرات بسیار زیاد است؛ به عنوان مثال در داستان «شوق آموختن» در کتاب سال دوم راهنمایی بنا به تشخیص مؤلفین کتاب شخصیتها تغییر پیدا کرده آمد. (این داستان از کتاب «حکایت زمستان» انتخاب شده است و شخصیت «بی بی گل» نامزد «حسین علی» یکی از اسرای جنگ تحمیلی است که توسط مؤلفین کتاب به مادر بزرگ حسین علی تغییر یافته است.)

در تخلیص خاطرات رعایت امانت نشده است و در نتیجه برخی از مطالب تغییر پیدا کرده اند؛ به عنوان مثال داستان کودکی شهید چمران در کتاب فارسی اول راهنمایی تغییر یافته است.

• در بخش «نامها و یادها» در معرفی افراد تنوع وجود ندارد و از متون مشابه برای همه شخصیتها استفاده شده است. برخی از اشکالات این بخش عبارتند از:

□ از یک نوع زبان برای بیان زندگینامه استفاده شده است.

□ از یک رویکرد برای نوشتن همه متون استفاده شده است.

□ در زندگینامه ها تفاوتی وجود ندارد.

• باید از روشهای غیرمستقیم برای انتقال مطلب به نسل جدید بهره گرفت. این کار باید به شکلی انجام شود که مخاطب در همان نگاه اول، متوجه هدف تهیه کنندگان مطلب نشود و حتی نتواند سریع اظهار نظر کند و ذهن او درگیر مطلب شود.

در انتهای جلسه سوم اعضای کارگروه تصمیم گرفتند که به بررسی متون مرتبط با دفاع مقدس در کتب ادبیات فارسی دوره راهنمایی بپردازند تا با وضعیت موجود آشنایی بیشتری پیدا کنند.

جلسه چهارم

محور گفتگوهای اعضای کارگروه در جلسه چهارم، نقد کتب ادبیات فارسی دوره راهنمایی و بررسی نظرسنجی در مورد فضای ذهنی دانش آموزان بود. در ادامه مضمون اصلی هر کدام از این مطالب ارائه می شوند.

نقد کتب ادبیات فارسی دوره راهنمایی

• در کتاب فارسی هر سال تحصیلی دو متن مرتبط با دفاع مقدس وجود دارد.

• میان متون در کل ساختار کتاب تجانس و هماهنگی وجود ندارد.

• برخی از متنهای مرتبط با انقلاب و دفاع مقدس در کتابهای فارسی ضعیف و نامناسب هستند. به عنوان مثال، داستان «چشمان مادر بزرگ» دارای ویژگی هایی است که اثرگذاری آن را کاهش داده است:

□ مطالب به شکل مستقیم ارائه شده اند.

□ متن، زبان نصیحت گو دارد.

□ متن شعاری است

• در کنار متون مرتبط با دفاع مقدس متون پیش نیاز وجود ندارد؛ به عنوان مثال شعری مرتبط با دفاع مقدس با عنوان «آرشی دیگر» آورده شده است در صورتی که به دانش آموز در مورد شعر آرش شناخت و آگاهی ارائه نمی شود و این شعر از کتاب درسی حذف شده است. در نتیجه در ذهن

- اصول اولیه ادبی در معرفی شخصیتها در پشت جلد رعایت نشده است و دانش‌آموزان با شخصیتهایی که در پشت جلد معرفی شده‌اند ارتباط برقرار نمی‌کند. به عنوان مثال، از یک متن سنگین در حد دانشجویان در مورد شهید آوینی برای دانش‌آموزان سال دوم راهنمایی استفاده شده است و به روحیات دانش‌آموزان توجه نشده است.
- نه تنها متون دفاع مقدس، بلکه کل متون کتاب دارای مشکلات ساختاری هستند.
- در معرفی شخصیتها به روحیات و نگاه نسل جدید توجه نشده است.
- در کتاب از جملات غیرمتناسب با سن دانش‌آموزان استفاده شده است؛ به عنوان مثال این جمله شهید آوینی «تاریخ فردای کره زمین به دست شما نوجوانان و جوانان تحقق می‌یابد.» متناسب با سن دانش‌آموز کلاس اول راهنمایی نیست.
- در متون کتب درسی از رویکرد تحمیلی استفاده شده است. به عبارت دیگر، هدف نویسنده متن این بوده است که یک مفهوم یا باور را به دانش‌آموز بقبولاند.
- برخی مطالب و متون دروس طولانی هستند. به عنوان مثال، در کتاب دوره راهنمایی ۴ صفحه شعر در مورد فلسطین آورده شده است.
- در بخش اعلام کتابها اشکالات تاریخی، استنادی و ادبی وجود دارند. برخی از این اشکالات عبارتند از:
 - استفاده از عبارت «سرانجام درگذشت» برای «رحلت امام خمینی»
 - تاریخ تولد و مرگ امیرکبیر بیان نشده است.
 - برای معرفی دکتر قیصر امین پور از این عبارت احساسی استفاده کرده است که مناسب سن دانش‌آموزان نیست. «این استاد و شاعر خوشنام دریغا که به ناگهان و زود چشم از جهان فروبست»
 - مزار شهید چمران به اشتباه دهلاویه بیان شده است در صورتی که مزار ایشان در تهران است.
 - نام شهر «بستان» به اشتباه «بوستان» بیان شده است.
- تاریخ شهادت شهید مهدی باکری اشتباه بیان شده است.
- نحوه شهادت شهید جهان آرا، بمب گذاری در هواپیما بیان شده است، در صورتی که علت شهادت این شهید، سقوط هواپیما بوده است.
- در اعلام باید از عبارات پژوهشی استفاده شود در صورتی که از عبارات احساسی استفاده شده است.
- کار کارشناسی دقیق روی متون کتب درسی انجام نشده است و مؤلفین کتاب برای تألیف دروس تنها به انتخاب از بین متون موجود در ادبیات فارسی اکتفا کرده‌اند و این متون را بدون رعایت هماهنگی و تجانس کنار هم قرار داده‌اند.
- کتابها از علم و دانش خالی هستند و دانش لازم را به دانش‌آموزان انتقال نمی‌دهند.
- متون به شکل تصادفی انتخاب شده‌اند و فلسفه کلی در انتخاب متون وجود ندارد.
- در صورتی که کارگروه، ادبیات پایداری پیشنهادی خود را برای ورود به کتب درسی ارائه دهد، این متن با دیگر متون کتاب نامتجانس و ناهماهنگ خواهد بود و لذا با فضای کتاب نامتناسب است.
- پس از نقد کتب، اعضای کارگروه نکاتی را نیز مطرح کردند که عبارتند از:
 - لازم است کارگروه در کنار نقد متون، متون مناسب مرتبط با دفاع مقدس را پیشنهاد و ارائه دهد و تنها به نقد آنها اکتفا نکند.
 - لازم است هر کدام از اعضای کارگروه از منظر خود، کتب درسی را از همه ابعاد به شکل جامع نقد کنند. علاوه بر این، باید الگویی کلان و یکپارچه نگر برای نقد کتب رعایت شود. برخی از ابعاد این الگو عبارتند از:
 - نقد ساختاری کل کتاب از منظر هدف از تألیف کتاب و بررسی میزان فاصله متن کتاب با هدف از تولید آن
 - استخراج اشکالات استنادی کتاب
 - مبانی تألیف کتاب
 - نظم



□ نشر

□ صفحه آرایی

□ گرافیک

□ محتوا

□ مخاطب شناسی

□ آیین نگارش

• نقد صحیح کتب درسی توسط کارگروه، حتی اگر بدون ارائه جایگزین مناسب برای متون درسی انجام گیرد، می تواند کارکردهای مناسبی داشته باشد. به عنوان مثال، وقتی در نقد صحیح بیان می شود که رعایت ویژگی «غیرمستقیم گویی» در متون رعایت نشده است و همین ویژگی به مؤلفین کتاب ارائه می شود، می تواند راهکار صحیح را به آنها نشان دهد. • لازم است در نقد کتب درسی و ارائه آن به دفتر تألیف، جریان طبیعی حرکت رعایت شود و مؤلفین و مسئولین برای تغییر متون کتب متقاعد شوند. در این صورت فرآیند اصلاح کتب در آموزش و پرورش نهادینه خواهد شد و با تغییر مسئولین، نگاه وزارت آموزش و پرورش به این مسئله تغییر نخواهد کرد.

نظرسنجی و آگاهی سنجی در مورد نیازهای نسل جوان
مسئله دیگری که در جلسه چهارم به آن پرداخته شد، احصا و استخراج نیازهای نسل جوان بود. اعضای کارگروه معتقد بودند که در کنار نقد کتب درسی، یکی از پیش نیازهای دیگر، انجام نظرسنجی و آگاهی سنجی از دانش آموزان در مورد متون کتب درسی است. این نظرسنجی می تواند میان مدارس شهر تهران و شهرهای اطراف انجام گیرد. نکاتی که در این نظرسنجی باید رعایت شوند عبارتند از:

چند متن پیشنهادی ضعیف، متوسط و قوی توسط کارگروه تهیه شوند و به همراه متون کتب درسی به دانش آموزان ارائه شود تا در مورد آنها اظهارنظر کنند.

□ اختصار در متون تهیه شده برای اظهارنظر

دانش آموزان رعایت شود.

□ متون تهیه شده روان و ساده باشند

□ لازم است تیم پژوهشی که پروژه نظرسنجی را به انجام می رسانند، در کارگروه حضور یابند و نظرات و ملاحظات اعضای کارگروه را در فرآیند نظرسنجی استماع کنند و در فعالیت اعمال نمایند. به عنوان مثال، لازم است شیوه های استاندارد نظرسنجی علوم اجتماعی در این پروژه تغییر کنند و شیوه های متناسب با این موضوع تولید شوند.

نتیجه گیری

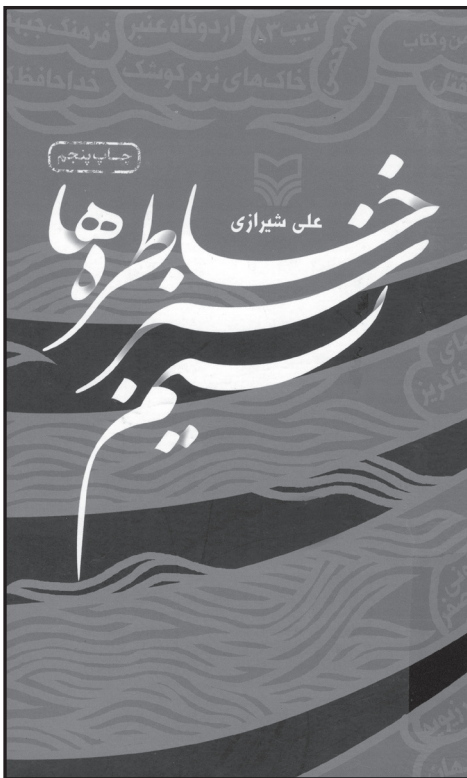
موضوع ورود ارزشها و مفاهیم دفاع مقدس به حوزه آموزش و پرورش که کلیدی ترین و محوری ترین حوزه تأثیرگذار در شکل گیری فرهنگ یک جامعه است، گروه جامعه محور مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس را بر آن داشت تا با تشکیل کارگروه تخصصی و برگزاری نشستهای کارشناسی، به بحث و بررسی این موضوع بپردازد. علاوه بر جلسات کارشناسی، فعالیتهایی نظیر تعامل با دفتر تألیف کتب درسی وزارت آموزش و پرورش، نقد متون مرتبط با دفاع مقدس در کتب ادبیات فارسی، بررسی مقالات علمی مرتبط با موضوع نیز انجام گرفت. هرچند نتایج به دست آمده در جلسات برگزار شده، بسیار خوب و راضی کننده بود، ولی پیچیدگی و حساسیت این فعالیت نیاز به بحث و بررسی های کارشناسی بیشتر و دقیقتر دارد. مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس از دیدگاهها و نظرات صاحب نظران و کارشناسان هر دو حوزه ی آموزش و پرورش و دفاع مقدس به منظور نگارش مقاله، شرکت در مباحث و تکمیل این موضوع استقبال می کند.

معرفی کتاب

مرتضی شهریار

۱. نسیم سبز خاطره‌ها

کتاب «نسیم سبز خاطره‌ها» برای آشنایی بیشتر مردم با تقریظ‌های مقام معظم رهبری و شناخت اجمالی کتاب‌های مورد نظر معظم‌له منتشر شده است. برخی کتاب‌ها مورد نظر مقام معظم رهبری درباره آنها دست نوشته به یادگار گذاشته‌اند به چاپ هفتم و صدم و برخی کتاب‌های تازه انتشار یافته به سرعت به چاپ سی‌ام و چهلم رسیده است. عناوین اثرهای معرفی شده در این کتاب همراه با تقریظ‌های مقام معظم رهبری درباره هر اثر، عبارتند از:



قرویز، سفر سرخ، آتش به اختیار و من و کتاب.»

نویسنده کتاب درخصوص این اثر می‌گوید: «ما در این کتاب سعی کردیم چند نکته را مورد توجه قرار بدهیم. اول نگاه مقام معظم رهبری به دفاع مقدس و فرهنگ آن، دوم اهمیت این فرهنگ در رابطه با حفظ ارزش‌ها و صدور انقلاب اسلامی و سوم باتوجه به نگاه ایشان، تقریظات به‌گونه‌ای انتخاب شدند که کتاب‌هایی مورد توجه قرار بگیرند که وقتی افراد این کتاب‌ها را مطالعه می‌کنند، قطعاً گرایش‌شان به مطالعه کتاب خصوصاً

کتاب‌های دفاع مقدس افزون‌تر شود. چهارم سعی شد در این کتاب خلاصه‌ای از آن کتاب‌ها آورده شود که اگر کسی نتوانست کتاب را پیدا کند، بتواند با مراجعه به کتاب «نسیم سبز خاطره‌ها»، نمایی از این کتاب را به دست آورد.»

گفتنی است، کتاب نسیم سبز خاطره‌ها به کوشش حجة الاسلام والمسلمین علی شیرازی، نماینده ولی فقیه در نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، با شمارگان ۲۵۰۰ نسخه از سوی انتشارات سوره مهر وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی منتشر شده است.

«سفر به قله‌ها، هنگ سوم، قصه‌ی فرماندهان، جشن حنابندان، تیپ ۸۳ پرواز شماره ۲۲، خداحافظ کرخه، شانه‌های زخمی خاکریز، نجیب، زنده باد کمیل، یادیاران، جنگ خیابانی، فرهنگ جبهه، تپه‌های لاله سرخ، جدال در زیویه، مقتل، دا، نونی صفر، خط فکه، گزارش یک بازجویی، اردوگاه عنبر، عبور از آخرین خاک ریز، جنگ پابره‌نه، فرمانده من، پابه پای باران، مدال و مرخصی، دسته یک، خاک‌های نرم کوشک، ضربت متقابل، همپای صاعقه، یادداشت‌های ناتمام، بابانظر، از الوند تا

۲. مژده‌های سوخته؛ روایتی از زندگی شهید یوسف کلاهدوز

کتاب "مژده‌های سوخته" از مجموعه کتاب‌های "فرماندهان جوان" می‌باشد که به قلم حامد کلاهدوز فرزند شهید یوسف کلاهدوز نگاشته شده و توسط مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس منتشر شده است.

این کتاب که به روایت زندگی سرلشکر پاسدار شهید یوسف کلاهدوز پرداخته است، مشتمل بر ۱۲ فصل می‌باشد.

فصل نخست با عنوان قوچان به شرح دوران کودکی و نوجوانی شهید کلاهدوز می‌پردازد. همچنین عکس‌هایی از دوران کودکی وی در صفحات این فصل قرار گرفته است.

دانشکده‌ی افسری، شیراز، گارد، انقلاب و روزهای پیروزی، تشکیل سپاه، آموزش، قائم مقام سپاه، سفیر، انفجار دفتر نخست‌وزیری و عملیات ثامن الائمه (ع) عناوین فصول دوم تا یازدهم کتاب مژده‌های سوخته می‌باشد.

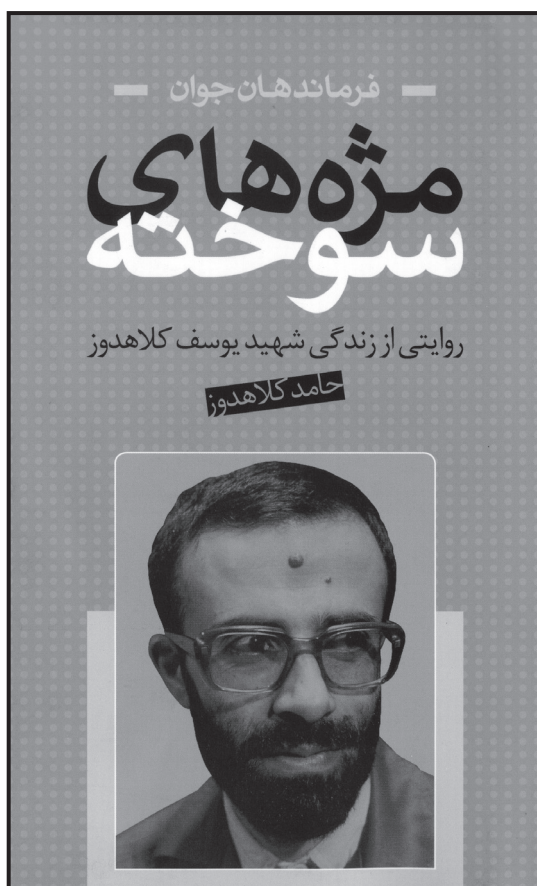
فصل دوازدهم کتاب با عنوان شهادت فصل پایانی کتاب می‌باشد که به روایت آخرین مقطع زندگی شهید کلاهدوز می‌پردازد.

در تدوین این مجموعه منابعی همچون نوارها، فیلم‌ها، گزارش‌ها، دست‌نوشته‌ها و سندهای

موجود در مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس مورد استفاده قرار گرفته است و با تحقیقات تکمیلی به صورت میدانی و مصاحبه با افراد آگاه و هم‌زمان شهید کامل شده است.

فرزند شهید کلاهدوز در خصوص نگارش این کتاب می‌گوید: «نوشتن این کتاب بهانه خوبی شد تا اسناد و مدارکی را که در این سال‌ها به طور پراکنده جمع‌آوری کرده بودم سامان دهم و آرشیو شخصی‌ام را کامل تر کنم و همین طور موجب شد تا آنچه را که از گوشه و کنار درباره‌ی پدرم شنیده بودم کنار هم بگذارم و تصویر واضح‌تر و دقیق‌تری از او داشته باشم. حالا بهتر می‌دانم که اطلاعاتم در چه قسمت‌هایی کامل‌تر است و در چه قسمت‌هایی ناقص و انشاء الله بتوانم به مرور نواقص را برطرف کنم.»

گفتنی است شهید یوسف کلاهدوز در اول دیماه ۱۳۲۵ در شهر «قوچان» متولد شد. وی پس از دریافت دیپلم، وارد دانشکده افسری شد و کارهای مهمی را علیه رژیم شاه انجام دهد. وی پس از انقلاب به قائم مقامی فرماندهی سپاه منصوب شد و سرانجام در روز هفتم مهر ماه ۱۳۶۰ هنگامی که با دیگر هم‌زمانش، با هواپیما از جبهه‌های جنوب بازمی‌گشت، بر اثر سانحه هوایی، به درجه رفیع شهادت نائل شد.



۳. فرماندهان دفاع مقدس؛ شهید حسن باقری

مروری اجمالی بر سال‌های آغازین دفاع مقدس نشان می‌دهد اقدامات اساسی شهید حسن باقری سنگ بنای بسیاری از پیروزی‌های درخشان دفاع مقدس بوده است. تهیه نقشه‌ای جامع و کاربردی از موقعیت جغرافیایی مناطق جنگی، راه‌اندازی واحد اطلاعات عملیات سپاه، شناسایی عمیق توانایی‌های خودی و دشمن، تلاش برای همکاری و ارتقای روحیه وحدت در بالاترین سطوح فرماندهی ارتش و سپاه، پافشاری بجا و تاثیرگذار در حساس‌ترین لحظات تصمیم‌گیری و تبیین شرایط خاص جنگ برای رزمندگان از جمله بنیادی‌ترین عملکردهای شهید حسن باقری در دوران دفاع مقدس است.

هرچند شناساندن ژرفا و عظمت چنین انسان‌هایی که با انفاس الهی و معنوی امام خمینی^(ره) ره صد ساله را یک شبه پیمودند امری دشوار است، اما تلاش برای تبیین شخصیت آنان وظیفه‌ای است که باید در حد توان انجام پذیرد.

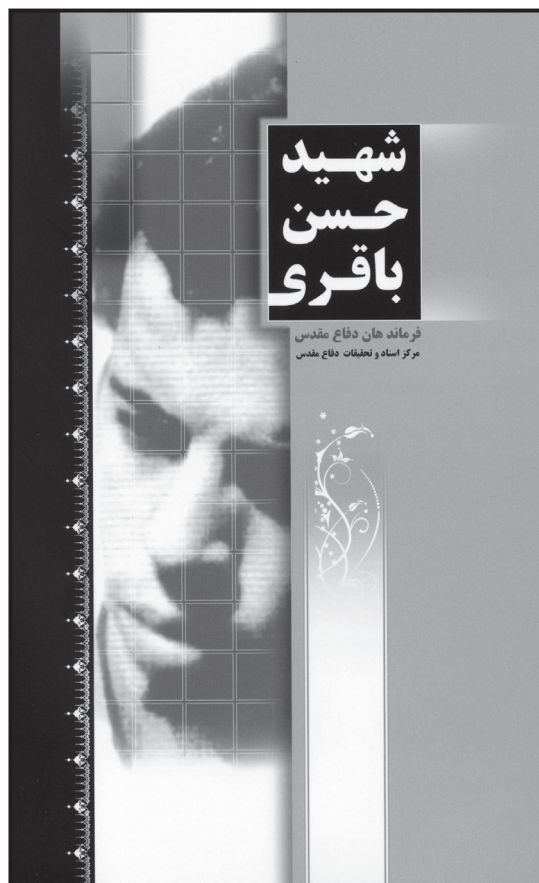
از این رو کتاب "شهید حسن باقری" به اهتمام سعید سرمدی در شمارگان ۲۰۰۰ نسخه از سوی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس منتشر شده است. این کتاب مشتمل

بر مقالات، سخنرانی‌ها، دست‌نوشته‌ها و روایت هم‌زمان این شهید بزرگوار بوده و در هفت فصل منتشر شده است، که عبارتند از «در رثای نظریه پرداز جنگ، سردار غلامعلی رشید»، «نقش و جایگاه شهید باقری در طرح ریزی استراتژی نظامی و فرماندهی جنگ، سردار سید یحیی صفوی»، «شهید باقری اسوه ناشناخته: درآمدی بر الگوی فرماندهی و مدیریت، سردار حسین ظریف منش»، «پیش درآمدی بر فضائل اخلاقی و خصوصیات فرماندهی شهید حسن باقری، سردار غلامعلی رشید»، «تحلیلی بر روند تحولات جنگ، سخنرانی شهید حسن باقری»، «باقری فراتر از دست‌نوشته‌هایش،

علی مینو»، «مروری بر دست‌نوشته‌های شهید حسن باقری»

در پایان این اثر، کتاب‌هایی همچون «چشم‌جبهه‌ها»، «طول قدم‌ها»، «مسافر»، «چشم بیدار حماسه»، «هفت بند التهاب»، «یادگاران، کتاب باقری» و «سقای بسیج» که درباره شهید حسن باقری تألیف شده‌اند معرفی شده است.

شایان توجه است چندگانگی ویرایش متن به دلیل تنوع منابع است که شامل سخنرانی، مقاله، دست‌نوشته و خاطرات می‌باشد.



۴. امیر حماسه‌ها

کتاب امیر حماسه‌ها به قلم علی مولوی‌نیا (شیخیان) گرد آمده و به بازخوانی وقایع آغاز جنگ و بحران‌های سیاسی آن دوران به نقل از مقام معظم رهبری پرداخته است.

این مجموعه مشتمل بر ۱۲ بخش با موضوع آغاز جنگ، ضعف‌ها و خیانت‌های بنی صدر، نخستین حضور مقام معظم رهبری در جبهه‌ها، جنگهای

نامنظم، جبهه غرب، آبادان، سوسنگرد، هویزه، خرمشهر، شورای عالی دفاع، سال آخر جنگ و ویژگی‌های حضور معظم له در مناطق عملیاتی می‌باشد.

مجموعه "امیر حماسه‌ها" توسط انتشارات یاقوت و با حمایت اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان

قم در شمارگان ۳۰۰۰ نسخه با قیمت ۲۵۰۰ تومان به چاپ رسیده و عرضه شده است.

نویسنده کتاب انگیزه خود از انتشار این کتاب را چنین بیان نموده است: «فقدان آثار مکتوب پیرامون این موضوع انگیزه‌ای شد تا با تکیه بر خاطرات مقام معظم رهبری، تحقیق حاضر را که بیانگر حضور موثر و کار ساز معظم له در اداره جنگ است، گردآوری و تولید نمایم.»

۵. بحران بالا می‌گیرد

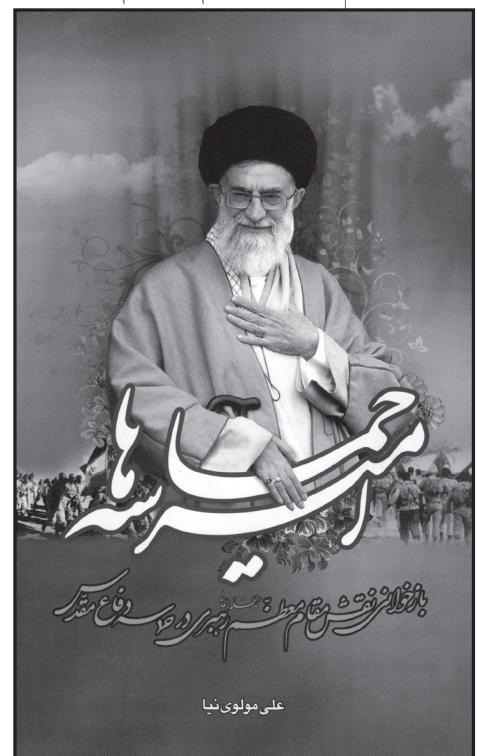
کتاب «بحران بالا می‌گیرد» مناطق جنگی و عملیاتی غرب کشور در استان‌های ایلام، کرمانشاه، آذربایجان غربی و کردستان را معرفی کرده است. این کتاب مروری فشرده بر مناطقی است که درگیر جنگ با ضد انقلاب بوده اند.

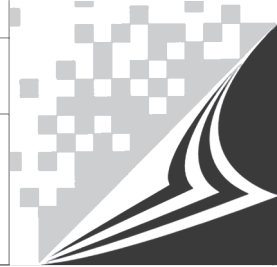
در این کتاب اتفاق‌های غرب کشور از سال ۱۳۵۸ تا پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در ۵ فصل با عناوین «کمی دورتر»، «درجه درد بالاست»، «نبرد هم زمان»، «سرزمین بدون گرگ» و «در مسیر مبارزه» روایت شده است.

در قسمتی از کتاب می‌خوانیم: «از سال ۱۳۶۴ تا روزهای پایانی جنگ [تحملی عراق علیه ایران]، نیروهای انقلاب با همکاری مردم کرد سعی کردند [استان] کردستان را امن‌تر از قبل و مناطق کردنشین را آباد کنند. جهاد سازندگی و دیگر ادارات دولتی راهی شهرهای کردنشین شدند. ضد انقلاب هم دیگر در کشور نبود و با توجه به برف‌گیر و غیرقابل عبور بودن مناطق، تنها از بهار تا اوایل پاییز وارد ایران می‌شدند و تحرکاتی داشتند. در این سال‌ها خدمات بسیاری در منطقه انجام شد و نیروهای قرارگاه حمزه، در تک‌تک روستاهایی که ضد انقلاب آن‌جا رفت و آمد داشت پایگاه درست کردند و به آن‌جاها جاده کشیدند و کاری کردند که مردم طعم انقلاب را بچشند. ضد انقلاب به رسم گرگ‌ها هر از چند گاهی می‌آمدند ضربه‌ای می‌زدند و می‌رفتند».

در پایان این کتاب نقشه جغرافیایی مناطق جنگی و عملیاتی منطقه غرب کشور آورده شده است.

گفتنی است کتاب «بحران بالا می‌گیرد» نوشته جعفر شیرعلی‌نیا و یزدان کریمی توسط نشر فاتحان منتشر شده است.

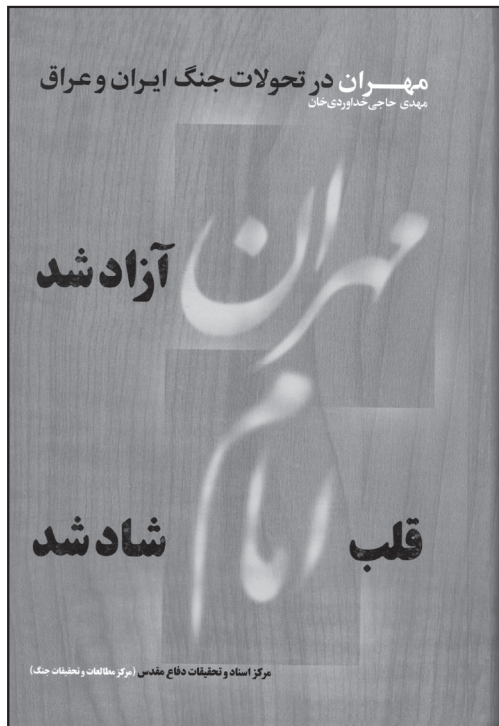




نقد و بررسی کتاب

گزارش همایش کتاب مهران در تحولات جنگ ایران و عراق

مرتضی شهریاری



مقدمه:

جنگ تحمیلی به منزله‌ی یکی از مؤثرترین رویدادهای تاریخی دو دهه‌ی پایانی قرن بیستم، تأثیرات و بازتاب گسترده‌ی در ایران، منطقه و جهان داشته است و صاحب‌نظران، سیاست‌مداران و هنرمندان از ابعاد گوناگونی به مطالعه در این باره پرداخته‌اند، طوری که با گذشت بیش از دو دهه از وقوع جنگ، صدها کتاب و مقاله‌ی تحقیقی و تحلیلی و نیز داستانی در توصیف و توضیح این واقعه به زبان‌های گوناگون در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی جهان نگاشته شده است. بی‌تردید اطلاع از این آثار و محتوای آن‌ها و توجه به کتاب‌های ترجمه شده، مصاحبه‌ها و دیدگاه‌های مقامات مسئول سیاسی و نظامی برای هر ایرانی، به ویژه رزمندگان که صحنه‌گردان میدان‌های پرمخاطره و پر رمز و راز بودند، ضروری است.

عراق نیز کوشیده است در سبکی علمی - پژوهشی و بر اساس مستندات، مدارک و شواهد، بخشی از رویدادهای تاریخی جنگ تحمیلی را بیان کند.

معرفی کتاب:

کتاب مهران در تحولات جنگ ایران و عراق به کوشش مهدی حاجی خداوردی خان نوشته شده است. در این کتاب به سه موضوع اساسی پرداخته شده است: ۱. داشتن روحیه‌ی مقاومت، شجاعت، ایثار و فداکاری در برابر دشمن و نبرد با او تا مرز شهادت. ۲. گوش جان سپردن به ندای امام خمینی و تلاش برای تحقق فرمان رهبر انقلاب اسلامی در دفع تجاوز. ۳. حماسه‌ی آزادسازی مهران.

خوش‌بختانه مطالعات و پژوهش‌ها در مورد جنگ تحمیلی تنها به مراکز پژوهشی مرتبط با سازمان‌ها و نهادهای نظامی محدود نشده است و مراکز و مؤسسات پژوهشی و دانشگاهی کشور و حتی محققان خارجی، جامعه‌شناسان، استادان روابط بین‌الملل، علوم سیاسی و اقتصادی نیز با مطالعه و تحقیق درباره‌ی جنگ تحمیلی آثار پژوهشی متعددی ارائه کرده‌اند که جالب و خواندنی است. البته گروهی هم به توصیف خاطرات جنگ و رمان‌نویسی و عده‌ی دیگر به مستندسازی و مستندنویسی با هدف شناخت ابعاد گوناگون جنگ همت گماشته‌اند. نگارنده‌ی کتاب مهران در تحولات جنگ ایران و

کتاب دارای پنج فصل است:

فصل اول - تهاجم ارتش عراق و اشغال مهران

در فصل اول، ابتدا به موقعیت جغرافیایی شهر کوچک مرزی مهران و برخی مناطق و ارتفاعات مهم و استراتژیک اطراف این شهر و سپس به فرهنگ و آداب اجتماعی، اوضاع اقتصادی منطقه و برخی ویژگی‌های مردم از جمله ظلم‌ستیزی عشایر اشاره شده است. در ادامه، درباره‌ی درگیری‌های مرزی و زرمه‌های تجاوز به مهران و این‌که اساساً چرا در میان مناطق و شهر و روستاهای مرزی، اشغال مهران برای دشمن حائز اهمیت بود، بحث شده است. بیان استراتژی نظامی ارتش عراق در شروع جنگ، شرح آمادگی و همدلی مردم ایلام در پذیرایی از جنگ‌زدگان و چگونگی اشغال مهران نیز بخشی دیگر از مطالب این فصل است. در ادامه، به روحیه‌ی آزادی‌خواهی و جنگ‌جویی مردم و عشایر اشاره می‌شود که غیرت و همیت، و همکاری آنان با نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی حماسه‌هایی ماندگار آفرید. در خاتمه‌ی این فصل ضمن بررسی چرایی و چگونگی به انفعال کشیده شدن دشمن و اجبار ارتش عراق به عقب‌نشینی از مهران به بیانات امام خمینی درباره‌ی استراتژی کلان جنگ، پس از این فعل و انفعالات، اشاره شده است.

رزمندگان و اقدامات لازم برای رفع نواقص، شرح جزء به جزء عملیات والفجر ۳ و حوادث به یادماندنی آن در طول ده روز نبرد سخت و نفس‌گیر، و در انتها طعم شیرین پیروزی و بازتاب‌های آن.

فصل سوم - استراتژی دفاع متحرک ارتش عراق: اشغال مجدد مهران

در فصل سوم به استراتژی دفاع متحرک عراق پرداخته شده است که در واکنش به عملیات والفجر ۸ ایران اتخاذ شد. ارتش متجاوز عراق که پس از شکست سنگین در منطقه‌ی استراتژیک فاو اعتبار سیاسی - نظامی‌اش زیر سؤال رفته بود، کوشید تا با تغییر استراتژی نظامی، به نحوی ابتکار عمل را از ایران بگیرد. به زعم فرماندهان عراقی این تغییر رویه زمانی به ثمر می‌نشست که جنگ بی‌وقفه در جبهه‌های گوناگون، توأم با ضربه زدن به سازمان نظامی ایران اجرا می‌شد. بنابراین، آن‌ها ادامه‌ی جنگ را بر پایه‌ی آفند به جای پدافند طرح‌ریزی کردند. در نتیجه ۱۰ عملیات نظامی در ۱۰ منطقه انجام شد. مهم‌ترین عملیات اشغال مجدد مهران بود که این عملیات و جنجال‌های تبلیغاتی عراق پس از آن در این فصل بررسی شده است.

فصل چهارم - عملیات کربلای ۱: طرح‌ریزی، شناسایی، آماده‌سازی

فصل چهارم به تشریح طرح‌ریزی و آماده‌سازی عملیات آزادسازی مهران اختصاص یافته است. در این فصل ابتدا دیدگاه‌های فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی ایران و نیز برخی مقامات سیاسی درباره‌ی عوامل مؤثر در پیروزی عراق، توانمندی‌های ارتش بعثی، فرصت‌ها و امتیازهای پیش روی آن‌ها، راه‌کارهای غلبه بر نقاط قوت عراق و الزامات و نیازمندی‌های مقابله با توان دشمن، بررسی شده است.

فصل دوم - عملیات والفجر ۳: آزادسازی مهران

فصل دوم کتاب شامل این موضوعات است: تدابیر فرماندهان عراقی در اتخاذ مواضع پدافندی، تغییر راهبرد نظامی ایران و اتخاذ مواضع جدید در اجرای عملیات‌ها، تلاش برای آزادسازی ارتفاعات استراتژیک مهران، توسعه‌ی سازمان رزم سپاه و حضور چشمگیر رزمندگان، چگونگی شناسایی مواضع دشمن و هم‌کاری نیروهای بومی با سپاه در این امر و شجاعت تحسین برانگیز آن‌ها، تجزیه و تحلیل توان و میزان هوشیاری نیروهای عراقی، مشکلات پیش روی



رونمایی کتاب:

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، با هدف آشنایی نویسندگان، پژوهش‌گران و هنرمندان عرصه‌ی دفاع مقدس با حوادث و رخداد‌های جنگ تحمیلی در استان‌های ایلام و کرمانشاه، سفر بازدید از مناطق عملیاتی غرب کشور را در بهار سال ۱۳۹۰ تدارک دید که گزارش مشروح آن در شماره‌ی ۳۶ فصل‌نامه نگین بیان شده است. در نخستین روز این بازدید (۱۳۹۰/۱/۲۲)، کتاب مهران در تحولات جنگ ایران و عراق با حضور سرهنگ پاسدار محمدتقی قاسمی جانشین سپاه امیرالمؤمنین^(ع) استان ایلام، سرهنگ پاسدار رحم‌خدا ترک‌تاز فرمانده سپاه مهران، حجت‌الاسلام و المسلمین جواد الیاسی امام جمعه‌ی مهران، ولی‌الله حیاتی فرماندار مهران، دکتر حسین اردستانی مسئول مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، محمد کرمی‌راد نماینده‌ی کرمانشاه در مجلس شورای اسلامی، ابراهیم حاتمی‌کیا و جمعی از نخبگان، پژوهش‌گران و خانواده معظم شهدای مهران، در جوار مزار ۸۲ تن از رزمندگان شهید لشکر ۴۱ ثارالله^(ع) در منطقه‌ی قلاویزان رونمایی شد. در این نشست دو تن از پدران بزرگوار شهدای مهران کتاب را رونمایی کرده، پس از آن نویسنده‌ی کتاب، مسئول مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس و جانشین سپاه امیرالمؤمنین^(ع) سخنانی درباره‌ی نقش مهران در دفاع مقدس و کتاب حاضر بیان کردند.

کتاب فصل جمهوری اسلامی ایران:

به منظور حمایت از کتاب‌های برتر و تشویق مؤلفان و مترجمان متعهد و شایسته‌ی کشور و نیز برای ارتقاء فرهنگ و دانش جامعه‌ی اسلامی و پیش‌برد فرهنگ کتاب‌خوانی در کشور، برای هر فصل از سال، آیین انتخاب کتاب فصل جمهوری اسلامی ایران برگزار می‌شود. آیین اختتامیه‌ی شانزدهمین دوره‌ی انتخاب

از آن‌جا که اجرای عملیات بازدارنده ضروری بود، در کوتاه‌ترین زمان ممکن باید این عملیات طراحی می‌شد. اما به دلیل آمادگی نداشتن یگان‌های خودی، درباره‌ی اجرای عملیات و زمان آن بحث‌هایی طولانی انجام شد و فرماندهان پیشنهادها و طرح‌های‌شان را مطرح کردند که ادامه‌ی فصل به شرح این مباحث و طرح‌های فرماندهان اختصاص یافته است. جزئیات شناسایی مواضع و موانع دشمن، حوادث و اتفاقات مخاطره‌آمیز آن و شرح شناسایی مهیج تیم اطلاعاتی لشکر ۱۷ علی بن ابی‌طالب^(ع) از دیگر مطالب خواندنی این فصل است.

فصل پنجم - عملیات کربلای ۱: شرح عملیات

فصل پنجم به تشریح چگونگی آزادسازی مهران در "عملیات کربلای ۱" اختصاص دارد. برشماری رخداد‌های خوشایند و امور ناگوار و بیم‌ها و امیدها در اردوگاه خودی درباره‌ی نتیجه‌ی عملیات، از جمله نکاتی است که در این فصل به آن‌ها اشاره شده است.

در ادامه‌ی این فصل نیز به ، شرح لحظه به لحظه‌ی عملیات - که هشت شبانه‌روز طول کشید - و چگونگی نفوذ رزمندگان به عمق مواضع دشمن، نحوه‌ی شکستن خطوط مقدم ارتش عراق و عبور از موانع نفوذناپذیر عراقی‌ها - که جز با اتکا به خداوند و فداکاری، شهادت‌طلبی، هنر فرماندهی در مدیریت رزم و ... میسر نبود - پرداخته شده است.

با توجه به این‌که نیروهای متجاوز در دو ماه پایانی جنگ، دو بار دیگر به منطقه‌ی مهران هجوم آوردند، نگارنده‌ی کتاب، ضمیمه‌ی کوتاهی، برگرفته از صفحات ۱۱۶ تا ۱۲۶ کتاب اطلس ایلام در جنگ، نوشته‌ی امیر رزاق زاده در قسمت پایانی کتاب درباره‌ی این دو تهاجم درج کرده است.

ساختمان است. اگر ما زمین خوب و مناسبی را انتخاب کنیم و ساختمانمان را متناسب با آن زمین بنا کنیم، موفقیت‌هایمان افزون خواهد بود، ولی هیچ‌گاه موفق نخواهیم شد در یک زمین دویست متری، یک مجتمع آموزشی مناسب بنا کنیم. موضوع این کتاب قوی است، اما ابهاماتی دارد که مخاطب عام را با سؤالاتی مواجه می‌کند. موضوع و عنوان این کتاب، مهران در تحولات جنگ ایران و عراق می‌باشد، ولی تحولات در آن تبیین نشده است. به چه چیزی تحول می‌گوییم؟ ماهیت این تحولات چیست؟ سطح این تحولات چیست؟ تعریف ما از تحولات چه می‌باشد؟ ... در مطالب کتاب هیچ‌کدام از این موارد مشاهده نمی‌شود و مباحث کتاب در سطوح تاکتیکی بیان شده است و عملیات‌های والفجر ۳ و کربلای ۱ محور کار قرار گرفته است. در صورتی که فعل و انفعالات روزانه تحول محسوب نمی‌شود، آن چیزی تحول است که یک دگرگونی اساسی ایجاد کند.

برای روشن شدن بهتر موضوع، این کتاب را مقایسه می‌کنم با کتاب عملیات ثامن الائمه^(ع)، مبدأ تحول در استراتژی ایران نوشته دکتر حسین اردستانی و سرلشکر پاسدار دکتر سید یحیی صفوی که با تلاش مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس منتشر شده است. در این کتاب عواملی همچون کسب اعتماد به نفس در جنگ، مشخص کردند روش سازمان‌دهی و اجرای عملیات‌های بزرگ پس از عملیات ثامن الائمه^(ع) به منزله‌ی تحول بیان شده‌اند و بدین صورت مفهوم تحول برای مخاطب به طور کامل روشن شده است. اما در کتاب مهران، تحولات عمده‌ی مشاهده نمی‌شود، به جز دو مورد در فصل‌های دوم و سوم که عبارتند از: تدبیر عملیات‌های محدود ایران و دیگری استراتژی دفاع متحرک ارتش عراق. اما آیا دفاع مقدس هشت ساله، فقط شامل همین تحولات بوده و فقط همین

کتاب فصل، عصر ۳۱ خرداد ۱۳۹۰ به همت مؤسسه خانه‌ی کتاب، در پژوهشگاه فرهنگ و هنر و معماری برگزار شد.

در این مراسم، کتاب مهران در تحولات جنگ ایران و عراق به عنوان اثر برگزیده در بخش علوم نظامی انتخاب و از آن تقدیر شد.

نشست نقد و بررسی کتاب:

نشست نقد و بررسی کتاب مهران در تحولات جنگ ایران و عراق چهارشنبه ۲۲ تیر ۱۳۹۰ با حضور پژوهش‌گران، نویسندگان، منتقدان و سایر علاقه‌مندان برگزار شد.

در ابتدای این نشست، آقای مهدی حاجی‌خداوردی‌خان درباره‌ی متن و موضوعات کتاب توضیحاتی داد و پس از آن منتقدان به بیان مطالب خود پرداختند:

آقای یحیی نیازی

آقای یحیی نیازی اولین منتقد این نشست بود. وی از پژوهش‌گران و نویسندگان مرکز می‌باشد و کتاب‌های بی‌سیم عملیات کرکوک، محور کوه خان، احمد کاظمی، مثل من و تو و ... را در کارنامه‌ی نویسندگی خود ثبت کرده است. ایشان با تشکر از برگزار کنندگان این نشست، چنین برنامه‌هایی را زمینه‌ی برای تبادل تجارب و اطلاعات به منظور نگارش بهتر و عمیق‌تر متون در آینده و رفع نواقص احتمالی کتاب دانست و گفت: نه به عنوان نقاد، بلکه در جایگاه یک مخاطب، نظرها و پیشنهادهای خود را درباره‌ی کتاب بیان خواهم کرد. اهم صحبت‌های ایشان به این شرح است:

انتخاب موضوع

برای نوشتن، ابتدا باید یک موضوع قوی انتخاب کنیم، سپس می‌توانیم مراحل بعدی را طی کنیم. نوشتن به منزله‌ی معماری و انتخاب موضوع، زمین

این امر ممکن است به دلیل طولانی بودن مدت زمان تحقیقات نویسنده اتفاق افتاده باشد.

همچنین نشر برخی از فصل‌ها و صفحات کتاب روان و عامیانه است، طوری که مخاطب را به فضای رویداد می‌برد و حاضر به‌رها کردن ادامه‌ی کتاب نیست، اما در مقابل نشر صفحات دیگر کتاب، مخاطب را خسته می‌کند و خواننده نمی‌تواند تا آخر کتاب، نویسنده را همراهی کند.

از دیگر مواردی که در جذب مخاطب مؤثر و حایز اهمیت می‌باشد، انتخاب واژه‌هاست. کلمات، جملات را پدید می‌آورند و جملات پاراگراف‌ها، صفحات، فصل‌ها و در نهایت کتاب را ایجاد می‌کنند. از آن‌جا که بسیاری از خوانندگان کتاب، مخاطب عام هستند و بعضاً با اصطلاحات نظامی آشنایی ندارند، یا در صحنه‌ی حادثه حضور نداشته‌اند، بخش عمده‌ی مطالبی که برای ما شفاف و گویا به نظر می‌رسد، در نظر مخاطب گنگ و نامفهوم است. بنابراین، باید توجه داشته باشیم که یا از کلمات تخصصی استفاده نکنیم یا این که در خصوص آن واژه توضیحی بدهیم. برای مثال در مورد به‌کارگیری کلمات آفند و پدافند، ممکن است بسیاری از خوانندگان با معنی این دو کلمه و تفاوت میان آن‌ها آشنایی چندانی نداشته باشند.

نکته‌ی مهم دیگر در نگارش کتاب این است که هم کم‌نویسی و هم اضافه‌نویسی، جفای به متن و خواننده‌ی کتاب می‌باشد. در برخی از بخش‌های این کتاب مشاهده می‌کنیم که در خصوص یک مبحث به قدری پراکنده‌گویی



از راست: محمدعلی آذوغ، محمد قاسمی، حسن دری، یحیی نیازی، مهدی خداوردی

تحولات در شهر مهران اثر گذاشته است؟

به نظر من اگر تحولات منطقه‌یی یا تحولات جبهه‌ی میانی را در نظر می‌گرفتیم، خیلی راحت‌تر می‌توانستیم به اهدافمان برسیم. از طرفی وقتی می‌گوییم: "مهران در تحولات جنگ ایران و عراق"، یعنی ابتدا باید تحولات هر دو جبهه را بیان کرده، سپس وضعیت مهران را در این تحولات ذکر کنیم.

ادیات و نگارش:

از آن‌جایی که مخاطب سرمایه‌ی اصلی نویسنده است، ضرورت دارد کتاب طوری به نگارش درآید که مطابق سلیقه‌ی مخاطب باشد و به خوبی با آن‌ها ارتباط برقرار کند. کتاب مهران در تحولات جنگ ایران و عراق به دلیل نو بودن موضوع، گروهی از مخاطبان را به خود جذب کرده، اما نشر متفاوت فصل‌ها و حتی صفحات گوناگون کتاب به جذب مخاطب لطمه زده است. برای مثال نشر صفحاتی از کتاب گزارشی است و سپس کاملاً ادبی می‌شود البته

اقدامات ارتش عراق در اشغال مهران به منظور رسیدن به اهداف این استراتژی و تدابیر فرماندهان نظامی ایران برای مقابله با این تهاجم از دیگر موضوعات فصل سوم است که با موضوع کتاب تطابق و همخوانی خوبی دارد.

فصل چهارم

در این فصل، نویسنده قبل از بیان مقدمه و بررسی ماهیت تحولات آن مقطع زمانی، بلافاصله وارد مباحث تاکتیکی عملیات کربلای ۱ شده و مقدمات عملیات، شناسایی‌ها و آمادگی‌های یگانی را جزء به جزء و با تحقیقات عمیق میدانی تشریح کرده است. این فصل نیز با وجود جذابیت مطالب، ارتباط تنگاتنگی با موضوع کتاب ندارد.

فصل پنجم

این فصل در تکمیل فصل چهارم، به تشریح و نتایج عملیات کربلای ۱ می‌پردازد و نویسنده بدون پرداختن به تحولات بعدی جنگ، کتاب را ناقص به پایان می‌رساند. ان شاء... در چاپ‌های بعدی محتوای کتاب با تلاش بیش‌تری تکمیل شود.

آقای قاسمی

آقای قاسمی جانشین سپاه امیرالمؤمنین^(ع) استان ایلام و از رزمندگان حاضر در منطقه‌ی عملیاتی مهران، دومین منتقد کتاب مهران در تحولات جنگ ایران و عراق بود. وی به نمایندگی از همه‌ی رزمندگان و شهروندان ایلامی از زحمات و تلاش‌های نویسنده‌ی کتاب و برگزار کنندگان این نشست تشکر و قدردانی کرد و گفت:

به نظر بنده عنوان کتاب بسیار زیبا و مناسب است. زیبایی نام کتاب از آن جهت است که مهران در طول جنگ، سه مرتبه بین ایران و عراق دست به دست شد و دستخوش تحولات عمده‌ی قرار گرفت. همچنین طبق اسنادی که در اختیار دارم،

شده است که در پایان فصل برای جمع‌بندی آن مشکل داریم و در مقابل برخی از متون خیلی کپسولی و تلگرافی نوشته شده است، طوری که پیام به مخاطب منتقل نشده و خواننده سردرگم شده است.

فصل اول

در این فصل تهاجم ارتش عراق و اشغال مهران و تحولات مربوط به آن، کمابیش به صورت گزارشی بیان شده است. آیا "آغاز جنگ" به تنهایی یک تحول در جنگ و منطقه است؟ طبیعتاً این‌گونه نیست و اگر هم در آن مقطع تحولاتی مشاهده می‌شود، مربوط به انقلاب اسلامی است، ولی در عین حال در فصل اول به این مسائل پرداخته شده است.

فصل دوم

فصل دوم کتاب به شرح عملیات والفجر ۳ پرداخته است. در این فصل نیز به دلیل این که مفهوم تحول نامشخص است و معلوم نیست که منظور از تحول در چه سطح تاکتیکی، عملیاتی یا استراتژیک است، نویسنده به بیان مسائل تاکتیکی و شرح جزء به جزء عملیات والفجر ۳ اکتفا نموده و صرفاً اشاره‌ی کوتاهی به عملیات‌های محدود کرده است. البته معلوم نیست عملیات‌های محدود از نگاه نویسنده یک تحول است یا بنا به گفته‌ی خودشان یک تدبیر برای خروج از بن‌بستی که در جنگ وجود داشته است.

فصل سوم

در فصل سوم اشاره‌ی نسبتاً خوبی به استراتژی دفاع متحرک ارتش عراق و دلایل اتخاذ این استراتژی از جانب حکومت بعث شده است. در واقع این تصمیم عراق را می‌توان به منزله‌ی یک استراتژی یا تحولی که اشغال دوباره‌ی شهر مهران را در پی داشت، پذیرفت. بررسی چگونگی اتخاذ استراتژی دفاع متحرک،

د) تپه‌یی معروف به تپه‌ی شنی در منطقه واقع شده است که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، انبار و محل ذخیره‌سازی سوخت پیمان سنتو بود، اما نویسنده‌ی کتاب این تپه را انبار سوخت ناتو ذکر کرده است.

ه) مجاهدین عراقی در قالب گردان ۵۰۵ محرم از تیپ امیرالمؤمنین^(ع) سازمان‌دهی شده بودند که نویسنده از آن‌ها با عنوان "گردان مستقل" نام برده است.

و) تیپ امیرالمؤمنین^(ع) در ۲۰ آذر ۱۳۶۱ رسماً تشکیل شد و مسئولیت پدافندی محور چنگوله و مهران را به عهده گرفت. اما در کتاب، تاریخ تأسیس تیپ، سال ۱۳۶۲ ذکر شده است.

ز) در بخش‌هایی از کتاب به سخنان سردار کرمی‌راد به عنوان فرمانده سپاه ایلام استناد شده است، در صورتی که ایشان از سال ۱۳۶۳ به فرماندهی سپاه ایلام منصوب شدند و قبل از وی آقای محمد کریمی فرماندهی سپاه ایلام را بر عهده داشتند.

ح) در صفحه‌ی ۴۸ کتاب به فرار خان‌ها از ایلام و مهران اشاره شده است، اما در این منطقه اصلاً خان - به شکلی که از آن تعریف می‌شود - وجود نداشته است.

ط) در صفحه‌ی ۵۱ کتاب از حمله‌ی تیپ زرهی عراق به مهران یاد شده است، در حالی که در تاریخ ذکر شده، بنده در منطقه حضور داشتم و فقط روی ارتفاعات ۳۴۳ و پاسگاه‌های رضاآباد، فرخ‌آباد و بهرام‌آباد تبادل آتش داشتیم و حمله‌یی از جانب تیپ زرهی عراق انجام نگرفت.

ی) در صفحات ۵۱ و ۵۲ کتاب به استقرار عشایر در پاسگاه‌های مرزی قبل از آغاز جنگ اشاره شده است که این موضوع با واقعیت مغایرت دارد و ما به جز تبادل آتش محدود در اوایل خرداد ۱۳۵۹ تا ۱۶ شهریور ۱۳۵۹ - که اولین حمله‌ی عراق به ایلام از محور پاسگاه نی‌خزر به سمت ارتفاعات میمک آغاز شد - هیچ گونه درگیری در منطقه نداشتیم. بنابراین

جنگ ایران و عراق از ایلام آغاز شد و در ایلام نیز خاتمه یافت. در همه‌ی مناطق جنگی کشور در طول هشت سال دفاع مقدس، هیچ منطقه‌یی سراغ نداریم که همچون شهر مهران دارای چنین ویژگی‌های استراتژیک مهمی باشد.

اما ایرادهای مختصری نیز به کتاب وارد است که امیدواریم در چاپ‌های بعدی مرتفع شوند:

الف) به نظر من اشکال فصل اول کتاب این است که به حوادث و وقایع مربوط به اوایل انقلاب و روزهای سخت اوایل جنگ پرداخته است. با توجه به این که استان ایلام بیش‌ترین مرز را با کشور عراق دارد، حوادث و وقایعی در این استان به وقوع پیوست که شاید برای تشریح هر کدام از آن‌ها باید یک کتاب نوشت، اما متأسفانه در این کتاب اشاره‌ی چندانی به آن‌ها نشده است. انفجار لوله‌های نفت در دهلران و سایت هوایی نخجیر، حمله به پاسگاه‌های مرزی هلاله و نبرد نخلستان از جمله این حوادث و وقایع هستند که نویسنده از آن‌ها غفلت کرده است.

ب) در بخشی از کتاب اشاره شده است که نیروهای زمینی دشمن در ۱ خرداد ۱۳۵۹ با نیروهای مستقر در پاسگاه‌های مرزی، ارتفاعات ۳۴۳ و کله قندی درگیر شدند؛ در حالی که در آن مقطع زمانی هیچ درگیری با نیروهای زمینی عراق رخ نداده و فقط تبادل آتش و توپ انجام گرفته است. همچنین تانک و نفربر دشمن با آتش توپ منهدم شدند اما در کتاب، این اقدام به وسیله‌ی نفرات ذکر شده است.

ج) در بخش دیگری از کتاب فاصله‌ی رودخانه‌ی کنجانچم با شهر مهران، ۶ کیلومتر ذکر شده است، در حالی که این رودخانه همجوار شهر مهران است و تنها ۵۰۰ متر با این شهر فاصله دارد.

موارد دیگری نیز وجود دارد که نشان می‌دهد نویسنده‌ی کتاب، تحقیقات جامعی درباره‌ی جغرافیای منطقه انجام نداده است و اطلاعات کاملی در این خصوص ندارد.

عشایری هم در پاسگاه‌های مرزی حضور نداشته‌اند. (ک) وقتی از عباراتی همچون سپاه ایلام، سپاه مهران، سپاه دهلران و ... استفاده می‌کنیم، باید برای مخاطب بیان شود که منظور از سپاه، یک سپاه متشکل از چند لشکر نیست و منظور یگان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در شهر مهران به استعداد ۲۰ تا ۳۰ نفر یا سپاه ایلام با ۵۰ تا ۶۰ نفر نیرو است. (ل) در صفحه‌ی ۵۷ کتاب به استقرار نیروهای سپاه و بسیج در تپه‌های شینو اشاره شده است، در صورتی که تپه‌های شینو متعلق به عراق و تپه‌های انجیرک برای ایران است. علاوه بر این، در تپه‌های انجیرک در آن مقطع هیچ نیرویی از سپاه و بسیج مستقر نبودند و فقط نیروهای ژاندارمری در آنجا حضور داشتند. (م) در صفحه‌ی ۵۸، به پاسگاه بازرگان اشاره شده است که این پاسگاه در حوزه‌ی استحفاظی استان ایلام قرار ندارد و در استان کرمانشاه واقع شده است. (ن) در صفحه‌ی ۸۹ کتاب، به عملیات آزادسازی ارتفاعات کانی‌سخت در ۷ مهر ۱۳۵۷ اشاره شده است، در حالی که از ابتدای جنگ تا پذیرش قطع‌نامه این ارتفاع به اشغال دشمن درنیامد و هیچ نیرویی از عراق در آنجا مستقر نشد. (س) نویسنده‌ی کتاب در صفحه‌ی ۹۰، به استقرار تیپ ۳ زرهی ارتش جمهوری اسلامی ایران در محورهای عملیاتی مهران و میمک اشاره می‌کند؛ در حالی که این تیپ اصلاً در این مناطق حضور نداشته است. (ع) در صفحه‌ی ۹۱ کتاب به عملیات عاشورا در منطقه‌ی عمومی میمک و مهران اشاره شده در حالی که این عملیات در ارتفاعات زیل و تنگه‌ی کنجانچم انجام گرفته است. (ف) در ۲ مهر ۱۳۵۹، عملیاتی به فرماندهی شهید اکبر فرجیان‌زاده در تنگه‌ی بینا انجام شد و برای اولین بار ۲۶ اسیر عراقی گرفتیم. با این‌که این عملیات در

منطقه‌ی مهران انجام شد، ولی هیچ اشاره‌ی به آن نشده است.

(ص) نویسنده‌ی کتاب، از فشار نیروهای عراقی مستقر در تپه‌ی شینو بر پاسداران مستقر در ارتفاعات میمک صحبت به میان آورده است، اما با توجه به فاصله‌ی ۱۰ کیلومتری این دو منطقه از یک دیگر این موضوع نمی‌تواند واقعیت داشته باشد.

(ق) در بخشی از کتاب به بحث مین‌روبی جاده‌ی میمک در شب عملیات ضربت ذوالفقار از جانب جهاد اشاره شده است، در حالی که در این تاریخ ستاد پشتیبانی جنگ جهاد هنوز تشکیل نشده بود و جهاد هیچ نقشی در این عملیات نداشت.

(ر) در بخشی از کتاب به نیروهای کرد مسلمان در منطقه‌ی ایلام اشاره شده است، اما در این استان اصلاً اقلیت‌های مذهبی و نیروهای کرد مسلمان وجود نداشتند و این نیروها در کردستان و مناطقی از کرمانشاه مستقر بودند.

(ش) نویسنده‌ی کتاب به نقش مرحوم آیت‌الله حیدری نماینده‌ی حضرت امام خمینی (ره) در استان ایلام و عضو مجلس خبرگان رهبری نپرداخته است در حالی که ایشان نقش بسیار مهمی در سازمان‌دهی ایلات و عشایر استان ایلام و ایجاد وحدت و هماهنگی بین نیروهای سپاه، ارتش و ژاندارمری ایفا کردند.

(ت) به نقش دین، معنویت و فرهنگ عاشورایی در نبرد رزمندگان اسلام اشاره‌ی کوتاهی شده است.

(ث) در خصوص عملیات والفجر ۳، نقش تیپ امیرالمؤمنین^(ع) بسیار کم‌رنگ و مختصر بیان شده است. در این عملیات، این تیپ با چهار گردان رزمی، ادوات و توپخانه وارد عمل شد. کارهای اطلاعاتی لشکر ۵ نصر، ۲۱ امام رضا^(ع) و ۴۱ ثارالله^(ع) را نیروهای شناسایی تیپ امیرالمؤمنین^(ع) انجام دادند و حدود ۴۰۰ نفر از نیروهای ما در این عملیات مجروح شدند و بیش از ۱۰۰ نفر به شهادت رسیدند. نویسنده‌ی کتاب به بسیاری از این موارد یا اشاره

کلمه استفاده کنیم، قدری نامتناسب و نامأنوس به نظر می‌رسد. این دقت در واژه‌گزینی در بخش‌هایی از کتاب رعایت نشده است و جا دارد در چاپ‌های بعدی در این باره تجدید نظر شود.

(د) موقعیت جغرافیایی برخی از مناطق ایلام و مهران به درستی بیان نشده است که باید در چاپ‌های بعدی اصلاح شود.

(ه) رسم الخط و اصول ادبی برخی از کلمات و اسامی درست نیست. همچنین به جای کلمات خارجی بهتر است از معادل فارسی آن‌ها استفاده شود. (و) برخی از نقشه‌های ترسیم شده در کتاب از جمله نقشه‌های صفحات ۷۵ و ۸۵ اشکالاتی دارند که باید اصلاح شوند.

(ز) به نقش رزمندگان ایلام در عملیات کربلای ۱ پرداخته نشده است، در حالی که گردان‌های ادوات، توپخانه و مهندسی تیپ امیرالمؤمنین^(ع) و ... در این عملیات نقش اساسی و مهمی ایفا کردند.

وی در پایان از زحمات نویسنده‌ی کتاب و مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس تشکر کرد و افزود این کتاب تا حدی مردم و رزمندگان ایلام و مهران را از محرومیت درآورده است.

توضیحات دکتر حسین اردستانی در خصوص کتاب
در ادامه دکتر حسین اردستانی مسئول مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، بخشی از نواقص کتاب را مربوط به موضوع کتاب دانست و گفت: مهران در جنگ تحمیلی بیش‌تر تحت تاثیر عملیات‌های اشغال و آزادسازی بود تا خود شهر مهران و عملیات‌های آن.

وی افزود: کاستی‌هایی هم در کتاب وجود دارد که پس از این جلسه آقای نصرتی مسئول گروه مطالعات نظامی مرکز با جمع‌بندی نقدهای بیان شده در این نشست و جمع‌آوری نظرهای چند نفر از کارشناسان دیگر، اصلاحاتی را با کمک نویسنده‌ی

نکرده یا بسیار مختصر به آن‌ها پرداخته است. برای مثال گردان‌های عمل کننده از تیپ امیرالمؤمنین^(ع) را دو گردان ذکر کرده است.

آقای قاسمی در پایان از شرکت‌کنندگان در نشست نقد و بررسی کتاب مهران در تحولات جنگ ایران و عراق تشکر و از زحمات شبانه‌روزی آقای مهدی حاجی‌خداوردی‌خان در تدوین این کتاب ارزنده و منحصر به فرد صمیمانه قدردانی کرد. وی افزود: چنانچه اشکالات محدود کتاب برطرف شود، این کتاب حقیقتاً کتاب نمونه و منحصر به فردی در موضوع دفاع مقدس، استان ایلام و شهر مهران خواهد بود.

آقای آزوج

.... آزوج از رزمندگان سال‌های دفاع مقدس در مناطق عملیاتی استان ایلام، سومین منتقد این نشست بود که دیدگاه‌های خود در خصوص کتاب مهران در تحولات جنگ ایران و عراق را بدین شرح بیان کرد: الف) یکی از ایرادهای کتاب، استناد نویسنده به منابع غیر معتبر و غیر موثق است. برای مثال در مواردی به صحبت‌های آقای کرمی‌راد استناد شده است، در حالی که ایشان در آن مقطع در ایلام نبودند یا مطالبی به نقل از راویانی بیان شده است که در جبهه حضور نداشته‌اند. در مقابل از منابعی همچون سپاه استان و شهرستان، مردم و فرمانداری استفاده نشده است.

ب) به نقش مردم و عشایر مهران و آیت‌الله حیدری بسیار کم‌رنگ، ضعیف و گذرا پرداخته شده و در مقابل مواردی همچون عملیات کربلای ۱ بسیار مشروح بیان شده و بر مطالب کل کتاب سایه افکنده است.

ج) برخی از کلمات در جاهایی به کار رفته‌اند که نامأنوس می‌باشند. مثلاً ما اگر بخواهیم برای تنگه‌ی هرمز واژه‌ی استراتژیک را به کار ببریم و برای ارتفاع و تپه‌ی در منطقه‌ی مهران نیز از این

پس از یک تحقیقات میدانی دیگر، بازنگری روی کتاب انجام گرفت و به چاپ رسید.

در خصوص انتخاب عنوان کتاب و طرح روی جلد بنده نقشی نداشته‌ام، اما اعتقاد دارم که عنوان کتاب عبارت بی‌مسمایی نیست و همان طور که دکتر اردستانی اشاره کردند، مبنای این کتاب بیش‌تر عملیات‌های منطقه‌ی مهران و مسائل نظامی مربوط به این منطقه بوده است.

مبنای روش تحقیق که آقای نیازی سؤال کردند، میدانی و به صورت تاریخی انجام گرفته است. در خصوص نحوه‌ی نگارش کتاب و تغییر دیالوگ‌ها در بعضی از صفحات که به آن ایراد وارد کردند و گفتند در جاهایی فراز و فرود دارد و در بعضی جاها ادبی و در برخی موارد با سبک نظامی نگاشته شده است، باید گفت این موارد متأثر از موضوع فصول گوناگون کتاب است و ما نمی‌توانیم یک بخش کاملاً نظامی را در قالب ادبیات داستانی یا وقایع‌نگاری بیاوریم.

در مورد استناد بخش‌هایی از کتاب به گفته‌های آقای کرمی‌راد باید بگویم، در تحقیقات میدانی که همراه ایشان به منطقه رفتیم، آقای کرمی‌راد در حضور چند تن از رزمندگان و فرماندهان منطقه‌ی ایلام توضیحاتی را بیان کردند و هیچ یک از این افراد به گفته‌های ایشان اعتراض نکردند. بنابراین این صحبت‌ها در کتاب مهران مورد استناد قرار گرفت.

در مورد جغرافیای منطقه که اشکالاتی به آن وارد شد، باید بگویم که بنده آشنایی چندانی به جغرافیای منطقه ندارم و همه‌ی نوشته‌هایم را در این حوزه به استناد کتاب‌های گوناگونی وزارت کشور، کتاب‌خانه‌ی حسینی‌ارشد و ... نگاشته‌ام.

کتاب انجام خواهند داد تا در چاپ‌های بعدی از ایرادهای کتاب کاسته شود و نگرانی شما در این خصوص برطرف شود.

دکتر حسین اردستانی با اشاره به دغدغه‌های بیان شده درباره‌ی نقش یگان و رزمندگان ایلامی در دفاع مقدس گفت: پروژه‌های دیگری نیز در خصوص استان ایلام در حال بررسی و اجرا است که با اجرا شدن آن‌ها به این موضوعات نیز پرداخته خواهد شد. بررسی مراحل شکل‌گیری یگان سپاه در ایلام و نقش آن در دفاع مقدس، استان ایلام در تحولات جنگ تحمیلی و مقاومت در برابر تجاوز به استان ایلام از جمله طرح‌های مطالعاتی این استان است که با همکاری و هم‌فکری فرماندهان و رزمندگان استان ایلام اجرا خواهد شد.

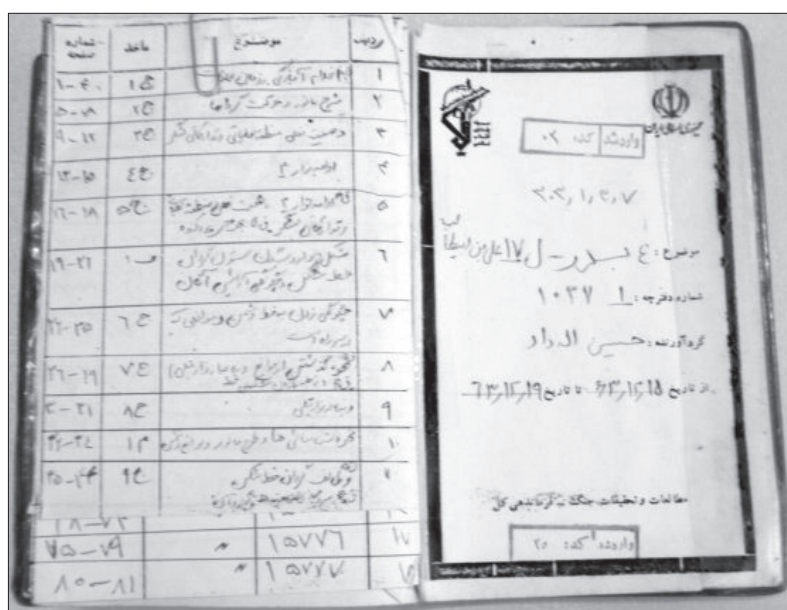
تاریخ شفاهی و گفت‌وگو با رزمندگان روحانی استان، فرماندهان و دیگر افراد مؤثر استان در سال‌های دفاع مقدس نیز از موضوعاتی است که می‌تواند ابعاد دیگری از نقش این استان در دفاع مقدس را بازگو نماید. بنابراین، از مسئولان سپاه استان انتظار داریم در این زمینه و در معرفی این افراد با ما هم‌کاری کنند.

توضیحات نویسنده‌ی کتاب در خصوص نقدهای مطرح شده
مهدی حاجی‌خداوردی‌خان با تشکر از آقایان نیازی، قاسمی و آزوغ که با دقت فراوان کتاب را مطالعه و سپس نقد کردند، توضیحاتی را در خصوص نقدهای مطرح شده، بیان کرد:

گفتنی است که بخش عمده‌ی این کتاب در سال ۱۳۷۸ یعنی بیش از ۱۲ سال پیش نوشته شده و به دلایلی منتشر نشده بود. تا این که حدود ۴ سال پیش

برگی از دفترچه‌ی راویان جنگ

تهیه و تنظیم: دکتر حسین اردستانی



راویان مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ برای ثبت وقایع جنگ، علاوه بر ضبط صداها در نوار کاست از دفترچه‌هایی استفاده می‌کردند و مطالب و موضوعات گوناگون را در آن‌ها ثبت می‌کردند. این دفترچه‌ها امروز، از جمله اسناد مهم جنگ به شمار می‌روند، چرا که در طول جنگ به دلایلی خاص از ضبط برخی مباحث خودداری می‌شد

مطالب بیان شده شامل دو تماس تلفنی آقای هاشمی رفسنجانی رئیس وقت مجلس شورای اسلامی و فرمانده جنگ با برادر محسن رضایی و گفت و گوی برادران رضایی، شمخانی و افشار درباره‌ی وضعیت یگان‌ها و آماده کردن آن‌ها برای اجرای عملیات‌های بعدی در تابستان است. همان‌گونه که از محتوای صحبت‌ها پیداست، یگان‌های سپاه به دلیل کمبود نیرو، هر کدام در چند محور عهده‌دار خط دفاعی بودند و با توجه به شرکت در حملات متعدد توان آن‌ها به شدت کاهش یافته بود و برای حمله‌ی بعدی دچار مشکلات جدی شده بودند. ذهنیت فرماندهی نیز به طور کامل مشغول این مسئله

و روایان این مباحث را در دفترچه‌های‌شان ثبت می‌کردند، مانند: حال و هوای جلسات؛ جمع‌بندی و برداشت‌های راوی از نتیجه‌ی تصمیم‌گیری‌ها و عوامل مؤثر یا موانع موجود بر سر راه آن‌ها؛ مشاهدات راوی از خط مقدم و مناطق عملیاتی؛ اخبار و بحث‌های گوناگونی که در سنگر فرماندهی یا بین رزمندگان در جبهه‌ها مطرح می‌شد؛ گزارش‌های پراکنده‌ی فرماندهان یگان‌ها یا مسئولان ستادها و واحدها به فرماندهی و ... در ادامه، صفحاتی از دست‌نویس‌های حسین اردستانی راوی قرارگاه خاتم، در عملیات کربلای ۱۰ آمده است. قبل از مطالعه باید به این نکات توجه کرد:

برادر شمشخانی برای تشریح کامل وضع موجود، وضعیت یگان‌های سپاه را چنین برمی‌شمرد:

• لشکر ۲۵ (کربلا) در فساو و هور (الهویزه) خط پدافندی دارد. در این‌جا (کربلای ۱۰) با یک گردان وارد عمل شد و یک گردان (هم) پدافند آن، با یک گردان امشب عمل می‌کند.

• لشکر ۳۱ (عاشورا) در هور و شلمچه خط پدافندی دارد. در این‌جا (کربلای ۱۰) هم با ۲ گردان آماده‌ی عملیات است.

• لشکر ۵ (نصر) در ضلع شرقی جزیره، خط پدافندی دارد. در این‌جا (کربلای ۱۰) با سه گردان آماده‌ی عملیات است.

• لشکر ۲۷ (حضرت رسول^(ص)) هیچ نیرویی ندارد و در شلمچه (خط پدافندی دارد).

• لشکر ۱۰ (سید الشهداء) در هور و شلمچه (خط پدافندی دارد).

• لشکر ۱۷ (علی بن ابی طالب^(ع)) در شلمچه و هور (خط پدافندی دارد).

(برادر محسن) رضایی: خط شلمچه باید سبک‌تر شود.

لشکر ۱۹ (بقیه‌ی مطالب نوشته نشده است).

(برادر محسن) رضایی: این‌که خب. ما می‌خواهیم بدانیم تا ۱۵-۱۰ روز دیگه (یگان آزاد) چی در دست داریم که عملیات کنیم.

(برادر علی) شمشخانی: هیچی.

راوی: در آمار فوق (یعنی آماری که از اعزام نیرو داده شد)، گردان‌های اعزامی صاحب‌الزمان خیلی اندک بودند.

(برادر محسن) رضایی: در محور سردشت، (یگان) بگذارید کار بکنند. ببینند کجا می‌شود رفت داخل (عراق).

(برادر) شمشخانی: توان نیست: یگان‌ها نیرو ندارند، خسته‌اند، یک سال و نیم (پیایی) دارند می‌جنگند.

(برادر) رضایی: چه می‌گویند؟ مرخصی می‌خواهند؟

بود که چگونه یگان‌ها از خطوط دفاعی آزاد شوند تا در اجرای عملیات بتوانند از آن‌ها استفاده کنند.

گفتنی است که به دلیل خوانا نبودن برخی کلمات دست‌نوشته‌ها، متن کامل آن‌ها تایپ شده و برای این که خوانندگان مطالب را بهتر درک کنند، توضیحات اضافی نیز در داخل پراکنش داده شده است. مسئولیت برادرانی که نام آن‌ها آمده، عبارت است از:

برادر محسن رضایی: فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

برادر علی شمشخانی: قائم مقام سپاه و فرمانده نیروی زمینی.

برادر علیرضا افشار: (احتمالاً) رئیس ستاد کل سپاه. تماس تلفنی آقای هاشمی رفسنجانی با برادر محسن رضایی برادر محسن رضایی: وضعیت (عملیات را بازگو کرد) آقای هاشمی: (ارتفاع) ژاژیله چی؟

برادر محسن رضایی: به دلیل عدم تصرف کامل ارتفاع گلان، این ارتفاع ژاژیله سه بار (بین ما و عراق) دست به دست شده است.

آقای هاشمی: چرا شما این‌قدر جلو (نزدیک خط مقدم) رفته‌اید؟

برادر محسن رضایی: وضع چه طور است؟

آقای هاشمی: هیچی. ما همه منتظر شما هستیم. با این همسایه‌تان (قرارگاه رمضان) چه کار کردید؟ نمی‌خواهید الحاق کنید؟ رضایی:

راوی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ (برادر اردستانی): به علت این که گوشی (شنود تلفنی) مرا (برادر شمشخانی) گرفت بقیه گفت و گوی تلفنی را نتوانستم بنویسم (اما در نوار ضبط شده است).

گفت و گوی برادران محسن رضایی، علی شمشخانی و افشار درباره‌ی وضعیت یگان‌ها، نیرو و خطوط پدافند

محور مباحث مطروحه بین برادران مذکور درباره‌ی مشکلات ادامه‌ی عملیات است. برادر محسن در مورد موانع انجام عملیات‌های آتی سؤال می‌کند.



در سازمان رزم رشد نکرده‌ایم. (و در ادامه درباره‌ی صحبت قبلی می‌گوید) برای شناسایی، یک سری یگان‌ها مثل لشکر ۲۷ را می‌توانیم بیاوریم.

(برادر) رضایی: برای (خط) شلمچه چه یگان‌هایی را می‌گذارید؟

(برادر) شمشانی: لشکرهای ۱۰ (سید الشهداء) و ۳۱ (عاشورا) و ۸ (نجف) و ۲۷ (حضرت رسول (ص)) در آن‌جا خط ندارند.

(برادر) رضایی: در (خط) شلمچه یگان‌هایی را (در) پدافند بگذارید که در فاو یا جای دیگر (ی) خط نداشته باشند که بشود در دفاع از آن‌ها استفاده کرد.

در مورد این منطقه (کربلای ۱۰ شمال سلیمانیه) برادر رضایی گفت: برای خط دفاعی این منطقه هم ما بیاییم (ارتفاع) قمیش و (ارتفاع) قشن و (ارتفاع) گامور را بگیریم و همین‌جا یک خط تشکیل بدهیم. یک یگان برای (ارتفاع) گامو و یک یگان برای محور گلان و قشن، (در مجموع) ۲ یگان می‌خواهیم. (برادر) رضایی: ما بیاییم (تیپ ویژه) شهدا را پدافند کنیم.

ما ببینیم تا آخر تابستان چند یگان برای عملیات داریم. هر یگان تا آخر تابستان یکی دو سه عملیات بکند. در هر مرحله هر لشکر چند گردان خواهد داشت؟

(برادر) افشار: در هر مرحله ۲-۳ گردان.

(برادر) شمشانی: ما (سپاه) ۳۶ یگان داریم. ۱۳ لشکر و ... در بین این (یگان‌ها) تیپ انصارالرسول و گردان بابل و هم هستند. کیف نکنید! (که چه قدر یگان داریم)، ولی همه‌شان بهتر از هستند.

راوی: برادر محسن پیش‌بینی می‌کرد (که) هر ۴۵ روز، ۵۰ گردان نیرو برای کلیه‌ی یگان‌ها می‌آید و تا آخر تابستان، ۲ عملیات ۱۰۰ گردانه انجام می‌شود. وی گفت: این در صورتی است که (نیروی یگان‌ها) در خط‌های پدافند آب نروند.

(برادر) شمشانی: این را نمی‌گویند، ولی خسته‌اند فرماندهان ما.

(برادر) رضایی: خب چه کار باید بکنیم.

(برادر) شمشانی: نمی‌دانم! فکر اساسی‌تر باید کرد. (برادر) رضایی: این‌جا که آب و هوا خوب است، آتش نیست.

(برادر) شمشانی: آره در مقابل جنوب آتش نیست: هوا خوب است، ولی عقبه ندارد، امکانات مشکل می‌رسد.

وضعیت نیرو

به خاطر کمبود نیرو و لزوم آن برای انجام عملیات، برادر محسن به (برادر) افشار گفت: شهرهای کردستان نیرو می‌خواهد چه کار کند، آن‌ها را آزاد کنید، تیپ تشکیل دهید و در همین منطقه (کربلای ۱۰ شمال سلیمانیه) به کارشان بگیرید.

در مورد نیرو (برادر) رضایی به (برادر) شمشانی گفت: چه کار می‌خواهید بکنید؟

(برادر) شمشانی: ما در نظر داریم با تبلیغ این عملیات (کربلای ۱۰) نیرو جذب کنیم.

(برادر) رضایی: کلاً چه یگان‌هایی را می‌توانیم آزاد کنیم؟

(برادر) شمشانی: لشکر ۱۰ (سیدالشهدا) قرار شد آزاد شود.

(برادر) رضایی: پس از این عملیات (کربلای ۱۰) چی؟ (یگان دیگری آزاد می‌شود؟)

(برادر) شمشانی: باید ببینیم چیه (وضعیت چگونه است). نه مهمات می‌رسد نه (ماشین) تویوتا می‌رسد ... بند پوتین.

(برادر) شمشانی: قسمتی از (خط پدافند) فاو را از ما بگیرید.

(برادر) رضایی: فاو را که نمی‌شود، زحمت بچه‌ها به هدر می‌رود.

(برادر) شمشانی: ما در مقابل زمینی که گرفته‌ایم

[illegible]



اسناد مربوط به زمینه سازی جنگ

تهیه و تدوین: حسن دری

مقدمه

تحركات مرزی "بود. تجاوزات و تحركات مرزی عراق علیه ایران بصورت مستقیم و غیر مستقیم در قالب عملیات‌های منظم و نامنظم صورت می‌پذیرفت. نوع و شدت آنان بسته به موقعیت منطقه و اهداف نظامی آتی در راستای حمله سراسری انجام می‌گرفت. از جمله اقدامات یاد شده حمله به پاسگاه‌های مرزی، شناسایی زمینی و هوایی در عمق شهرهای مرزی کشورمان، اجرای آتش توپخانه، توزیع و تسلیح عوامل ضد انقلاب، آموزش و سازماندهی ضد انقلاب، مین‌گذاری در جاده‌ها، بمب‌گذاری در معابر عمومی و مراکز اقتصادی، کمین و حمله به ستون‌های نظامی و مراکز حساس، مانورهای نظامی گسترده در مرز، تقویت پاسگاه‌های مرزی توسط یگان‌های زرهی و مکانیزه، انتقال عمده یگان‌های ارتش عراق در نوار مرز، احداث مراکز نظامی و جاده‌های در مرز و ... می‌توان نام برد.

انشار اسناد از جمله اقدامات سودمندی است که از یک سو می‌تواند رشد سیاسی و فرهنگی افراد جامعه را تعالی بخشد و راهگشای تصمیم‌گیری‌های آینده باشد، و از سوی دیگر منبعی موثق و دست اول برای داوری صحیح در دیدگاه‌های مورخین صاحب‌نظران، پژوهشگران و علاقمندان در آثار آنان باشد. در این راستا فصلنامه نگین بنا به محدودیت، تعداد اندکی از اسناد مکتوب در خصوص تجاوزات و تحركات مرزی عراق در محدوده‌ی مرز استان خوزستان و جنوب ایلام، قبل از آغاز جنگ را جهت بهره‌برداری علاقمندان به این حوزه به چاپ رسانیده است. امید است مفید فایده قرار گیرد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، عراق اقدامات بسیاری را به منظور کسب آمادگی و ایجاد زمینه‌های لازم برای مبادرت به یک جنگ گسترده و تمام عیار، علیه کشورمان انجام داد. مهم‌ترین و بیش‌ترین اقدامات در این چارچوب، "تجاوزات و



شماره ۳۸۹
تاریخ ۲۰/۲/۱۳۵۸
پوست

استاداری خوزستان

فرماندهی لشکر ۹۲ زرهی اهواز
فرماندهی ناحیه ژاندارمری خوزستان
مرحله مانده

شهرداری استان خوزستان باستفاد گزارش شهرداری
آبادان طی نامه شماره ۵/۲۲۲۲۷ - ۵۸/۳/۲۶ اصلاح
داشته است در تاریخ ۵۸/۳/۲۱ چند نفرند هواپیما
و هلیکوپتر عراقی بر فراز جزیره مینو پرواز نموده که هدف
آنها شناسایی و احتلال عراقی بوده است .
لذا خواهشمند است دستور فرمایید در اینگونه موارد
اقدامات و مراقبتهای لازم معمول دارند تا از بروز حوادث
احتمالی نریا جلوگیری شود . / د

رژمستان
استاداری خوزستان

گیرندگان :

- ۱- شهرداری استان خوزستان .
- ۲- فرمانداری خرمشهر جهت اطلاع .
- ۳- وزارت کشور - اداره کل انتظامی جهت اطلاع .

۵۵
۵۵۳۱۴۰

	تاریخ ۸۸/۴/۱۸
وزارت کشور	شماره ۴۵۷۳
استانداری خوزستان	پیوست
فرمانداری خرمشهر	خیلی فوری است

فرماندهی ستاد عملیاتی خرمشهر	
طبق گزارش گروهان واندازی خرمشهر در ساعت ۲/۴/۸۸ مورخ ۸۸/۴/۱۸ از سمت غرب پاسگاه واندازی مؤمنی تعداد ۴ عدد موشک آرپی جی ۷ از خاک مرای به پاسگاه مرزی مذکور شلیک شده که متقابلاً افراد پاسگاه به تیراندازی مهاجمین پاسخ داده اند درگیری در ساعت ۵/۴/۸۸ خاتمه یافته و تلفات جانی نداشته است خسارات مالی نیز در حد و شکستن شیشه ها و لطمه زدن به دستگاه موتور شاور بوده است مراتب جهت اطلاع اقدام لازم اعلام میگردد .	
سید محمد رضا طوی	
فرماندهی ار خرمشهر	گیرنده
(امضاء)	*****
✓ جناب استاندار خوزستان جهت استحضار پیرو زاری نمایی	
دفتر ریاست فرمانداری	ه. سنی
۶۹۸۸	م. رف
شماره ۲۹۲۶۸	م. رف
تاریخ ۸۸/۵/۱۸	م. رف
۲	م. رف



(۱)

کمیسیون تہذیب و ثقافت

استاندار خوزستان

داران - از اندر می فرماید می هنگ ردوست ستاد عملیات خرمشهر و مانند ارس
 تر ارس و اچله از با گاه علمی گویا است در ساعت ۴۵ ر ۱۲ مهر پورخه ۱۳۵۸/۴/۲۲
 شاعده گردید یک دستگاه رنجرو دل تہذیب و ادب و دانش سر نشینی پنج نفر کہ همراهان افراد
 ارشد شور مقابل عواق بوده اند رد می جاده مزعکہ کہ کشور عواق رد بود می با گاه مست
 شریع بہ نعلیم بوداری و مجلس بودار از با گاه مذکور نمود کہ بلا فائده گویا عیان دوم نامہ
 بجل اعزام بعض شاعده نامہ را با گاه خود رد و مانند عقب بہ غراہی اندر نشانی بہ جلور
 شور مقابل حرکت و از آجاء با گاه سوان شور عواق عزیمت مجدد در ساعت ۴
 عقبہ با استفادہ ارنشت نام مذکور مقابل این اعمال تدار گردید مراتب بہت مزید
 معروض میگردد

سردار حسین و مانند گروہان از اندر می فرماید

و همچنین (۱) بہ تہذیب و ثقافت (دانش)
 ۵/۴/۲۲

۱۴/۴/۵۰/۱۸/۲۰
 ۱۳۵۸/۴/۲۲

ردوست بہت اطلاع با استاندار خوزستان ارسال میگردد کرو
 شہداء لایم بہترین زار
 (۲) سید محمد رفقا علوم و مانند

دفتر رمز و حیرما و استان خوزستان
 شماره ۸۴۴ - ۱۳۵۸/۴/۲۰

گوشیدہ تلفنی ترام آثار کاظم قدم گاهی زمانہ ساعت ۱/۴
 ۳۸۸۱
 ۱۳۵۸/۴/۲۲
 گارمند و طالع ارشد
 جمعہ تاخ ۱۳۵۸/۴/۲۲

(۵)

شماره ۶۶۱
تاریخ ۱۳۵۸/۴/۲۱
پیوست

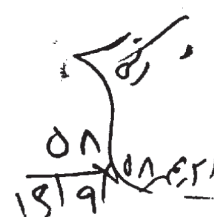
استاداری خوزستان

فرمانداری دشت آزادگان محرمانه

گزارش واصله از گروهان ژاندارمری بستان حاکیست که ساعت ۴-۳ بامداد روز ۱۶/۴/۵۸ عوامل خرابکار یکی از پاسگاههای گروهان مزبور (شخصی نگردیده کد ام پاسگاه) را محاصره و ماموشک انداز اقدام به تیراندازی مینمایند که در نتیجه استوار یکم اسماعیل میقانی و گروهان سوم حشمت اله قاسم زاده و جوانمردان فتح اله رضایی و کرم یار رضایی مجروح گردیده اند و سرانجام در ساعت ۵ عوامل مخرب از تار یکی شب و اشجار اطراف پاسگاه استفاده نمود و موفق به قرار میشوند خواهشمند است دستور فرمایند در این خصوص بررسی و تحقیق لازم جهت شناسائی افراد مهاجم معمول داشته و از نتیجه اقدامات استانداری راجستراسر سازند.

رئیس
امروز مهرونوش
رئیس دفتر سیاسی و انتظامی




۵۸
۱۳۵۸/۴/۲۱

وصول ۲۲۲۰ ۵۸/۴/۲۶

کگل، کمور ۲ رونوشت تیمسار

استاندار حکومت رونیوت فیما ندهی لیکر ۱۲ ژرمی
رونیوت اهواز فرما ندهی تا حیہ ۲ رونیوت فرما ندهی
تہیہ ویت آزاد کان

پ ت س ر ر ر ر ر ر ر

مى شوع حمله عوامل عراقى به عبيديه

گزارش فرمانده پاسگاه سعیدیه حاکیست که در ساعت ۲۲۲۰ روز ۵۸/۴/۶۶ حدوداً ۱۰ تا ۱۵ عامل عراقی با موشک و خمپاره و سایر حمله‌های سنگین به عمایر مرز نشین سال حندی سعیدیه حمله و سرهمی از ۲۰ دقیقه مقدار زیادی از آن به اسلحه سعیدیه کمرده شد که متعاقباً بلافاصله پاسگاه

سازگین به احترامان پاسخ و سازنده و پیرو معیاراندازی محفوظه هرستل
پاسگاه در مواقع منع خود آماده دفاع از طریق گروه اتحادی کمک اعزام

و میزبان هنگام نیت چمنطور کمک و بهیچبانی گروهان ما مور تقویتی
 ما دارد و اعزام نمود در حال حاضر از میثان خسارات وارده به عمیره ها
 بهای تاریکی به اطلاعی نیت بررسیهای بعدی متدا قبا با مستحضر
 بخواند رسید /

۵۸/۴/۲۶ ۵/۴۰۱/۳/۲ سرگرد خلخال‌ی راد

پ ی س ر و ر و ر و

د عبدالحسين ك قلاخ نور سر مخ ۲۴۱۰ ۵۸/۲/۲۶

دفتر و همز و سه ماهه اول سال ۱۳۵۱

DATE: 0-1-51

دوره مدیریت استانداری محراب

عدد ۲۸۳۶۸

174

وزارت کشور ۸۱/۴
۱۷۰۱/۱۹ / ۱۳۸۲
۵۹/۶/۱۸
از: سرانجام این نامه در وزارت کشور
۱. دفتر ریاست جمهوری
۲. وزارت کشور
۳. وزارت معادن و قلع و معرکه
۴. وزارت راه و ترابری
۵. وزارت صنایع و معادن
۶. وزارت اقتصاد و دارایی
۷. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۸. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
۹. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
۱۰. وزارت نیرو
۱۱. وزارت ورزش و جوانان
۱۲. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
۱۳. وزارت امور خارجه
۱۴. وزارت اطلاعات
۱۵. وزارت دفاع و پشتیبانی صنایع نظامی
۱۶. وزارت محرومان و امور اجتماعی
۱۷. وزارت مسکن و شهرسازی
۱۸. وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری
۱۹. وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات
۲۰. وزارت کشور

۱۳۴۹/۴/۱۸/۹۵

تاریخ: ۵۸/۹/۲۴
پیوست:

خارجی

اند ارمری جمهوری اسلامی ایران - اداره مرزهای
حکومتدیری (معاونتد رامنوالانلاب)
شوع تجاویز ماه موان عراقی
(تلفن)
مستند
ژاندارمری و
مستند

شماره: ۱۱۴۴۹/۴۰۱/۷۷/۹۰ - ۱/۹/۲۱

گزارش مرزبان - سوسنگرد کپیا شده:

انفراد دوره دیده با سگاه زوره عراق ساعت ۱۳۰۰ ۸/۹/۲۱ از خاک عراق با جنگ افزارهای سنگین و سبک بطرف مشیره سا هندی ایران تیراندازی همزمان اهالی به تیراندازی آتش با سخ - مید هند بلا فا صله فرمانده با سگاه سعید به بستان مراد مدای ماه مورو به کمک اهالی شتا فتونیز فرمانده کروهان بستان با ده کافی بمحل مورد نظر نیت می نمایند در گزارشی که فرمانده کروهان از محل زد و خورد ارسال داده است یادآور گردیده که راد عراقی بلا انقطاع از خاک عراق بطرف خاک ایران تیراندازی می نمایند دستور داده شده است وجود در محل و با مداران در موضع مربوطه واقع در داخل خاک ایران صفر و از هر گونه تجاوز با عدم جلو گیری نمایند زد و خورد تا ساعت ۱۷۰۰ بدون وارد شدن خسارات مالی و جانی ادامه داشت و در این ساعت تیراندازی قطع عمل - آرامش در منطقه برقرار است - مرزبان در گزارش خود درخواست سلاح سنگین تانک ۱۰۶ و - خمپاره انداز ۸۱ میده است بنا حبه خوزستان - مرزبان ابلاغ شد که با لشکر ۹۲ زرهی خوزستان هم آمیزی و پیش بینیهای لازم معمول چنانچه این قبیل حوادث تکرار گردد میتوانند بموقع از هرگونه تجاوزی جلو گیری و موا بلا لازم بمحل آورند دستا - این مورد عمده است - مرزبان مقابل اعتراض نمایند م.

فرمانده ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران - سررتب الیاس دانشور

از سوی
سررتب شکمناک

گیرندگان:

وزارت امور خارجه جهت استحضار

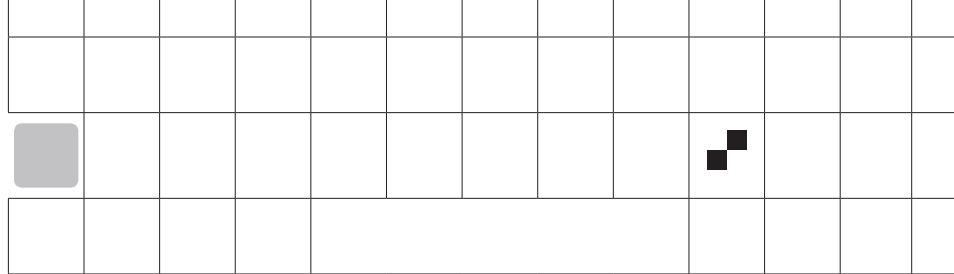
وزارت کشور جهت استحضار

اهد ام کننده: سرکرد آباد انا
فرم ۰۰۶۵ - ع ۵

(وزارت کشور)
دفتر اتمی - درم و مخریانه
شماره: ۸۷۱۷
تاریخ: ۱۳۵۸/۹/۲۴



۲۶



شماره
تاریخ
پیوست
۵۸/۹/۲۵

وزارت امور خارجه
شروع: نقل و انتقالات ارتش عراق
ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران - اداره مرزبانی
ژاندارمری دور
(تلفن:)

گزارش مرزبان خرمشهر گویاست:

ساعت ۱۵۳۰ روز ۱۳۵۸/۹/۲۲ ماموران مستردر دژهای شماره ۱۰ و ۸ اظهار نموده اند که تعدادی نفر مرزبانی و تانک ارتش عراق از مرز عبور نموده و در داخل دژ شماره ۱۰ مستقر گردیده اند. به منظور بررسی صحت و سقم موضوع فرمانده گرومان خرمشهر به محل اعزام باستقار تحقیقاتیکه به عمل آمده پرسنل مستقر در دژ شماره ۱۴ اظهار داشته اند که تعدادی خود رو عراقی را مشاهده نموده اند که بطرف مرز ایران در حرکت بوده که بعضی مشاهده ماموران مرزی ایران مسیر خود را تغییر داده و داخل عراق مراجعت نموده اند تحقیقات و اقدامات ادامه دارد نتایج حاصله پس از وصول با استحضار خواهد رسید. ب

فرمانده ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران - سرتیپ دانشمیر
از سو
سرتیپ شکیهاکی

وزارت کشور
دفتر اولی - دژ مرز و محرمات
شماره:
تاریخ: ۱۳۵۸/۹/۲۲

گیرندگان:
وزارت کشور جهت استحضار

الانکم شد

اقدام کننده: سرگرد آبادانا

فرم ۰۰۶۵ - ج ۳

شماره ۳۷۵-م

تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۲۶

پوست

استادزادی خوزستان

بنام خدا

مهرمان

وزارت کشور (اداره کل امور انتظامی)

نامه شماره ۵/۳۲۹ مورخ ۱۳۵۹/۱/۲۵

شهربانی استان خوزستان حاکی است که برابراطلاع

شهربانی سوسنگرد مستند به اطلاع واصله "آخیرا"

کشور عراق درنوارمرزی سوبله تاکاویان تعدادی تانک

و توپ مستقرنموده و به تقویت پاسگاههای مرزی و -

ساختن موضع وسنگردراین نواحی پرداخته است.

حسین متقی
رئیس مرکز امور سیاسی و انتظامی

امیرالعلم

اداره جندبالتفاهیر

۱۳۹۰/۱۱/۲۱



وزارت کشور
دفتر وزارتی - مهر و محرمانه
شماره: ۲/۱۵۰۱
تاریخ: ۱۳۹۰/۱۱/۲۶

پیش نویس

تاریخ



وزارت کشور

از ایلام تلفنگرام

۱۹۷/۴

۵۹/۲/۸



جناب آقای مهندس میر سلیم معاونت محترم بهداشتی وزارت کشور

هنگام بازدید از ایلام به استناد قبلی از منطقه در وقت و ساعت و سر
طی گزارش شماره ۴۴/۵۰۱/۰۳/۵۹ - مورخ ۸/۲/۵۹ ایلام

۱- گردان یکم اندیشه ۲۷ نفری در نزدیکی دریا در منطقه بستی لطیف و بحار
که یک گروه جان از این گردان در لطیف مستقر است
۲- گردان یکم گردان ۳۲ نفری مستقر در منطقه در نزدیکی دریا

مستقر است

۳- یک گروه آتشبار هوائی در نزدیکی دریا مستقر است
۴- یک گردان یاده و یک گردان نفری در نزدیکی دریا مستقر است
۵- یک گردان دوم تیپ ۲۴ کوچه یاده در حوالی علی غریبی مستقر است
۶- یک گردان یاده یاده در سنگاه ناند و سرسبز شفی دار در نزدیکی مستقر است
۷- یک گردان یاده یاده در نزدیکی کلات منطقه بستی جغتو کلات علی

۸- یک گردان یاده در نزدیکی کلات دوم تیپ بستی در نزدیکی دریا
۹- یک تیپ ۴ کلات به منطقه نور بستی و بستی و مستقر در
گردان از این گردان در ایلام و سنگاه سومیه و ایلام
مستقر و یاده در سنگاه تانک و در نزدیکی دار در نزدیکی دریا



۳۰

نیز در اینجا می بینیم که مستقر شده اند و وسیله این دو گردان با گلهای
رومایی و تراچو آب استعداد آنها دید گروهان را به دست نمائند -
اما من فرماندهان این دو گردان سرد جبار و سرگرد حق میبار
در یک گردان میاد زرهی یا سبکی و اوضاع آتشبار در پشت تپه های تند
بستگی مستقر شده که وسیله ای گردان با گلهای ال پنهان را و عمرتری تقویت شده
۷- در دریا نه قرارگاه نظریه و تپه میاد و سرگرد آید و تپه ۴۳۴
مستقر میماند

۸- در دریا نه برای تپه ۴۴ قواست که یک هنگ نیروی محرمی دارد
مستقر میماند تعداد ۵۰ فروند جت جتلی سوخو ۷ و یک ۲۱ و یک ۲۷ و
تعداد ۱۵ فروند هلی کوپتر و در دریا نه مستقر شده اند و تپه ۴۴
در مرکز میاد و مرکز آرسش نیز در منطقه های که ت مستقر میماند

۹- در دریا نه گردان ۴۰ تپه خانه و مرکز آرسش نیز اینجا



تارخ

مسئله که در میان این گردان رکنند و گردان قوم آن در میان
گردان سوم آن در ~~حال~~ حال چه جای چون توارس و مقابل سردار
و سران مستوف و غیره می باشد
۱- هم اکنون یک دستگاه را دارد و آنی که در یک فردی نظامی است
به نیزه استعمال یافته است

دانش فیه استوار و گوناگون امداد مقتضی اعلام میدارد

اسرار ارباب عالم

3 line

6/6

و اوتش قشور
دشمن و ارس حرم و محرمانه
شماره: ۲۳۸۵۹
تاریخ:

~~SECRET~~ / 27-1 P

شکل

Mr

CA

پہاگانی

1991/12/11

خیلی است مانده

۸۱/۱۹

درجه فوریت

بر : خبر

صفحه شماره از صفحه

نسخه شماره از نسخه

۱- به : دفتر ریاست جمهوری اسلامی ایران

۲- از : ژاندار ۲ (دایره اطلاعات)

۳- شماره : ۵۱/۵۰۱/۰۲/۲۲/۵

۴- تاریخ : ۱۳۵۹/۱۲/۱۸

۵- پیوست :

۶- تاریخ وقوع :

۷- ملاحظات حفاظ :

۸- گیرندگان :

۱- نخست‌وزیری (به استحضار در احوال انقلاب)

۲- وزارت کشور

۳- وزارت دفاع ملی

۴- سرسازمان

۵- سازمان

۶- بازگشت : پیرو :

خبر رسیده کو پاسه :

۱- در تاریخ ۱۳۵۹/۱/۱۲ یک گروهان زندانیان به سران مراد - سن ملی و متفکر

از ۱۲ تانک و ۱۰ دستگاه خودرو از انواع مختلف منطقه آله جیس (آله جی) مقابل

پاسگاه حدود چهل گروهان زندانیان به سران مراد - سن ملی و متفکر

۲- در تاریخ ۱۳۵۹/۱/۱۳ ملاقاتی بین سران آری ایران و عراق از جمله یکی نصلی و سید هادی

مزاری پور با هدایت مسئولین حزب بعثت سازمان امن‌الامام بصره در منطقه آله جیس صورت و درباره

هنگامی که این مسئولین با عراقیان و هم چنین با مسئولین محوله به تواریان ایرانی هماهنگی

همه است

۳- در تاریخ ۱۳۵۹/۱/۲۵ تعداد ۸ نفر از زندانیان خلیان بهش که اهل تک بیت میباشند به

پایگاه هوایی الفصیح (توابع بصره) اعزام و این افسران که مورد اعتماد و به همسازی -

میباشند کلیه امور پایگاه را به عهده گرفته اند

پایگانی



۱۳۵۹/۱/۱۲

از - آشور

فرماندهی - رزم و محرمان

حار

درج

۹/۲/۱۳۵۹

ارزایی خبر : احتیاط - صحت دارد

نظریه : جهت احتیاط

فرم ۰۲۷۶ ژ - ک - ش

خیلی است مانده

آنی
خیلی فوری
فوری
عادی

بیت

تلفنگرام



ارجحیت

۳۶۱،۵۱،۲۲۵

شماره	تاریخ
-------	-------

از ج

۵۹،۲،۲۷

تاریخ

به وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
(مدرسین) ۲۲۴۰ مصوبه هیئت مدیره ۵۹،۲،۲۶ مکمل و نهادهای
عراق در علم معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه در امور
بیت و سایر امور از آنجا محسوس بازگشت به مکمل و نهادهای

کوبنده / کیرنده	کیرنده / کیرنده	تاریخ	تاریخ
۵۹	۲۷	۲۷	۲۷

۱۲/۱۰/۱۳۹۰
ساویر کشور

وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران - مرکز فرماندهی

به دفتر ریاست جمهوری

رونوشت وزارت کشور

دفتر امور انقلاب

بنابر ریاست ستاد مشترک ارتش

گزارش مأموریت واندازی خورس: مأموریت که به استناد اطلاعات کسب شده
در سدهای گاه ناله پاسگاه سسیده وسیله آتش ها سنگین تر چانه عراق نموده گردیده و کلیه ارتش
ایران همکار در حمله میباشد و با سلاحهای سنگین از بین عراق تیراندازی و مکان را تسبیات
شمارت نفت و معدن دارد.

۱۷۰۱/۲۹/۱۹۶۲

۵۹,۴۱۴

۱۶,۵۵۰

لژی
ریاست واندازی
مرکز بانک

بایگانی شده

۱۳۵۹/۱۲/۲۶

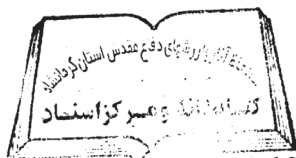
گنجینه: مرکز وزیران و نهاده

گنجینه: (۱۳۵۹)

وزارت کشور
دفتر وزارت - رمز و محرمانه
شماره
تاریخ ۲/۱۸/۶۲
۱۳۵۹/۱۲/۱۱

الاستیک

وزارت اطلاعات



بسمه تعالی

کرمانشاه ده ایلام خیلی فوری بطور کشف مخایره شود .

او: مرزبان دهلران - به تهران ت فز اداره مرزبان رونوشت فرماد می ناحیه

ناحیه رکن سم رونوشت فرمانده هنگ ایلام رکن سم

موضوع: مشاهدات مرزبان

۱- در ساعت ۸۰۰ میرخه ۱۱/۴/۵۹ شخصا من ستواندم دلفانی از نوار مرزی سمیده بازدید و مشخصات و مشاهدات مرزی زیر را مشروحا" بعرض میرسد ۱- رویروی پاسگاه سمیده در جلو شرکت نفت کشی عراق روی تپه های مشرف در پاسگاه مذکور افراد پیاده نظام به استعداد دوتنفر و چهار نفر دیده میشود که در حال دیده بانی منطقه پاسگاه سمیده بودند که گاهی ظاهر و سپس ناپدید میشوند و تصور می رود افراد فوق' دیده بان سیروی مستقر در اطراف چاه نفت عراق باشد .

۲- در مقابل پاسگاه سمیده ایران در نزدیکی میله های مرزی در خاک عراق سنگرهای دیده میشد که با احتمال تانک و نفربرهای از کشور عراق در آن استتار نموده اند .

۳- همانطوریک قبلا" اعلام شده چنانچه شرکت نفت به حفاری و استخراج نفت ادامه دهد احتیاج به نیروی نظ دارد که بتواند ارتقاء سیاست و دستگاه های حفاری حفاظت نماید .

۴- جهت خنثی نمودن تجاوزات هوایی کشور عراق بیشتر از عر جیز نیاز به سلاح های ضد هوایی میباشد .

۵- با فرماندهی تیپ آزادی دزفول فرمانده ستون عملیات مستقر در عین خوشتر تما سر گرفته و اظهار نموده که در ایلافیه با امرهای از طریق ستاد مشترک یا لشکر مربوطه واصل نشده که فرمانده ستون عملیات در منطقه باشد استعداد ارد از طریق مقتضی با مقامات در صلاح برورد تعیین فرمانده ستون عملیات هماهنگی نموده برای این مرزبان در مواقع رویداد های مرزی برای پشتیبانی از پاسگاه های مرزی بتواند تقاضای نیروی کمکی نماید تا هرگونه ابهام مرتفع گردد مقرر فرمائید اوامر عالی را هرچه سریع تر امر به ایلاع فرمائید %

شماره ۱۳۹-۱۴۴-۲۷-۴۰۱-۱۹/۴/۵۹ ستواندم دلفانی

بیت

تلفنگرام



آی
اخیری گوری
فوری
عادی

ارجحیت

از سباجا ۲ مرکز فرماندهی شماره ۱۸۱/۲۶۰۲۱۷۰/۵
تاریخ ۵۹/۵/۲۳ به سباجا -

(برابر گزارش لشکر ۹۲ زرهی در ساعت ۲۲/۵/۵۹ شد
فروند هواپیماهای ران در حدود پایگاه موشی به فاک ایران و عراق
که با آتش کالیبر ۵۰ روبرو و بمبور به ترک فضای ایران گردید
رابط جمعیت آگاهی امداد و گرد -
ع - ر - سباجا - سرنیت خدای -

روفت ۱۸ واحد داده شد
روابط خدای داده شد
له

گیرندگان -
۱- رایجا جمعیت آگاهی -
۲- سباجا پلدار جمعیت آگاهی -
۳- سباجا ۲ جمعیت آگاهی -

گوبنده خرد گیرنده نظامی واحد
تاریخ ۵۹/۵/۲۳ ساعت ۲۳/۲۲ دقیقه

۱۷۰۱/۲۹/۱۳۲۰
۵۹/۶/۱۸

وزارت کشور
۸۱/۵

۱- وزارت کشور
۲- وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
۳- وزارت عدلیه
۴- وزارت راه و ترابری
۵- وزارت دارایی
۶- وزارت جنگ
۷- وزارت صنایع و معادن
۸- وزارت نفت
۹- وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
۱۰- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
۱۱- وزارت ورزش و جوانان
۱۲- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۱۳- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
۱۴- وزارت اطلاعات
۱۵- وزارت امور خارجه
۱۶- وزارت محرومان و امور اجتماعی
۱۷- وزارت امور اقتصادی و دارایی
۱۸- وزارت نیرو
۱۹- وزارت راه و ترابری
۲۰- وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
۲۱- وزارت عدلیه
۲۲- وزارت کشور
۲۳- وزارت صنایع و معادن
۲۴- وزارت نفت
۲۵- وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
۲۶- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
۲۷- وزارت ورزش و جوانان
۲۸- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۲۹- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
۳۰- وزارت اطلاعات
۳۱- وزارت امور خارجه
۳۲- وزارت محرومان و امور اجتماعی
۳۳- وزارت امور اقتصادی و دارایی
۳۴- وزارت نیرو
۳۵- وزارت راه و ترابری
۳۶- وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
۳۷- وزارت عدلیه
۳۸- وزارت کشور
۳۹- وزارت صنایع و معادن
۴۰- وزارت نفت
۴۱- وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
۴۲- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
۴۳- وزارت ورزش و جوانان
۴۴- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۴۵- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
۴۶- وزارت اطلاعات
۴۷- وزارت امور خارجه
۴۸- وزارت محرومان و امور اجتماعی
۴۹- وزارت امور اقتصادی و دارایی
۵۰- وزارت نیرو
۵۱- وزارت راه و ترابری
۵۲- وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
۵۳- وزارت عدلیه
۵۴- وزارت کشور
۵۵- وزارت صنایع و معادن
۵۶- وزارت نفت
۵۷- وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
۵۸- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
۵۹- وزارت ورزش و جوانان
۶۰- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۶۱- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
۶۲- وزارت اطلاعات
۶۳- وزارت امور خارجه
۶۴- وزارت محرومان و امور اجتماعی
۶۵- وزارت امور اقتصادی و دارایی
۶۶- وزارت نیرو
۶۷- وزارت راه و ترابری
۶۸- وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
۶۹- وزارت عدلیه
۷۰- وزارت کشور
۷۱- وزارت صنایع و معادن
۷۲- وزارت نفت
۷۳- وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
۷۴- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
۷۵- وزارت ورزش و جوانان
۷۶- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۷۷- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
۷۸- وزارت اطلاعات
۷۹- وزارت امور خارجه
۸۰- وزارت محرومان و امور اجتماعی
۸۱- وزارت امور اقتصادی و دارایی
۸۲- وزارت نیرو
۸۳- وزارت راه و ترابری
۸۴- وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
۸۵- وزارت عدلیه
۸۶- وزارت کشور
۸۷- وزارت صنایع و معادن
۸۸- وزارت نفت
۸۹- وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
۹۰- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
۹۱- وزارت ورزش و جوانان
۹۲- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۹۳- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
۹۴- وزارت اطلاعات
۹۵- وزارت امور خارجه
۹۶- وزارت محرومان و امور اجتماعی
۹۷- وزارت امور اقتصادی و دارایی
۹۸- وزارت نیرو
۹۹- وزارت راه و ترابری
۱۰۰- وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

بسمه تعالی

فوریت

طبقه بندی

آگهی خبر

شماره ۱۵۷

صفحه از

نسخه از

تاریخ

نسخه از

به فراجا

پیوست ۲۲/۱/۱۳۹۱

از

از

گیرندگان نهاجا - نهاجا - نهاجا

از

موضوع

بازگشت

موضوع

نهاجا ۳ (مرکز)

سپاه پاسداران

برای اطلاع و در ساعت ۰۰۰۰ دقیقه با مدارا امروز ۱۳۹۱/۶/۲۲

ناوچه های کشور عراق ، پاسگاه ایران را مورد حمله آتشبارهای

خود قرار داده که هنوز ادا شده دارد و تاکنون خسارت جانی

نداشته ولی خسارت مالی بار آمده است .

ارزهای خبر ، صحت دارد .

ملاحظات

طبقه بندی

فرم شماره ۱۱۹۱

نمیریز

ملکشن

۱۲۰۰/۲

۸۷ ۳۶۸۵۶

۴-۱۲
ب. ل. ۹۲-۹۳ (۲۰)

سید درگزر

۱۵۰۰ روزگار ۲۱ روز ۵۹ مرد
در تمام این سالها که در این شهر زیاده
در تمام این سالها که در این شهر زیاده
در تمام این سالها که در این شهر زیاده
در تمام این سالها که در این شهر زیاده

۲۱۰ / ۱ / ۲ / ۵۰۹
۵۹ / ۳ / ۲۱

۱۵۳
در تمام این سالها که در این شهر زیاده
در تمام این سالها که در این شهر زیاده
در تمام این سالها که در این شهر زیاده
در تمام این سالها که در این شهر زیاده

آنجی
خیلی فوری
فوری
عادی

ارجحیت

تلفنگرام



از فرازه سیاه فرستم شماره
به ستاد فرماندهی مرکز تاریخ ۵۹۶۷۴۰
موضع درگیری بمباران در تاریخ ۵۹۶۷۲۸

در ساعت ۱۲ ظهر روز ۵۹۶۷۲۸ با شلیک آرمی می هفت ارسوی
مبارک و چاسگاه خنای ایران شروع شد و تا ساعت ۱۲ دانه داشت
در این درگیری برادران مایه دار و ارشی با سلاحهای سنگین خمپاره
و ۸۰ میلی و تفنگ ۱۰۶ میلی موضع دشمن را در هم کوبیدند و هم چنین
تا لحاظ سنگین و توب ۱۷۵ میلی و حالت آماده باش قرار گرفت در این
درگیری ۳ نفر (۲ نفر از شهید و یک نفر زنده) شهید شدند و تعداد ۱۰ نفر
زخمی که هم نوزادان شهید و است ملایم از هم آلود در بیمارستان مصدق شهر سبز
مستند) در میان درگیری و بذر فرستم که امتداد مری می باشد کشیده شد
که دشمن با آرمی می ۷ به ترسینال نظامی بذر حمل کردند که باعث یک شهید
دی این ۵ نفر زخمی که حال آنها خوب است و هم اکنون در بیمارستان سبزی
هستند (۳ نفر زخمی و ۲ نفر زنده) در بیمارستان

کوبیده محلی	گیرنده میاریم	از واحد	تاریخ	ساعت
۱۸/۴				



جمهوری اسلامی ایران

استاداری خوزستان

سمت عالی

شماره سریال: ۱۲

گزارشات روز ۱۳۵۹/۶/۳۰

خشیلی متحر مانده

بار

بع

ست

از فرماندهی ناحیه زاهد اوری

شماره ۵۰۹-۰۲-۱۳-۱۱۲/۶۶/۴۰۴/۵۰

برابر اطلاع واسله از گروهان بیستان در ساعت ۰۸۲۵۰ مورخ ۵۹/۶/۳۰ واحد متان مستقر در سوله و دوبرج با نیروهای ارتش مران درگیر شده اند که جنگی مستحکم به استحضار خواهد رسید.

از ناحیه زاهد اوری خوزستان

شماره ۵۰۹-۰۲-۱-۳۲۳

ساعت ۱۸۳۰ گردان تانک سرگرد رامین مامور به فکه قطع تماس نموده بنابراین به مدرسه و اصلاح میدانند این واحد را یار کرده و از سقوط فکه جلوگیری نمایند.

از اداره بندر و مرسر

شماره ۱۳۴۷۵

پس از ۱۳۴۷۱-۵۹/۶/۳۰ چون برابر دستور شماره ۱ سیمار مورخ ۵۹/۶/۳۰ آمان فرزند معاونت امور اداری و سیاسی استانداری خوزستان مقرر گردیده کلیه بدک کشها و واحدها شناور این بندر از تیررس دشمن بدور و احتیاطاً به رودخانه کارون واسکله های نیروی دریایی منتقل شوند. خواهشمند است دستورات لازم در مورد نحوه انجام عملیات صادر فرمائید.

از اداره کل بنادر و کشتیرانی خرمشهر

شماره ۱۳۴۶۹

باتوجه به تجاوزاتی که علیه بدک کشها و مینو و لنگه و در قتل شناور بابت که باعث خسارات فراوان و احتیاطاً باعث فرار شدن آنها گردیده تعدادی زخمی و احتیاطاً تلفات جانی نیز میرود. خواهشمند است در مورد جلوگیری انتقال با عدم انتقال تجهیزات دریایی بندر و مرسر این بند کشها و واحدهای آتش نشان این بندر به بنادر دیگر دایره لازم اعلام فرمائید.

از ستاد مشترک جنوب

شماره ۲۰۱-۰۶-۲-۱۲۲

برابر اطلاع گشتی نوید ۲ ناوچه موشک انداز و ناوچه توپدار در دماوند مستقر شده اند و یک گشتی در مینرنگ بیکل بگل نصته و یک ناوچه در کنار آن و نیز ۳ ناوچه در کنار بویه شماره ۱۰ -



جمهوری اسلامی ایران

استادداری خورشیدستان

خوبی و عمر مانده

همارة

تاریخ

پیوست

٢٤٢

میباشد مراتب است. شایان "معروض میرسد .

از ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران : مرکز فرماندهی

8/1701/29/08/15920, 15921

برابر گزارش نیروی دریایی تیم ضربت دریایی دادستانی انقلاب آبادان در ساعت ۲۰/۵ دقیقه روز ۲۹/۶/۵۹ در مقابل دادسرای انقلاب واقع در بزرگه محلی با ناوچه هراقی در برخورد رتبه‌های فرزند قایق از کپت ضربت دادستانی غرق و سه نفر از برادران پاسدار زخمی و در زیر هتوزاد اصفه دارد. مراعات جهت آگاهی و توسع‌های لازم به نهاد های انقلابی بمنابر حکومتی از درباریم با در زمینه به ثمر رسیدن آرمانهای جمهوری اسلامی منی برهما هنگی عنایات نهاد های انقلابی با نیروهای مسلح درمناظره اعلام میگردد.

به ستاد مشترک عملیات جنوب

شماره ۱۳۴۶۵

[illegible]

ازاداره کل بند روکش تیرانی خرمشهر

شماره ۱۳۴۶۷

با توجه به اینکه ایستگاه راهنمایی نبود و بدک کش اسفهان مستقر در دهانه و نزدیک به ایستگاه
۲ تا و موشک اندازهای تحت فرماندهی و بر بن این واحد ها پیش نهاد
ترک دهانه و مزیت به بند و امام خمینی را دارند .
و اطمینان است در این مورد در به اعلام تا مراتب به اطلاع فرماندهان گشتی نبود و بدک کش
اسفهان برسد .

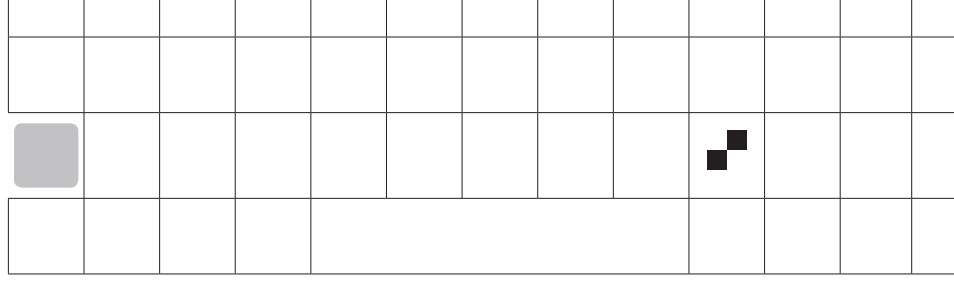
از آهوان

شماره ۹۰ / ۵۰ / ۸۴ / ۳۰۱ / ۳

از ساعت ۱۱۰ مورخ ۵۹/۶/۲۸ ستاد هم آهنگی ژاندارمری در آن توجیه ستاد و نامه به صورت فداال تشکیل و کلمه تلاشها را اعلاماتی و عملیاتی بگذاشت. ژاندارمری مستقر در منطقه اراضی مرکز هدایت و هم اکنون هماهنگ میگردد ضمناً تلفن های این ستاد بشرح زیر به استحضار میروند :

طفه ۳۱۱۸۵ شهرن / ۳۱۳۴۱ داخلی ۲۳۵ و ۲۳۴

۳۲۷۸ لفس شری



جمهوری اسلامی ایران

استاد آری خوزستان

خیلی معتبر مانده

شماره

تاریخ

پوست

ص ۳

از ستاد هماهنگی واند آرمی

شماره ۳/۴۰۱/۸۴/۵۰/۲۴

گزارش گروهان خرمشهر اکست در اثر درگیری ساعت ۱۳۰ روز جاری پاسگاه خیر گروهان دوم -
 واند آرمی امزله پور هاشم و پاسدار کاظم شریفی به درجه شهادت نائل و پاسدار موسوی زاده -
 مجروح و در بیمارستان بستری و در اثر شهادت یکی از درجه داران واند آرمی بنام گروهانیکم حسن
 آفانی یک فرزند ناوچه و کشور عراق را که در حال حمله با آتش سلاح سنگین به پاسگاه خیر بوده و
 متوالیا به پاسگاه مذکور آتش می‌کند است با اسلحه آرمی جی ۷ مورد هدف قرار داد و ناوچه
 به آتش کشیده شده و منهدم گردیده از تلفات جانی پرسنل ناوچه عراقی ادبای محیدی در دست
 نیست.

از ناحیه ۰۷ - خوزستان

شماره ۵۰۹/۰۲/۱/۲۶۶

برابر گزارش گروهان خوزستان گروهان دوم پیاده اصغر و بهی جمع ناحیه استان که جهت تقویت
 به این ناحیه مأمور بود در خط جبهه که هنگام حمل اسلحه ۱۰۶ از ناحیه یاد دار شکستی و در -
 سایت ارتش تحت مداوا قرار گرفته است.

از ناحیه ۰۷

شماره ۵۰۹/۰۲/۱/۲/۲۶۷

مأمورین دو پاسگاه اداری ناوچه آماده دفاع شده و ناوچه متعلق به گارد ساحلی واند آرمی
 بوده که ارتباط وند با گارد ساحلی قطع و احتلال یک نفر مجروح شده است.

از ناحیه واند آرمی خوزستان ۳ عملیات

شماره ۵۰۹/۰۲/۱/۲۸۰

برابر گزارش هنگ آبادان حجت الاسلام وهابی از داد سرای انقلاب اسلامی آبادان اطلاع داده
 غروب روز جاری قایق کشت رزمی فکاد سرای انقلاب در شبه العرب مورد حمله ناوچه عراقی قرار گرفته و مورد
 اسارت آرمی جی ۷ قرار می‌گیرد در نتیجه یک نفر پاسدار و یک نفر درجه دار که احتلال جمع
 گارد ساحلی که مأمور به گروه ضریح داد سرای بوده شهید و چهار نفر دیگر مجروح می‌گردند.

از مرکز پشتیبانی هوایی مستقر در لشکر ۹۲ زرهی اهواز

شماره ۲۰۷-۳۳-۱۰۰

طبق گزارش افسر شهید وادار در ذوق در تاریخ ۵۹/۶/۲۹ هجری قمری تجاوز هوایی که در پیست



جمهوری اسلامی ایران

استاندارد خوزستان

ص ۳

رأدار فرار گرفته باشد انجام نگرفته است.

از شهرداری استان خوزستان

شماره ۵/۲۹۹۱

پرو شماره ۵/۲۹۹۱ - ۱۳۵۹/۶/۳۰ برابر اعلام شهرداری آبادان.

۱- حدود ساعت ۱۲/۳۰ الی ۱۳ روز جاری مورخ ۱۳۵۹/۶/۳۰ بر اثر اصابت دشمن ریزه‌ریزی جزیره مینو یک ناوچه از نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران غرق و ۳ نفر مقتول و ۲ نفر مجروح گردیده است.

۲- حدود ساعت ۱۲/۳۰ - ۵۹/۶/۳۰ بر اثر اصابت گلوله به ۲ تانک از منابع سوختن تانک فارم واقع در بوارده حوزه استحفاظی ژاندارمری دچار حریق که اقدامات لازم جهت اطفای آتش بعمل آمده.

۳- تراندازی‌های پراکنده بین دارفین دینو و رمزی مخصوصاً هنگام عبور کشتیها ادا می‌دارد.

از فرماندهی لشکر ۹۲ زمینی خوزستان - عملیات

شماره ۵/۴۰۱/۶۶/۱۳/۱۲۲

حسب اعلام گروهان ژاندارمری بستان دو ساعت ۲۰۰ ج مورخ ۵۹/۶/۳۱ پاسگاه دو بستان زیر آتش دشمن و پاسگاه اوسیه نیز معرض تگه تیرها و پراکنده است مراتب جهت استحضار و گزارش.

ار لشکر ۹۲ زمینی خوزستان و ۳

شماره ۵۱۰/۱۲۰/۵۷۸

برابر اطلاع رسیده از مکان دوحه - عراق در ریزه‌ریزی مینو و شعله‌ور شدن آتش.

میباشد.

از گرد ساحلی

شماره ۵/۱۲۶/۴۰۱/۷۷/۱۳/۱۳۴

دسته کنترل و گمرک دهانه اروند رود بصورت دو فروند شناور ثابت در اروند رود استقرار دارند کنترل و بازرسی و انجام تشریفات گمرکی معموله شناور عمومی ایرانی بدون پاهلوت را انجام می‌دهند با درگیری در ساعت ۱۸۳۰ تاریخ ۵۹/۶/۲۹ جاری مأمورین گمرک دهانه شناور مینو را رهاسر و شناور دسته کنترل هم بوسیله مأمورین اعزامی از مرکز گارد ساحلی از خنکی زیر آتش مأمورین مورد غارت از هیچگونه پشتیبانی سلاح ستان برخوردار نیست و هر لحظه احتمال حملات بعدی با سلاحهای ستان کشور عراقی و بانقل و مکان دو فروند شناور فون اند کوهسینه مأمور عراقی میباشد.



جمهوری اسلامی ایران

استاداری خوزستان

خیلی محرمانه

شماره

تاریخ

پیوست

ص ۵

مضافاً به اینکه بدک کنس با یک هنوز به حال اشتعال است با توجه به نزدیکی آن با شناور دسته* کنترل بهم سرایت آتش است برای حفاظت و فروبردن شناور و همچنین اطفاء حریق استدعا میشود اوضاع لازم امر به ابلاغ فرمایند.

از ناحیه زاندارمری خوزستان رکن ۲

شماره ۳/۵۰۱/۰۳/۲۱/۱۵

ساعت ۰۴۰۰ با مداد روز ۵۹/۶/۱۸ یک فروند هواپیمای میگ عراقی به خاک ایران تجاوز و پس از مواجه شدن با شلیک نیروهای ایرانی و گشت زنی دوتن و رمزی و آسمان خرمشهر خاک ایران را تسرک و به بصره مراجعت نموده است.

۱۱۶

۱۳۹۱/۵/۱۶
شماره ۹۱
پوست

کشور
()
تلف
م

وزارت امور میهنی
به: نخست‌وزیری (معاونت در امور انقلاب)
موضوع: شهادت‌های

گزارشات واسله از ناحیه خوزستان و مرزهای

است. شب از ساعت ۲۰۰ الی ۲۰۰ روز ۵۸/۹/۱۲ تعدادی هواپیمای عراقی به منظور کشتن و
بر فراز منطقه مرزی از سمت غرب پاسگاه مرز کوشک از خط ۱۰۰، جنوب به از تعداد این
هواپیماها ۲ تا ۴ فروند مشخص شده است.

۲- در تاریخ ۵۸/۹/۱۲ یک دستگاه بولدور در اطراف ۳ دستگاه چادری که در ۲/۵ کیلومتری پاسگاه
(قابل کوشک) برپا گردیده مشغول احداث میانی شده به سگرمیها شد. از طریق ناحیه دستورات عراقی
صادر شده است.

۳- ساعت ۱۸۰۰ روز ۵۸/۹/۱۲ دو فروند کوشک از خاک مرز نزدیکی پاسگاه مرزی میهنی ایران به
حرم میهنی ایران در حدود یک کیلومتر تجاوز در همان هنگام از خاک مرز به سمت افراد گشتی
عراقی شلیک شده است. جهت و نوع شلیک‌ها علت ارتفاع زیاد مشخص نشده است. بهر حال خرمشهر ایران
شد در این مورد بهر حال قابل اعتراض نیست.

۴- تا بحال مرز گشتی روز ۵۸/۹/۱۲ مشاهده شده و در آن در طول زمین پاسگاه ۲۵ کیلومتر کوشک
در داخل خاک عراق ۲ دستگاه چادری با تعداد تقریبی ۲۰ نفر در ساعت ۲۲ کیلومتری
پاسگاه استقرار یافته یک دستگاه نفربر میهنی عراق "یک دستگاه نفربر و تیربار شد. هوایی وجود دارد
و افراد مجهز به سلاح افرادی و سنگین میهنی.

۵- روز ۵۸/۹/۱۲ مقابل پاسگاه خرمشهر عراق که تخلیه شده بود افراد جدیدی در این پاسگاه
مستقر شده اند از طریق ناحیه دستورات عراقی صادر شده است.

فرمانده وانداری
از سوی
وزارت امور خارجه جهت استحضار
وزارت کشور جهت استحضار

3. Iraqi War Mongering Strategy and Geopolitics

Chamran Bouye

Abstract:

Iraq as an artificial country has inherited some major geopolitical bottlenecks such as inaccessibility to the open seas through its southern shores in Persian Gulf. The Iraqi new regime's geopolitical efforts after Saddam fall, too, have exacerbated the border tensions with Iran and Kuwait.

This paper studies that the Iraqi geopolitical bottlenecks such as inaccessibility to the open seas has lead the Iraqi rulers, both in the former Baath regime and in the new Iraqi government, to define their geopolitical strategy based upon land acquisition and development of vital space.



4. The Victory Road in Operation Tariq-ol-Qods

Amir Razzaq Zade

Abstract:

In this paper, we have tried to explain part of the valuable actions of Jihad-e Sazandegi (Construction Jihad) during one of the important battles of the Islamic Republic of Iran against the enemy. The paper has reviewed an extraordinary action done by the people caring forces of Jihad-e Sazandegi with their boldness, courage, creativity and efficiency; action which is considered as one of the important factors in the brilliant victory of the Iranian armed forces against the Iraqi full-militarized forces.



5. Interview with Major General Aziz Jaafari*

Sadiq Shafiei

Asghar Montazer-ol Qaem

Abstract:

Talking with Mohammad Ali Jaafari, then-commander of the operations of Susangerd, Masoud Moghaddam the narrator of the War Research and Studies Center has raised a few questions in September 1981. In response the questions, Jaafari has explained various problems including the enemy attack in Bostan-Susangerd Axis; poor defensive situation to encounter the enemy attack; to ambush the invaders and several operations planned and implemented in this axis; the initiatives of IRGC forces in planning and implementation the operations and the Consequences thereafter, as well as the relations between the IRGC and Army forces and the related developments in the first year of the war.

* This paper was written in 1994 for the first time and now revised and published for the second time.

Abstracts

Essays



1. The Constructive of Limited Operations in Iran-Iraq War

Dr. Hossien Ardestani

Abstract:

Talking with Mohammad Ali Jaafari, then-commander of the operations of Susangerd, Masoud Moghaddam the narrator of the War Research and Studies Center has raised a few questions in September 1981. In response the questions, Jaafari has explained various problems including the enemy attack in Bostan-Susangerd Axis; poor defensive situation to encounter the enemy attack; to ambush the invaders and several operations planned and implemented in this axis; the initiatives of IRGC forces in planning and implementation the operations and the Consequences thereafter, as well as the relations between the IRGC and Army forces and the related developments in the first year of the war.



2. The Iranian Limited Operations Strategy after Operation Ramadan (29 July 1982- 22 November 1982)

Hassan Dorry

Abstract:

Using the especial documents of the Holly Defense Research and Documentation Center, this paper has studied the formation and implementation of the Iranian limited operations strategy. Operation Ramadan was implemented in direction with "punishing the aggressor" strategy, but it failed and the related goals were not achieved. Thus, analyzing the strengths and weaknesses of the friendly and enemy forces to implement the big strategy known as "punishing the aggressor", the high ranking military commanders planned and implemented the operational strategy of "limited operations".

Contents

Articles

The Constructive of Limited Operations in Iran-Iraq War

5

✍ Dr. Hossien Ardestani

The Iranian Limited Operations Strategy after Operation Ramadan (29 July 1982- 22 November 1982)

19

✍ Hassan Dorry

Iraqi War Mongering Strategy and Geopolitics

35

✍ Chamran Bouye

The Victory Road in Operation Tariq-ol-Qods

57

✍ Amir Razzaq Zade

Interview with Major General Aziz Jaafari

79

✍ Sadiq Shafiei
✍ Asghar Montazer-ol Qaem

Interview with IRGC Brigadier General Ahmad Gholampuur (Resistance in Susangerd)

95

✍ Amir Razzaq Zade

Causes of the Iran-Iraq War

117

✍ By: Jack S. Levy and Mike Froelich
✍ Translated by: Yaaqub Neemati Vrojeni

The Education and Holly Defense

133

✍ Morteza Qazi

Book Review & Analysis

✍ Morteza Shahruri

1. Green Breeze of the Memories

147

2. The Eyelashes Burut

148

3. The Commanders of Holy Defenses Martyred Hassan Bagheri

148

Confrence Report On Book "Mehran in The Developments of Iran-Iraq War"

151

Documents and Reports

A Leaf from the Narrators Book

161

✍ Dr. Hossien Ardestani

Documents

165

✍ Hassan Dorry



The Quarterly on Sacred Defence

NEGIN IRAN

Vol.10 □ No.37 □ Summer 2011

Publisher	IIRG's Sacred Deffence Document Center
Executive Manager	Major General Mohammad Ali Jafari
Managing Editor	Dr. Hossein Ardestani
Editorial Board	Dr. Gholam Ali Rashid, Dr. Hossein Alaei, Dr. Mahmood Yazdanfam, Hamid Aslani
Internal Manager	Hassan Dorri
Page Setting	Seid Hadi Khavoshi
Publishing Supervisor	Mohammad Behrozi
Address	77/ Shahid Vahid Dastgerdi (Zafar) Alley, Shariati Alley, Tehran, Iran.
Email	neginiran@gmail.com
Tel	+98 21 - 22909522
Fax	+98 21 - 22909538
Price	15000 R